

## چکیده:

پژوهش حاضر موضوع "نقش استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی در میزان نگرش و کنش های مساعد برای رشد و بالندگی جامعه مدنی" را مورد کنکاش و مطالعه قرار داده و برای تبیین موضوع پژوهش، از نظریات متعدد بویژه نظریه حوزه عمومی یورگن هابرماس، فضای عمومی هانا آرنه و نظریه ملزومات جامعه مدنی از اندرو آراتو و جان کوهن بهره گرفته است. جامعه آماری پژوهش را جوانان 15 تا 29 ساله ساکن شهر اصفهان تشکیل می دهند که از آن میان تعداد 384 نفر براساس فرمول کوکران محاسبه به عنوان جمعیت نمونه تعیین و در بهار سال 1397 مورد مطالعه قرار گرفتند. شیوه نمونه گیری در این تحقیق را شیوه نمونه گیری خوشه ای تشکیل داده و در این رابطه، در شهر اصفهان که دارای 14 منطقه و در هر منطقه تعدادی محله های مسکونی است، به قید قرعه ابتدا منطقه 7 اصفهان انتخاب و سپس از میان 12 محله موجود در این منطقه، به قید قرعه شهرک کاوه برگزیده شد. در شهرک کاوه نیز از میان خیابانهای موجود قرعه کشی و در خیابانهای برگزیده، پرسشگری به شیوه نمونه گیری دردسترس (غیر احتمالی) صورت گرفت.

نتایج بدست آمده حاکی از وجود رابطه منفی و ضعیف بین میزان استفاده از سایتهای اینترنتی با نگرش مساعد به جامعه مدنی بوده است. در این راستا مشاهده شد میان میزان استفاده از سایتهای سرگرمی، و سایتهای خبری با نگرش مساعد به جامعه مدنی یکنوع رابطه معنا دار، منفی و ضعیف وجود دارد. بدین معنا که در جامعه مورد بررسی، استفاده از این سایتهای موجب تضعیف نگرش مثبت به جامعه مدنی شده است. در مورد رابطه همبستگی بین استفاده از شبکه های اجتماعی با نگرش مساعد به جامعه مدنی نیز نتایج مشابهی که حاکی از رابطه منفی و ضعیف است بدست آمد. بدین صورت که استفاده از شبکه های اجتماعی توییت، یوتیوب و فیس بوک با نگرش مساعد به جامعه مدنی یکنوع رابطه معنا دار، ولی منفی و ضعیف نشان داده اند. به عبارتی، استفاده از شبکه های اجتماعی ذکر شده تا اندازه ای نگرش مساعد به جامعه مدنی را در این جامعه مورد مطالعه کاهش داده است. و اما در خصوص رابطه همبستگی بین میزان استفاده از سایتهای شبکه های اجتماعی با کنش و فعالیتهای مساعد در زمینه رشد جامعه مدنی، نتایج بدست آمده - به استثنای سایتهای اطلاع رسانی - فقدان رابطه همبستگی را نشان داده است.

انگیزه استفاده از سایتهای شبکه های اجتماعی نیز بعضاً بر روی نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی اثر گذار بوده و با آن رابطه معنا دار و جدی نشان داده اند. در این رابطه، نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد انگیزه کسانی که از سایت های خبری اینترنتی استفاده می کنند با میزان نگرش مساعد آنان نسبت به جامعه مدنی رابطه معنا داری داشته است و آزمون تعقیبی LSD نشان داد افرادی که از سایتهای خبری اینترنتی برای کسب اطلاع و آگاهی استفاده می کنند نسبت به آنانکه برای ارتباط و تبادل نظر و یا گذران فراغت و سرگرمی استفاده می کنند نگرش مساعدتری به جامعه مدنی دارند. همچنین، انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی اینستاگرام و توییت نیز با نگرش مساعد رابطه معنا دار داشته اند، بدینصورت که آنها که از اینستاگرام برای گذران فراغت و سرگرمی استفاده می کنند، و آنها که از توییت برای ارتباط و تبادل نظر استفاده می کنند نگرش مساعدتری از بقیه نسبت به جامعه مدنی دارند.

در زمینه رابطه میان انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی و کنش و فعالیتهای مساعد برای جامعه مدنی نیز نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد میان انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی با میزان کنش و فعالیت برای جامعه مدنی رابطه معنا داری وجود دارد و آزمون تعقیبی LSD در این زمینه نشان داد کسانی که از شبکه های اجتماعی توییت و یوتیوب با انگیزه آگاهی و اطلاع یافتن از امور استفاده می کنند کنشها و فعالیتهای مساعد بیشتری در زمینه رشد و توسعه جامعه مدنی انجام داده اند.

**واژگان کلیدی:** بالندگی جامعه مدنی، نگرش و کنش مساعد، شبکه های اجتماعی، سایتهای اینترنتی

## فهرست

صفحه

مطالب

### فصل اول: کلیات تحقیق

2	مقدمه.....
2	1-1 بیان مسئله.....
4	2-1 اهمیت و ضرورت تحقیق.....
4	3-1 اهداف تحقیق.....
5	4-1 سوالات تحقیق.....
5	5-1 کاربردها و نتایج تحقیق.....

### فصل دوم: ادبیات تحقیق

7	1-2 تعریف مفاهیم.....
7	2-2 تاریخچه و سابقه موضوع.....
8	3-2.....
9	4-2.....
10	5-2.....

### فصل سوم: روش تحقیق

11	1-3 روش تحقیق.....
76	2-3 جامعه آماری.....
77	3-3 جمعیت نمونه و شیوه نمونه گیری.....
78	4-3 شیوه گردآوری اطلاعات.....
79	4-3 تعریف متغیرهای تحقیق.....
85	5-3 سنجه و ابزار تحقیق.....
86	6-3 روایی و پایایی ابزار تحقیق.....
87	7-3 شیوه تجزیه و تحلیل داده ها.....

## فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

89.....مقدمه

89.....1-4. آمار ویافته های توصیفی(جداول تک متغیره).

117.....2-4. یافته های تحلیلی واستنباطی (تحلیل دو متغیری داده ها و آزمون فرضیات).

## فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

161.....نتیجه وبحث ونظر.

170.....فهرست منابع.

171.....پیوست ها.

# فصل اول:

## کلیات تحقیق

## فصل اول: کلیات

### 1-1. بیان مساله:

همانطور که میدانیم، بواسطه‌ی رشد روزافزون فن‌آوری‌ها و پیامدهای ناشی از آن، تغییر و تحولات دائمی در حیات اجتماعی امروزه دیگر به یک واقعیت انکارناپذیر بدل شده است. اینترنت به‌عنوان یک وسیله‌ی ارتباطی چندرسانه‌ای، در درون خود دنیایی از اطلاعات و ارتباطات را جای‌داده و رسانه‌های متنوعی مثل تلویزیون، وسایل چاپی، تلفن و... را در درون خود ادغام و تبعاشراط خاصی را برای کاربران ایجاد کرده است، به‌نحوی که امروزه اینترنت در هر محیطی و با هر میزان استفاده، می‌تواند بر مخاطبان خود تاثیر ویژه‌ای داشته باشد. اینترنت همچنین به‌مثابه‌ی یک رسانه‌ی دوطرفه عمل کرده و بین پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده مسیر تعامل را هموار می‌سازد.

در عصری که رسانه‌ها احاطه‌ی خود را بر سرتاسر عالم گسترانده‌اند ارتباطات وسیع و گسترده‌ی انسانی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد دنیای امروز، جامعه جدید را چنان از جوامع پیشین متمایز ساخته است که گروهی از صاحب‌نظران عصر نو را عصر ارتباطات و جامعه امروز را جامعه اطلاعاتی خوانده‌اند. تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات ابزارهایی تلقی می‌شوند که از توانایی عظیمی در قالب‌سازی و جهت‌دهی تصورات و اندیشه انسان‌ها برخوردار هستند. چنان که ژودیت لازار در این خصوص چنین تصریح می‌کند: «... رسانه‌ها در فرهنگ جامعه نقش غالب را بازی می‌کنند و این نقش را نه فقط در انعکاس و بازتاب فرهنگ، بلکه با شرکت در فرهنگ‌سازی نیز به اجرا می‌گذارند (طاهریان، 1389: 14)». اینترنت مشخصاً با ظرفیتهایی فوق‌العاده همچون به‌اشتراک‌گذاری دیدگاه‌ها و شبکه‌ای کردن روابط بین کاربران، شرایط نوینی را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی سیاسی و اقتصادی ایجاد کرده است. نباید فراموش نمود که اینترنت در طول چند سال گذشته دچار تغییرات بسیاری شده و امکانات متعددی به آن افزوده شده که هر کدام برای خود ویژگی‌های خاصی را دارا هستند. در این میان، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی از جمله پدیده‌های جدیدی هستند که در اثر ادغام تکنولوژی‌های مختلف ارتباطی در فضای اینترنت شکل گرفته‌اند. در رسانه‌های اجتماعی، مردم برای تبادل و به‌اشتراک‌گذاری محتواها، پروفایل‌ها، نظرات، دیدگاه‌ها، تجربیات و افکار استفاده می‌کنند. و بنظر میرسد که این رسانه‌ها در پیدایش عادات تازه، تغییر باورها، خلق و خوی و رفتارها، تکوین فرهنگ جهانی و نزدیک کردن ملل و جوامع سهمی شگرف داشته‌اند.

هرچند که میزان تاثیر این رسانه ها و نیز استقبال همگانی از آنها در همه ی جوامع یکسان نبوده و تابع متغیر رشد فرهنگی و اجتماعی هر جامعه است. در این راستا، استفاده کنندگان از اینترنت و شبکه های اجتماعی در فرایندی قرار گرفته اند که در آن تبادل ایده ها، اطلاعات و احساسات همواره در حال گسترش است و این فرایند به نوبه خود و مشارکت مدنی و اجتماعی را در همه جا توسعه می بخشد. در این مشارکت مدنی وسیع و گسترده، برای اولین بار در تاریخ حیات انسان، توده های مردم خودشان در تولید، توزیع و تفسیر اخبار، ایده ها و پیامها بطور فعال نقش ایفا میکنند. حتی بعضا تاکید می شود که این مشارکت مدنی وسیع در فضای اینترنت - که نیازمند حفظ و مراقبت نیز هست- به تدریج "حقیقت جویی" رادرتوده های مردم تشویق، سطح اعتماد عمومی رادربین توده های مردم افزایش، و راه رابرای رواج "کنش ارتباطی" و از آن بالاتر، احیاء "حوزه عمومی" انچنانکه مدنظر هابرماس بوده است همواری سازد. شاید عطشی که امروزه در کاربران دنیای مجازی بویژه در وبلاگها، سایتها و شبکه های اجتماعی به تولید، پردازش، و تبادل پیامها و ایده ها دیده می شود نشانه روشنی از یک تلاش جمعی برای رهایی از انحصار تولید قدرتهای مسلط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، دینی و... و به نوبه خود پاسداری از گردش آزاد اطلاعات و ایده هاست، همان آرزویی که تحقق آن تاکنون و در چنین سطحی امکانپذیر نبوده است.

اینترنت به مثابه یک رسانه اجتماعی می تواند در جهت دهی به نگرشها و کنش های اجتماعی افراد نقش داشته باشد بدین معنا که افراد در تعامل با این رسانه منفعلانه عمل نمی کنند و به بازاندیشی و تفسیر پیام ها می پردازند و سپس اقدام به کنش می نمایند و این کنش می تواند منجر به ایجاد ساختارهای اجتماعی تازه از جمله جامعه مدنی گردد. تبعا، این وضعیت میتواند زمزمه های شکل گیری انواع واشکال "جامعه مدنی" رادر داخل جوامع موجود برانگیزد چراکه در نگاه کارشناسان جامعه مدنی همانا به حوزه ای از روابط اجتماعی اطلاق می شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه ای از نهادها موسسات انجمن ها و تشکل های مردم نهاد و خصوصی را در بر می گیرد. (بشیریه ، 329: 1383). و البته جامعه مدنی، بلافاصله پس از تشکیل، پیوندها و اثرگذاریهای خود را در ارتباط با عرصه های عمومی و دولتی آغاز می کند. در واقع جامعه ی مدنی لایه میانی و واسطی است که بین آحاد ملت و نیز حیطة خصوصی (فرد و خانواده) با حیطة عمومی (حکومت و نهادهای دولتی) رابطه ایجاد می کند و خواسته های مردم را به حکومت و محدودیت ها یا اولویت بندیهای حکومت را به مردم منتقل می کند.

واما اینکه استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی تا چه حد میتواند به رشد و تقویت جامعه مدنی بویژه درکشوری مانند ایران کمک نماید موضوعی است که این پژوهش درصدد است تا پاسخی برای آن بیابد. درهمین راستا، پژوهش حاضر به نقش اینترنت و شبکه های اجتماعی در تقویت و بالندگی جامعه مدنی بویژه در شهر اصفهان پرداخته است. اینروزها، شهر اصفهان به یکی از پر جمعیت ترین، جوان ترین و یکی از کلان شهرهای کشور تبدیل شده است، بگونه ای که با وجود شاخص هایی چون تعدد مراکز فرهنگی هنری، مشارکت های مردمی در طرح های عمرانی، مشارکت در امور خیریه، مشارکت های سیاسی، مدنی، اجتماعی، و خود مراکز خیریه، مدارس هیات امنایی و خصوصا دسترسی غالب افراد به اینترنت، پتانسیل ایجاد یک جامعه مدنی در آن دیده می شود و با توجه به این که تقویت جامعه مدنی می تواند به توسعه اجتماعی بیانجامد بررسی شاخص های جامعه مدنی از قبیل: رفتارهای مدنی، نهادهای مدنی و مردم نهاد و مهارت های شهروندی و مشارکت در امور شهری و ... دراین شهر قابل بررسی است. براین اساس و بطورمشخص، مساله ای که در این پژوهش دنبال می شود آن است که چه رابطه ای بین استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی با نگرش مثبت به جامعه مدنی، وکنش مساعد درجهت بالندگی و رشد آن وجود دارد؟ به سخن دیگر، آیا واقعا استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی می تواند هم درنگرشها وهم درکنش مدنی کاربران به عنوان کنشگران اجتماعی، آنهم در مسیر رشد و بالندگی یک جامعه مدنی درایران تاثیر بگذارد؟

## 1-2. اهمیت و ضرورت پژوهش :

ازنقطه نظر جامعه شناختی، شکل گیری پدیده های اجتماعی مستلزم وجود شرایط و زمینه های اجتماعی خاصی هستند و این شرایط یا زمینه ها می توانند عینی و یا ذهنی باشند(پناهی، 1376: 215). زمینه های عینی و ذهنی مساعد می توانند کنش های اجتماعی را رقم زنند. برای شکل گیری جامعه ی مدنی نیز زمینه های عینی و ذهنی لازم است.

درموردعوامل موثربرشکلگیری جامعه مدنی بویژه درایران تحقیقات متعددی صورت گرفته ودرآنها عمدتا عوامل سطح کلان اجتماعی فرهنگی موردکنکاش قرارگرفته اند، اما خلاء نسبی ای که دراین زمینه احساس می شود مربوط به نقش احتمالی اینترنت و شبکه های اجتماعی درشکل دادن به یک جامعه مدنی آنهم با توجه به شرایط

ساختاری جامعه ایرانی است، مساله ای که اهمیت انجام پژوهش پیرامون این موضوع را دوچندان می کند. ازسوی دیگر، درمطالعات انجام شده درایران، محققان داخلی بنا بدلائل متعددی که جای بحث آن دراین نوشتارنیست، بیشتر به بررسی رابطه اینترنت و آسیب هایی مانند اعتیاد اینترنتی، افت تحصیلی، مسایل اخلاقی، انزوای اجتماعی و ... پرداخته اند و پیامدهای مثبت اینترنت و شبکه های اجتماعی بطورکلی سهم کمی را درفضای تحقیقاتی بخوداختصاص میدهد، ازاینروبررسی رابطه استفاده ازاینترنت و مساله تقویت و بالندگی جامعه مدنی میتواندازجمله موضوعاتی باشدکه درجامعه سنتی ایران سزاوارتوجه وتحقیق فراوانی است.

تجهیزوگسترش روزافزون اینترنت و شبکه های اجتماعی توانسته است درون ایران یک جامعه مجازی را پدید آورد و این امربه نوبه خود میتواند در شکل دهی به نگرش ها و کنش های کاربران به عنوان کنشگران اجتماعی سهیم شده، در رشد و بالندگی یک جامعه مدنی نقش ایفانموده، درحل مسایل ومشکلات جامعه مشارکت کند. اما بدون تردید، کم وکیف این مساله نیازمند بررسی وتحقیق است. اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی ضمن تعامل باکاربران، به نگرش و کنش آن ها جهت داده وفرصت ها و تهدیداتی را برای سیاستگذاران داخلی پدید می آورد. همچنین، رابطه ی میان جامعه مجازی با جامعه مدنی درحال شکل گیری، میتواند چالش های بی را درآینده برای نظریه پردازان وبرنامه ریزان اجتماعی فراهم آورد که این خود براهمیت مطالعه موضوع وانجام پژوهش حاضرمی افزاید. این پژوهش در دو سطح رفتاری (کنش) و شناختی(نگرش) قابل بررسی است وتلاش می شود تا نگرش و کنش کنشگران در بالندگی جامعه ی مدنی ارزیابی شود و اینکه چگونه این کنش ها و نگرش ها توسط رسانه ها (اینترنت) شکل می گیرد و به تقویت جامعه ی مدنی می انجامد.

### **1-3. اهداف پژوهش :**

#### **هدف اصلی :**

شناخت رابطه میان الگوی استفاده از اینترنت و نوع نگرش به تقویت ،رشد و بالندگی جامعه مدنی

شناخت رابطه میان الگوی استفاده از اینترنت و میزان کنشهای مدنی مساعد برای رشد و بالندگی جامعه مدنی

#### **اهداف فرعی:**



شناخت میزان نگرش مثبت و مساعد جامعه مورد بررسی در مورد جامعه مدنی در ایران

شناخت میزان کنش مساعد جامعه مورد بررسی در ارتباط با رشد وباندگی جامعه مدنی در ایران

شناسایی رابطه بین متغیرهای زمینه ای ( سن ، جنس ، پایگاه اجتماعی و.. ) و نگرش مساعد به جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین متغیرهای زمینه ای ( سن ، جنس ، پایگاه اجتماعی و.. ) و میزان کنش مساعد برای رشد وباندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت های اینترنتی و نگرش مساعد به رشد و بالندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از سایت های اینترنتی و میزان کنش مساعد برای رشد وباندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی و نگرش مساعد به رشد و بالندگی جامعه مدنی

شناسایی رابطه بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی و میزان کنش مساعد برای رشد وباندگی جامعه مدنی

#### 1-4. سوالات پژوهش:

سوال کلی:

چه رابطه ای بین استفاده از اینترنت و نگرش مساعد به جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه ای بین استفاده از اینترنت و کنشهای مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

سوالات فرعی :

میزان نگرش مساعد نسبت به رشد وباندگی جامعه مدنی در جامعه مورد مطالعه چگونه است؟

میزان کنشهای مدنی موثر در رشد وباندگی جامعه مدنی در جامعه مورد مطالعه چگونه است؟

چه رابطه ای بین متغیرهای زمینه ای ( سن ، جنس ، پایگاه و... ) و نگرش به جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه ای بین متغیرهای زمینه ای میزان کنشهای موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه ای بین میزان وانگیزه استفاده از سایت های اینترنتی و نگرش مساعد به جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه ای بین میزان وانگیزه استفاده از سایت های اینترنتی و میزان کنشهای مدنی موثر در بالندگی

جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه ای بین میزان وانگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی و نگرش مساعد به جامعه مدنی وجود دارد؟

چه رابطه ای بین میزان وانگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی و میزان کنشهای مدنی موثر در بالندگی جامعه مدنی وجود دارد؟

### 1-5. کاربرد نتایج پژوهش :

نتایج این تحقیق ضمن توسعه دانش نظری در زمینه پیامدهای استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی می تواند توسط محققان و دانشجویان مورد استفاده قرار گرفته و برای برنامه ریزی ها و تصمیمات حداقل در موسسات و سازمان های اجتماعی زیر مد نظر قرار گیرد:

1 - سازمان و وزارت آموزش و پرورش

2 - سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی

3 - سازمان صدا و سیما

4 - سازمان ملی جوانان

5 - استانداری اصفهان

6 - شهرداری اصفهان

**فصل دوم:**

**ادبیات تحقیق**

## فصل دوم

مقدمه:

فصل دوم پژوهش اختصاص به ادبیات تحقیق دارد. در این بخش ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی تحقیق، انواع و ابعاد مختلف این مفاهیم، تاریخچه و سابقه بررسی پدیده مورد نظر، وضعیت کنونی آن، و در ادامه به تئوری‌های مرتبط با موضوع، پیشینه تحقیق و نهایتاً چهارچوب نظری پرداخته شده است.

### 2-1. تعریف مفاهیم:

در این قسمت به تعریف مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته و تعاریف مفاهیمی چون: رسانه، نگرش، کنش، جامعه مدنی، اینترنت شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های مجازی، آورده شده است.

رسانه:

رسانه یا مدیا در لغت به معنای رساندن است و به آن دسته از وسایلی گفته می‌شود که ترویج گر فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد. رسانه محصول تمدن‌های جدید است و شامل وسایلی مانند روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره و... می‌گردد (دی بلور، 1387: 27). در تعریفی دیگر، رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارتی، رسانه وسیله‌ی حامل پیام از فرستنده به گیرنده است (مرادی؛ 1387: 27). کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون، وبسایت، کاتالوگ، ماهواره و ... نمونه‌هایی از رسانه هستند. رسانه وسیله‌ای است قدرتمند و اثرگذار که محدودیت چندانی جهت ساختار بندی و ارائه محتوا در آن وجود ندارد. رسانه‌های امروز به نوبه خود غول‌های اقتصادی دنیا هستند و در حوزه‌های مختلف سیاست، اقتصادی و غیره نقش تعیین کننده‌ای دارند.

جامعه مدنی:

جامعه مدنی، مفهومی انتزاعی و مناقشه پذیر است که تعاریف زیادی از آن ارائه شده و دارای تعریف واحدی نیست. حتی در مورد تاریخ پیدایش آن در کشورهای غربی اقوال متفاوتی وجود دارد. برخی نویسندگان ظهور جامعه مدنی را از زمان افلاطون و ارسطو مورد بررسی قرار داده‌اند عده‌ای پیدایش آن را از زمان سیسرون<sup>1</sup> می‌دانند و گروهی دیگر از قرون وسطی و دوران فئودالیت و بعضاً عصر روشنگری می‌دانند. علی‌اصغر کاظمی بر این عقیده است که: اگر

---

<sup>1</sup> Sicron

بخواهیم ریشه‌ها و مبانی جامعه مدنی را دنبال کنیم به دوره یونان قبل از میلاد و مبانی حقوقی آن در دوره روم می‌رسیم، که به یک تعبیر جامعه مدنی غرب از ترکیب این دو مبانی تشکیل گردیده است. (کاظمی، 1376: 90)

لازم به ذکر است که مفاهیم دموکراسی و جامعه مدنی، یک نوع مفاهیم غربی است و ریشه در تجربیات و تحولات منطقه خاصی به نام اروپا و شمال آمریکا داشته است. بنابراین اگر عده‌ای به اصالت و اهمیت آن‌ها اشاره می‌کنند و همانند دیگر محصولات غربی از جامعه مدنی و دموکراسی استفاده می‌کنند، ابتدا باید پذیرفت که این مفاهیم هرچند انسانی هستند ولی برای منطقه خاورمیانه وارداتی محسوب می‌شوند. کوتاه‌سخن آن‌که، جدا نمودن مفهوم جامعه مدنی از منشأ آن‌که فرهنگ و تاریخ غرب باشد نه ممکن است و نه لزوماً خواستنی. فرهنگ‌های غیر غربی نه تنها باید امکان همبستگی فرهنگ‌های غرب و شرق را در حوزه جامعه مدنی را در نظر ندیده نگیرند بلکه باید با در نظر گرفتن عناصر مشترک دو فرهنگ وارد بسط جامعه مدنی شوند و حضور فرهنگی خود را تثبیت کنند (مردانی، 1384: 89-108). مفهوم جامعه مدنی اگرچه از جهت منشأ، طرح و بروز تاریخی دارای یک مبدأ واحد نمی‌باشد، اما این موارد به شدت به یکدیگر پیوند خورده‌اند. جامعه از روابط مؤثر و فعال، سازمان‌یافته و متقابل افراد و گروه‌های اجتماعی پدید می‌آید و مدنیت از استقرار نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که در ضمن از ویژگی پایداری، پاسخ به نیازها علایق و آینده‌نگری برخوردارند. مفهوم جامعه مدنی محل تلاقی دو مفهوم جامعه و مدنیت است. به این ترتیب، در این تعبیر هم زندگی سامانمند اجتماعی و هم جهت و شیوه‌های حاکم بر آن نهفته است (افضلی، 1380: 335). اساساً، جامعه مدنی ترجمه واژه سیویل سوسایتی<sup>2</sup> است که مانند بسیاری از مفاهیم پیچیده دارای تعریف‌های بسیاری است و در این قسمت به تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

جامعه مدنی جامعه‌ای است متشکل از گروه‌های ارادی، داوطلبانه، مستقل و خودگردان که باهدف پیشبرد منفعت‌ها و علاقه‌ها و سلیقه‌های افراد تشکیل می‌شوند. جامعه مدنی حوزه‌ای از نهادهای مستقل تحت حمایت قانون است که در آن افراد و اجتماعات از ارزش‌ها و اعتقادات متنوعی برخوردار و گروه‌های خودگردان در همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر به سر می‌برند و به صورت نهادهای واسطه و داوطلبانه میان دولت و افراد عمل می‌کنند. (غنی زاده، 1378: 5). همچنین، جامعه مدنی به‌طور کلی مجموعه‌ای از ساختارها و سازه‌ها، قوانین و راهبردهای مدون است که بر مبنای اهدافی مغایر با بینش‌های سنتی، خرافی و بسته شکل گرفته است. در این جامعه انسان گر چه موجودی ممتاز از کل هستی است، اما در ارتباط با دیگر اجزای جامعه تعریف می‌شود. انسان جامعه مدنی مسئولیت‌پذیر، صاحب‌نظر و پاسخگوی عمل و آگاه و آزاد است و این امور از اراده و اختیار او نشأت می‌گیرد (پیر بوردیو، 1378: 332). اصطلاح جامعه مدنی معمولاً در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و

مدنی را در برمی‌گیرد (همان، 1378). علاوه بر آنچه گفته شد جامعه مدنی عبارت است از: ساختی از زندگی اجتماعی افراد که توسط قانون حفاظت می‌شود و در آن هر کس می‌تواند، فارغ از هر گونه ترس و بیمی اراده آزاد و قدرت تشخیص فردی خود را در چارچوب قانون، ملاک تصمیم‌گیری‌ها و داوری‌های خود قرار دهد. باید تأکید کرد که تحقق این تعریف از جامعه مدنی یا هر تعریف دیگری نظیر آن در درجه یکم مستلزم این است که فرد واقعاً دارای حقوق مالکیت فردی باشد، پس از نیل به استقلال اقتصادی و اطمینان از آن است که فرد می‌تواند بدون این که بیمی به دل راه دهد در بحث عمومی و زندگی سیاسی مشارکت نماید. آزادی بیان، آزادی احزاب سیاسی و تشکل‌های اجتماعی زمانی می‌تواند محل واقعی داشته باشد که شرط یک آزادی از قبل فراهم آید. البته استقلال اقتصادی فرد به معنای بی‌نیازی وی از دیگران نیست بلکه به معنای داشتن انتخاب‌های بدیل می‌باشد. در واقع جامعه مدنی آن حوزه یا فضای اجتماعی است که در آن افراد و گروه‌های غیرسیاسی با یکدیگر وارد کنش متقابل می‌شوند و زندگی خود را سامان می‌دهند. از اینرو، جامعه مدنی آن نوعی از جامعه است که می‌تواند خود را سازمان دهد، بی آن که نیاز به ساماندهی دولت باشد. جامعه مدنی جامعه‌ای است که در آن مردم و شهروندان جدا از اراده دولت و نهادها و دستگاه‌های سیاسی قدرت حاکم به نوعی قادر باشند تا در مقابل دولت از خود دفاع کنند، مانع از مداخله‌های تمامیت خواهان دستگاه سیاسی حاکم در زندگی خود بشوند، با دولت قدرت مناظره و چانه زدن داشته باشند و به طور یک طرفه مقهور و تسلیم اراده و عمل دولت نباشند. به این مفهوم، جامعه مدنی به نوعی از سازمان‌دهی سیاسی، اجتماعی جامعه معطوف می‌شود و حد واسطی میان فرد و دولت و میان خانواده و دولت است. فرد وقتی از محیط خانواده بیرون می‌آید، بلافاصله در حوزه اقتدار دولت و اقتدار سیاسی قرار نمی‌گیرد بلکه وارد یک بستر عمومی می‌شود که محیط فعل و انفعالات اجتماعی انسان‌ها آنهم خارج از تصرف و اقتدار دولت است. در این حوزه عمومی و همگانی، از یک طرف انسان‌ها از این امکان برخوردارند که خود را سازمان‌دهی نمایند، بر سرنوشت خودشان اثر بگذارند و روابطشان را در یک میدان تعاملی قانونمند و سازمان‌یافته قرار دهند و از طرف دیگر با دولت نیز در رابطه‌ای دوسویه و تعاملی قرار بگیرند و ضمن این که از دولت اثر می‌پذیرند بر دولت نیز اثرگذارند. به این ترتیب، حوزه اقتدار دولت محدود می‌شود و شهروندان نیز تمام اراده خود را یکجا و در یک نوبت به دستگاه دولت منتقل نمی‌کنند. آن‌ها اقتدار و اراده خود را تا حدی حفظ می‌کنند و هرگاه که لازم دانستند، آن را برای تنظیم روابط میان گروه‌ها و نهادهای گوناگون درون جامعه مدنی و یا ایجاد تعادل میان نهادهای سیاسی حاکم و دستگاه اقتدارگرا نه دولت به کار می‌گیرند. (آرمین، 1378: 29-31) جامعه مدنی جامعه‌ای است مبتنی بر گفتگو و برای گفتگو حداقل به دو عنصر قاعده و ابزار گفتگو نیاز هست. بنابراین جامعه مدنی را می‌توان در دو مفهوم قانون و قرارداد تلقی نمود. مفهوم یک قانون است بی آن که جامعه مدنی جامعه‌ای قانونمند و قانون‌مدار تلقی می‌شود. زمانی که جامعه مدنی را با قانون مترادف بدانیم با دو مفهوم قرارداد اجتماعی که نوعی میثاق انسانی در جهت حفظ حقوق افراد و مفهوم حاکمیت ملی که به گونه‌ای توزیع‌کننده قدرت میان اعضای قرارداد اجتماعی هست مواجه هستیم. اما مفهوم واسطه‌ای نیز هست به این معنا که جامعه مدنی فضای

میان اقتدار دولتی و مردم است و به نوعی یک عنصر ارتباطی است. به عبارتی، جامعه از سه بخش تشکیل شده است. یک بخش از آن دولت یا حیطة دولتی است. بخش دیگر افراد و شهروندان می‌باشند که حیطة خصوصی است. در این میان جامعه مدنی حدفاصل میان این دو و رابط آنان است که حیطة عمومی را تشکیل می‌دهد. در این مفهوم جامعه مدنی شامل: مجموعه نهادها، بخش‌ها، شوراها، اتحادیه‌ها و ... است که هر یک با داشتن کارکردی خاص حالت نظام آور به اجتماع داده و گردش کلی تعاملات آن را موجب می‌شوند (غنی زاده، 1378: 331). به گفته‌ی گرامشی جامعه‌ی مدنی سنگرهای ملت است و دولت برای فتح یک جامعه می‌باید ابتدا آن را فتح نماید جامعه مدنی حدفاصل و وسیله‌ی تعامل میان دولت و مردم است و قدرت دولت و قدرت ملت را به طور هم‌زمان افزایش می‌دهد (بای، 1390: 130). در معنای حداقلی خود، جامعه مدنی درجایی وجود دارد که انجمن‌های آزاد تحت قیومت و قدرت دولت نیستند. در معنای دوم جامعه مدنی درجایی وجود دارد که جامعه به‌طور کلی بتواند از طریق چنین انجمن‌های آزادی به خودش شکل دهد و افعالش را هماهنگ سازد. در معنای سوم می‌توانیم از جامعه مدنی در هرجایی که انجمن‌های مدنی می‌توانند به نحو معنادار و با اهمیتی جریان سیاست و دولت را تعیین یا آن را منحرف کنند سخن بگوییم (تیلر، 1377: 150). به عقیده‌ی بشیریه، اصطلاح جامعه‌ی مدنی در علوم اجتماعی به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها مؤسسات انجمن‌ها و تشکل‌های سری و خصوصی را در برمی‌گیرد. (بشیریه، 329: 1383). جامعه‌ی مدنی را از یک نظر می‌توان به معنای ایجاد دموکراسی و آزادسازی دانست ولی جامعه مدنی معنایی به مراتب جامع‌تر و عمیق‌تر از دموکراسی دارد. دموکراسی می‌تواند به یک‌رشته اقدامات دولتی صرف تبدیل شود کما اینکه اغلب نیز چنین شده است؛ اما مفهوم جامعه‌ی مدنی با مجموعه‌ای گسترده از مفروضات، ارزش‌ها و نهادها مثل حقوق سیاسی و اجتماعی و مدنی، حاکمیت قانون، نهادهای نمایندگی حوزه‌ی عمومی، و مهم‌تر از همه انجمن‌ها و تشکل‌های گوناگون (مردم‌نهاد) همراه است که به سهم خود لوازم اجتناب‌ناپذیر دموکراسی را نیز تشکیل می‌دهند (شفیعی، 1378: 24). واژه‌ی جامعه مدنی در کاربردهای امروزی خود نیز معانی مختلفی دارد. گاهی شامل خانواده، و محیط خصوصی در نظر گرفته می‌شود و به عنوان بخشی از جامعه که مجزا از دولت است به شمار می‌رود (فرهنگ لغات جامعه مدنی، 2000). لغت‌نامه قرن 21 جامعه مدنی را به‌عنوان: مجموع سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی که حقوق و تمایلات شهروندان را آشکار می‌کند و نیز اشخاص و سازمان‌هایی که مستقل از دولت هستند تعریف می‌کند. (فرهنگ لغات جامعه‌شناسی، 2012: 156). گاهی این واژه در مفاهیم عمومی‌تر به معنای عناصری چون آزادی بیان، قوه قضاییه مستقل و ... که جامعه دموکراتیک (مردم‌سالار) را تشکیل می‌دهد به کار می‌رود (دیکشنری انگلیسی اولین، 2012). داوطلبانه بودن، اغلب به عنوان ویژگی مشخص سازمان‌هایی که جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند در نظر گرفته می‌شود که عمدتاً این‌جی او (NGO)<sup>3</sup> «سازمان‌های مردم‌نهاد» یا این پی او<sup>4</sup> (NPO)

<sup>3</sup> NGO

<sup>4</sup> NPO

«سازمان‌های غیرانتفاعی» نامیده می‌شوند. مفهوم جامعه مدنی به عرصه‌ی مشارکت عمومی در سازمان‌های داوطلبانه، اتحادیه‌های تجاری و نظیر آن اشاره دارد (فرهنگ آکسفورد، 1994). اما لازم نیست که افراد در همه‌ی بخش‌ها عضویت داشته باشند تا بخشی از جامعه مدنی باشند... در همین راستا تقویت و بالندگی جامعه‌ی مدنی به معنای رشد و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی است. این مفهوم توسعه‌ی نهادهای مدنی مردم‌نهاد، رفتارهای مدنی، مهارت‌های شهروندی و آگاهی‌های مدنی و مشارکت‌های اجتماعی و مدنی را در برمی‌گیرد (هومان، 1396 : 5-4). جامعه مدنی جامعه سازمان‌یافته و منظمی است که به گفته هگل بر اساس نظام وابستگی متقابل بنا می‌شود و با ایجاد آن جامعه از حالت پاشیدگی و تفرقه درمی‌آید، میان اجزای آن پیوندهای متقابل برقرار می‌شود و در آن رابطه‌ی اجتماعی شهروندان و دولت تنظیم می‌شود. چنین جامعه‌ای، به‌جای شایعه دارای افکار عمومی می‌شود. سیاست وارد یک عرصه عمومی کم‌رمز و راز می‌گردد و اراده عمومی معیار مشروعیت قدرت قرار می‌گیرد، اخلاق مدنی بنیاد رابطه میان فرد و جامعه را پی می‌ریزد و مفهوم مسئولیت مدنی مطرح می‌شود. یک جامعه مدنی شامل مجموعه‌ای از نهادهای پایدار است که باعث تبلور یافتن ویژگی‌های فوق می‌شوند (محمدی، 1378: 226) جامعه مدنی باوجود بازیگران مقتدر یعنی کسانی که می‌توانند پیشنهادهایشان را به دیگران بقبولانند، محقق می‌گردد. اقتدار سیاسی نیز در این جامعه از طریق تفویض موقت و محدود اختیار جهت تصمیم‌گیری در محدوده‌های معین و تصریح‌شده بر اساس سنت‌هایی خاص تعریف می‌شود. از اینرو، مفهوم اقتدار سیاسی در جامعه مدنی را با ویژگی‌های زیر می‌توان توضیح داد:

الف) در جامعه مدنی کار سیاستمداران و دولت تصمیم‌گیری در باب مسائل مشخصی است که قانون بدان‌ها تصریح کرده است. به همین دلیل محدوده تصمیم‌گیری آنان گسترده نیست. همچنین توجه عموم به این نکته منعطف است که راجع به چیزی باید تصمیم‌گیری شود و نه این‌که چه کسی باید تصمیم بگیرد.

ب) در جامعه مدنی حاکمیت بلا عزل به کسی تفویض نمی‌شود. هرگونه اقتدار موقت است و دست‌به‌دست می‌شود و رویه‌ها و سنت‌ها نحوه دست‌به‌دست شدن را مشخص می‌کنند (همان، 227).

ج) اقتدار قانونی- عقلانی در جامعه مدنی هم مانند اقتدار سنتی در جامعه سنتی یا توده وار مبتنی بر وجود یک سنت است. این سنت که ضرورتاً تصریح‌شده نیست زمینه و بستر اقتدار است. این سنت در اساس عبارت است از توافقی عام و کلی در مورد راه و روش (همان، 227). د) مشروعیت اقتدار در جامعه مدنی از مقدس یا اسطوره‌ای بودن آن ناشی نمی‌شود. در جامعه مدنی باور به دارای رمز و راز بودن و غیر این جهانی بودن قدرت و نیز منشأ گرفتن عامل اقتدار از یک منبع غیرزمینی رواج عمومی ندارد. اقتدار ضرورتی است که در حد کارکرد باید آن را برگزیده و تحت نظارت عمومی و قانونی قرار دارد. ه) چارچوب‌های تصمیم‌گیری در جامعه مدنی الگوهای قواعد هنجاری هستند که مشروعیت اقتدار نیز از باور به قانونی بودن آن الگوها حاصل می‌شود. در این شرایط کسانی که بنابر آن قواعد برای صدور فرمان‌ها و تصمیم‌گیری به مقام اقتدار ارتقا یافته‌اند ذی‌حق و دارای حق تصمیم‌گیری به



شمار می‌آیند. بعلاوه، در جامعه مدنی ورود به حیطة سیاست حق همه شهروندان است و هیچ تفاوتی از این نظر میان شهروندان نیست (همان، 228). بدین ترتیب، جامعه مدنی یک پدیده اجتماعی است و زمانی شرایط مناسب ظهور پیدا می‌کند که از یک طرف یک دولت بزرگ و پیچیده و جدا از افراد جامعه وجود داشته باشد و از طرف دیگر جامعه در اثر تقسیم کار اجتماعی زیاد قشربندی پیچیده‌ای یافته باشد و در نتیجه پیوند دولت و جامعه بدون وجود یکسری سازمان‌های واسط و نماینده اقشار گوناگون عملاً غیرممکن شده باشد. البته استقلال این سازمان‌ها از دولت به معنای آزادی عمل آن‌ها نیست بلکه بدین معناست که بر مبنای قوانین حاکم در جامعه و حاکم بر چگونگی عملکرد آن‌ها این سازمان‌ها تشکیل می‌شوند در حیطة مشخص خود بر مبنای صلاحدید اعضای خود تصمیم می‌گیرند و در جهت تحقق اهداف خود وارد عمل اجتماعی یا سیاسی می‌شوند. چنین سازمان‌هایی نه تنها از افراط و تفریط اعضای خود در رابطه با خواست‌های نا متعادل آنان جلوگیری می‌کنند، بلکه مانع انحصار قدرت در دست یک قشر یا گروه خاص شده و از خودکامگی و خودمحموری‌ها جلوگیری می‌کنند و رقابت‌های سالم و قانونمند را در جامعه جانشین رقابت‌ها و رفتارهای سیاسی و صنفی ناسالم می‌نمایند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که وجود یک ساختار اجتماعی تفکیک‌شده و قشربندی پیچیده اجتماعی و شکل‌گیری دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی پیچیده با وظایف متعدد خواهند توانست شرایط لازم ساختاری را برای شکل‌گیری جامعه مدنی فراهم نمایند (معرفت، 1378: 20).

## شاخص‌ها و ابعاد جامعه مدنی:

### 1- تکثرگرایی بنیادی:

در جامعه مدنی نهادها به‌طور طبیعی و خودجوش و با توجه به نیازهای ساختاری در بستر تحولات اقتصادی سیاسی و فرهنگی ظهور پیدا می‌کنند؛ بنابراین نهادهایی چون احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی و شوراهای محلی برای تبیین خواست‌ها و تقاضای گوناگون به وجود می‌آیند تا در فرایند تبدیل این خواست‌ها به سیاست حاکم مؤثر باشند. لذا برای تحقق یک جامعه مدنی اصیل نهادهای یادشده از سطوح پایین جامعه پا به عرصه وجود می‌گذارند و تنوع آن‌ها نمودی از نیازهای واقعی گروه‌بندی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. این‌گونه نهادها از یک‌سو به مردم و از سوی دیگر به سیاست عمومی پیوند دارند و کانال‌های رابط دولت و ملت را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در عین حال که محدوده‌های حرکت اعضای خود را مشخص می‌سازند از طرف دیگر قدرت سیاسی حاکم را مهار می‌کنند و با این طرز عمل دوجانبه یک نوع موازنه منطقی در سیاست و توزیع قدرت ایجاد می‌نمایند. بدین ترتیب هر نوع کوششی برای از بین بردن کانال‌های یادشده مانع از تکوین جامعه مدنی شده و به‌مرور به اقتدار بخشیدن بیشتر به قدرت حاکم خواهد انجامید. البته باید توجه داشت که تنوع ساختاری برای تحقق جامعه مدنی یک شرط لازم است نه کافی، زیرا امکان دارد نظامی به‌ظاهر از تنوع ساختاری برخوردار باشد یعنی دارای نهاد‌هایی چون حزب اتحادیه سندیکا و شورای محلی باشد ولی در عمل استقلال نداشته باشد. در

چنین وضعی نهاد های مزبور که به صورت ساختگی و از بالا به وجود آمده اند در عمل زائده ها و شاخه هایی از دستگاه قدرت حاکم به شمار رفته و همچون بازوی قوه اجرایی و مجری سیاست های حکومتی به شمار می روند (همان، 25).

## 2- حاکمیت روح تسالم و تسامح:

تسالم و تسامح دو مفهوم متغایر و درعین حال لازمه ی هم می باشند . تسالم به معنای حسن تفاهم است به صورتی که افراد و گروه ها و تمامی نهادها و بنیادهای اجتماعی با شناخت کامل یکدیگر یک نوع روح تسالم و امکان همزیستی و هم کاری مشترک در پیشبرد اهداف اصلی جامعه به وجود آورند و جو حاکم میان آن ها، جو تفاهم باشد نه تنافر (همان ، 35).

## 3- حاکمیت قانون:

در جامعه مدنی ضروری است که حاکمیت مطلق قانون در سرتاسر جامعه تحقق عینی داشته باشد و همه مراجع رسمی، قدرت خود را تنها از قانون دریافت دارند یعنی خود تابع و خاضع قانون باشند. در چنین جامعه ای هیچ نهادی و هیچ مرجعی اعم از دولتی یا غیردولتی دارای مقامی فراتر از قانون نمی باشد. در جامعه مدنی قوانین مدون وضع می گردد و در مقام اجرا همان قوانین بدون هیچ گونه تفسیر انحرافی باید رعایت گردد و تنها ضوابط حاکم است نه روابط. تمامی افراد ملت و گروه ها و اصناف و طبقات مختلف مردم در برابر قانون یکسان اند و هیچ گونه مصونیت قانونی برای هیچ مقام یا صنف یا طبقه ای مشروعیت ندارد. قانون بر همه یکسان جاری می گردد؛ و راه گریز از قانون هرگز وجود ندارد (همان).

از سوی دیگر هر جامعه ای برای ایجاد نظم نیازمند قانون است زیرا قانون لازمه حیات اجتماعی است؛ و افراد در حیطه قانون به یکدیگر پیوند می خورند. جامعه مدنی نیز از این قانون مستثنی نیست و بارزترین مشخصه آن حاکمیت قانون است و قانون با مشخص نمودن وظایف حکومت و تکالیف افراد نسبت به دولت از نا آرمی های سطح جامعه جلوگیری می کند و همچنین هنجارها و اصول و ارزش هایی را به شهروندان القا می کند. قوانین جامعه بر اساس اراده عمومی اکثریت تعریف شده است و برای همه افراد جامعه یکسان اجرا می شود. راسل در کتاب (قدرت) می نویسد: مهم ترین وجه تمایز جامعه مدنی و قانونمند در اطاعت نسبتاً مطلق افراد این جامعه از قوانین اساسی است (فیروزی، 1376: 644). کارل گوستاو یونگ<sup>5</sup> معتقد است هر جامعه مدنی قانون مدار است اما هر جامعه قانون مدار جامعه مدنی نیست چون یک جامعه قانونمند میتواند بسته و یا سخت گیر باشد. نظام های مختلف حقوق اساسی اعم از مسلک های بشری و ضد دین مثل کمونیسم چه متکی بر اعتقادات دینی و کلیسا مثل جمهوری مقدس رم ممکن است به مفهوم حقوقی یک جامعه قانون مدار باشند اما جامعه مدنی نیستند. مقصود از جامعه

<sup>5</sup> Carl Gustav Jung

مدنی جامعه‌ای است که نه تنها قانون‌مدار است بلکه آن قوانین بر اساس توافق جمعی و رضایت عمومی به صورت یک قرارداد اجتماعی مورد تأیید و قبول متقابل افراد جامعه باشد (آرمین، 1376: 451).

#### 4- دموکراسی:

از دیدگاه رابرت دال هنگامی می‌توان از دموکراسی سخن به میان آورد که شرایط زیر موجود باشد:

هریک از شهروندان مطمئن باشند که داوری و رأی او در تصمیم‌گیری‌های مهم جمعی و در روی کار آمدن یا کنار رفتن حکومت‌ها یا تأثیر بر خط مشی آن‌ها از همان ارزش و اعتباری را برخوردار است که داوری و رأی شهروندان دیگر. شهروندان از امکان مشارکت مؤثر در فراگرد سیاسی و طبعاً فرصت‌های کافی و مساوی با یکدیگر بهره‌مند باشند تا پس از تأمل و سنجش هر نهاد ارجحیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را تعیین و دنبال کنند و بتوانند سبب ترجیح یک هدف یا خط‌مشی را بر هدف یا خط‌مشی دیگر درک نمایند.

شهروندان از فرصت و مجال کافی و مساوی با یکدیگر برخوردار باشند تا به تأمل آگاهانه امور بپردازند و دریابند چه رهیافت‌ها، گزینش‌ها و تصمیم‌هایی مصالح آن‌ها را تأمین می‌کند.

این اصل پذیرفته شده باشد که شهروند خود حق و صلاحیت تعیین و تشخیص مصلحت خویش را دارد و تعیین اینکه چه مسائلی باید در دستور کار حکومت‌ها قرار داشته باشد و چه هدف‌ها و سیاست‌هایی را دنبال کنند نیز در حوزه اقتدار شهروندان است و سرانجام این‌که همه اشخاص بالغ حق دارند از امتیازات شهروندی بهره‌مند شوند (عظیمی، 1370: 9).

دموکراسی در جامعه مدنی جز با مشارکت مؤثر افراد در سطوح مختلف امور اجتماعی و حاکمیت آنان محقق نخواهد شد؛ به عبارت دیگر جامعه مدنی: امکان کنار گذاشتن حکومت‌های نالایق و بی‌کفایت را از طریق انتخابات فراهم می‌کند و افراد را در تعیین سرنوشت خود سهیم می‌کند. حضور در انتخابات و نفی و تأیید حکومتی خاص جزء کوچکی از حق تعیین سرنوشت را استیفا می‌کند و بخش عمده آن وابسته به چگونگی مشارکت خود افراد در مراحل مختلف برنامه‌ریزی سیاست‌گذاری تصمیم‌گیری و اجراست (محمدی، 1376: 116).

#### 5- نقش محدود حکومت:

در جامعه مدنی به دلیل رشد نهادهای مدنی از نقش وظایف دولت تا حدودی کاسته می‌شود. کاهش حیطه وظایف به منزله رها کردن دولت نیست. در چارچوب رشد جامعه مدنی دولت مناظر بی‌طرفی است که شاهد کشمکش و سازش و مصالحه میان گروه‌های مختلف است. مسئله بی‌طرفی دولت به‌طور عمده به وجود حکومت محدود و ایجاد تمایز میان زندگی خصوصی و عمومی در چارچوب یک نوع کثرت‌گرایی بستگی دارد. برای رشد جامعه مدنی دولت باید به صورت یک ناظر بی‌طرف اجازه دهد تا شیوه‌های مختلف زندگی با یکدیگر همزیستی داشته و

درعین حال باعث حفظ استقلال شخصی شوند. البته استقلال شخصی باید بر اساس کثرت‌گرایی اخلاقی توضیح داده شود (قوم، 1376: 52).

در جامعه مدنی دولت در قلمرو مشخص و معلوم خود از کارایی و تأثیر فراوان برخوردار است. و این اقتدار دولت مستلزم پراکندگی، گسستگی و زبونی جامعه نیست، بلکه ناشی از استواری نهادهای جامعه مدنی و استواری نهادی شدن حقوق شهروندان است. در این وضعیت پشتوانه تجلی اقتدار دولت سرکوب مردم نیست. بلکه اعتقادی است که شهروندان به پایبندی اصولی نسبت به آن و به ارزش‌های دموکراتیک دارند؛ به عبارت دیگر همچنانکه هگل می‌گوید: دولت وظیفه‌اش حل تضادهای درونی جامعه مدنی است و دولت جایگاه آشتی‌پذیری پیکارهای اجتماعی است و می‌باید از منافع خصوصی افراد دفاع کند (ایازی، 1376: 141).

به عقیده جان لاک<sup>6</sup> دولت کارگزار جامعه مدنی است و در قبال جامعه مسئولیت دارد و هدف آن سازمان دهی سیاسی است (پولادی 1376: 13) و جامعه مدنی می‌تواند تحت هر نظامی ظاهر شود. تنها نظامی که فضایی برای رشد جامعه مدنی فراهم نمی‌آورد توتالیتراریسم است؛ زیرا در نظام اخیر دولت آن‌چنان کلیه عرصه‌های زندگی انسانی را تحت سیطره خویش قرار می‌دهد که فضایی برای رشد و نمود نهادهای مدنی باقی نمی‌ماند (مصلح زاده، 1376: 46).

#### 6- عقل‌گرایی:

یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه مدنی استفاده از عقل و اراده در اداره جامعه است و اگر حکومت در پرتو عقل قابل تشخیص بوده و با معیارها و میزان‌های عقلانی قابل توجیه است پس اداره جامعه توسط آن حکومت نیز باید با خردگرایی انجام گیرد. زما مدارانی که از تدبیر و تعقل در اداره جامعه استفاده نکرده و ملاک عمل آن‌ها احساسات بوده و غرایز و انگیزه‌های شخصی مبنای تصمیمات و برنامه‌های حکومتی باشد، یا اینکه در بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی، اخلاقی و سیاسی بجای بهره‌گیری از خرد به احساسات تکیه شود، جامعه نیز نمونه عاقل و خردورزی نبوده و اقتدار و اراده کافی برای تحقق اهداف خود را نخواهد داشت (ایازی، 1376: 168).

#### 7- اصالت فرد:

انسان در تشکیل جامعه مدنی هدف نهایی است و اوست که جامعه مدنی را تشکیل داده و در آن ذوب می‌شود. از بخشی از حقوق خود در جهت ادامه زندگی اجتماعی و تأسیس جامعه مدنی چشم‌پوشی می‌کند تا حقوق و امتیازات تازه‌ای در قالب جامعه مدنی به دست آورد. در جامعه مدنی اکثریت افراد جامعه خود را فردی مستقل و صاحب عقیده و شخصیت می‌دانند. لذا امکان مهار تفاوت‌ها وجود نخواهد داشت. دیگر این‌که هیچ کس حاضر

<sup>6</sup> John Locke

نخواهد بود که از فردیت دیگری چشم پوشی کند. و پس از طی مراحل متفاوتی جامعه در سطح کلان وادار به پذیرش وجود تنوع و تفاوت به عنوان پدیده‌ای مشروع خواهد شد. هدف جامعه نیز پذیرش بیشترین خوشی و رضایت برای اکثریت افراد است لذا آنها را به گونه‌ای کنار هم می‌چیند که تعارض منافع خدشه‌ایی به خوشی‌ها وارد نکنند. به افراد حق داده می‌شود که برای حفظ منافع خود درمقابل هرگونه تجاوز دفاع کنند. فرد درانتخاب هرگونه مسلکی آزاد است و باید از قوانین همگانی که دولت مجری آن است پیروی کند و برای افراد به جز قانون و بعضی چارچوب‌های فکری و اعتقادی هیچگونه محدودیتی وجود ندارد. در جامعه مدنی افراد دارای سه حیثیت هستند:

1) حیثیت انسانی: که بر حسب آن افراد از حقوق عام انسانی برخوردارند.

2) حیثیت شهروندی: که بر حسب آن افراد از حقوق شهروندی آگاه بوده و از آن برخوردارند.

3) حیثیت مدنی: که بر حسب آن شهروندان از حقوق مدنی برخوردارند. و این حقوق دارای مؤلفه‌هایی مانند آزادی و برابری و... است و واقف به قوانین مدنی وضع شده از سوی حاکمیت می‌باشند. (محمدی، 1376: 106).

#### 8- گفتمان (دیالوگ):

یکی از ویژگی‌های مهم جامعه‌ای که در آن نهادهای مدنی قدرتمند است و جامعه مدنی شکل گرفته، بالنده و نهادینه شده است وجود گفتمان، دیالوگ و یا گفتگوست. هدف گفتمان رسیدن به اجماع از طریق قانع شدن طرفین گفتگو و رسیدن به توافق است.

شرط لازم جریان یافتن گفتمان وجود قراردادهای اجتماعی و حاکمیت قانون است و این امر چهارچوبی کلی پدید می‌آورد که مورد قبول احاد مردم است. در جوامع استبدادی به علت فقدان یا ضعف جامعه مدنی و نبود قراردادهای اجتماعی مورد توافق گفتمان شکل نمی‌گیرد و به جای دیالوگ سخن یک طرفه جریان دارد و جنبه‌ای آمرانه به خود می‌گیرد. در چنین شرایطی مردم منفعلانه احکام صادره از سوی نهاد قدرت را می‌شنوند و باید بدون بحث و جدل و انتقاد به گونه‌ای قهری آن احکام را بپذیرند و گرنه مواخذه می‌شوند (جمعی از نویسندگان، 1376: 20). در جامعه مدنی باید موقعیت‌هایی وجود داشته باشند تا افراد بتوانند به گفتمان بپردازند و معضلات جامعه را مورد نقد و بررسی قرار دهند. تشکلهای مدنی ابزار مناسبی برای تحقق این امر هستند. زیرا آنها از چند طریق به گفتگو دامن می‌زنند:

1. ایجاد باشگاه‌هایی جهت مواجهه چهره به چهره افراد.

2. ایجاد مجراهایی برای اطلاع رسانی و انتقال ایده‌های اعضا به یکدیگر

3. تشکیل مرتب مجامع و جلسات کاری

4. راه اندازی گردهمایی برای تبادل نظر

5. دامن زدن به ارتباطات غیر رسمی میان اعضا (محمدی، 1376: 62).

9- تشکل‌ها:

جامعه مدنی هنگامی ثبات می‌یابد که نهادها، انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای، اتحادیه‌ها و سندیکاها گوناگون در جامعه ایجاد شوند و به‌عنوان واسطه بین اعضا و دولت نقش فعال خود را در چهارچوب قانون در جریان سیاست‌گذاری‌ها انجام دهند. یک چنین نهادی از دولت و قدرت حاکم مستقل‌اند و متشکل از افرادی است که داوطلبانه برای رسیدن به اهداف مشترک تلاش می‌کنند. تشکل‌های جامعه مدنی میان نهاد خانواده به‌عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی و دولت به‌عنوان قدرتمندترین نهاد اجتماعی قرار می‌گیرند. از این جهت در صورت وجود تشکل‌ها سیاست به معنای فن اداره جامعه در انحصار دولت باقی نمی‌ماند و جامعه مدنی بخش قابل توجهی از آن را به خود اختصاص خواهد داد. تشکل‌های جامعه مدنی از اختیارات قانونی و اجرایی برخوردارند و اگر در مواردی برخی از این اختیارات را به دیگران واگذار کنند دیگران نیز اختیاراتی را به او وامی‌گذارند. واگذاری اختیارات همواره و در هر شکل به معنی محدود شدن آزادی و لذا کاری غیر عقلانی نیست بلکه گاه موجب افزایش آزادی می‌شود. تشکل‌های مدنی هنجارهایی را از حالت صرفاً یک سلسله قواعد اخلاقی خارج کرده و آن‌ها را کاربردی می‌سازند. در درون تشکل‌ها هنجار یا ارزش باید کاربرد داشته باشد و گرنه عملاً به کنار زده می‌شود. تشکل‌های مدنی همسازی با هنجارها را آسان می‌کنند. اولاً به دلیل عضویت داوطلبانه احساس تحمیل به حداقل می‌رسد. ثانیاً به علت تعدد تشکل‌ها حق انتخاب وجود دارد. ثالثاً هر تشکلی در درون خود مجموعه خاصی از هنجارها دارد که این هنجارها موجب همبستگی میان افراد می‌شود (محمدی، 1376: 93).

تشکل‌های مدنی همچنان می‌توانند انواع خدمات مدنی از قبیل امور خیریه کمک به آسیب دیدگان، نگهداری روان درمان خواهان، معلولان، سالخوردگان و کودکان بی سرپرست و مانند آن‌ها را برعهده گیرند. تشکل‌های مدنی از حیث هزینه‌ها به اعضای خود وابسته‌اند و نه به هزینه‌های دولتی که این امر باعث ثبات و تداوم خدمات رسانی توسط آن‌ها می‌شود (همان: 111).

تشکل‌ها در جامعه مدنی می‌توانند با منطق علمی ابزارهای لازم را برای منطقی کردن راه حل‌ها، تعیین اولویت‌ها، شناسایی اهداف، متناسب کردن امکانات و محدودیت‌ها، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و ارائه پیشنهادها فراهم کنند و مددکار دولت در حوزه اندیشه و عمل باشند و با اداره بخش‌هایی از امور جامعه تشکل‌های یادشده نه تنها از تمرکز جلوگیری می‌کنند بلکه در رشد و توسعه و دفاع از حریم جامعه موثرند. نهایتاً، و در یک برآیند مشترک، جامعه مدنی را از نگاه برخی محققان می‌توان چنین تعریف کرد: جامعه مدنی مجموعه‌ای از تشکل‌های صنفی، اجتماعی و سیاسی قانونمند و مستقل است که از یک‌طرف تنظیم‌کننده خواست‌ها و دیدگاه‌های اعضای خود بوده و

از طرف دیگر منعکس کننده این خواستها و دیدگاهها به نظام سیاسی حاکم و جامعه جهت مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشند.

### جامعه مدنی و رسانه ها:

در جامعه شناسی سیاسی هر جامعه به مثابه یک هرم در نظر گرفته شده و اجزای آن شامل حاکمیت (رأس هرم) نهادهای مدنی (بدنه هرم) و مردم (قاعده هرم) می‌شود. به فراخور مختصات هندسی هرم که قوام رأس متأثر از بدنه و به ویژه قاعده است بنا بر این تداوم حیات حاکمیت به قوام نهادهای مدنی و مردم بستگی دارد.

در جوامع دموکراتیک و مردم سالار دو ویژگی بر تمام ویژگی‌های هرم جامعه سایه افکنده است یکم این که بدنه هرم به واسطه حضور فعال نهادهای مدنی بسیار قطور بوده و مهمترین نماد بیرونی این نهادها را ارکان چهارگانه : قانون اساسی، مجلس، احزاب، و رسانه‌ها تشکیل می‌دهند و ویژگی دوم ارتباط حداکثری مردم (قاعده هرم) با حاکمیت (رأس هرم) از طریق همین ارکان چهارگانه است. وسط بدنه هرم مربوط به نقش آفرینی کسانی است که درباره قانون اساسی و لوازم آن نوشته و می‌گویند، به کسانی که به‌عنوان وکلای ملت در مجلس جواز مشروعیت هیات حاکمه را از طریق قانونگذاری و نظارت بر دولتمردان صادر می‌کنند، به نخبگان جامعه که در قامت احزاب سیاسی برنامه‌های روزانه حاکمیت را رصد و ارزیابی کرده و برای دور بعد انتخابات مد نظر قرار دهند، و بالاخره رسانه‌ها که به مثابه چشم تیز بین مردم در لابه لای تصمیمات و امور اجرایی حاکمان نفوذ کرده و آن را منعکس می‌کنند، همه و همه تابعی از ظرفیت زمامداران حکومت است. جوامعی که بدنه هرم در آنها به واسطه بی‌اعتنایی تصمیم‌گیران به قانون اساسی و سایر قوانین عادی، کم‌رنگ دیدن نقش پارلمان، سخت‌گیری بر احزاب از صدور مجوز گرفته تا عدم تحمل انتقادهای آنان و درنهایت از بین بردن زمینه‌های مشارکت رسانه‌ها در امور جاری

کشور هر روز نحیف‌تر می‌شود، طبعاً سرنوشتی جز بحران مشروعیت، کاهش مشارکت و بی‌اعتمادی متقابل بین مردم و دولت - به دلیل اینکه در جریان جزییات و حتی بعضا کلیات تصمیمات دولتی نیستند- نخواهد داشت. در چنین جوامعی هرم اجتماعی از دو بخش رأس و قاعده تشکیل شده و شخص یا حزب واحد حاکم بر کشور اراده خود را به‌صورت اجباری بر مردم تحمیل می‌کند و حکومت نیازی به داشتن واسطه مورد اعتماد بین خود و مردم نمی‌بیند.



درايران، قانون اساسی زمينه چنين مشارکتی را در تمام مراحل تصميم‌گیری‌های سياسی و سرنوشت ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد:

1. حقوق مساوی افراد در زمينه‌های جنسیتی، سياسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (اصل 20 و 19)
2. ممنوعیت تفتيش عقايد شهروندان و مواخذه آنها به صرف داشتن عقیده‌ای (اصل 23)
3. آزادی بیان برای مطبوعات و نشریات مگر به قصد اخلال در مبانی اسلام (اصل 24)
4. ممنوعیت استراق سمع، سانسور و شنود مکالمات مگر به حکم قانون (اصل 25)
5. آزادی احزاب جمعیت‌ها انجمن‌های سياسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی (اصل 26)
6. آموزش و پرورش و تحصیلات عالی رایگان (اصل 30)
7. اصل برائت افراد (اصل 37)
8. ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت شهروندان (اصل 39)
9. به رسمیت شناختن اقتصاد بخش خصوصی (اصل 44)
10. اصول مربوط به انتخاب رییس جمهور، نمایندگان، تفکیک قوا و ... (اصول 57 62 100 114 123 و...)

نظر به اینکه رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی از اواخر دهه هفتاد شمسی و به ویژه طی دهه هشتاد متأثر از نوعی گذار از رسانه‌های ملموس و فیزیکی (روزنامه ، نشریات) به رسانه‌های دیجیتالی و مجازی (سایت‌ها و شبکه های اجتماعی) است اهمیت پرداختن به آنها در ارزیابی دولتهای حاکم در این بازه زمانی را دوچندان می‌کند.

دراین رابطه، میزان رضایت مدیران سایتها و شبکه های اجتماعی را به‌عنوان شاخصی قابل اعتماد برای ارزیابی نقش دولتمردان در تقویت یا تضعیف رسانه ها و به تبع آن تقویت و یا ایجاد محدودیت برای مردم سالاری در کشور می‌توان در نظر گرفت. واقعیت این است که با توجه به نوپا بودن تجربه رسانه‌های دیجیتالی در کشور نمی‌توان نمره بالایی به تعامل مسوولان دولتی با این سنخ از وسایل ارتباط جمعی داد. هرچندان‌تظار تحقق حالتی آرمانی و بی عیب و نقص در این رابطه نیز منطقی به نظر نمی‌رسد اما به رسمیت شناختن جایگاه سایت‌ها و شبکه ها و اعطای اجازه به آنها برای سرک کشیدن در پستوهای تصمیمات اجتماعی و فرهنگی مسوولان نه تنها توقع بی جایی نیست بلکه از ضرورت‌های حقوقی جهت نیل به یک جامعه مدنی است.



اگر دموکراسی را به مفهوم عام از عمده ترین شاخصه‌های جامعه مدنی بدانیم رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات ناگزیر در جایگاه یکی از ارکان اصلی جامعه مدنی می‌نشینند. چه مطبوعات در فرهنگ سیاسی نوین خود یکی از ارکان دموکراسی به شمار می‌آیند. با این تعبیر وجود و فعالیت مطبوعات متکثر و متنوع در جامعه به طوری که بتوانند افکار و سلیقه‌های گوناگون را نمایندگی کنند و از حریم حقوق و آزادی‌های افراد و گروه‌های اجتماعی حراست و پاسداری نمایند و حق عمومی کسب اطلاعات و انتشار عقاید را تأمین سازند، از یک سو از مهمترین نمایانگرهای وجود و پویایی جامعه مدنی محسوب می‌شوند، و از جانب دیگر به رشد و گسترش تحکیم و تقویت جامعه مدنی یاری می‌رسانند. در جامعه مدنی اساساً ساخت رسانه‌های کثرت‌گرا و متنوع است؛ به عبارت دیگر در چنین جامعه‌ای رسانه‌ها و در رأس آن‌ها مطبوعات صداهای گوناگون را که مبین خواسته‌ها نیازها علایق و دیدگاه‌های مختلف است باز می‌تابانند، شرایط بحث و گفتگو و مفاهمه و در نتیجه پرورش بردباری و شکیبایی اجتماعی و تحمل و مدارای عمومی را فراهم می‌آورند و زبان فرهنگی و فرهنگ مفاهمه را جایگزین زبان سیاست و فرهنگ زور و خشونت می‌سازند. مطبوعات می‌توانند شرایط خفقان عمومی را به یک فضای آزادی‌گرا، تشویق‌آمیز و مساعد رشد آزادی‌ها فردی و اجتماعی، احترام متقابل و هم‌پذیری و هم‌گرایی تبدیل کنند. در چنین جامعه‌ای استعدادها و خلاقیت‌های فردی مجال بالندگی و بروز پیدا می‌کنند. فرصت‌ها و امکانات شکوفایی تواناییها و استعدادها توزیعی عادلانه‌تر می‌یابند فضایل و مکارم اخلاقی و انسانی در زوایای جامعه جاری می‌شوند و برون‌گرایی به خصلت جمعی تبدیل می‌شود. در جامعه سلطه‌گرا رسانه‌ها و مطبوعات انحصاری تحت کنترل و در اختیار گروه‌های خاص صاحبان یا قدرت و ثروت قرار دارند و افراد و گروه‌های مختلف انرژی خود را عمدتاً صرف تقابل تخاصم و نفی یکدیگر می‌کنند. از همین رو توزیع قدرت و متعاقب آن امتیازات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به شدت محدود می‌گردد و ساز و کارهای مفاهمه و همدلی ناکارآمد و زمین‌گیر می‌گردد. در چنین شرایطی داشتن امتیاز و انتشار مطبوعات به جای آن‌که یک حق اجتماعی در خدمت رشد و توسعه ملی تلقی شود. به‌عنوان یک امتیاز و ابزار قدرت مورد استفاده افراد و گروه‌های خاص قرار می‌گیرد و به ابزار سرکوب آزادی‌ها و حقوق فردی و اجتماعی تبدیل می‌شود.

بر این اساس ساختار رسانه‌ای کثرت‌گرا و متنوع می‌باید به‌عنوان یک ارزش و یکی از مهمترین ابزارهای تحقق دموکراسی و جامعه مدنی در نظر گرفته شود. مطالعات و بررسی‌های تاریخی نیز موید این واقعیت است که در دوره‌های مختلف، رشد نهادهای مدنی دقیقاً با تعدد مطبوعات آزاد و مستقل هم‌زاد بوده است و بر عکس هر زمان که قدرت سیاسی قصد تعطیل و سرکوب نهادهای مدنی را داشته‌اند در نخستین حرکت‌ها به توقیف تعطیل و سرکوب مطبوعات و روزنامه‌نگاران پرداخته‌اند. نکته قابل تأمل اینکه هرگاه نهادهای مدنی مستقل خودجوش و مردمی پا به عرصه ظهور نهاده‌اند، نهادهای مدنی دولتی همچون اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی و گروه‌های وابسته به دولت برای پر کردن خلأ موجود شکل گرفته‌اند؛ و هم‌زمان مطبوعات مستقل و غیر وابسته نیز تعطیل شده‌اند و مطبوعات وابسته به دولت خود را به رخ کشیده‌اند. (فرقانی محمد علی، 1396 : 32).

## کارکردهای مدنی رسانه ها:

### 1. بسط فرهنگ گفتگو:

در جامعه مدنی نقد گفت و گو و بحث و تبادل اندیشه‌ها به جای برخوردهای زورمندانه خشونت تحمیل عقیده و نقد ناپذیری افکار و مفاهیم می‌نشیند. ارتباطات در صور گوناگون خود از ارتباطات میان فردی و گروهی تا ارتباطات جمعی در جامعه مدنی مجرای داد و ستدهای فکری و انتقال اطلاعات قرار می‌گیرند. رسانه‌ها و به‌طور عمده مطبوعات در تبدیل گفت و گو و مفاهیم به فرهنگ در جامعه مدنی نقش مؤثر و حیاتی دارند. در جوامع قانون‌مدار، اساساً رسانه‌ها به مثابه یک بستر جریان سیال و مسالمت‌آمیز از افکار، ایده‌ها خواست‌ها و نیازهای اجتماعی از کشیده شدن اختلافات عقیده‌ها و تباین دیدگاه‌ها بر سر حل معضلات اجتماعی به تخصم، پرخاش و خشونت و توسل به قوه قهریه جلوگیری می‌کنند. اگر در جامعه مدنی از تعدد رسانه‌ها دفاع می‌شود برای آن است که هیچ گروه و نحله فکری برای طرح خواست‌ها و نظریاتش عرصه را بر خود تنگ نبیند و ناگزیر به خشونت و برخوردهای غیر فکری و غیر فرهنگی روی نیاورد. رسانه می‌تواند با احیا و گسترش حوزه عمومی، کنش ارتباطی و عقل ارتباطی مورد نظر هابرماس را به صحنه آورد و از زوال آن جلوگیری کند.

البته توجه به زبان و چارچوب‌های زبانی به کار گرفته شده به وسیله رسانه‌ها نیز اهمیت بسیار دارد. چراکه رسانه‌ها با گزینش و چینش واژه‌ها، تعابیر، مفاهیم و تکیه کلام‌های خاص یا به عبارت دیگر با مهندسی کلام می‌توانند مباحث مفاهیم‌ای زبان را به کار گیرند. در جامعه مدنی زبان رسانه‌ها می‌بایست ابزار تفهیم و تفاهم متقابل باشد و به شفافیت امور متعلق به جامعه مدنی کمک کند.

در جامعه مدنی رسانه‌ها پیام‌های خود را عمدتاً از تشکلهای متکثر مدنی می‌گیرند و پیام و زبان به این گونه تشکلهای نیز طبعاً دامن می‌زنند. در این شرایط حتی گروه‌های فشار که معمولاً نیات خود را از مجاری غیر قانونی و در فضایی از ارباب و خفقان عملی می‌سازند. می‌توانند با انتشار نشریه با گروه‌های دیگر وارد گفت و گو و مباحثه شوند. در غیر این صورت بکارگیری زور و خشونت مشروعیت آن‌ها را زایل می‌سازند.

### 2. بسط حقوق و آزادی‌های فردی و نظارت بر جریان قدرت و سرمایه:

جامعه مدنی جامعه‌ای است که در آن حقوق و آزادی‌های فردی به رسمیت شناخته شده و از آن حراست و پاسداری می‌شود اما مطبوعات و روزنامه نگاران مستقل و وابسته به تشکلات مدنی نیز همه جا در صف مقدم دفاع از آزادی‌های مردم قرار دارند و گرچه درست به همین دلیل خود همواره در معرض مخاطرات گوناگون هستند ولی می‌کوشند حقوق و حریم مردم را از تجاوز و تعدی‌های احتمالی از جانب حکومت و از سوی سایر قدرتمندان مصون نگاه دارند. مطبوعات با نقد عملکرد حکومت و با نظارت بر جریان قدرت در جامعه می‌توانند به استقرار یک

دموکراسی واقعی کمک نمایند و مناسبات اجتماعی را برای سالم سازی دموکراسی واقعی آماده نمایند. به بیان دیگر یکی از وظایف به رسمیت شناخته شده مطبوعات ایفای نقش نظارتی به وسیله آنهاست. به همین دلیل است که آنتونیو گرامشی جامعه مدنی را سنگرهای ملت می‌داند که دولت برای فتح یک جامعه باید آن را فتح کند.

### 3. بسط حاکمیت قانون:

قانون و قرارداد اجتماعی مبنای نظم و جلوگیری از هرج و مرج و استبداد است. محور جامعه مدنی بر اساس قانون بنا شده و قواعد رفتارهای و روابط میان انسان‌ها و نیز مناسبات مردم با حکومت و بالعکس را قانون معین می‌کند. حاکمیت قانون ضمن آن که اصل اختلافات (در رفتار گفتار عقیده و ...) را می‌پذیرد و چگونگی برخورد میان تفاوت‌ها و اختلافات را نیز تعیین می‌کند و اجازه نمی‌دهد که اولاً اختلافات نظرها سرکوب شوند و ثانیاً بر اثر بی توجهی و نادیده انگاشته شدن ایجاد بحران کنند؛

اما رسانه‌ها امروز در نظم پذیر کردن جامعه و قانونمند شدن امور و محور قرار گرفتن قانون در روابط اجتماعی تأثیر اساسی دارند. رسانه‌ها از یک سو با تصویر کردن رفتار پسندیده دولتمردان و نخبگان فکری و اجتماعی می‌توانند به‌طور غیر مستقیم الگوی رفتار مناسب را در جامعه ترسیم کنند؛ و از سوی دیگر با نقد و تحلیل حرکت‌ها و رفتارهای خارج از قانون، خودسرانه، پرخاشگرانه، خودخواهانه و سودجویانه عرصه را بر این قبیل روندهای مخرب تنگ کنند. رسانه‌ها می‌توانند عامل تشویق و تأیید قانون‌گرایی و منتقد خیره سری و هرج و مرج باشند. اگر یکی از مسوولیت‌های اساسی رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات و (اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) را مقابله با استبداد بدانیم، رسانه‌ها در تولید و بازتولید قانون‌پذیری کنشگران و تسلیم آن‌ها در برابر قانون‌گرایی و نیز این که همگان در هر موقعیتی در پیشگاه قانون یکسانند تأثیر دارند.

### 4. بسط حرمت انسان‌ها:

در جامعه انسان دارای حرمت و ارزش است. این حرمت‌گذاری به انسان به معنای نفی رابطه با مبدأ آفرینش و نادیده گرفتن ارزش‌های الهی در جامعه نیست، بلکه صرفاً به‌عنوان نوعی روش زندگی و رفتار اجتماعی می‌کوشد انسان را در جایگاه واقعی خود بنشانند. انسانی که برای خود احساس احترام و ارزش کرد، به راحتی تسلیم زور، فشار تهدید و حتی تطمیع نمی‌شود و جز از قانون تبعیت نمی‌کند. در جامعه مدنی حریم و خلوت خصوصی انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات که به جانشینی خدا در زمین می‌رسد باید مورد احترام و تکریم و صاحب ارزش باشد. در بسیاری از نظام‌های مطبوعاتی و (رسانه‌ای) از جمله نظام‌های آزادی‌گرا و مسوولیت اجتماعی و نیز در غالب مرام‌نامه‌ها کنوانسیون‌ها مقررات حقوقی و مصوبه‌های مربوط به فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری که به وسیله مجامع بین‌المللی و تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاران به تصویب رسیده و به‌عنوان اصول مسلم این حرفه پذیرفته شده همچنین در قوانین مطبوعاتی اغلب کشورها، احترام به نوع بشر و همدردی و همدلی با دیگران تسکین آلام و رنج‌های

بشری کمک به رهایی انسان از مظالم زورگویی‌ها تجاوزگری‌ها و حفظ حریم و خلوت خصوصی افراد مورد تصریح و توصیه اکید قرار گرفته و تحت هیچ شرایطی عدول از این معیارها مجاز شمرده نشده است. وقتی قوانین مطبوعاتی توهین، تحقیر، تهمت و افترا و حتی چاپ عکس و مطلبی را بدون رضایت صاحب آن ممنوع و در صورت شکایت دینفع مستوجب مجازات می‌دانند، بدین معناست که حیثیت و شخصیت افراد جز به اجازه قانون نمی‌تواند مخدوش گردد. از اینرو، هیچ رسانه‌ای با نادیده گرفتن حقوق فردی مردم نمی‌تواند برای خود پایگاه و مشروعیت اجتماعی کسب کند. هتک حرمت و تجاوز به حریم خصوصی و تحقیر افراد به وسیله رسانه‌ها از نشانه‌های توسعه نیافتگی و اخلاص در چرخه امور جامعه مدنی است.

## 5. بسط پاسخگویی حکومت به مردم:

حکومت در جامعه مدنی منتخب و نماینده اکثریت جامعه است و به این اعتبار نمی‌تواند خود را ورای قانون و برتر از افراد جامعه بداند. یک دموکراسی واقعی می‌کوشد در جهت تأمین منافع توده مردم حرکت کند. در جامعه مدنی نه تنها اصل تساهل و مدارا مورد احترام و عمل است، بلکه حکومت از یک سو حق پرسش درباره اعمال خود را برای شهروندان (و رعیت) به رسمیت می‌شناسد و از جانب دیگر خود را موظف به پاسخگویی به شهروندان می‌داند. پذیرش این دو اصل یعنی پرسشگری شهروندان و پاسخگویی دولت سبب می‌شود که نخبگان سیاسی سلطه گر و باندهای قدرت طلب و بهره‌مندان اقتصادی بستر مناسبی برای ظهور و رشد و جایابی برای خود در ساختار حکومت نیابند. این بدان معنا نیست که نخبگان فکری و عملی به حاشیه رانده شوند بلکه در جامعه مدنی نخبگانی که آرا و تمشیات مردم خود را نمایندگی می‌کنند مدیریت جامعه را به عهده می‌گیرند. اینجا نیز رسانه‌ها نقش مهمی دارند؛ زیرا که آن‌ها با نظرات و مراقبت هوشیارانه خود نسبت به اعمال حکومت از گرایش آن به خودکامگی و نادیده گرفتن حقوق مردم جلوگیری می‌کنند نیازها و خواست‌های جامعه را که در واقع همان پرسش‌های مردم از حکومت است در قالب گرایش‌ها، مقالات، نقدها، تفسیرها و ... با دولت در میان می‌گذارند و متقابلاً پاسخ دولتمردان را به سؤالات مردم دریافت و منتشر می‌کنند. به‌طور کلی یکی از مهمترین کارکردهای رسانه‌ها را باید در عرصه‌ی اتحاد و تنظیم رابطه میان حکومت شندگان و نظم و نسق دادن به مناسبات اجتماعی فیما بین این دو گروه جستجو کرد. رسانه‌ها ی مستقل و متعلق به تشکل‌های مدنی زبان مردم و چشم و گوش شهروندان هستند و مدام وظیفه و مسوولیت حکومت را در زمینه پاسخگویی به مردم یادآوری و گوشزد می‌نمایند و سنت نقادی را در جامعه برپا می‌دارند.

این امر در عین حال می‌تواند به شایسته‌سالاری یعنی مدیریت خردمندان صاحبان دانش و تجربه در جامعه کمک کند و همگان را امیدوار سازد که در صورت احراز صلاحیت توانایی و شایستگی راه رشد و تعالی به رویشان بسته نیست. این گونه شایسته‌سالاری هم محصول جامعه مدنی است و هم به تقویت ارکان آن منجر می‌شود. چنین

جامعه‌ای بی تردید جامعه‌ای خردورز و تعلق‌گراست و مدار امور آن بر محور عقل و معرفت می‌چرخد. ( فرقانی، 1396: 21)

## 2-2. تاریخچه و سابقه بررسی جامعه مدنی:

دردوران ماقبل مدرن: معادل لاتین جامعه مدنی؛ سیویلیس سوساییتاس<sup>7</sup> در ادبیات رم باستان بوده است. بسیاری از دانشوران سیاسی در این دوران از جمله سیسرون این عبارت لاتین را برای توصیف دولت شهری به کار برده اند که تحت چارچوبی از قوانین نظم یافته بود. زمانی که سیسرون در کتاب جمهوری می‌نویسد: «قانون، پیوند دهنده جامعه مدنی است.» و منظور او از جامعه مدنی جمعیتی است که در یک قالب سیاسی و حقوقی نظام یافته است (واعظی، 1378: 17). در این معنا جامعه مترادف با آن اجتماع انسانی بوده است که دارای دولت و حاکمیت قانون است. ارسطو نیز در نوشته‌های سیاسی خود تاکید دارد که چنین اجتماعی نسبت به سایر اجتماعات بشری برتر و رشد یافته تر است. ویژگی تلقی این دوره از جامعه مدنی آن بوده است که به هیچ روی آن را مقابل دولت نمی‌شناختند و بلکه قوام جامعه مدنی را منوط به وجود دولت می‌دانستند. (همان، 18).

دوران مدرنیته: توماس هابز<sup>8</sup> (1588 – 1697) و جان لاک (1632 – 1704) دو متفکر سیاسی هستند که در عصر مدرنیته جامعه مدنی و مبانی آن را مورد توجه قرار دادند. توماس هابز نظریه منشأ الهی حاکمیت و ضرورت وجود حاکمیت دینی را مورد تشکیک قرار داد و این رأی را مطرح کرد که منشأ تشکیل جامعه و حکومت «قرارداد اجتماعی» است که انسان‌ها با هم منعقد می‌کنند و بخشی از اراده و حق حاکمیت خود را به دولت واگذار می‌کنند. این دولت چیزی معادل جامعه مدنی است و بر مبنای قانونگذاری بشری اداره جامعه را عهده دار می‌گردد. جامعه مدنی از نظر هابز عبارت است از: حاکمیت سیاسی غیر دینی که توسط قرارداد اجتماعی انسان‌ها پدید آمده و در مقابل وضع طبیعی زندگی بشر قرارداد (زرشناس، 1377: 10-11).

نقطه عزیمت جان لاک به سوی جامعه مدنی شبیه هابز است یعنی او نیز وضع مدنی را مقابل وضع طبیعی می‌نشاند. با این تفاوت که جامعه مدنی را معادل دولت غول آسای مطلقه هابز به حساب نمی‌آورد بلکه شاخص‌هایی اقتصادی و حقوقی برای جامعه مدنی مطرح می‌کند. از نظر لاک انسان‌ها فاعل‌هایی اخلاقی‌اند، حتی در وضعیت طبیعی که یک وضعیت ماقبل سیاسی و ما قبل مدنیت است. در وضع طبیعی مورد نظر لاک انسان‌ها مستقل و برابرند و تنها قانون طبیعت و عقل بر آن‌ها حاکم است و طبیعی است که اختلاف و نزاع‌های حقوقی و جرائم اجتماعی رشدی فزاینده داشته باشد. پس باید مرجعی مشخص و رسمی برای حل اختلاف و مجازات مجرمان پدید آید که البته وجود حکومت مدنی بهترین درمان و چاره این مشکل است (واعظی، 1378: 20).

<sup>7</sup> Civilis Societas  
<sup>8</sup> Tomashabs

به نظر لاک، انسان هایی که در وضع طبیعی زندگی می کنند، با سه مشکل اساسی مواجه اند: ابهام قوانین، عدم ضمانت حقوق طبیعی از سوی یک اقتدار عمومی مشخص و فقدان داور بی طرف و مورد قبول همه (لاک، 1988: 351). از این رو، انسان هایی که در وضع طبیعی زندگی می کنند، برای رهایی از این حالت بیمارگون توافق می کنند به منظور حفظ حقوقشان (حق زندگی، آزادی و دارایی و...) جامعه مدنی تاسیس کنند. بنابراین به نظر لاک به مانند هابز، در وضع طبیعی جامعه مدنی وجود ندارد، ابتدا با تشکیل جامعه سیاسی یا دولت است، که جامعه مدنی تشکیل می شود. در حالی که روابط انسانی در وضع طبیعی، یعنی در وضع پیش از تشکیل دولت، به حوزه ی اجتماعی نزدیکان و یا خانواده محدود می شود، اجتماعی شدن در چهارچوب جامعه مدنی به تنوع رفتار و اعمال اجتماعی و تقویت فزاینده همکاری جمعی در جامعه می انجامد. جامعه مدنی تمایل دارد که خودش را از همه نیروهای جبری طبیعت و شرایط محیطی بسته اجتماعی رها کند و محیط جدیدی برای رفتارهای اجتماعی فراهم نماید. برخلاف حوزه ی محدود اجتماعی در وضعیت طبیعی و برخلاف جامعه های پدر سالارانه و مبتنی بر زور و سلسله مراتبی، جامعه مدنی مبتنی بر تساهل و نفی خشونت و حقوق شهروندی است و دسترسی به حوزه های اجتماعی بسیاری را برای انسان میسر می کند. (گانبرگر: 1993: 89)

ژان ژاک روسو<sup>9</sup> (1712 – 1778) نخستین متفکری است که به تفصیل بحث استقلال جامعه مدنی از دولت (جامعه سیاسی) را مطرح می کند. روسو برخلاف لاک و هابز مصرانه از تفاوت های جامعه مدنی و قدرت سیاسی سخن می گوید و با ارایه ارزیابی منفی از کارنامه تمدن مبتنی بر قرارداد اجتماعی و مالکیت خصوصی و ازجبهاتی در مقام منتقد جامعه مدنی ظاهر می گردد. در عین حال روسو جامعه مدنی را بدین جهت که مبتنی بر قرارداد اجتماعی آدمیان و دارای مبانی دموکراتیک و غیر الهی است می ستاید و مورد تاکید قرار می دهد. در واقع روسو ماهیت اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی جامعه مدنی را مورد انتقاد قرار می دهد اما وجه حقوقی متکی بر اراده جمعی و قرارداد اجتماعی مستقل از قدرت سیاسی آن را می ستاید (زرشناس، 1377: 13).

به عقیده روسو با قرارداد اجتماعی آنچه انسان از دست می دهد آزادی طبیعی و حق نامحدود خود است و آنچه از این پیمان بدست می آورد آزادی مدنی و حق حاکمیت است. روسو جمهوریت را در مفهوم اراده همگانی مطرح می کند. وی برخلاف هابز که معتقد بود انسان باید میان فرمانبری و آزادی یکی را انتخاب کند بر این نظر بود که می شود انسان ها در عین آزاد بودن، عضوی از یک جامعه سیاسی نیز باشند. این در صورتی ممکن است که انسان ها خود از طریق مالکیت اراده همگانی که تجلی گاه اراده آزاد افراد نیز هست برخویش حکمرانی کنند و چنین اراده ای برآیند حضور انسان های آزاد در عرصه حیات اجتماعی است. (روسو، 1975 : 60).

فرضیه تکوین جامعه مدنی براساس قرارداد اجتماعی گرچه مورد استقبال متفکرانی چون ژان ژاک روسو قرار گرفت اما مخالفت هایی را نیز برانگیخت که از جمله آنان دیوید هیوم بود که به نقد این نظریه پرداخت. یک جامعه مدنی

<sup>9</sup> Jean –Jacques Rousseau

با رفتار و رویه‌های گروهی، الگوهای فرهنگی، آراء و ارزش‌ها و سلسله‌ای از تشکیلات و روحیات مشترک مشخص می‌یابد؛ و مشخصه یک تمدن نوین نتیجه کار اجتماعی انسان و حاصل تاثیرات داخلی و تداخلات متعدد میان مردمان و گروه‌ها در داخل یک جامعه مدنی است. در یک جامعه مدنی واحدهای همزیستی اجتماعی متنوعی موجود هستند و هر کدام یک مرکز ایجاد تمدن به شمار می‌روند. این تفسیر از جامعه مدنی قوام و جوهره اصلی جامعه را وامدار مشارکت اجتماعی و تقسیم کار می‌داند و از همین جهت طیف گسترده‌ای از تجمعات انسانی را در بر می‌گیرد (واعظی، 1378: 24).

هگل<sup>10</sup> (1770 – 1831) فیلسوف معروف آلمانی نیز در زمان خود تحلیلی از جامعه مدنی ارائه داد که تمایز آشکاری نسبت به سایرین و تأثیر بسزایی در آیندگان داشت. از نظر او خانواده و جامعه مدنی هر دو از دولت متمایزند. هگل جامعه مدنی را طبقات و گروه‌های عام می‌داند (واعظی، 1378: 29-28). تفسیر جدید از جامعه مدنی بیش از هر چیز وامدار تغییر و تحولی است که هگل در مفهوم جامعه مدنی ایجاد کرد. تفکیک هگل میان جامعه مدنی و دولت عقلانی، زمینه تفکیک جامعه مدنی را از دولت و تطبیق انحصاری عنوان جامعه مدنی را بر حوزه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی که خارج از نظارت، دخالت و تأسیس دولت است فراهم آورد (همان: 36). هگل در کتاب اصول فلسفه حقیقت (1986) جامعه مدنی را اینگونه تعریف می‌کند: "...جامعه مدنی در فاصله بین خانواده و دولت ایجاد می‌شود، اگرچه شکل‌گیری این وضعیت بعداً به تشکیل دولت منجر می‌شود. پس جامعه مدنی] به مثابه ی یک حلقه واسطه، مستلزم دولت است، دولتی که آن را [جامعه مدنی] به عنوان موجودی مستقل و قبل از خود باید داشته باشد تا بتواند شکل بگیرد..." (هگل، 1986: 338). به نظر هگل، جامعه مدنی که طی یک فرآیند طولانی و پیچیده توسعه تاریخی به وجود می‌آید و نهایتاً هم به وسیله دولت از بین می‌رود، حوزه‌ای است که در آن شهروندان منافع شخصی خود را از طریق کار و مبادله کالا به منظور رفع نیاز همگانی دنبال می‌کنند و از این طریق با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند.

شارل مونتسکیو (1689-1755)؛ جامعه مدنی از نظر مونتسکیو ماهیت سیاسی دارد و نهادها و اجتماعات سیاسی درون آن نقش مهمی در میانجیگری منافع طبقات و گروه‌های مختلف جامعه بازی می‌کنند. او عقیده داشت، جوهره سیاست حفظ و صیانت از آزادی است اما قدرت‌ها همواره تمایل دارند حوزه نفوذ خود را گسترش دهند؛ امری که با آزادی سازگاری ندارد بنابراین برخلاف اندیشه‌های یونانی به ویژه ارسطو، قدرت با قانون کنترل شدنی نیست. در واقع، قانون حدود قدرت را تعیین میکند لیکن از ابزارهای مناسب برای مقاومت در برابر آن برخوردار نیست. مونتسکیو ضمن تأکید بر قانون معتقد است که هر چیزی را فقط می‌توان با خودش کنترل کرد، قدرت را با قدرت، پول را با پول، زور را با زور و... از اینرو باید در عرض قدرت سیاسی حاکم، قدرت‌های رقیب غیر دولتی وجود داشته باشند، برای مثال او از ضرورت وجودی طبقات اجتماعی قوی مانند اشراف دفاع می‌کند. مونتسکیو از

<sup>10</sup>.Hegel

تجربه ی تاریخی انگلستان در این مورد بسیار استفاده می کند. به نظر او در انگلستان به دلیل حضور اشراف و نجبای نسبتاً قوی حاکمان هرگز نتوانستند به صورت خودکامه حکومت کنند زیرا با مقاومت شدیدی از سوی قدرت های اجتماعی رقیب مواجه می شدند. مونتسکیو از این تجربه تاریخی نتیجه میگیرد که قدرت سیاسی را فقط می توان با "قدرت اجتماعی" کنترل کرد و در برابر قدرت رسمی باید قدرت های غیر رسمی و مدنی همچون انجمن ها و سازمان های مردمی در جامعه تقویت شوند (انصاری، 44-1383:5).

بدین ترتیب، ضرورت وجود نهادهای مردم نهاد، اتحادیه ها، احزاب و تشکل ها که مولفه های جامعه ی مدنی اند را می توان در نظریه مونتسکیو آنهم در سیصد سال قبل ملاحظه نمود..

آلکسی دو توکویل؛ در نظام فکری دو توکویل جامعه به سه بخش تقسیم شده است: دولت، که از مجالس نمایندگی، دادگاه ها، ادارات و نیروهای نظامی تشکیل شده است؛ اقتصاد، که شامل فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی است و جامعه مدنی که در آن احزاب، افکار عمومی، کلیسا ها، جنبش های اخلاقی، مجامع ادبی و علمی و انجمن های اجتماعی (صنعی، تفریحی) فعالیت دارند. جامعه مدنی در تنظیم روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، تحکیم فضائل مدنی و ارزش های دموکراتیک، افزایش مشارکت اجتماعی و مهم تر از همه تامین آزادی در جوامع مدرن نقش بسیار مهمی بازی می کند. به نظر او در جوامع اشرافی، طبقات اشراف و ثروتمند به طور طبیعی جمعیت هایی را تشکیل می دهند که می توانند در مقابل تجاوزات و مظالم حکومت ها ایستادگی کنند. ولی در ممالکی که چنین جمعیت هایی وجود ندارد، اگر افراد نتوانند موقتا چیزی مشابه آن جمعیت ها تشکیل دهند در مقابل ظلم و استبداد مانعی باقی نمی ماند. از آنجا که همیشه این احتمال وجود دارد که مستی آشوب طلب یا ظالم بدون ترس از مجازات ملتی را اسیر مظالم خویش کنند برای حفظ آزادی باید بین دولت و مردم هائلی شکل بگیرد، که از مطلقه شدن قدرت جلوگیری کند. (دو توکویل، 1383:256). اساساً، بعد از آزادی فردی، طبیعی ترین آزادی برای انسان زاده ی حق تشکیل جمعیت یا انجمن است و دو توکویل آزادی جمعیت ها را مانند آزادی فردی جزو حقوق سلب ناشدنی بشر می داند. به نظر وی، تشکیل انجمن ها و تشکل های داوطلبانه برای هر قصد و هدفی ارزشمندند، اما بیشترین اهمیتشان در پیگیری اهداف سیاسی است (چاندوک، 1377:111).

مارکس<sup>11</sup> (1818-1883) نیز در تفسیری جامعه مدنی را حوزه روابط زیربنایی و مجموعه روابط میان افراد و طبقات اجتماعی که خارج از حوزه روبنایی دولت قرار گرفته و ویژگی عمده آن فردیت، رقابت و منازعه است قلمداد کرد.

گرامشی<sup>12</sup> (1892-1937) اصطلاح جامعه مدنی را به مفهوم حوزه روبنایی و بخش های ایدئولوژیک بکار می برد که در آن باهدف ایجاد هژمونی طبقاتی عمل می کنند ولی او همچنین حوزه روبنایی را از هم تفکیک کرده است.

<sup>11</sup> Marx

<sup>12</sup> Gramsci



یکی حوزه عمومی یا دولت و دیگری حوزه خصوصی یا جامعه مدنی که البته قدرت طبقه حاکم در عرصه جامعه مدنی به‌عنوان هژمونی و در عرصه دولت و حکومت به‌عنوان سلطه مستقیم ظاهر می‌شود (بشیریه، 1374: 232).

برخی دیگر جامعه مدنی را به‌عنوان یک حوزه مدنی که به درجات متفاوتی نه تنها از دولت بلکه از دیگر حوزه‌های غیر مدنی مثل مذهب اقتصاد و جماعات عشیره‌ای قابل تفکیک است به شمار می‌آورند (کمالی، 1381: 59).

جین کوهن و اندرو آراتو ابعاد گوناگون جامعه مدنی را این گونه می‌دانند:

- وجود خانواده، گروه‌های نیمه رسمی و انجمن‌های داوطلبانه که چندگانگی و خود سامانی آنها شکل‌های گوناگونی از زندگی را ممکن می‌کند.

- وجود نهادهای فرهنگی و ارتباطی که حوزه عمومی یا آشکار زندگی را در بر می‌گیرد.

- امنیت و حرمت حوزه زندگی که افراد بتوانند در آنها توانایی خود را متحقق کنند و به گزینش‌های اخلاقی دست بیازند.

- تعیین میان اینکه حوزه عمومی و زندگی خصوصی از یکدیگر یا از دولت و زندگی اقتصادی متمایز بمانند نیازمند وجود ساختارهای قانونی و یک سلسله حقوق اولیه است که بدون آنها جامعه مدنی استقرار نخواهد یافت

(عظیمی ، 1370 : 17)

از دیدگاه آنان تحقق جامعه مدنی بریک سلسله حقوق پیچیده تکیه دارد که جامعه پذیری و زندگی اجتماعی فرد، پیوندهای اجتماعی و روابط جمعی و رونق و پویایی زندگی فرهنگی را ممکن و تأمین می‌کند. پاسداری از حریم امن، خلوت و حرمت روابط خصوصی و احترام بنیادی به شخص یا گوهر فردیت انسان، آزادی اندیشه، مطبوعات، گفتار و مراوده و حق گردهمایی و پیوستگی به انجمن‌ها گوناگون از جمله این حقوق است. هویت افراد و گروه‌ها و همبستگی اجتماعی بدون حقوق یاد شده و بدون وجود نهادهایی که ارتباطات عمومی و اقدام جمعی را ممکن می‌کند پایه‌ای نخواهد داشت (همان: 18).

به نظر آنها از جمله نموده‌های اصلی جامعه مدنی گفت و گوهای عمومی برخوردار از اندیشه‌ها و باورها درباره موضوعاتی است که اهمیت و پیامدهای سیاسی دارند و در چارچوب رسانه‌های جمعی و یا انجمن‌های سیاسی و فراکسیون‌های خبری جریان می‌یابند. جامعه سیاسی و مدنی هر دو برگفت و گوهای تأمل آمیز و مبادله‌های فکری و یابر حقوق ارتباطی تکیه دارند و بدون این حقوق ارتباط و گفت و گوی عمومی چه در جامعه مدنی چه در چارچوب نهادهای پارلمانی ممکن نخواهد بود (همان).

بدین ترتیب، اگرچه اندیشمندان معناهای متضادی از جامعه مدنی ارائه کرده‌اند اما به زعم بشیریه، در مجموع می‌توان سه تعبیر کلی از مفهوم جامعه مدنی در اندیشه سیاسی گذشتگان ارائه کرد:

1-جامعه مدنی به معنای رهایی از وضع طبیعی و انتقال به وضع مدنیت و جامعه متمدن که به نوبه ی خود با تکوین دولت عملی شده است.

2-جامعه مدنی به مفهوم نقطه مقابل ضد دولت

3-جامعه مدنی به معنای حوزه رقابت تکثرگرایانه احزاب، گروه‌ها، اصناف نهادهای سیاسی و اجتماعی سازمان‌یافته (جواد اطاعت، 1378: 118).

از طرف دیگر بشیریه چهار معنا را از نظر تاریخی در ارتباط با جامعه مدنی نام می‌برد:

- به مفهوم دولت در مقابل خانواده در اندیشه ارسطویی، و در مقابل وضع طبیعی در اندیشه اصحاب قرارداد اجتماعی

- به مفهوم جامعه متمدن در مقابل جامعه ابتدایی در اندیشه کسانی چون آدام فرگسون در کتاب گفتاری درباره تاریخ جامعه مدنی

- به مفهوم شکل اولیه تکوین دولت در اندیشه هگل

- جامعه مدنی به‌عنوان جزیی از روبنا (نه زیربنا طبق اندیشه مارکس) و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی فکری طبقه حاکم در اندیشه آنتونی گرامشی (ذوالفقاری ، 1392 : 33).

در فلسفه سیاسی بطور کلی از زمان ارسطو به بعد جامعه ی مدنی به مفهوم جامعه سیاسی یا دولت بکار می‌رفت. دولت شهر یونانی خود یک جامعه مدنی و از دیدگاه ارسطو دنباله طبیعی خانواده بود در نظریه قرارداد اجتماعی هم بطور کلی جامعه مدنی به‌عنوان جامعه سیاسی در مقابل وضع طبیعی بکار می‌رفت با این تفاوت که در این نظر جامعه پدیده‌ای غیر طبیعی یعنی حاصل توافق و قرارداد بود. در اندیشه سیاسی اروپایی جامعه مدنی به‌عنوان حوزه قدرت غیر دینی از جامعه مذهبی یا همان حوزه تحت صلاحیت کلیسا تمیز داده می‌شد. تنها در قرن 19 با پیدایش دولت لیبرال است که تصور تجزیه حوزه سیاسی ((جامعه مدنی)) از حوزه اجتماعی آن پدید می‌آید (بشیریه ، 1383 : 331).

**جامعه مدنی در ایران:**

در جامعه ایران قبل از شکل گیری دولت مدرن به دلیل وجود وضعیت موسوم به استبداد شرقی نهادهای غیر دولتی به معنای جدید آن محلی از اعراب نداشتند. اگرچه در بطن جامعه ایران برخی نهادهای سنتی مانند اصناف روحانیت، بازار و گروه‌های تصوف و فتوت فعالیت داشته و نقش واسطه میان دولت و مردم ایفا می‌کردند اما هیچکدام از این نهادها دارای مشخصه‌های سازمان‌های مردمی جدید یعنی شکل گرفته با نقش مستقیم مردم و به منظور سازمان‌دهی مشارکت آنها نبودند. آشنایی ایرانیان با سازمانهای مردمی در مفهوم جدید آن و تلاش برای استقرار آنها محصول روابط با مغرب زمین در قرن نوزده و آشنایی با مدرنیسم بود. افزایش تماس‌های ایرانیان با غرب منجر به ظهور قشر جدیدی به نام روشنفکران شد که همین افراد درصدد استقرار نهادهای مردمی برآمدند. در راستای چنین هدفی بود که این عده از نخبگان ایرانی قبل از استقرار مشروطیت در ایران اقدام به تأسیس سازمان‌هایی چون: فراموشخانه، انجمن مخفی، مجمع آدمیت، مرکز غیبی و کمیته انقلابی کردند و در همین ایام به دلیل استبداد موجود، مهم‌ترین نهاد جامعه مدنی یعنی حزب توسط روشنفکران ایرانی قبل از استقرار مشروطیت در خارج از مرزهای ایران به ویژه در قفقاز روسیه شکل گرفت. استقرار مشروطیت در ایران به سال 1285/1906 و تدوین قانون اساسی و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های فردی همراه با حق تشکیل اجتماعات در آن فرصت مناسب را در اختیار روشنفکران و کارگران برای تأسیس سازمان‌های مردمی به معنای جدید آن قرار داد (مسعود نیا، 1382: 42).

قانون مشروطه در برگرفته اصول و بندهای مهم دموکراتیک بود و نیز اجزای جامعه مدنی در آن بر شمرده شده بود: مصونیت جانی و مالی شهروندان، برابری همگان در برابر قانون، پشتیبانی از آزادی‌ها و حقوق شهروندان آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و انجمن‌ها، تفکیک قوا، برپایی انجمن‌های ایالتی و ولایتی و...؛ بنابراین آزادی احزاب و گروه‌ها در چارچوب آزادی اجتماعات و انجمن‌ها می‌گنجید. در راستای این هدف بود که روشنفکران به تأسیس حزب اقدام کردند و کارگران نیز در سال 1285 خورشیدی نخستین اتحادیه کارگری را در ایران سازمان دادند البته در شکل‌گیری اتحادیه‌های کارگری در ایران و فعالیت آنها نباید از پیامدهای انقلاب اکتبر روسیه نیز غافل ماند (همان).

پس از انقلاب مشروطه گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی آشکار و پنهان بسیاری پدید آمد. حضور آنها در ایران پس از مشروطه چنان برجسته و چشمگیر بود که در نزد برخی مشروطه خواهان مشروطه معادل حضور این انجمن‌ها و گروه‌ها شمرده شد. در آستانه مشروطیت زمینه‌ها و مقدمات لازم برای دموکراسی و جامعه مدنی و پایایی نظام مشروطه به اندازه کافی وجود نداشت و از همین رو حضور انبوه بازیگران حزبی و گروهی در نبود یک زمینه مناسب به بی‌ثباتی و ناکامی انجامید. با برپا شدن مجلس دوم، برخی گروه‌ها به حزب تبدیل شدند. اتهام زنی‌ها، ترور، مجازات برخورد‌های حذفی و رعایت نشدن قواعد بازی دموکراتیک سرلوحه کار بسیاری از احزاب و گروه‌ها شد و بدین سان حاکمیت ملت و قانون به چشم بسیاری از مردمان چیزی جز فریب و سراب نیامد. به‌طور کلی جنبش

مشروطه خواهی پاره‌ای از نمادهای جامعه مدنی را در قالب آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های اجتماعات، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی آزادی انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قانونی اعلام کرد؛ اما در عمل جامعه مدنی با این ویژگی‌ها تحقق نیافت و کمتر از دوسال از عمر مشروطه گذشته بود که مجلس بدست محمدعلیشاه به توپ بسته شد (سردارنیا، 1376: 38).

با این وجود برخی سابقه‌ی وجود جامعه مدنی در ایران را از نیمه دوم حکومت صفویان و متعلق به دورانی می‌دانند که علمای شیعه از امتیازات قابل توجهی برخوردار بودند و توانستند پایه‌های نفوذ خود را در بین مردم کوچک و بازار تحکیم بخشند. در این دوره از جامعه مدنی متکی بر دوگروه با قدرت علمای شیعه و بازاری‌ها نام می‌برند که در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران نقش بسزایی بازی کردند. استقلال سیاسی این گروه‌های وابسته به قدرت اجتماعی و مشروعیتشان در بین مردم از یک‌طرف و استقلال اقتصادیشان از دولت از طرف دیگر هست. علمای شیعه و بازاری‌ها علاوه بر نقش عمده در تعدیل قدرت دولت در بسیاری از موارد حتی وظیفه اصلی دولت یعنی حفظ نظم عمومی را نیز توسط گروه‌های دست‌نشانده خود معروف به دسته لوطی‌ها بر عهده داشتند (کمالی، 1381: 85 - 83).

بدین ترتیب تأسیس نهادهای غیر دولتی در ایران به دوران مشروطیت و پیش از آن باز می‌گردد اما از آن هنگام تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران به استثنای مقاطعی کوتاه این نهادها امکان حیات و فعالیت نداشتند. در دوران رضا شاه به شدت با فعالیت این نهادها مخالفت شد. اشغال ایران توسط متفقین در شهریور 1320 و برکناری رضا شاه و از میان رفتن استبداد دولتی مجدداً فرصت تکوین فعالیت سازمان‌های مردمی را در تاریخ ایران فراهم ساخت. در این مقطع نه تنها احزاب مجدداً به عرصه سیاست بازگشتند بلکه سازمان‌هایی چون کانون مهندسين ایران و بعدها انجمن نظارت بر انتخابات شکل گرفت که کاملاً ویژگی نهادهای غیر دولتی مدرن را داشتند. اوج فعالیت و مبارزات سیاسی این نهادها در دوران نخست وزیری دکتر مصدق بود که با کودتای آمریکایی - انگلیسی 28 مرداد این فرصت از دست رفت. بعد از کودتا شاید یکی از مهمترین این نهادها انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه تهران بود که توسط بازرگان و همفکران او بنیاد نهاده شد و اگرچه سیاست دولت در این سال‌ها برای تمرکز قدرت امکان حیات نهادهای غیر دولتی را گرفت اما بخاطر پیروزی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و اعلان سیاست حقوق بشر از سوی آنها بار دیگر امکان تکوین نهادهای مدنی در ایران فراهم شد. شاید مهم‌ترین تشکیل سیاسی در این حوزه انجمن ایرانی دفاع از حقوق بشر بود که توسط مهندس بازرگان و همفکرانش شکل گرفت (مسعودنیا، 1382: 45).

با شکل‌گیری انقلاب 57 در ایران و تدوین قانون اساسی که در آن حقوق و آزادی‌های فردی رسمیت یافت، تشکیل اجتماعات و احزاب آزاد اعلان گردید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحقق جامعه مدنی در چارچوب وجود احزاب گروه‌ها جمعیت‌ها انجمن‌های دینی و سیاسی (اصل 26 قانون اساسی)، تشکیل راهپیمایی‌ها

و اجتماعات (اصل 27 قانون اساسی)، آزادی مطبوعات، نشریات و رسانه‌های گروهی (اصل 24 قانون اساسی)، تشکیل شوراهای کارگری (اصل 7 و 104 قانون اساسی) به‌گونه‌ای تحقق می‌نمود (همان).

در چنین فضایی مشارکت مردم گسترده‌ترین شکل در جامعه وجود داشت اما این مشارکت نه سازمان‌یافته و قاعده مند بلکه توده‌ای و ملهم از اندیشه‌های مذهبی و تحت تأثیر شخصیت کاریزماتیک رهبر انقلاب قرار داشت. حاکم بودن چنین شرایطی بر جامعه سبب گردید تا در ماه‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب سازمان‌های غیر دولتی بوجود آمده رسالت اصلی خود یعنی سازمان‌های مردم‌نهاد را یا فراموش کنند یا مجالی برای تعقیب آن نیابند. به همین دلیل سازمان‌های اخیر خیلی زود کارکرد اصلی خود را فراموش و رویکرد خیریه‌ای و یا تعقیب و تحقق اهداف خود را دنبال کردند و با گذشت زمان مشارکت سازمان‌یافته جانشین حرکت پوپولیستی گردید (مسعود نیا، 1382: 46).

با آغاز جنگ تحمیلی حرکت‌های مردمی در قالب بسیج عمومی و کمک‌رسانی به جنگ سامان یافت. در این دوران به جز تشکل‌های مردمی مانند خیریه‌ها که ریشه در بازار داشتند و در خدمت بسیج توده‌ای درآمدند حضور انجمن شهروندان به علت وقایع سال‌های آغازین دهه 60 با نوعی بدبینی دنبال شد و جز فعالیت تشکل‌هایی که ریشه در نهاد روحانیت یا بازار داشته‌اند (مثل اصناف و خیریه‌ها) اشکال دیگر مشارکت مردم محور کم‌رنگ و کم‌اثر ظاهر می‌شود.

در سال‌های 1358 و 1359 جامعه مدنی در فضای هیجانات پس از انقلاب با وضع بی‌نظیری در تعداد و تنوع مواجه بود. پس از یک افول محسوس در این دوره که تحت تأثیر جامعه مدنی سنتی بوده است نقش تشکل‌هایی مانند کانون‌های صنفی بازار و خیریه‌ای وابسته به دولت و بنیادهای تازه تأسیس مانند بسیج کمک‌های مردمی در جنگ قابل توجه است. از همین رو به دلیل وقوع جنگ و موضوع تهدید خارجی حرکت‌های هیجانی انقلابی‌گری و حفظ بقا برای نظام سیاسی، جامعه مدنی منقبض‌ترین دوران خود را سپری می‌کند و به‌صورت خلاصه می‌توان گفت: گفتمان انقلابی‌گری که به توده به‌عنوان یک عامل اساسی در شکل‌بندی جامعه می‌نگرد گفتمان جامعه مدنی را به شدت به حاشیه می‌برد. با این وجود در 1360 قانون فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی و انجمن‌های مردمی در مجلس به تصویب می‌رسد (معماریان، 1382: 29) پذیرش قطعنامه 598 از سوی ایران، پایان جنگ، رحلت امام و آغاز دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی بیانگر آغاز دوران جدیدی در تاریخ انقلاب بود (ذوالفقاری، 1392: 45).

### تحولات جامعه مدنی ایران در دوره سازندگی (1368 – 1376):

با پایان جنگ و آغاز دوران نوسازی اقتصادی افزایش سطح درآمد سرانه و در نهایت فربه شدن طبقه متوسط اجتماع شهری در حوزه‌های زیر با رشد قابل توجه مواجه می‌شویم:

1-فعالیت فزاینده تشکل‌های دانشجویی

2-افزایش کمی و کیفی مکان‌های فرهنگی و اجتماعی

3-گسترش فضاهای آموزشی

4-گسترش کمی انجمن‌های علمی و تخصصی

گسترش و تاثیر گذاری بیش از پیش فضاهای آموزشی خصوصاً فراگیر شدن فعالیت دانشگاه آزاد اسلامی از اواسط دهه 60 در سراسر کشور و تاسیس مدارس غیرانتفاعی در سال 1371 که بخش خصوصی برای اولین بار در کشور عهده دار آموزش دانش آموزان شد نیز در چارچوب تغییرات این دوره قابل بررسی است (معماریان، 1382: 30).

اگرچه نوسازی اقتصادی تا حدودی به باز شدن فضای عمل اجتماعی کمک می‌کرد اما از آنجا که موضوع جامعه مدنی و توسعه سیاسی در دستور کار دولت و دیگر کانون‌های قدرت در کشور قرار نداشت لذا دچار تحول مهمی نمی‌شود. البته در این مقطع علی‌رغم سبقت‌گیری توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی نوسازی اقتصادی همراه با برخی پیامدهای آن نظیر جایگزین ساختن مدیریت علمی به جای مدیریت ارزشی زمینه را برای شکل‌گیری برخی سازمان‌های غیر دولتی مثل انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها به موزات انجمن اسلامی دانشجویان و حزب کارگزاران سازندگی در جامعه فراهم کرد؛ و حتا به علت شفاف نبودن مرزهای موجود هم در میان نخبگان و مخالفان اجتماعی و هم میان کارگزاران دولت وضعیت موجود به تنش‌های بعضاً حادی می‌انجامد. اعتراضات دانشجویی و از اواخر دهه 70 فشار بر روی نویسندگان و فعالان سیاسی و ایجاد محدودیت در فضای دانشگاهی کشور از جمله اقداماتی است که در این دوره منازعات بسیاری آفریده و در دوره‌های بعد موجب چالش‌های فراوانی می‌شود (معماریان، 1382: 31).

در دوره نوسازی درآمد شهرداری‌ها افزایش می‌یابد. در این دوره شهرداری‌ها با ایجاد منابع مالی موجود از جمله فروش تراکم توانایی مالی زیادی برای خود کسب می‌کنند. این افزایش منابع مالی به دنبال خود تغییر بافت مکان فرهنگی عمومی را به همراه آورد. انجمن‌های محلی در پی آن شرایط مناسب‌تری برای شکل‌گیری پیدا کردند. گرچه گام‌های نخست این رویکرد توسط شهردار وقت جامه عمل پوشانده شد و لی در ادامه در دیگر شهرها الگو برداری شد. یکی از ویژگی‌های جامعه مدنی در دوران سازندگی شکل‌گیری تشکل‌هایی است که در نهایت نوعی جامعه مدنی ابدالی یا عاریتی را با خود به ارمغان آوردند. این تشکل‌ها که غالباً توسط خانواده‌های مسوولان و کارگزاران دولتی ایجاد شد در ظاهر مردمی و غیر دولتی و لی در منابع مالی و جهت‌گیری‌ها دنباله رو دولت بودند. آنان غالباً در این دوره در فضای بین‌المللی به‌عنوان نمایندگان جامعه مدنی ایران حضور پیدا کردند. در حالی که کمتر میان آنان افرادی را می‌توان یافت که واقعاً نمایندگی جامعه مدنی را عهده دار باشد. نحوه شکل‌گیری

تشکیل جامعه مدنی بدلی در ایران در سال‌های گذشته یکی از موضوعات مهمی بوده است که سمت و سوی جامعه مدنی در ایران را با چالش روبه رو کرده است. دولت نیز در مواقع لزوم با توجه به رویکردهای جامعه مدنی بدلی که در حقیقت دنباله رو خود اوست منابع و امکانات را به نام مردم و به نام سازمان‌های جامعه مدنی در اختیار این مجموعه قرار می‌دهد. هم‌اکنون در تهران بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی با این ویژگی حضور دارند که به راحتی می‌توانند با دولت پروژه‌های مختلفی را به امضا برسانند و البته در سمینارهای دولتی شرکت کنند و حتی در برخی موضوعات حساس مانند حقوق بشر به فعالیت بپردازند. در مواردی هم که سازمان‌های جامعه مدنی با دولت اختلاف نظر دارند موضع گیری سازمان‌های یادشده عملاً به تقویت موضع دولت می‌انجامد نه سازمان‌های مردمی (همان: 31).

در دولت اصلاحات (1376 - 1384) و پس از دوم خرداد 1376 وضعیتی شکل گرفت که گروه‌های محذوف اجتماعی و سیاسی را نیز به فعالیت‌های اجتماعی وادار کرد. فربه شدن طبقه متوسط شهری در این دوران با ایجاد شبکه‌های غیر رسمی انتقال دانش، معرفت و آگاهی‌های عمومی و با توجه به زمینه سازی‌های بوجود آمده در دوران نوسازی و البته شرایط جدید بین المللی درحوزه ارتباطات دست به دست هم دادند تا پویای اجتماعی مشترکی با اصلاح طلبانی که خود از خانواده قدرت محسوب می‌شدند در این مرحله آنان را همراهی کنند. در این انتخابات جنبش‌های خرد و کلان اجتماعی با هم در یک نقطه پیوند خوردند و به صورتی اعتراض آمیز در انتخابات شرکت کردند: جنبش زنان، جوانان، ایرانیان خارج از کشور، سبزها، جنبش فرهنگی - قومی، حقوق یا محرومان اداری و حاشیه نشینان شهری از جمله این گروه‌ها بودند (همان، 30).

استراتژی تقویت جامعه مدنی در زمان آقای خاتمی که با استقبال گسترده نخبگان و روشنفکران و البته مردم همراه بود بیشتر واکنشی به انحصار دولت بود که در سال‌های پیش از دو خرداد به صورتی رشد یافته بود؛ یعنی اگر در دهه 60 و 70 میلادی تقویت جامعه مدنی و صنوف در اروپای شرقی نظام تک حزبی روسی را به چالش می‌کشید و اگر در غرب همین موضوع باعث یافتن راهی برای جلوگیری از افزایش دامنه فردگرایی در جامعه گردید، تقویت جامعه مدنی در ایران پس از دوم خرداد اعتراض به نسبت میان دولت و حکومت و همچنین اراده برای تغییر وضعیت موجود و تحقق واقعی مفهوم شهروند بود تا بدین ترتیب حوزه عمومی از حوزه حکومتی که دخالت در همه امور را از وظایف خود می‌دانست جدا شود، حضور مردم را به صورت نظام‌مند در عرصه‌های مختلف در سال‌های پیش و بعد از انقلاب به صورت تزیینی درآورده بود و ارتباط حکومت با مردم جز همان ارتباط سنتی توده‌ای که در نمازهای جمعه تظاهرات دولتی بر له یا علیه این و آن و یا صندوق‌های رأی راه دیگری نداشت. به این موضوع در دوره نوسازی به شدت دامن زده شده بود و همین موضوع نیروی محرکه زیادی را پس از بوجود آمدن نوعی فضای باز پس از دوم خرداد ایجاد کرد. اما پس از چندی، با بسته شدن مطبوعات آزاد، به زندان افتادن روزنامه نگاران، کشته و ناپدید شدن روشنفکران و نویسندگانی که آن‌ها را که موجب سرنگونی نظام قلمداد کردند و از این منظر

به مخالفت جدی با آن پرداختند - برای مثال یکی از افرادی که در این طبقه می‌گنجد می‌گوید: (... تمرین دموکراسی به قیمت از دست رفتن نظام است ...). - درگیری‌های ایدئولوژیک پیرامون مفهوم جامعه مدنی ادامه یافت.

فشارها از سوی کسانی که جامعه مدنی را مترادف فساد و تباهی جامعه و شکل‌گیری جامعه را به سبک غربی می‌دانستند آنچنان افزایش یافت که آقای خاتمی در یک سخنرانی مراد از (جامعه مدنی) (مدینه النبی) نامید تا فشاری را که در این مسیر به اصلاح طلبان از سوی مذهبی‌ها وارد می‌آمد خنثی کند. هرچند تلقی‌های بسیار متفاوت از این واژه هنوز هم رایج است اما در این زمان با فعال شدن شکاف‌های موجود و حمایت گروه کثیری از رأی دهندگان ایرانی از بخش انتخابی حکومت منجر به تقویت گروه‌های فشار شد. دقیقاً در این دوره است که گروه‌های فشار نه به‌عنوان بخشی از جامعه مدنی بلکه به‌عنوان اهرم کانون‌های قدرت به تحدید آزادی‌های موجود پرداختند. گروه‌های فشار اگرچه در دوران نوسازی با آتش زدن کتاب فروشی‌ها و یا برهم زدن جلسات سخنرانی استادان دانشگاه و دگراندیشان حضور خود را در جامعه اعلام کرده بودند، اما در این دوران فعالیت خود را گسترده‌تر کردند و به تهدید نهادهای جامعه مدنی پرداختند. از سوی دیگر احزاب در این سال‌ها همچنان انتخابات محوری خود را حفظ کردند و فراتر از گروه‌های فشار که تنها در زمان انتخابات به فعالیت می‌پردازند در یک اقدام وسیع صد حزب و تشکل مجوز فعالیت گرفتند. در این دوران سازمان‌های جامعه مدنی از جمله سازمان‌های غیر دولتی، خیریه‌ها و انجمن‌های علمی و تخصصی افق‌های جدیدتری پیش رو دیدند. برای مثال، هشتاد و ششمین شورای عالی اداری به ریاست رییس جمهور (11/ 12/ 1378) مصوبه‌ای را در خصوص فعالیت سازمان‌های غیر دولتی ارائه کرد. پس از آن در تدوین برنامه سه توسعه کشور نزدیک به 10 ماده از 198 ماده موجود در خصوص تشکل‌های مردمی و چه‌گونگی فعالیت و یا ثبت و یا حمایت از آن‌ها بود. در مدت کمتر از سه سال تشکل‌های مردمی رشد کمی بسیار یافتند تنها در بخش جوانان تا پایان شهریور 1382 خورشیدی 1500 سازمان غیر دولتی جوانان از سازمان ملی جوانان مجوز گرفتند که اگر تشکل‌های بدون مجوز آماده اخذ مجوز را به آن اضافه کنیم این عدد به نزدیک 200 گروه می‌رسد. این عدد در مورد سازمان غیر دولتی؛ زنان به 330، محیط زیست 480، انجمن‌های علمی 114، انجمن‌های فرهنگی 1400 و صندوق‌های قرض الحسنه 4500 مورد رسید. علاوه بر تشکل‌های جوانان در سطح شهرها تشکل‌های دانشجویی نیز به شدت رشد و گسترش یافتند. رشد نشریات دانشجویی نیز در این دوران بی سابقه به شمار می‌رود. در این شرایط فعالان جامعه مدنی اندک اندک موضوع اهمیت طراحی جامعه مدنی را در حوزه ساختارها، قوانین و زمینه‌های فرهنگی مورد توجه قرار دادند که برگزاری انتخابات شوراها از این دست اقدامات بود. برگزاری اولین دوره انتخابات شهر و روستا که 400000 منتخب را برای اداره امور شهر و روستا در اختیار مردم قرار می‌داد و البته از نقش دولت در این زمینه می‌کاست پس از 20 سال که از آغاز انقلاب اسلامی می‌گذشت گامی مهم در جهت واگذاری مدیریت شهرها و روستاها به مردم به شمار می‌آمد (همان: 28).



شوراهای اسلامی که بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در سال 1375 در چهار رده شوراهای روستا، بخش، شهر و شهرک شکل می‌گیرند به‌عنوان عمومی‌ترین نهاد مشارکت مردمی در سراسر کشور شناخته می‌شوند که به لحاظ گستردگی حضور در تمامی روستاها شهرها و شهرک‌ها وسیع‌ترین نهاد مدنی قانونی به شمار می‌روند. بر اساس اصل صد قانون اساسی هدف از تشکیل شوراها پیشبرد امور مردم از طریق همکاری خود آنان و نظارت بر چگونگی انجام این امور و عملکرد مسوولان اجرایی از طریق شوراهاست (عدنانی، 1377: 35).

در حوزه تغییر قوانین سازمان‌های جامعه مدنی در پایان سال 1379 نیز 33 نفر از فعالان سازمان‌های غیر دولتی برای تهیه پیش نویس یک قانون برای سازمان‌های جامعه مدنی برای اولین بار گرد هم آمده و طی 20 جلسه پیش نویس مورد اشاره را تهیه کردند؛ اما پیش نویس مزبور که وضعیت صدور پروانه، فعالیت، نظرات، حقوق و تکالیف را تاحدودی مشخص می‌کرد سرانجام خوشی نیافت (معماریان، 1382: 87).

با روی کار آمدن دولت اصول‌گرای نهم و دهم (1384-1392) وضعیت گذشته تغییر کرد و به اذعان اکثر کارشناسان و صاحب‌نظران سیاسی و اجتماعی با آغاز دولت نهم و کنار رفتن مساله جامعه مدنی و جایگزین شدن آن با گفتمان عدالت محور عرصه فعالیت نهادها و سازمان‌های مدنی بسیار تنگ شد و این نهادها همچون گیاه تازه جوانه زده ای پژمردند. در دولت‌های نهم و دهم گفتمان عدالت محور سبب گردید تا جامعه مدنی جای خود را به جامعه توده وار یا پوپولیستی دهد و در نتیجه نهادهای مدنی بسیار بیش از آنچه در گذشته در حقیقت اجحاف شد بود، به انزوا رفتند. در این زمان شرایط برای سازمان‌های غیر دولتی تا اندازه‌ای دشوار شد و در همه جا اخباری جز حاشیه نشینی و سرخوردگی این نهادها و تشکله‌ها به گوش نمی‌رسید و جالب این بود، برخی علت برخورد‌های این چنین با این نهادها را جلوگیری از سو استفاده برای اقدامات جاسوسانه می‌دانستند. اگرچه آماردقیقی از نهادهای مدنی در این سال‌ها در دست نیست اما از آنچه بدست آمده می‌توان اینگونه بیان کرد که بسیاری از نهادهای مدنی که پیش از این موجودیت داشتند در این سال‌ها برای تمدید مجوز اقدام نکردند یا مجوز قبلی آن‌ها تمدید نشد و اساساً، گروه‌های کمتری نسبت به ایجاد تشکلهای جدید اقدام کرده‌اند.

به مناسبت، به برخی از آمارها در این زمینه اشاره می‌گردد: مثلاً تعداد انجمن‌های صنفی که در دولت‌های نهم و دهم مجوز گرفته‌اند به ترتیب سال بدین شرح است:

سال 84: 4 مجوز، سال 85: 22 مجوز، سال 86: 18 مجوز، سال 87: 16 مجوز، سال 88: 32 مجوز، سال 89: 25 مجوز، سال 90: 27 مجوز و سال 91: 26 مجوز صادر شده است که همین تعداد به نسبت سال‌های گذشته کاهش یافته است (وزارت کشور 08 / 1392).

در زمینه اقلیت‌های دینی تعداد مجوزهای صادر شده بدین ترتیب هست: سال 84 هیچ پروانه‌ای صادر نشده، سال 85: 6 مجوز، سال 86: 1 مجوز، سال 87 هیچ پروانه‌ای صادر نشده، سال 88: 1 مجوز و از سال 88 به بعد هیچ مجوزی صادر نشده و اکثر اقلیت‌هایی که تا این سال پایان یافته دیگر نسبت به تمدید آن اقدام نکرده‌اند که تمامی مجوزهایی که در این 8 سال صادر شده‌اند تنها 15 درصد از مجوزهایی را تشکیل داده‌اند که در سال‌های پس از انقلاب صادر شده‌اند (وزارت کشور 08 / 1392).

همچنین تشکل‌های سیاسی به ثبت رسیده در وزارت کشور در این سال‌ها به شرح زیر است:

سال 84: 2 مجوز، سال 85: 10 مجوز، سال 86: 1 مجوز، سال 87: 1 مجوز، سال 88: 4 مجوز، سال 89: 2 مجوز، سال 90 هیچ مجوزی صادر نشده و سال 91: 1 مجوز صادر شده که تنها 9 درصد از تشکل‌های سیاسی پس از انقلاب در این سال‌ها از وزارت کشور مجوز گرفته‌اند (سایت وزارت کشور 08 / 1392).

و اما تمامی انجمن‌های علمی ثبت شده در این سال‌ها 3 انجمن هست که به سال‌های 84، 85 و 89 تعلق دارند که تنها 16 درصد از انجمن‌های علمی در سال‌های پس از انقلاب به این دوره تعلق داشته‌اند. (سایت وزارت کشور 08 / 1392) با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید (دولت 11 و 12) بار دیگر به اهمیت نهادهای مردم نهاد پی برده شد؛ و بار دیگر امید به داشتن ایجاد جامعه مدنی و تأسیس سازمان‌های مردم نهاد به وجود آمد. از جمله این در این دوران منشور حقوق شهروندی تدوین شد. به گفته ی وزیر تعاون در دولت یازدهم حداقل 40 درصد به تشکل‌های کارگری افزوده شده است و تا پایان سال 95: دوازده هزار و هفتصد و هفتاد و چهار تشکل افزایش یافته است که نشان دهنده ی رشد حدودی 1.5 درصد است همچنین در 4 ماهه سال جاری 50.7 درصد روند افزایشی داشته‌ایم در واقع در این 4 ماه، سیزده هزار و سیصد و چهل و دو تشکل کارگری افزایش یافته است. در تشکل‌های کارگری از 730 انجمن صنفی در سال 95 به 14.47 انجمن رسیده‌ایم و از 39.28 نماینده‌ی کارگری به 64.70 نماینده ی کارگری دست پیدا کرده‌ایم (خبرگزاری موج، 16 دی 1396).

به گفته‌ی مدیر کل آموزش مشارکت‌های مردم سازمان محیط زیست: رشد 100 درصدی سمن‌ها (سازمان های مردم نهاد) را در حوزه ی محیط زیست در دولت یازدهم و دوازدهم شاهد بوده‌ایم. و تاکنون 800 سمن (سازمان های مردم نهاد) فعال در سراسر کشور به صورت رسمی و تخصصی فعالیت می‌کنند.

### مفهوم اینترنت:

دنيس مك كوايل اينترنت را چنين تعريف مي‌کند: نظام گسترده‌ی جهانی شبکه‌های به‌هم‌پیوسته که با استفاده از زیرساخت ارتباطات دور که در حال حاضر شمار زیادی از انواع مبادلات و ارتباطات کامپیوتری را پشتیبانی می‌کند و دربرگیرنده‌ی رایزنی بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌ها و صفحه‌های وب، برهم‌کنش‌هایی به صورت گفتگو، پست

الکترونیک و انواع مختلفی از معاملات مالی و تجاری الکترونیک است (مک کوایل، 2005:558). به بیان دیگر اینترنت سامانه‌ای جهانی از شبکه‌های رایانه‌ای به هم پیوسته است که از پروتکل‌هایی مجموعه‌ی پروتکل اینترنت برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند؛ به عبارت دیگر اینترنت مجموعه‌ای از یک میلیون‌ها شبکه خصوصی، عمومی، دانشگاهی، تجاری و دولتی در اندازه‌های محلی و کوچک تا جهانی و بسیار بزرگ تشکیل شده است. اینترنت دربرگیرنده‌ی منابع اطلاعاتی و خدمات گسترده‌ای است که برجسته‌ترین آن‌ها وب جهان‌گستر و رایانامه است. سازمان‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی و مؤسسات متعدد، نیازمند دستیابی به شبکه‌ی اینترنت برای ایجاد یک وبگاه، دستیابی از راه دور وی پیان، انجام تحقیقات و یا دوباره تعریف شده‌اند و خدماتی جدید همچون صدا روی پروتکل اینترنت تلویزیون پروتکل اینترنت ظهور کردند. انتشار روزنامه نیز به صورت وبگاه و وب‌نوشت تغییر شکل داده است. اینترنت اشکال جدیدی از تعامل بین انسان‌ها را از طریق پیام‌رسانی فوری، تالار گفتگو و شبکه‌های اجتماعی به وجود آورده است. از نگاهی دیگر اینترنت مجموعه‌ی پایان‌پذیری از پایگاه‌های داده است که اطلاعات مختلف و متنوع فردی و جمعی انسان‌ها را در خود جمع آورده است و هر روز نیز گسترش می‌یابد. همین تعریف به خوبی فرصت‌ها و نیز تهدیدهایی را که در ورای آن نهفته است، نشان می‌دهد پتانسیل‌های مثبت و کاربردهای مفیدی که جنبه‌های گوناگون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و تسریع، تسهیل و خلاقیت را برایش به ارمغان می‌آورد که این بخشی از توانایی‌های معجزه‌آسای این شبکه است اما روی دیگر سکه خطرات بالقوه‌ی آن است و از آنجاکه دانش فنی ساختار و عملکرد این شبکه چندان مخفی و دور از دسترس نیست این خطرات می‌توانند به خساراتی بزرگ مبدل شوند.

اینترنت سیستم عظیم و جهانی متشکل از انسان، اطلاعات و رایانه است. (عبادی، 1383:57). فناوری اطلاعات به ویژه اینترنت، دربردارنده‌ی سخت‌افزار، نرم‌افزار، انسان افزار و شبکه افزار است که فرآیند پویای اطلاعات، در قالب اثربخشی این فناوری امکان‌پذیر است (مدا، 2003). اینترنت انقلاب عظیم در دنیای ارتباطات است که مرز جغرافیایی نمی‌شناسد (لنر، 2001). هر چند که تعریف اینترنت به دلیل سیال بودن آن دشوار است (کاستیگن، 1999:78). از نظر دیماگیو اینترنت شبکه‌های الکترونیکی از شبکه‌هایی است که خانه‌ها و دفاتر کاری را به یکدیگر متصل می‌سازد و مردم از آن برای تبادل پست الکترونیک، مشارکت در فضاهای تعاملی گوناگون و مشاهده‌ی سایت‌های اطلاعاتی شبکه گسترده جهانی بهره می‌گیرند (دیماگیو، 2003:58).

در عصری که عصر فرا ارتباطات نامیده می‌شود، به سختی می‌توان منکر اینترنت به عنوان یک متغیری چنین قدرتمند در عرصه‌ی زندگی بشر شد. اگرچه بنا به تعریفی فناوری سازمان‌دهی دانش برای مقاصد علمی به کار می‌رود (باتر، 1998:27). اما نباید زوایای منفی و ناهنجار آن را نادیده گرفت. امروزه رسانه‌های جمعی یکی از پیچیده‌ترین عناصر قابل طرح در انحرافات اجتماعی هستند. توسعه‌ی اینترنت فراهم‌کننده‌ی پشتوانه‌ی مادی مناسب برای گسترش فردگرایی شبکه‌ای به عنوان الگوی مسلط جامعه‌پذیری است (کاستلز، 2001:131).

اگرچه اینترنت امروزه مانند تلفن یک نیاز اساسی محسوب نمی‌شود، اما دارای خصوصیتی است که سبب جذب جوانان می‌شود (اسکینر، 3، 2003). و زمان زیادی نخواهد گذشت که اهمیت آن به اهمیت تلفن برسد (مکنا، 27:2000).

دنيس مک کوايل<sup>13</sup> اینترنت را چنین تعريف می‌کند: نظام گسترده ی جهانی شبکه‌های به‌هم‌پیوسته که با استفاده از زیرساخت ارتباطات دور، شمار زیادی از انواع مبادلات و ارتباطات کامپیوتری را پشتیبانی می‌کند و دربرگیرنده بانک‌های اطلاعاتی، سایت‌ها و صفحه‌های وب، برهم‌کنش‌هایی به‌صورت گفتگو، پست الکترونیک و انواع مختلفی از معاملات مالی و تجاری الکترونیک است (مک کوايل، 2005:558).

درواقع، اینترنت نامی برای یک سیستم گسترده و جهانی شامل مردم، اطلاعات و کامپیوترها ست. و در اینجا به برخی از ویژگی‌های آن اشاره می‌شود:

### 1- تمرکززدایی:

اینترنت یک سیستم ارتباط غیر متمرکز است. هر کس به اینترنت وصل است شبیه سیستم تلفن می‌تواند تماس برقرار کرده و پیام مورد نظرش را ارسال کند. حتی می‌تواند پیامش را برای دریافت کنندگان متعدد ارسال نماید. اینترنت همچنین در سطح تشکیلات بنیادین نیز غیر متمرکز هست چرا که شبکه ی از شبکه‌هاست (پوستر، 1995: 95). تمرکز زدایی، نه تنها توزیع اطلاعات بلکه همچنین شیوه ی ارتباط را تغییر می‌دهد: ارتباط در اینترنت میان عده‌ای زیاد است و هر مصرف کننده ی اطلاعات همزمان تولید کننده ی اطلاعات نیز هست. بدین صورت است که اعمال قدرت بر روی یکی از مهم‌ترین منابع دموکراسی یعنی اطلاعات از طریق نهادهای متمرکز (حکومتی) به استفاده کنندگان فردی اینترنت منتقل می‌شود.

### 2- تکه تکه بودن:

اینترنت یک جوهر یا ذات واحد نیست بلکه از صدها شیوه ی متفاوت انتقال اطلاعات و ارتباطات ساخته شده است و نه تنها یک تنوع تکنیکی بزرگ بلکه همچنین به لحاظ اجتماعی یک تنوع بی شمار در اینترنت وجود دارد. تارنماهای جهان گستر، تارنماهای گپ و گفتگو، گروه‌های خبری، پست الکترونیک سیستم‌های برگزاری کنفرانس و ... امکانات تکنیکی‌ای است که در اینترنت برای برقراری ارتباط و مبادله ی اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد (شالکن، 1998:87).

### 3- مجازی بودن:

---

<sup>13</sup> Denis Mc-Quail

یکی از مفاهیم اصلی در جامعه‌ی معاصر متأثر از اینترنت، مجازی بودن و تغییر ماهیت زمان و مکان است. به واسطه وضعیت آن لاین، ارتباطات از فاصله زیاد و هم زمان ممکن می‌شود و این همزمانی و نزدیک سازی (برداشتن محدودیت‌های زمان و مکان) محدودیت‌های مرزی را بر می‌دارد. لذا قلمرویی که مردم در آن ارتباط برقرار می‌کنند و دست به کنش می‌زنند مجازی است زیرا مکان‌های اقامت در اینترنت در اساس مجازی است. طبق نظر مک لوهان تکنولوژی ارتباطات جهان را به صورت یک دهکده‌ی جهانی در می‌آورد. امروزه در اینترنت نه تنها یک دهکده جهانی هستی یافته است بلکه تعداد زیادی از دهکده‌های جهانی یا اجتماعات مجازی به وجود آمده‌اند که فاقد محدودیت‌های زمانی و مکانی هستند (شالکن، 1998: 78).

#### 4- جهانی بودن:

در اینترنت یک موضوع یا رویداد که توجه افراد و گروه‌های وسیع انسانی را جلب می‌کند می‌تواند در دسترس همگان قرار بگیرد. چنان‌که حتی رسانه‌های خبری فراگیر نیز نمی‌تواند به این تعداد افراد دسترسی داشته باشند (مهدی زاده، 1383: 75).

#### 5- تعاملی بودن:

در حالی که ارتباطات توسط رادیو و تلویزیون یک سویه است، ارتباطات کامپیوتری دو یا چند سویه می‌باشد. افراد می‌توانند با استفاده از کامپیوتر با دیگران به طور مستقیم ارتباط برقرار کرده و ضمن کسب اطلاعات در مباحث عمومی نیز شرکت کنند. این کار با استفاده از یک ((مودم)) و یک خط تلفن امکان پذیر است. برای مثال بسیاری از صفحات اعلان کامپیوتری و سایت‌ها دارای امکان برگزاری نوعی کنفرانس در رابطه با مباحث سیاسی هستند به طوری که افراد می‌توانند عقاید و اندیشه‌های خود را منعکس نمایند و سایرین در صورت تمایل به آن‌ها پاسخ دهند. این وضعیت شکل جدیدی از تعامل و گفت و گوی عمومی را پدید می‌آورد (کلنر، 2003: 56).

#### محیط‌های اینترنتی:

با توجه به ویژگی‌هایی که در محیط‌های اینترنتی وجود دارد، محیط‌های اینترنتی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد؛ تعاملی و شبه تعاملی:

#### محیط‌های تعاملی در اینترنت:

محیط‌های تعاملی در اینترنت، به محیط‌هایی می‌گوییم که در آن کاربران می‌توانند ارتباط دو طرفه برقرار نمایند، مثل چت و ایمیل که جهت تأثیر این محیط‌ها بر ارزش‌های خانواده از تئوری کنش ارتباطی هابرماس و در زمینه‌ی تشکیل گروه‌ها در محیط‌های تعاملی اینترنت از تئوری کلی و ولخارت در زمینه تأثیر گروه می‌توان استفاده کرد.

محیط تعاملی اینترنت را می توان فضایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت و گو می پردازند چرا که فضای صمیمیت و ابراز احساسات در محیط های تعاملی اینترنت شکل می گیرد و کاربران از یکدیگر تأثیر پذیرفته و نیازهای خود را باهم مطرح کرده، گروه ها می توانند مسائل و مشکلات خود را مطرح و انسان ها انرژی عاطفی خود را در این محیط ها مصرف نمایند که این تخلیه انرژی، احتمالاً بر ارزش و اهمیت خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر می تواند مؤثر واقع شود.

کلی و ولخارت<sup>14</sup> دریافتند افرادی که از انگیزه بالایی برای حفظ عضویت در گروه برخوردارند، و بنابراین وابستگی بیشتری به تایید دیگران دارند، بعید به نظر می رسد که ارتباطات و پیام هایی را قبول نمایند که نقطه مقابل هنجارها و ارزش های گروه هستند. اعضا هرچه بیشتر مورد پذیرش گروه قرار بگیرند، احتمال تأثیر پیام بر گروه بیشتر است. مناظره ی گروهی نسبت به سخنرانی ها از اثر بخشی دراز مدت تری در تغییر نگرش ها برخوردار است. همچنین اگر این مناظره ی گروهی به طور آزادانه برگزار شود تأثیر بیشتری در اثر بخشی اعضا گروه خواهد داشت، بحث و مناظره آزاد در افکار و عقاید تغییر بیشتری به وجود می آورد. هر چه کاربر اینترنتی احساس کند که در محیط اینترنت بیشتر مورد پذیرش واقع می شود احتمالاً باعث خواهد شد که بر ارزش های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر مؤثر واقع شود و همچنین هرچه کاربران بیشتر وارد بحث و مناظره گروهی شوند احتمالاً باعث مطرح کردن موضوعات خود در محیط های تعاملی اینترنت می شوند و کمتر مسائل خود را با خانواده مطرح می کنند و باعث کم اهمیت شدن ارزش خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر نزد فرد می شود.

محیط های شبه تعاملی در اینترنت:

محیط های شبه تعاملی، به محیط هایی می گوئیم که کاربر نمی تواند در آن محیط ها ارتباط دو طرفه برقرار کند، مثل انواع صفحات وب در اینترنت که جهت تأثیر این محیط ها بر ارزش های خانواده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر از تئوری های ارتباط جمعی استفاده می شود که البته ممکن است برای محیط های تعاملی نیز بکار رود (مقتدایی، 1395 : 11-12).

### اینترنت در ایران:

ایران در سال 1993 میلادی (1372 خورشیدی) به اینترنت متصل شد. از آن زمان تعداد کاربران اینترنت در ایران روند فزاینده ای داشته است. بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی وزارت ارتباطات بر اساس محاسبه ی مرکز مدیریت توسعه ی ملی اینترنت (متما) ضریب نفوذ اینترنت در کشور در سه ماه نخست 1393 عدد 82/12 درصد است که بر مبنای سرورهای اینترنتی ارائه شده محاسبه شده است. در این محاسبه تعداد کاربران اینترنت در سه ماهه نخست آن سال شصت و یک میلیون و هفتصد و نه هزار و نهصد و بیست و نه نفر و تعداد کل مشترکان

<sup>14</sup> Clay & Volkhart

اینترنت در کشور بر مبنای جمعیت هفتاد و پنج میلیون و صد و چهل و نه هزار نفر 279 نفر ادغام شده است. در گزارش ضریب نفوذ اینترنت در ایران بیشترین اتصالات کاربران ایرانی مربوط به اینترنت تلفن همراه است و پس از آن اینترنت ADSL<sup>15</sup> بیشترین کار را به خود اختصاص داده است. بر این اساس ضریب نفوذ اینترنت ADSL در کشور به 22/07 درصد و ضریب نفوذ اینترنت تلفن همراه با توسعه 3G در کشور به 67/28 درصد رسیده است که نشان می‌دهد حداقل بیست و نه میلیون ایرانی متصل می‌شوند. برآوردها از سایر شاخص‌های اتصالات در کشور نشان می‌دهد که همچنان شش میلیون و نهصد و سی و چهار هزار و هفتصد و شصت نفر در ایران از طریق تلفن دایال آپ به اینترنت متصل می‌شوند (گروه مولفان، 1395).

### مفهوم شبکه‌های اجتماعی:

شبکه اجتماعی ساختاری اجتماعی است متشکل از گره‌هایی<sup>۱۶</sup> که عموماً این گره‌ها فرد یا سازمان هستند که به واسطه انواع پیوندها و وابستگیها مانند اشتراک در ایده‌ها و ارزشها، تبادلات مالی، دوستی‌ها، خویشاوندی، لینک‌های وب، اشتراک در بیماری‌ها (اپیدمولوژی) به هم متصل‌اند. شبکه‌های اجتماعی، در واقع محصول تعامل تعدادی از بازیگران اجتماعی هستند که هر یک از این بازیگران ممکن است یک فرد یا یک گروه یا یک سازمان باشند و هر یک از این بازیگران، اصطلاحاً گره‌ای در یک شبکه بزرگ را تشکیل می‌دهند که با گره‌های دیگر در ارتباط بوده و می‌توانند با یکدیگر پیام‌هایی را رد و بدل کنند. (احمدی؛ 1385 : 25) در حال حاضر، اینترنت مجال شکل‌گیری اجتماعات جدیدی را فراهم کرده است و این شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، در عین حال که فضاهایی هستند که در آن‌ها افراد دوستان جدیدی پیدا می‌کنند و یا دوستان قدیمی را در جریان تغییر و تحولات زندگی خود قرار می‌دهند، مکان‌هایی نیز برای تبادل نظر هستند که در آن‌ها جوانان عقاید و نظرات خود را با هم به اشتراک می‌گذارند. این قابلیت که شخص بتواند با افرادی از جوامع دیگر ارتباط برقرار کند باعث شده تا این شبکه‌ها به مکانی تبدیل شوند که در آن‌ها ایده‌های جدید معرفی و مورد بحث قرار گیرند. شبکه‌های اجتماعی فضاهایی هستند که بر محور علایق، ارزش‌ها، ایدئولوژی و یا نوستالژی مشترک شکل می‌گیرند و باید میان شبکه‌های اجتماعی در فضای واقعی با شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی تفاوت قایل شد زیرا در شبکه‌های اجتماعی مجازی روابط چهره به چهره شکل نمی‌گیرد (ادی و الیسو، 2007 : 82). در تعریفی دیگر، شبکه اجتماعی اینترنتی، شبکه‌ای است که جامعه‌ای مجازی را برای افراد علاقه‌مند به موضوعات خاص یا تنها علاقه‌مند به ارتباط با دیگر اعضا از طریق ایجاد نمایه‌ای شخصی روی شبکه با داده‌هایی که مرتبط با تاریخچه زندگی اعضا و اطلاعات شخصی آن‌ها، تصاویر، علایق و مواردی که از آن‌ها تنفر دارند و یا هرگونه اطلاعات دیگری که کاربران برای ارسال از طریق صدا، پیام فوری، ویدئو کنفرانس و وبلاگ‌ها انتخاب کرده‌اند فراهم می‌آورد شبکه‌های اجتماعی متشکل از افراد (یا

---

<sup>1</sup>.ADSL

سازمان‌ها) هستند که توسط یک یا چند نوع علاقه خاص به هم گره خوره اند . وابستگی هایی مثل دوستی خویشاوندی منافع مشترک تبادل مالی علاقه خاص به یک موضوع باورهای مشترک دانش و هنر و ... تجزیه و تحلیل شبکه‌های اجتماعی و تحلیل تئوری های موجود نشان می دهد که اصلی ترین نکته در هر شبکه ای روابط است و از آنجا که درک و فهم این روابط در سطح و گستره یک شبکه بسیار مشکل و غیر ممکن است تحلیل شبکه‌های اجتماعی نیز کاری بسیار دشوار می نمایاند. شبکه‌های اجتماعی در بسیاری از سطوح فعالیت می کنند از خانواده تا سطح کشورها و بین الملل و نقش مهمی در تعیین راه حل مشکلات یا ایجاد آن‌ها دارند. جامعه مجازی در ساده ترین شکل آن بستری است برای ایجاد روابط مشخص مانند دوستی بین گروه‌هایی که به افراد متصل هستند در نتیجه ارتباطات اجتماعی از آن فرد به شبکه و از شبکه به کل افراد سرایت می کند.

تجزیه و تحلیل شبکه اجتماعی به‌عنوان یک تکنیک کلیدی در جامعه شناسی مدرن پدید آمده است . به اعتقاد کاستلز شبکه‌های اجتماعی محصول همگرایی سه فرآیند تاریخی مستقل هستند:

#### 1-انقلاب اطلاعات

#### 2-تجدید ساختار سرمایه داری و اقتصاد متکی به برنامه ریزی

#### 3-نهضت های فرهنگی دهه 1960

### تاریخچه شبکه‌های اجتماعی:

نخستین بار مفهومی با عنوان شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در سال 1960 در دانشگاه ایلی نویز در ایالت متحده آمریکا مطرح شد اما بعدها در 1997 نخستین سایت شبکه اجتماعی اینترنتی به آدرس (SixDegrees.Com) راه اندازی گردید. این سایت به کاربرانش اجازه ایجاد پروفایل می داد تا بتوانند لیستی از دوستانشان ایجاد کنند. البته این سایت در کار خود موفق نبود و بعد از سه سال متوقف شد. بعد از انفجار مرکز تجارت جهانی، دو شبکه اجتماعی اورکارت و لینکداین تاسیس گردید که باعث شکوفایی وب سایت های شبکه‌های اجتماعی در اینترنت شد. در سال 2004 سایت های شبکه اجتماعی اورکات با هفت میلیون کاربر صاحب بیشترین کاربران در این حوزه بود. در همین سال شبکه اجتماعی فیس بوک توسط مارک زوکربرگ در خوابگاه دانشگاه هاروارد راه اندازی شد. سال 2006 سال گسترش روزافزون کاربران و بازدیدکنندگان وب سایت های شبکه‌های اجتماعی بود. در این سال دسترسی عمومی مردم به فیس بوک آزاد شد. زیرا در دو سال قبل این سایت تنها به صورت پایلوت در دانشگاه هاروارد استفاده می شد همچنین توییتر نیز در این سال پا به عرصه وب سایت های اجتماعی گذاشت . در سال 2008 فیس بوک با ایجاد صفحات اصلی وب سایت خود به زبان‌های مختلف موجب رشد چشم گیر کاربران و



کاربری سایت خود شد. بعد از راه اندازی فیس بوک ابتدا اکثر دانشجویان هاروارد و بعد از آن بسیاری دنیا و بزرگ ترین چهره های جهانی و جمعیت بسیار زیادی از مردم سرتا سر عضو این شبکه اجتماعی هستند. در ایران، شبکه های اجتماعی به طور گسترده با اورکات<sup>17</sup> رواج پیدا کرد و آنقدر سریع رشد کرد که بعد از برزیل و آمریکا ایران سومین کشور حاضر در استفاده از این شبکه ی اجتماعی شد. از انواع شبکه های اجتماعی می توان به توییتر، فیس بوک، لینکداین، پین ترست، یوتیوب و آپارات، گوگل پلاس، اینستاگرام، تامبلر، فوراسکوئر، فیس نما، کلوب و... اشاره کرد.

### مفهوم نگرش:

پژوهشگران جامعه شناسی و روانشناسی واژه نگرش را مناسب ترین معادل برای (Attitude)<sup>18</sup> معرفی کرده اند؛ اما از سوی دیگر معادل های متعددی همچون طرز تلقی، وجه نظر، هیات روانی، طرز فکر، شیوه رفتار و ... نیز برای این واژه مورد استفاده قرار گرفته است. نگرش یک سازه فرضی است زیرا به صورت مستقیم قابل مشاهده نیست بلکه بیشتر با اظهارات کلامی و رفتاری همراه است (کریمی و همکاران، 1385: 293).

ترکیب شناخت ها، احساس ها و آمادگی ها برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز معین می گویند (کریمی، 1373: 295).

اکثر روانشناسان اجتماعی واژه ی نگرش را اینگونه تعریف می کنند: نگرش نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی یک عنصر احساسی و تمایل به عمل است. عنصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یکشی یا اندیشه است. عنصر احساسی یا عاطفی آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد شود (همان).

نگرش ها بر سه دسته اند:

الف) نگرش های مبتنی بر شناخت: اگر ارزیابی فرد بیش از هرچیز مبتنی بر باور او در مورد خصوصیات موضوع نگرش باشد (ارونسون و همکاران، 1385: 120).

ب) نگرش های مبتنی بر عواطف: نگرشی که بیشتر مبتنی بر هیجان ها و عواطف ها باشد تا برارزشیابی عینی مزایا و معایب نگرش مبتنی بر عواطف خوانده می شود (کریمی، 1379: 296).

ج) نگرش های مبتنی بر رفتار: در واقع مشاهده چگونگی رفتار فرد است نسبت به موضوع نگرش. نابر تئوری ((ادراک خویشتن)) تحت شرایط خاص فرد نمی داند چه احساسی نسبت به موضوعی دارد یا آنکه رفتار خود را

<sup>17</sup> Orkut

<sup>18</sup> Attitude

نمی‌تواند نسبت به آن موضوع ببیند. افراد تحت شرایط خاص نگرش خود را از رفتارهای خویش استنتاج می‌نمایند (ارونسون و همکاران، 1385: 122).

به بیان دیگر نگرش عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه‌ی مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش‌بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را برعهده می‌گیرند (گنجی، 1380: 66).

نگرش را می‌توان بر حسب نظریه‌های یادگیری و رویکرد شناختی تعریف کرد. در هر یک از این نظریه‌ها مفهوم نگرش به گونه‌ای متفاوت تعریف می‌شود و هر یک از جنبه‌های متفاوت نگرش را مورد تاکید قرار می‌دهد. گوردون آلپورت (1935) نگرش را چنین تعریف کرده است: نگرش یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می‌یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوع‌ها و موقعیت‌های وابسته به نگرش تاثیر مستقیم و پویا برجای می‌گذارد (سیزر و همکاران، 1991: 413). در این تعریف که عمدتاً بر نظریه‌ی یادگیری استوار است تاثیر تجارب گذشته بر سازمان دادن به نگرش‌ها و همچنین نشان دادن واکنش به یک موقعیت (آن گونه که در رویکرد رفتارگرایی مطرح است) مورد توجه قرار گرفته است (پاشا شریفی، 1381: 413).

از سوی کرچ و کراچفیلد (1948) که عمدتاً دیدگاه شناختی داشتند نگرش را این گونه تعریف کرده‌اند: نگرش عبارت است از سازمان پایدار فرآیندهای انگیزشی، عاطفی، ادراکی و شناختی در ارتباط با برخی از جنبه‌های دنیای فرد، ملاحظه می‌شود که در این تعریف به خاستگاه نگرش اشاره‌ای نشده و در عوض تجربه ذهنی زمان حال مورد تاکید قرار گرفته است (سیزر و دیگران، 1991: 413).

### مفهوم کنش:

در تعریف ماکس وبر، کنش در صورتی اجتماعی است که فرد یا افرادی که رفتار می‌کنند برای آن معنای ذهنی خاصی قائل شوند، رفتار متقابل دیگران را مد نظر قرار دهند، و در جریان رفتار خود از آن متأثر شوند. این تعریف کوتاه به ما امکان می‌دهد تا برای مشخص کردن خصوصیت اجتماعی کنش سه معیار را در نظر بگیریم: نخست آن که اشخاص باید رفتار دیگران و همچنین حضور یا وجود دیگران را در نظر داشته باشند. دومین معیاری که ماکس وبر برای کنش اجتماعی مشخص می‌کند معیار معنا دار بودن است. سومین معیار در تعریف وبر دلالت بر آن دارد که رفتار اشخاصی که در یک کنش اجتماعی دخالت دارند باید تحت تأثیر ادراک آنان از معنای کنش دیگران و کنش خاص خودشان قرار گیرد (گی‌روشه؛ 1387: 26-29).

نزد دورکیم کنش اجتماعی شامل چگونگی عمل تفکر و احساس است که خارج از فرد بوده و دارای قوه اجبار و الزام است و به برکت آن خود را بر فرد تحمیل می‌کند. دورکیم خصوصیات کنش اجتماعی را در واقعیت‌های

خارجی بیرون از اشخاص می‌داند که آن‌ها را ملزم می‌کند. دورکیم دو معیار عینی برای تعیین خصوصیات اجتماعی کنش اجتماعی به کار می‌گیرد: یکی معیار بیرونی بودن (حالت‌های عمل، تفکر و احساس) در رابطه با اشخاص، و دیگری معیار جبر و فشاری که اشخاص تحمل می‌کنند (همان؛ 130).

و بر انواع کنش انسانی را در چهار دسته طبقه بندی کرده است:

1- کنش عقلانی معطوف به هدف، عملی که هدف‌ها مشخص و روشن بوده و وسایل نیل به هدفها به‌طور صحیح و مناسب انتخاب شود. کنش عقلانی هدفمند با این واقعیت مشخص می‌شود که کنشگر تصور روشنی از هدف خود دارد و از وسایل مناسب برای رسیدن به آن استفاده می‌کند و وسایل راطوری انتخاب می‌کند که به آن هدف برسد. به سخن دیگر و بر عقلانیت را بر حسب اطلاع و دانش و معرفت کنشگر تعریف می‌کند و نه معرفت مشاهده گر (آن گونه که پارتو در مورد عمل منطقی تعریف می‌کند).

2- کنش عقلانی معطوف به ارزش، یعنی عملی که مطابق با معیارهای ارزشی آگاهانه است. این گونه کنش به گفته ی ریمون آرون عقلانی است نه به این علت که درصد نیل به یک هدف خارجی معین است بلکه از آنرو که کنشگر در ارزش‌های خود پایدار است.

3- کنش عاطفی، تحت تأثیر حالت روحی یاوضع روانی و احساسی فرد صورت می‌گیرد و نه در ارتباط با سنجش و انتخاب معقولانه وسایل و هدفها. در این گونه کنش، عمل نه در ارتباط با یک هدف یا نظام ارزشها بلکه در ارتباط با واکنش احساسی یک کنشگر که در وضعیت معینی قرار گرفته تعریف می‌شود.

4- کنش سنتی، مشروعیت خود را ازسنتها می‌گیرد یا ازاعتقاداتی که جز عادت و طبیعت ثانوی شده است. به‌طور که برای عمل برطبق سنت کنشگر نیازی به تصور یک هدف یا آگاهی ازیک ارزش یا احساسی آنی که آن را برانگیزد ندارد. البته ممکن است یک عمل ترکیبی ازدونوع کنش باشد (صبوری 1388: 36-37).

کنش معقول معطوف به ارزشها رفتاری است که مجموع هنجارها و قواعد نظام را مد نظر دارد. زیرا کنشگر تصور می‌کند مراعات آن‌ها بهترین استراتژی یا خط مشی است که برای موفق شدن باید دنبال کند. کنش معقول معطوف به هدفها ی رفتار شخصی است که به شیوه ی گزینشی محاسبه می‌کند که به هنجارها سرفرود آورد یا از آن‌ها سربتابد. در این حالت رفتار معقول برمعیارها ی معقولی استوار است که باید آن‌ها را کشف کرد (کیوی و کامپنهود، 1387 276 – 277).

از دیدگاه میشل کروزیه کنشگر اجتماعی رفتار معقولی دارد. مفاهیم عمده رفتار معقول عبارت اند از: فرجه آزادی عمل، محاسبه ی سود و زیان، استراتژی عقلانیت (محدود)، داوری طرح و قواعد بازی درنظر میشل کروزیه هر فردی ازیک فرجه آزادی عمل برخوردار است که به او اجازه می‌دهد که میان چند راه انتخاب کند. همچنین او

مغزی دارد که می‌تواند مناسب‌ترین راه حل را برای طرحش محاسبه کند. در نتیجه رفتارش باید در درون یک استراتژی منطقی که عقلانیت (محدود) آن نسبت به داوری‌ها یا طرح‌هایش و نسبت به قواعد بازی و بالاخره نسبت به برگ‌های برنده‌ای که در اختیار دارد تعریف شود. بنابراین میشل کروزیه برهم کنشی میان (فرد - کنشگر) و سازمان را به‌عنوان یک بازی که در آن هر (کنشگر - بازیگر) سعی می‌کند بردش را به حداکثر یا باختنش را به حداقل برساند و این خود از خصوصیات یک رفتار منطقی است مطرح می‌کند (کیوی و کامپنهود، 1387: 274).

## 2-3. نظریه هاوتئوریهای تحقیق:

در این بخش به نظریه‌ها و تئوری‌های مربوط به موضوع تحقیق پرداخته و تلاش می‌شود تا رابطه بین اینترنت و جامعه‌ی مدنی از دیدگاه نظریه پردازان معاصر در علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. نظریه‌های ارائه شده در بردارنده چند محور کلی است که شامل موضوعاتی چون نگرش، کنش جمعی، ماهیت رسانه‌های نوین و تاثیرات رسانه‌ها بر رفتار و اعمال مخاطبان می‌گردد.

## 2-3-1. نظریه‌های کنش اجتماعی:

### 1. تحول فضای کنش اجتماعی

به نظر دانیل بل، ما در حال ورود به نظامی نوین مرکب از جامعه‌هایی جدید هستیم. این جوامع به‌صورت ریشه‌ای از هم گسسته‌اند؛ یعنی برای هر کدام قلمروهای مستقلی وجود دارد و در زمینه ساخت‌های اجتماعی، حکومتی و فرهنگی نسبت به هم آزادی عمل دارند، به‌طوری که نمی‌توان فرض کرد رخدادی در یک قلمرو، لزوماً دیگر قلمروها را شکل می‌دهد (بل، 1976: 329).

جهان جدید با حضور نامرئی خود، مفاهیم پایه‌های زندگی بشریت را تغییر می‌دهد. به تعبیر بودریار، در این دنیای نوین به جای تجربه مستقیم و شناخت مصداق‌های عینی یا متداول یک رویداد، نگاره‌ها یا معنی‌دهنده‌ها به جای آن می‌نشینند و به جای صفحه و آینه (بازتاب‌دهنده) صفحه و شبکه وانموده و فراواقعیتی به نام «وانمایی» جایگزین شده است (ساراپ، 1382: 222). در واقع، در وجد و خلسه ناشی از ارتباط زندگی می‌کنیم. در این وضعیت، فضای عمومی به نحوی در حال ناپدید شدن است.

هم‌زمان با ازدست رفتن فضای عمومی به نحوی ظریف، محدوده‌ی خصوصی هم از بین می‌رود. عملکردهای رسانه‌ای درک ما را از فضا و زمان بازسازی کرده‌اند. به زبان دانیل بل، در چنین وضعیت اجتماعی‌ای، «نظام ارزشی عمومی» که زمانی بر کل جامعه تسلط داشت، اکنون فروپاشیده. (بل، 1976: 12) که این باعث فروپاشی روحیه فرهنگی و الزام‌های ساختاری جامعه شده است. همان‌طور که در مقدمه‌ی این نوشته مطرح شد، همین تحول

ساختاری ژرف و گسترده و همه جانبه، بازاندیشی مفهوم جامعه را از نظر معرفت شناسی با منظر و انگارش تئوری انتقادی به یک ضرورت بدل کرده است.

امروزه، شبکه های نوین مجازی تجربه هایی از فرهنگ غیر خودی را به دم دست ترین نقطه زیست هر انسان آورده و از درون، چشم اندازها و منظرهای آنان را تحت تأثیر فرآورده های خود قرار می دهند و نظام دانایی و شناختی آنان را خدشه دار می کنند. در نظام نوین اجتماعی، پس از رسانه ای شدن چت روم ها یا میدا ن های چند کاربردی مجازی به مثابه شبکه های اجتماعی پرترفدار، مرزهای تازه ای در شکل گیری خرده فرهنگ ها، ارزش و هویت های شخصی ایجاد شده است. می توان گفت شبکه های اجتماعی نوین به علت دارا بودن خصلت هایی مانند گمنامی، سرعت ارتباطات و سیال بودن، پیامدهای گسترده ای بر روابط جنسیتی، الگوهای ارتباطی، دوست یابی و تقویت نوعی روابط و نظام کنش اجتماعی غیر وابسته به زمان و مکان داشته اند. فضای رسانه ای و شبکه های اجتماعی نوین صورت بندی های جدید مشارکت های اظهاری و عاطفی را جایگزین صورت بندی های مرسوم مشارکت های اجتماعی کرده است؛ حتی، شکل و ماهیت ارضای روانی-کارکردی انسان ها را هم به سوی نوعی تغییر، انزوا و موزاییکی و قطعه قطعه شدن برده است (ذکایی، 2013: 3). این وضعیت باعث به وجود آمدن نوعی بیگانگی اجتماعی و احساس بی هویتی تاریخی به عنوان یک مسئله اجتماعی شده است. در نظریات جامعه شناختی کلاسیک، نظریه پردازانی مانند امیل دورکیم<sup>19</sup> و سیمن<sup>20</sup> معتقد به تفکیک بیگانگی اجتماعی و شخصیتی بودند و مبنای این تقسیم بندی به میزان افزایش و کاهش بیگانگی بستگی داشت: اگر بیگانگی زیاد باشد، در ارتباط با نظام کنش اجتماعی توضیح و تبیین داده می شد، ولی اگر بیگانگی کم باشد، در ارتباط با مسئله شخصیتی عامل انسانی معنادار تلقی می شد. اما، در جهان رسانه ای شده و درهم آمیخته، لازم است مرز این تفکیک را کمرنگ در نظر گرفت و به نوعی از هم زمانی هر دو نوع اختلال در ساخت نظام اجتماعی و نظام ارزشی و کنشی شخصی سخن گفت. به عبارتی، ساحت معنایی کنش اجتماعی در سه سطح ایستاری (شناختی و ارزشی)، کنشی (هنجاری و رفتاری) و نمادی (نشانه و انگاره) دچار تحول و تغییر گردیده است (راجرز و فلویید، 114:1376). این تغییرات معنایی و کارکردی که در فضای پایش های اجتماعی جهان رسانه ای شده به وجود آمده، عملاً ضرورت بازنگری نوین را به مفهوم کنش اجتماعی ایجاد کرده است.

جامعه ی شبکه ای اشکال نوین و بدیعی را از تغییر صور تبندی ها و مناسبات اجتماعی خلق می کند، زیرا برای بیشتر افراد و گروه های اجتماعی، جامعه شبکه ای بر مبنای جدایی نظام مند از هنجارهای رسوخ یافته ی اجتماعی است. بنابراین، می توان گفت شبکه های اجتماعی نوین (پسارسانه ای) به مثابه یک بستر اجتماعی، آکنده از «فرصت و تهدید» هستند؛ آکنده از «آنومی» اجتماعی و هترونومی اجتماعی است؛ و کنشگران اجتماعی رادر نظام کنش اجتماعی، با نوعی نظم در بی نظمی مزمن و تیرگی و خاکستری سازی نقش ها روبه رو کرده است. در

<sup>19</sup>.Emaildurckheim

<sup>20</sup> Seaman

بخش پایانی و نتیجه گیری، به نوعی از نظام کنش اجتماعی انسان ایرانی در فضای رسانه ای شده می پردازیم و با نگاه پاتولوژیک، مسائل انسان ایرانی را واکاوی می کنیم.

## 2. نظام نوین کنش اجتماعی :

در این رویکرد، سخن از شکل گیری نوعی کنش و کنشگران اجتماعی است که از رهگذر یک فرآیند فعال سازی، با خصلت و استعداد مکان زدایی شده، وفاداری زدایی شده، الگوزدایی شده، رهایی یافته از سلسله مراتب تباری، شبکه ای شده همپوش و متقاطع، همنشین شده با «دگرهای غایب» فضای عمومی تخلیه معنایی شده، موقتی و متغیر شده، ریزومی شده و فردی شده، هویت «خود» را تعریف و باز تعریف می کند.

بنابراین، در چنین جهانی، به جای استعاره «برادر بزرگ» اورول، که بر همه تسلط دارد، اکنون همه اقلیت ها، حاشیه ها، بی تاریخ ها، ریخت زدایی شده ها با گسترش پیوسته ارتباطات از انگاره انقیاد و انگاره دیوار رهایی یافته و به تعبیر واتیمو، «متکثر سازی ظاهراً غیر قابل مقاومت» اتفاق افتاده است (شایگان، 1388:159). همان طور که تاجیک می نویسد، رسانه ها به مصابه زبان گویا و کنترل ناپذیر عصر ما، نه مرز زمانی می شناسند نه مرز جغرافیایی و نه مرز گفتمانی، فرهنگی و تمدنی. افزون بر این، به علت خاصیت اکولوژیک خود، نه تنها قادر به فضا سازی سریع، بلکه قادر به دگرگون کردن سریع همه چیز هستند (تاجیک، 1388:51). در چنین فضای شبکه ای شده ای، نظام ارزش ها و زیر ساخت های هویت حصار نمی شناسند؛ با ایستایی، ماندگاری و اقامت دایم «در خود» و «با خود» بیگانه هستند. امروزه، شبکه های متعدد رسانه ای در جان جهان انسان ها از جمله انسان ایرانی حضور دارند، چشم اندازها، منظرها، سبک، ذائقه، نظام معنایی و رژیم حقیقت آن را مورد سؤال قرار داده است. بحران ناکارآمدی مبتنی بر نشانه های منزلت و اعتبار، نشانه های از و برای خود، نشانه های زیبایی شناختی را همنشین منش روحی و روانی آن کرده است. برای اینکه بتوانیم نظام نوین کنش اجتماعی «انسان ایرانی» را بهتر واکاوی کنیم، به چند مورد از پیمایش های صورت گرفته در ارتباط با موضوع می پردازیم:

در پژوهش عبداللهی، که جامعه آماری آن در سطح کلان مشتمل بر سه اجتماع شهری، روستایی و عشایری و در سطح خرد هر سه جامعه با موضوع، مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی ایرانی بود، به این یافته رسید که امروزه جامعه ایران با تعدد و تعارض هویت های جمعی کوچک و خاص گرایانه و نبود هویت جمعی عام روبه رو است (عبداللهی، 1380:125-161).

میرزایی (1385) با تعمق در مفهوم فردگرایی، ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است. از نگاه وی، در نوعی از فردگرایی، فرد در پی نفع شخصی خود در کنار نفع اجتماعی سایرین است که به عنوان فردگرایی و شاخصی مهم برای توسعه اجتماعی تلقی می شود. اما، در نوع دیگر فردگرایی (فردگرایی غیراجتماعی یا خودمدارانه)، فرد فقط نفع شخصی خود را دنبال می کند و حاضر است مصالح جمعی را فدای منافع فردی خود کرده و به نفع همگانی

بی‌اعتنایی کند. شخصیت اجتماعی ایرانیان و برخی از مشکلات اجتماعی از قبیل مشارکت اجتماعی پایین در حوزه عمومی، کمبود آثار علمی مشارکتی و اختلال در ترافیک، ناشی از فردگرایی خودمدارانه در میان اقشار اجتماعی ایرانیان است.

تحقیقات دیگر نشان از آن دارد که با اینکه اغلب افراد تمایل دارند رفتارهای جمع‌گرایانه داشته باشند (دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد، به نقل از چلبی، 1381)، افراد اعتقاد دارند که بسیاری از افراد دیگر در جامعه، رفتارهای فردگرایانه دارند؛ به‌عنوان مثال، 74.5٪ شهروندان تهرانی گفته‌اند بیشتر مردم فقط به فکر خودشان‌اند و 79٪ نیز گفته‌اند نمی‌توان چندان به مردم اعتماد کرد (محمدی شکیبا، 1379). یافته‌های تحقیق دیگری که در عرصه بیگانگی اجتماعی به عمل آمده است، بیانگر رواج و رسوخ ارزش‌های نوین در نظام کنش اجتماعی و تولید نسبت‌های اجتماعی متفاوت است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد گروه‌ها و نهادهای فرهنگی داخلی در جذب افراد موفق نیستند و این نوعی مشکل انسجامی در نظام فرهنگی پدید آورده است (طالبی، 82:1378).

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان گفت در این میان رسانه یک متغیر بی‌تأثیر و خنثی نیست و می‌تواند بستر بروز مجموعه‌ای جدید از هویت‌های اجتماعی با نظام ارزشی متمایز باشد؛ علاوه بر آن، قدرت سیالیت این متغیر تا آن حد است که می‌تواند به آسانی حلقه‌های اتصال و هم‌پیوندی خود را فراتر از بسترهای مرسوم تثبیت شده ببرد. مثلاً، کنشگران به واسطه‌ی فضای مجازی، توانایی مشاهده و مقایسه‌ی هم‌زمان را بدون احساس مؤاخذه و اعمال نظارت پیدامی‌کنند. این وضعیت آنان را به طرف کشف شکل‌های دیگر زندگی رهنمون می‌سازد. فضای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نوین صورت‌بندی‌های جدید مشارکت‌های اظهاری و عاطفی را جایگزین صورت‌بندی‌های مرسوم مشارکت‌ها و بروز اجتماعی کرده است. حتی، شکل و ماهیت ارضا و لذت روانی کارکردی انسان‌ها را هم به سوی نوعی تغییر، انزوا، موزاییکی و قطعه‌قطعه شدن حتی در برخی موارد فرامحلی برده است. از طرف دیگر، حس تعامل با غریبه‌هایی که توان آسیب رساندن به او را ندارند، سبب تغییرات در ترکیب و کیفیت و تنوع در مهارت‌های ارتباطی و کنش‌های اجتماعی می‌گردد. با توجه به مباحث نظری مطرح شده می‌توان گفت نظام کنش اجتماعی در رابطه با آستانه و پتانسیل تغییر/ فروپاشی نقش اثرگذارتری داشته است. چلبی این مولفه‌ها را بصورت جدول ارائه کرده است:

جدول (1). مؤلفه‌های تغییر/ فروپاشی ارزش‌ها

ردیف	مؤلفه	اجزاء
1	جابه‌جایی ارزش‌های مسلط	برهم خوردن الگوی کارجمعی / تغییر احساس مذهبی

2	اختلال در فرآیند انتقال ارزش ها	تبلیغ نامناسب ارزش ها / کالایی- ابزاری شدن ارزش ها
3	شکل گیری و انتشار ارزش های جدید فراملی و فراتجربی	تغییر سریع محیط فرهنگی / گشودگی امر ارزشی در فضای مجازی رشد پتانسیل های چند ارزشی فضای جامعه
4	کاهش مقبولیت گروه های مرجع در سطوح گوناگون	گروه های سنتی- مذهبی / گروه های نخیه تکنو کرات نخبگان کاریزماتیک / نخبگان سمبولیک
5	شکل گیری ارتباطات اجتماعی از طریق شبکه های بی پایان مجازی	کاهش ارتباطات و تعاملات چهره به چهره گسترش شکاف نسلی
6	رویش سامانه های اجتماعی ضد مرکز و رده بندی شده	ظهور گروه های مرجع جدید بحران هویت
7	تغییر سریع محیط فرهنگی با شکل گیری ذائقه های فرهنگی رنگین کمانی	کاهش حساسیت نسبت به ارزش های فرهنگی بلوغ زودرس و اختلالات جسمانی
8	جابه جایی در تصویرهای ذهنی نسبت به اکنون و آینده	گرایش به مهاجرت احساس نابرابری توزیع اقتصادی
9	شکل گیری فضای مبتنی بر گست اجتماعی	به هم خوردن آداب ازدواج ضعف ارتباط با اماکن مذهبی
10	ظهور فضای اجتماعی « بی تفاوتی مدنی»	آنومیک شدن فضای اجتماعی افزایش خودکشی / افزایش اعتیاد / رشد بزهکاری
11	تغییر / فروپاشی مرزهای نسل ها و جنسیت ها از یکدیگر	عدم درک دو نسل در زبان گفتار و رفتار یکدیگر کاهش انسجام و شکاف بین نسلی ظهور مردان زن نما

منبع: چلبی، 1381: 43

## 2-3-2. نظریه های مرتبط با نگرش:

دیدگاه فیش باین و آیزن:

فیش باین و آیزن؛ دو نظریه را در ارتباط با نگرش مطرح می کنند یکی؛ نظریه عمل مستدل و دوم؛ نظریه رفتار برنامه ریزی شده، که به اجمال در اینجا بدان ها اشاره می شود:

### 1- نظریه ی عمل مستدل:

این نظریه را که فیش باین و آیزن<sup>21</sup> ارائه کرده اند. بدین صورت است که رفتار ناشی از مجموعه عواملی است که پس از قصد و نیت فرد برای انجام آن بروز می کند. و قصد و نیت فرد تابع دو متغیر گرایش به سوی آن رفتار و هنجارهای ذهنی فرد است. متغیر یکم آمادگی فرد برای ارزیابی یک رفتار و تعیین خوب یا بد بودن آن را نشان

<sup>21</sup> Fichen bain & Aisen



می‌دهد و متغیر دوم نشانگر سوگیری جامعه و فشار اجتماعی است که فرد برای رفتار خود پیش بینی می‌کند. در شرایطی که گرایش‌ها و هنجارها هر دو رفتار را تاییدکنند قصد و نیت برای انجام آن افزایش خواهد یافت ولی زمانی که گرایش‌ها و هنجارها همسو نباشند قدرت نسبی یکی از این دو در مقابل دیگری تعیین کننده رفتار فرد خواهد بود. در این نظریه گرایش فرد نسبت به رفتار تحت تأثیر دو عامل انتظار و فایده قرار دارد.

قصد و نیت رفتار ← انتظار فایده ← ارزیابی فایده ← گرایش

بر اساس این نظریه و در تحلیل موضوع این پژوهش این گونه استنباط می‌شود که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی گرایش به رفتار مدنی افراد را جهت می‌دهند و این رسانه‌ها هنجارهای ذهنی فرد را جهت پدید آمدن تغییر در جامعه موجب می‌شوند به این بیان که افراد پس مواجهه با این رسانه‌ها قصد و نیت به انجام کنش می‌کنند و به ارزیابی فایده از محتوای این رسانه‌ها پرداخته و به سمت ایجاد یک جامعه‌ی مدنی می‌نمایند.

2- نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده :

علاوه بر نظریه‌ی قبلی یکی از مشهورترین نظریه‌ها در مورد اینکه چگونه نگرش‌ها می‌توانند رفتار عمدی را پیش بینی کنند نیز متعلق به آیسک آیزن و مارتین فیش باین معروف به نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده است (آیزن و فیش باین ، 1980: 63).

طبق این نظریه ، افراد درباره‌ی آنچه با آن مواجهه و روبه‌رو می‌شوند اندیشه می‌کنند و نگرش و اندیشه‌ی آن‌ها پیش بینی کننده‌ی رفتار آن‌ها است . و از روی نگرش افراد می‌توان رفتار آن‌ها را پیش بینی کرد.

علاوه بر سنجش نگرش‌ها نسبت به رفتار ما نیاز داریم که هنجارهای ذهنی افراد یعنی باورهای آن‌ها درباره‌ی

نحوه‌ی شیوه‌ی رفتار آن‌ها را مورد بررسی قرار داد . برای مثال شخصی که می‌خواهد به یک کنسرت موسیقی کلاسیک برود و اگر بدانیم که نگرش‌اش به این عمل منفی است ؛ یعنی از موسیقی کلاسیک بدش می‌آید بنابراین احتمالاً خواهیم گفت که او به این کنسرت نخواهد رفت اما اگر بدانیم که او عاشق موسیقی کلاسیک است ممکن است پیش بینی ما در اینکه او به کنسرت خواهد رفت یا نه ، فرق کند (قوچانی و همکاران، 1395).

هنجارهای ذهنی ← باورهای رفتاری ← نگرش ← کنش

بر اساس این نظریه ، باورهای ذهنی و نگرش افراد در مواجهه با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند کنش مدنی و اجتماعی آنان را پیش بینی کند یعنی اگر نگرش افراد نسبت به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مثبت باشد احتمال این که به کنش مدنی و اجتماعی اقدام کنند بیشتر است و اگر نگرش آن‌ها به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی منفی باشد احتمال اینکه اقدام به کنش مدنی و اجتماعی اقدام کنند کمتر است .

نظریه گروه‌های مرجع:

از این دیدگاه یادگیری فرآیندی است که نگرش‌ها از طریق آن آموخته می‌شوند الگوی یادگیری اجتماعی الگو و سرمشق قرار گرفتن در وضعیت یادگیری مشاهده‌ای است؛ مثلاً در خانواده‌ها فرزندان بسیاری از نگرش‌های خود را با مشاهده نگرش‌ها و به ویژه مشاهده رفتارهای نگرشی خاص والدین شکل می‌دهند.

این فرایند حتی هنگامی که والدین در آموزش نگرش خاصی به فرزندان خود تعمدی ندارند وارد عمل می‌شود. بدین بدین ترتیب فرایند الگو گیری نقش مهمی در شکل دادن به نگرش‌ها ایفا می‌کند. در بسیاری از موارد کودکان می‌شنوند که والدین آن‌ها نسبت به شخص خاص یا موضوع خاص نظر خاصی ابراز می‌کنند و همین آگاهی از نگرش‌های والدین سبب شکل گیری همان نگرش‌ها در آنان می‌شود.

البته تنها والدین نیستند که سرمشق کودکان قرار می‌گیرند بلکه همه کسانی که در محیط اطراف کودک هستند نظیر همبازی‌ها، بزرگسالان دیگر، دوستان، معلمان یا هر شخص مهم دیگر توسط کودکان مورد مشاهده و الگو برداری قرار می‌گیرند (آرونسون، 1999: 23) درهمین رابطه، همسایگان، مدرسه، وسایل ارتباطی، مساجد، دوستان و نظایر آن‌ها نیز عواملی هستند که می‌توانند در شکل گیری نگرش فرد مؤثر باشند.

باتوجه به نظریه گروه‌های مرجع، می‌توان اذعان داشت که افراد با استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی الگوهای را که این رسانه‌ها تولید و اشاعه می‌کنند فرا می‌گیرند و در طی این فرایند یادگیری، نگرش‌های آنها شکل گرفته و احتمالاً در مسیر ایجاد و توسعه جامعه مدنی اقدام می‌کنند.

کرچ، کراچفیلد و بالاکی<sup>22</sup> (1962) معتقدند نیاز، شخصیت فرد و مقایسه اجتماعی در تکوین نگرش‌ها مؤثرند. در جریان فعالیت‌های فرد برای رفع نیاز موانع و مشکلاتی بر سر راه او قرار می‌گیرند؛ که نگرش ویژه‌ای را در او به وجود می‌آورند. نسبت به اشیا، عوامل، وسایل و اشخاصی که نیازهای او را برطرف کرده و به هدف‌هایش می‌رساند. نگرش موافق و مثبت، نسبت به موانعی که سد راه رسیدن به هدف‌هایش می‌شوند نگرش‌های منفی پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال دانشجویانی که در یک کلاس درس نشسته‌اند و علی‌رغم همه مشکلات موجود بازهم حاضر شده‌اند این مشکلات را به جان خریده و همچنان به تحصیل ادامه دهند. ثابت می‌کنند که نسبت به درس و تحصیل نگرشی مثبت دارند. این نگرش مثبت بدین خاطر در آنان پدید می‌آید که در جامعه به فرد تحصیل کرده احترام می‌گذارند یا مثلاً در مورد نیاز مادی و همین‌طور تماشای تلویزیون به خاطر پر کردن اوقات فراغت، کسب

اطلاعات و اخبار و ... (کریمی ، 1379: 41). اگر به موضوع تحقیق برگردیم ، در جامعه ایران نیاز به شکل گیری تاسیس نهادهای مدنی و جامعه ی مدنی روز بروز در قشرهای گوناگون بیشتر احساس می شود و خصوصا هنگامی که خلا وجود این نهادها ی مردم نهاد توسط مردم با وضعیت نهادهای مدنی در جوامع دیگر مقایسه می شود احساس خلا شدیدتر و نگرش مساعد نسبت به ضرورت زمینه سازی برای جامعه ی مدنی در افراد تقویت می گردد

رسانه ← فرایند الگو گیری ← نگرش

نظریه در معرض قرار گرفتن:

تعداد دفعاتی که ما با یک موضوع یا شی نگرشی روبه رو می شویم ارزشیابی ما را از آن موضوع یا شی تحت تأثیر قرار می دهد. زایونک<sup>23</sup> (1986) مفهوم اثر در معرض قرار گرفتن را مطرح کرده و معتقد است تکرار در معرض چیزی قرار گرفتن پاسخهای ما را نسبت به آن شی یا شخص نیرومندتر می کند حالا چه آن یک غذای خاص در یک رستوران باشد یا کاندیدایی باشد که در تلاش برای جمع آوری رأی است. (کریمی ، 1379: 31)

میزان مواجهه ← انتخاب رسانه ← نگرش

بر اساس این نظریه می توان انتظار داشت ، میزان مواجهه ی افراد با موضوعات مربوط به جامعه ی مدنی در شبکه های اجتماعی مجازی و اینترنت احتمالا بر نگرش آن ها در جهت توسعه ی جامعه ی مدنی می تواند موثر واقع شود.

نظریه لرنر<sup>24</sup> پیرامون نقش رسانه ها در توسعه ی اجتماعی :

دانیل لرنر نظریه پرداز و محقق آمریکایی مسائل توسعه را از دیدگاه وسایل ارتباطی مطرح کرد. وی با بیش از ده سال تجربه و کار میدانی در کشورهای خاورمیانه: ایران، اردن مصر ترکیه سوریه و لبنان به بررسی تغییراتی پرداخته است که از طریق رسانه های گروهی بر سطوح مختلف اجتماعی اثر می گذارد.

لرنر در کتاب معروف خود با عنوان گذر از جامعه سنتی به نوسازی در خاورمیانه اساس تغییرات را بیش از هر چیز تحول در راه و روش انتقال افکار و عقاید و طرز فکرهای نوین توده های مردم می داند (لرنر، 1985 : 45)

اساس نظریه لرنر بر این فرض استوار است که ((رسانه های همگانی قادرند نگرش های اجتماعی را تغییر دهند و حس همدلی و مشارکت بیشتر در مردم را پدید آورند)). لرنر در کتاب خود این نتیجه می رسد که تناسب بسیار نزدیکی بین چهار مقوله شهرنشینی سواد استفاده از وسایل ارتباط جمعی و شرکت در فعالیت های اقتصادی و سیاسی وجود دارد (رشیدپور، 1348: 150)

<sup>23</sup> Zayonck  
<sup>24</sup> Lerner

بر این اساس این نظریه و به ویژه گستردگی استفاده از رسانه های نوین در جامعه ی ایرانی به ویژه قشرهای با سواد و تحصیل کرده ، اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی می توانند نگرش های اجتماعی افراد را تغییر دهند و مشارکت بیشتر آن ها را در جهت توسعه ی جامعه ی مدنی پدید آورند.

نظریه ی تاثیرات انتخابی و محدود رسانه ها:

این دیدگاه به این مسئله می پردازد که تاثیرات وسایل ارتباط جمعی بر مخاطبان به صورت قدرتمند و هماهنگ نیست بلکه محدود و انتخابی است زیرا بین مردم از نظر ساختار روان شناختی تفاوت های فردی آموخته شده ای وجود دارد. افراد جامعه از نظر تعلق به مقوله های اجتماعی گوناگون مانند سطح درآمد، هوش، سن، جنس و خیلی از موارد دیگر متفاوت هستند. این تفاوت های فردی و تنوع در الگوهای روابط اجتماعی موجب می شود علاقه نشان دادن، کانون توجه و نحوه ی تفسیر مردم از محتوای برنامه ها شیوه کا ملاً انتخابی صورت گیرد؛ بنابراین از آنجا که مردم به گونه ای انتخابی به پیام های رسانه ها توجه نشان می دهند و تفسیر متفاوتی از محتوای آن ها دارند

بنا بر این هر پیامی که ارائه می شود در مجموع تاثیرات محدود و جزئی بر جامعه دارد (گانتر و آلر ، 1997: 18). ویژگی های روان شناختی فرد او را بر آن می دارد که شکل های خاصی از محتوای رسانه را انتخاب کند که موجبات تفریح ، سرگرمی و آرامش او را فراهم سازد و یا به گونه ای او را در حل و فصل مشکلات و مسایل روزانه یاری رساند. با توجه به این نظریه ، دور از انتظار نیست اگر تاثیر محتویات اینترنت و شبکه های اجتماعی به ویژه مطالبی که به نوعی به جامعه مدنی مربوط می شوند را بر همگان یکی ندانسته و در نتیجه این محتویات بر کاربران گوناگون و با توجه به سن ، جنس و تحصیلات و ... به صورت متفاوتی اثر گذاشته و نگرش و رفتار آن ها را در ارتباط با جامعه مدنی هدایت کند. رسانه ویژگی های فردی ← نگرش

### 2-3-3. نظریه های ناظر بر تأثیر رسانه ها روی مخاطبان

امروزه رسانه ها بخش عظیمی از فعالیت ها و تجربه زندگی ما را اشغال کرده اند. در طول روز به شکل های مختلف با رسانه ها سروکار داریم، و اگر نخواهیم بگوییم که رسانه ها بر ما حکومت می کنند، می توانیم بگوییم که به طور قدرتمندی بر زندگی ما سایه افکنده اند. این تأثیر گذاری موضوعی است که توجه بسیاری از محققان و نظریه پردازان را در زمان های مختلف به خود برانگیخته است. درباره تأثیر رسانه ها نظریه های متفاوتی وجود دارد که در ادامه به بررسی تعدادی از این نظریه ها می پردازیم.

نظریه استحکام یا تأثیر محدود

در زمانی که نظریه گلوله جادویی حاکم بود نظریه استحکام یا تأثیر محدود توسط لازارسلفد و برلسون در اواخر دهه 1940 مطرح شد. طبق این نظریه پیام های ارتباطی موجود در رسانه های جمعی بر مخاطبان تأثیر قوی

ندارند بلکه دارای تأثیر حداقلی هستند چون که توسط عوامل دیگری اصلاح و تغییرات در آن ایجاد می شود و از اینرو پیام ها قادر نیستند تغییرات بنیادی در عقاید و رفتار افراد به وجود آورند، ولی می توانند به صورت محدود به آن ها استحکام بخشند. نظریه استحکام، تأثیر پیام های ارتباطی بر نگرش و رفتار مخاطب را محدود و عمدتاً در جهت تقویت و استحکام عقاید و باورهای قبلی می داند. این نظریه برخلاف نظریه تزریقی، جریان ارتباطات را دو مرحله ای می داند که طی آن پیام های ارتباطی از رسانه ها به واسطه هایی به نام رهبران افکار می رسد و از آن جا به میان مردم (پیروان) منتقل می شود. براساس این نظریه پیام های ارتباطی اینترنت و شبکه های اجتماعی به عنوان یک رسانه تاثیر محدود بر تغییر نگرش افراد نسبت به نهادهای مدنی دارند و بر این اساس تاثیر چندانی در توسعه ی جامعه ی مدنی نمی توانند داشته باشند.

#### نظریه برجسته سازی

نظریه برجسته سازی مدعی تأثیر رسانه ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در خبر و گزارش های خبری است که این خود بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می گذارد و این روند گرچه نمی تواند تعیین کند که مردم چگونه بیندیشند، اما می تواند تعیین کنند که درباره چه بیندیشند. بر اساس این نظریه می توان گفت که: اینترنت به عنوان یک رسانه بر شناخت و نگرش افراد تاثیر می گذارد و با برجسته سازی محتوا و پیام های خود بر آگاهی آنان می افزاید و این آگاهی می تواند در شکل گیری کنش آنان در جهت تقویت و توسعه ی جامعه ی مدنی اثر گذارد.

#### نظریه استفاده و رضایت مدنی

این نظریه ضمن فعال انگاشتن مخاطب، بر نیازها و انگیزه های وی در استفاده از رسانه ها تأکید می کند و بر آن است که ارزش ها، علایق و نقش اجتماعی مخاطبان مهم است و مردم بر اساس این عوامل آن چه را می خواهند ببینند و بشنوند، انتخاب می کنند. فرض اصلی این نظریه این است که افراد مخاطب، کم و بیش به صورت فعال، به دنبال محتوایی هستند که بیشترین رضایت را برای آنان فراهم سازد و میزان این رضایت بستگی به نیازها و علایق فرد دارد. در مجموع نیازها و انگیزه های مخاطب در استفاده از رسانه ها را می توان در چهار مقوله اصلی جای داد:

- آگاهی و نظارت: مردم به منظور کسب اخبار و اطلاعات از دنیای پیرامون و نظارت بر محیط اجتماعی خویش، از رسانه ها استفاده می کنند.
- روابط شخصی: مردم در فرایند ارتباط، رسانه ها را همراه و همنشین خود تلقی می کنند و از محتوای رسانه ای برای ارتباط و گفت و گو با دیگران استفاده می کنند.

- هویت شخصی: مردم از رسانه ها برای کسب خودآگاهی، یافتن الگوهای رفتاری و تقویت ارزش های شخصی استفاده می کنند.
- سرگرمی و گریز از واقعیت: مردم از رسانه ها برای سرگرم شدن و گریز از مشکلات زندگی روزمره و تخلیه عاطفی استفاده می کنند.

#### 4-نظریه کاشت

نظریه کاشت یا پرورش گریز، برکنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می کنند و نیز بر چگونگی تأثیر گذاری رسانه ها بر مخاطبان تأکید دارد. این نظریه از جمله نظریاتی است که به تأثیر محدود رسانه ها اشاره می کند و مبتنی بر اصول زیر است:

1- رسانه های همگانی به طور معمول، شرط لازم و کافی برای تأثیر گذاری بر مخاطب به شمار نمی روند، بلکه آن ها تنها از طریق سایر عوامل که نقش واسطه را بازی می کنند، می توانند دارای تأثیر باشند.

2- عمل عوامل واسطه ایی چنان است که سبب می شود رسانه ها تنها به صورت یک عامل کمک کننده در فرایند تأثیر گذاری عمل کنند و نه به منزله عامل تأثیرگذار به عبارت دیگر رسانه های همگانی در فرایند تأثیر گذاری بر مخاطب تنها نقش تقویت کننده شرایط موجود را بازی می کنند. این عوامل واسطه ای شامل: فرایندهای انتخابی (مانند قدرت انتخابی، ادراک توسط مخاطب، انتخاب مخاطب برای این که خود را در معرض یک رسانه قرار دهد و انتخاب نگهداری) فرایند های گروهی، هنجارهای گروهی، افکار رهبری و مانند آن است. چنین موضعی که بر محدود بودن تأثیر رسانه های همگانی دلالت دارد، قانون حداقل اثر نامیده می شود. در این رابطه می توان اینترنت و شبکه های اجتماعی را به عنوان یک عامل کمک کننده و نه تعیین کننده در زمینه ی شکل دهی به آن دسته از نگرش ها و کنش هایی تلقی کرد که در ایجاد نهادها و جامعه ی مدنی بتوانند در دراز مدت نقش مساعدی ایفا نمایند.

#### 5- نظریه یادگیری اجتماعی

از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، پدیده های اجتماعی به طور عمده ناشی از تجاربی است که بر پایه یادگیری نیابتی و مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن شکل می گیرد. در مرکز این نظریه فرایند الگو سازی قرار دارد که در آن شخص رفتاری معرفتی و اجتماعی دیگران را با مشاهده، چه به طور تصادفی و چه آگاهانه یاد می گیرد. بر اساس این نظریه، وسایل ارتباطی جدید، الگوهای ارتباطی جدیدی به کاربران معرفی می کنند و کاربران نیز با مشاهده

این الگوهای جدید رفتاری را یاد می‌گیرند. افراد در محیط و فضای اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی تجارب، الگوها و رفتارهایی را مشاهده و فرا می‌گیرند که می‌تواند به کنش آن‌ها در جهت شکل دهی به جامعه مدنی کمک نمایند.

## 6. نظریه ی مارپیچ سکوت:

در نظریه مارپیچ سکوت، مساله اصلی آن است که افکار عمومی چگونه شکل می‌گیرد و چه کسانی در شکل‌گیری آن دخالت دارند؟ پاسخ به این سؤالات را یکی از صاحب‌نظران ارتباطات در قالب نظریه‌ای عنوان کرده که از آن با عنوان نظریه مارپیچ سکوت یاد می‌شود. الیزابت نوئل نیومن جامعه‌شناس آلمانی (1991) نظریه‌ای را مطرح نموده که ایده اساسی آن مبتنی بر این نکته است که اکثر افراد می‌کوشند از داشتن یک نگرش و باور منزوی و تنها اجتناب کنند. از اینرو به محیط اطراف آن چنان نگاه می‌کنند که بیاموزند کدام نظریه حکمفرما است یا قدرت را در دست دارد و کدام نظریات کمتر مسلط بوده و رو به زوال هستند. به همین خاطر، اگر فردی معتقد باشد که نظریات شخصی او یک رده عقب‌تر از دیگر نظریات قرار دارد؛ کمتر رغبتی برای بیان آن‌ها خواهد داشت؛ آن هم به این دلیل که از انزوا می‌ترسد. وقتی تعداد یک دسته؛ فرقه یا حزب به منظور تسلط بر دسته‌ها و احزاب دیگر افزایش می‌یابد و در مقابل اعضای دسته‌های دیگر رو به کاهش گذارند؛ تمایل اعضای گروه نخست برای سخن گفتن و یا نوشتن افزایش می‌یابد، و در عوض اعضای حزب‌ها و گروه‌های دیگر به ساکت بودن متمایل می‌شوند. به این ترتیب یک فراگرد مارپیچ آغاز می‌شود؛ فراگردی که طی آن یک فکر را پایه ریزی و آن را غالب و شایع می‌کند. نظریه ی مارپیچ سکوت تاکید ویژه‌ای بر تأثیر قدرتمند رسانه‌ها دارد و معتقد است که رسانه‌ها تأثیر فوق‌العاده‌ای بر روی افکار عمومی دارند. بر اساس این نظریه ارتباط میان توده افراد در اثر عواملی چون: انباشت، حضور همه جانبه، و هماهنگی با یکدیگر اتفاق می‌افتد. اگر چنانچه این موارد اتفاق بیفتد و توده‌ها حرف واحدی بزنند؛ قدرت زیادی پیدا می‌کنند بگونه‌ای که اگر یک فرد یا اقلیت حرف متفاوتی بزند خودبه‌خود مجبور به سکوت می‌شود. از نظر نیومن، حکومت‌ها و رسانه‌ها سازنده مارپیچ سکوت هستند و از دو طریق این سکوت را بر جامعه القا می‌کنند:

- به جامعه القا می‌کنند که سکوت لازم است و می‌باید وضع موجود را بپذیرند
- به جامعه می‌گویند که اگر سکوت را بشکنید به زیان شما خواهد بود

اینترنت به‌عنوان یک رسانه کنشگران را توانمند کرده به آنها آگاهی می‌دهد و افکار آنها را شکل و جهت می‌دهد و آنها را ترغیب به تولید یک جامعه ی مدنی می‌سازد. هرچه افراد از اینترنت بیشتر استفاده کنند به همان اندازه خروج از یک دایره «مارپیچ سکوت» و ایجاد امواج فکری جدید و مناسب چه بسا خواهند توانست به ایجاد یک جامعه مدنی کمک می‌کنند.

دیدگاه جیمز کلمن<sup>25</sup> درباره اینترنت:

جیمز کلمن معتقد است: اینترنت می‌تواند یک تربیون عمومی بی طرف برای تبادل نظر دموکراتیک و مستقل از کنترل دولت باشد و به لحاظ نظری، این تربیون می‌تواند با شرایط گفتگوی مطلوب و ایده آل مورد نظر هابرماس در حوزه ی عمومی سازگار باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که افراد ترجیح می‌دهند با افراد و گروه‌های هم عقیده تشکیل یک گروه بدهند با این هدف که به همگنی بیشتر در عقاید و دیدگاه‌ها برسند (کلمن؛ 1999:99).

اینترنت از قابلیت مناسب برای برقراری ارتباط بین فعالان سیاسی؛ گروه‌های مخالف و اشاعه دیدگاه‌های آن‌ها و افشای اسناد محرمانه، فساد حکومتی، جمع آوری شکایت‌های اینترنتی، سازمان‌دهی رفتارهای سیاسی و اشاعه ی اطلاعات سیاسی در سطح جهانی برخوردار است. برای مثال می‌توان به استفاده فعالان سیاسی چینی از اینترنت علیه اقدام دولت خود در سرکوب آزادی خواهان در میدان تیان آن من و استفاده چریک‌های شهر چیپاس از اینترنت علیه حکومت مکزیکی اشاره کرد (جانسون؛ 2001: 99-100).

بنابراین سودمندی اینترنت در زندگی سیاسی را می‌توان در هر سطحی از تصمیم‌گیری نهایی، مشاهده کرد. دستیابی به برنامه‌ها، اسناد و طرح‌های سیاسی، گزارش‌ها، سوابق موضوعات و دیگر اسناد و مدارک به کمک اینترنت فرصت‌های متنوع و گوناگونی در اختیار شهروندان و گروه‌های اجتماعی برای برقراری ارتباط با هم و با سیاستمداران قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از آن‌ها به جای روش‌های سنتی مشارکت از روش‌های مجازی استفاده کنند و در عین حال از طریق شیوه‌های مستقیم مشارکت دموکراتیک وارد فرآیند تصمیم‌سازی نیز می‌شوند. علاوه بر این، تماس بین مردم و نهادهای سیاسی و اجتماعی از طریق تماس بین مردم منجر به کاهش هزینه و حذف تاثیرات محدود کننده مکان و زمان می‌شود.

بر این اساس می‌توان گفت اینترنت با ویژگی‌های ذاتی خود ظرفیت تبدیل شدن به پهنه ی مشارکت سیاسی و گسترش حوزه عمومی را داشته و اساساً اینترنت و حوزه عمومی یک رابطه علی با یکدیگر دارند (همان، 102).

بنابراین اینترنت می‌تواند فضایی را فراهم سازد تا امکان گفتگو افراد در آن شکل گرفته و افراد به تعامل پرداخته و اقدام به مشارکت نمایند و از این طریق در توسعه جامعه ی مدنی نقش ایفا نمایند و در این رابطه است که اینترنت به نگرش و کنش افراد در جهت تقویت و رشد جامعه ی مدنی تاثیر می‌گذارد.

نظریه ی کنش ارتباطی و تفاهمی:

هابرماس تحت عنوان کنش معقول و هدفدار، میان کنش وسیله ای و کنش استراتژیک تمایز قایل می‌شود. این هر دو کنش به تعقیب حساب شده ی منفعت شخصی راجعند. کنش وسیله ای به کنشگر واحدی راجع است که به



گونه ای معقولانه و حسابگرانه مناسبترین وسایل را برای رسیدن به یک هدف برمی گزینند. کنش استراتژیک به عمل دو یا چند فرد راجع است که در تعقیب یک هدف کنش معقولانه و هدفدار شان را هماهنگ می کنند. هدف هردو کنش وسیله ای و استراتژیک، غلبه ی ماهیت ابزاری بر کنش است. (ریترز 1374: 211).

هابرماس بیشتر از همه به کنش ارتباطی که در آن کنش های افراد نه از روی حسابگری خودخواهانه موفقیت طلب، بلکه از طریق کنش های تفاهم آمیز هماهنگ می شود تمایل دارد. افراد دخیل در کنش ارتباطی اساسا در بند موفقیت شخصی شان نیستند، بلکه هدف هایشان را در شرایطی تعقیب می کنند که بتوانند برنامه های کنشی شان را بر مبنای تعریف هایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند (هابرماس، 1984: 286). در حالی که هدف کنش معقولانه و هدفدار دستیابی به یک هدف معین است غایت کنش ارتباطی دستیابی به تفاهم ارتباطی است. یکی از عناصر مهم کنش ارتباطی عنصر گفتار است. اما یک چنین کنش ارتباطی ای گسترده تر از آن است که تنها اعمال گفتاری یا معادل های غیر شفاهی آن را در بر گیرد (هابرماس، 1984: 287). کنش ارتباطی بارزترین و فراگیرترین پدیده بشری است. همین کنش است که بنیاد تمامی زندگی اجتماعی و فرهنگی را تشکیل می دهد. از دید گاه هابر ماس عناصر ارتباط؛ گفتار، آزادی عمل، و عقلانیت می باشند. افکار آزادانه ارایه می شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند. در این حالت، یک نوع توافق غیر تحمیلی توسعه می یابد. در عقلانیت مربوط به کنش معقول و هدفدار مطرح است. در واقع راه حل مساله عقلانیت کنش معقول و هدفدار در عقلانیت ارتباطی نهفته است و عقلانیت کنش ارتباطی به ارتباط رها از سلطه و ارتباط آزاد و باز می انجامد. هابرماس میان کنش ارتباطی و مباحثه تمایز قایل می شود. در حالی که کنش ارتباطی در زندگی روزمره پیش می آید مباحثه صورتی از ارتباط است که از زمینه های تجربه و عمل جدا شده و ساختارش به ما اطمینان می دهد که اعتبار ادعاها توصیه ها و یا هشدارها ی تخطی ناپذیر مگر به منظور محک زدن اعتبار داعیه های مورد بحث هیچ محدودیتی نباید داشته باشند، هیچ نیروی به جز قدرت استدلال بهتر نباید به کار گرفته شود و هیچ انگیزه ای مگر انگیزه جستجوی همیارانه ی حقیقت نباید در میان باشد (هابرماس، 1975: 107 و 108).

از این نظریه این گونه استنباط می شود که اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی فضایی را برای یک کنش تفاهمی و ارتباطی فراهم می آورند و این کنش تفاهمی در صورتی که بر محور مسایل مربوط به جامعه ی مدنی فعال شده و توسعه یابد می تواند در کاربران نگرش و کنش های تقویت کننده ی جامعه ی مدنی را شکل دهد.

نظریه ی کنش معطوف به نتیجه (جورج هومنز<sup>۲۶</sup>):

این کنش به نظریه ی مبادله مربوط می شود در نظریه ی مبادله، گزاره های زیر مطرح می شود:

رفتارهای ارادی و عملی:

1) گزاره ی موفقیت : از میان اعمالی که شخص انجام می دهد بیشتر اوقات ممکن است شخص آن را که به پاداش منتهی می شود تکرار کند این گزاره به خودی خود هیچ چیزی را در مورد تدارک آن عمل بیان نمی کند بلکه در آن فقط دو پدیده پاداش و فعالیت به هم مربوط شده است . آنچه از فرض موفقیت نتیجه گیری می شود این است که دلیل عملی که فردی انجام می دهد هرچه باشد همین که عمل را یک بار انجام داد و نتیجه برایش مثبت بود همان مفهومی را برای فرد پیدا می کند که به آن بعدا نام ارزش مثبت می دهیم و درحقیقت فرد مستعد تکرار آن عمل شده است. طرح این قضیه احتمالا بیانگر آن است که یک عمل توسط نتیجه آن ایجاد می شود. و این طرز تلقی برای آنان که اعتقاد به علت غایی ندارند امر نامربوط و عبثی است . اما منظور از این قضیه آن نیست و آنچه ما شاهد آن هستیم حداقل با سه رویداد همراه است:

- عمل یک شخص که به وسیله ی فعالیت وی دنبال می شود.
- نتیجه منتج به پاداش که با کثرت فعالیت رابطه می یابد.
- تکرار عمل اولیه، عملی که از بعضی جوانب شبیه عمل اصلی و اولیه است (توسلی؛ 1389: 390-391).

## 2) گزاره ی انگیزه:

این گزاره مربوط به تاثیر موقعیت ها بر اعمالی است که در آن موقعیت ها رخ می دهد. این اعمال ممکن است ارادی یا غیر ارادی باشند و در هر حال این موقعیت ها زمینه محرک و یا انگیزش نامیده می شوند و باعث برانگیختن عمل در انسان می گردند. اگر در گذشته وجود یک انگیزه خاص یا یک مجموعه از انگیزه ها فرصتی بوده است که در آن عمل شخص به پاداش منجر شود هر قدر وضعیت جدید شبیه گذشته باشد احتمال این که فرد به انجام عمل یا اعمال شبیه به آن دست بزند بیشتر است . متغیر اصلی در گزاره ی انگیزه درجه ی مشابهت میان انگیزه های حال و انگیزه هایی است که عمل را در گذشته پاداش داده است حتا این تشابه ممکن است نه تنها در یک بعد تغییر نکند بلکه در ابعاد متعددی تغییر کند و بدین ترتیب تابع الگوی اندازه گیری پیچیده ای باشد. بدین شیوه فرد از میان ترکیب انگیزه ها یا مجموعه ی کنش ها انگیزه خاصی را جدا می کند. در این حالت یافته ها زیاد متنوع اند. در این حالت یافته ها زیاد و متنوع اند (توسلی؛ 1389: 394 - 395).

## 3) گزاره ی ارزش ( تشویق و تنبیه):

این گزاره را می توان به این صورت بیان کرد؛ هر اندازه نتیجه عمل یک شخص برای او با ارزش تر باشد به همان اندازه علاقه وی نسبت به تدارک انجام آن عمل بیشتر می شود تغییر ارزش ممکن است مثبت باشد یا منفی نتایج اعمال شخص را که برای او نتیجه مثبت دارند پاداش و نتایج اعمالی را که منفی هستند تنبیه می نامند . در این مقیاس نقطه صفر جایی است که شخص نسبت به نتیجه عملش بی اعتنا است . این گزاره تلویحا بیانگر آن است که

صرفاً یک افزایش در ارزش مثبت یا پاداش این احتمال را افزایش می دهد که شخص یک عمل خاص را انجام دهد. بنابراین افزایش در ارزش منفی (تنبیه) احتمال انجام آن عمل را کاهش می دهد. با تعمیم قضیه انگیزه اگر وقوع یک انگیزه خاص فرصتی بود که عملی مورد تنبیه قرار گیرد تکرار انگیزه در موقعیت تازه احتمال انجام آن عمل را کاهش می دهد. هر عملی که نتیجه آن برای شخص فرصت اجتناب یا فرار از تنبیه باشد به منزله پاداش تلقی می شود و شخص با احتمال بیشتر آن را انجام خواهد داد. بنابراین دو نوع پاداش وجود دارد: پاداش ذاتی و حقیقی و پاداش اجتناب از تنبیه. به طور مشابه دو نوع تنبیه داریم تنبیه ذاتی و تنبیه برای جلوگیری از پاداش (توسلی)؛ 1389: 396-397).

#### 4) گزاره ی محرومیت و اشباع:

این اصل را می توان به شکل زیر بیان کرد: هر اندازه فرد در گذشته نزدیک نوع خاصی از پاداش را بیشتر دریافت کرده باشد به همان اندازه واحدهای بعدی آن پاداش برای وی ارزش کمتری در بر خواهد داشت. اگر کسی پاداش معینی را بارها دریافت کرده باشد می گوییم در حال اشباع شدن از آن پاداش است. به عبارت دیگر ارزش آن پاداش در نظر او تدریجاً کاهش یافته بر اساس قضیه ارزش به انجام دادن عملی که منجر به آن پاداش گردد کمتر تمایل خواهد داشت. تاکید این قضیه برگزیده نزدیک است زیرا پاداش های زیادی وجود دارد که انسان تنها به طور موقت از آنها اشباع می گردد. از سوی دیگر اگر کسی آموخته باشد می گوییم وی از آن پاداش محروم مانده است. ارزش آن پاداش تدریجاً برای او افزایش پیدا می کند و بنابر قضیه ارزش بیشتر متمایل به انجام دادن عملی خواهد شد که به آن پاداش منجر گردیده است (توسلی)؛ 1389: 400-401).

رفتار های غیر ارادی و هیجانی:

#### 5) گزاره ی هزینه و سود:

یک پاداش هنگامی می تواند جانشین پاداش دیگری شود که جانشین کاملی برای آن پاداش وجود نداشته باشد. برخی از اعمالی که برای انسان پاداش به ارمغان می آورند ضرورتاً به طور همزمان وی را متحمل مجازات نیز می سازند. صرف نظر کردن از یک پاداش خود در حکم یک مجازات است پس بیشتر اعمال باید متضمن نوعی مجازات باشند. مثلاً هنگامی که فردی تصمیم می گیرد از دو عمل ممکن با دو پاداش متفاوت یکی را انجام دهد ضرورتاً از دومی صرف نظر می کند یا به عبارت دیگر از پاداش در می گذرد. اضافه پاداشی که فرد از یک عمل به دست می آورد نسبت به هزینه آن عمل سود یا پاداش خالص آن عمل می نامیم. چون پاداش سبب افزایش تکرار یک عمل توسط فرد می گردد و هزینه که در واقع یک مجازات محسوب می شود سبب کاهش آن می گردد می توانیم قضیه ارزش را به شکل جدیدی ارایه کنیم: ..... هر قدر سودی که فردی به عنوان نتیجه عمل خود به دست می آورد بیشتر باشد او به انجام آن عمل راغب تر خواهد بود (توسلی)؛ 1389: 402-403).

## 6) گزاره ی پرخاش (تجاوز) تایید:

هومنز برای رفتار هیجانی ؛ اصل (پرخاش - تایید) را بیان می کند و آن را به دو بخش تقسیم می کند: یک بخش در رابطه با پرخاش و دیگری در رابطه با تایید . بخش یک که فرضیه ناکامی - پرخاش نامیده شده است از این قرار است ( الف هنگامی که رفتار فرد پاداش مورد انتظارش را دریافت نمی کند و یا با تغییری که انتظارش را نداشته رو به رو می شود عصبانی شده بیشتر به انجام دادن رفتار پرخاشگرانه متمایل می شود و نتایج چنان رفتاری برایش ارزشمندتر می گردد. بهتر است در این باره توضیح دهیم:

وقتی شخص آنچه را که انتظار داشته دریافت نمی کند، ناکام می ماند. یک رفتارگرای حقیقی در اینجا اصولاً به انتظار اشاره ای نمی کند، زیرا به نظر می رسد این واژه همانند واژه هایی همچون نیت به یک حالت ذهنی اشاره می کند. رفتار پرخاشگرانه ممکن است برای اولین بار به وسیله ی یک محرک، یعنی شکست یک عمل در دریافت پاداش مورد انتظار به صورت خودکار ایجاد گردد. از این لحاظ پرخاش در بار نخست همانند حرکتی بازتابی چون انقباض ماهیچه زانوست اما نباید پرخاش را بازتاب یکی پنداشت. بازتاب آموختنی نیست. فرد نمی تواند پرش ماهیچه زانو را بیاموزد ولی پرخاش آموختنی است. بدین معنا که یک عمل پرخاشگرانه که اساساً یک عمل هیجانی محض است می تواند ارادی شود. شرایط سرخوردگی ای که برای اولین بار فرد را وادار به عمل پرخاشگرانه کرده است هرچه باشد، اگر پرخاش وی کاملاً جدا از ارضای عصبانیت او با یک پاداش توأم گردد، او بیشتر متمایل به انجام مجدد آن عمل پرخاشگرانه خواهد گردید، درست به نحوی که گویی پرخاش، یک عمل عادی است. همانطور که می دانیم اگر پرخاش به نفع ما باشد، آن را تکرار خواهیم کرد.

ب) وقتی عمل فرد پاداش مورد انتظار به ویژه پاداشی بیشتر از آن را ، فرد متلذذ خواهد شد و بیشتر به انجام عمل پسندیده متمایل خواهد گردید و نتایج چنان عملی برایش ارزشمندتر خواهد شد. گرچه انسان ها اغلب آنچه را ما که قدرانی می نامیم نثار کسانی می کنند که به ایشان پاداشی غیر معمول داده اند ولی بدیهی است که می توانند از تایید دیگران به عنوان وسیله ای جهت کسب پاداش بیشتر از آنان استفاده کنند. تایید دیگران می تواند به چنین وسیله ای تبدیل گردد، زیرا بسیاری از آنها تاییدی را که از دیگران دریافت می کند، درست به همان صورتی که پرخاش را خوشایند نمی یابند، خوشایند می دانند. تایید نیز مثل پرخاش می تواند در عین اینکه یک رفتار هیجانی باشد، عملی ارادی گردد. اگر زمانی آنچه پاداش غیر قابل انتظار و غیر مادی بوده است به وسیله رقابت به پاداشی عادی و مورد انتظار تبدیل گردد، نتیجه اش این خواهد شد که واکنش هیجانی فرد رو به کاهش خواهد گذاشت و نیازی به گفتن نیست که در این حالت وی مشتاق خواهد بود که از تایید به عنوان ابزاری استفاده کند (توسلی، 1389: 408 - 409).

بر اساس نظریه ی مبادله ؛ رفتار به مثابه ی مبادله است و افراد در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اقدام به تبادل پیام و تفسیر پیام ها و محتوای آن ها می کنند و بخشی از این مجموعه پیامها به نهادهای مدنی و جامعه مدنی مربوط است. حال اگر در این تبادل آرا و نظرات به این نتیجه برسند که در شرایط کنونی کشور ایجاد یک جامعه مدنی پیامدهای اجتماعی سودمندی برای آن‌ها خواهد داشت آنگاه در جهت ایجاد جامعه ی مدنی می کوشند.

نظریه ی رفتار جمعی (نیل اسملسر<sup>27</sup>):

رفتار، شیوه معمول عمل و زندگی است . در روان شناسی، رفتار را واکنش فرد (چه در زندگی عادی و چه در اوضاع خاص اجتماعی) تعریف می کنند . رفتار جمعی عبارت است از الگوهای رفتاری بی ساختار، خودانگیخته، هیجانی و پیش بینی ناپذیر افرادی که از رفتار جمعی پیروی می کنند و در برابر محرک خاصی که ممکن است شخص دیگر یا حادثه معینی باشد، واکنش نشان می دهند(کوئن، بروس؛ 1384: 323).

رابرت پارک به‌عنوان واضع اصطلاح مورد نظر در اثرش درباره رفتار جمعی آن را این گونه بیان می کند : رفتار جمعی از هر گردهمایی انسانی نشات می گیرد که در آن هر فرد، در اثر خلق یا وضع روحی که هر کس در آن سهمی دارد و در شکل یابی آن شرکت داشته است، به سوی عمل یا اندیشه ای رانده می شود.(گولد، جولیس و کولب، ویلیام ؛ 1376: 442). اساساً اصطلاح رفتار جمعی را جامعه شناسان آمریکایی به کار می برده اند؛ اما بعدها توسط روان شناسان اجتماعی و دانشمندان علوم سیاسی هم به کار گرفته شد. این افراد معتقد بودند که رفتارهای جمعی و گروهی خصوصیات خاصی دارند که آن را از سایر رفتارها متمایز می سازد. این خصوصیات عبارتند از:

1. مشارکت افراد در گیر ؛ این رفتار مشارکت تعداد قابل ملاحظه ای از مردمان را که در فرآیندی از تحریک متقابل درگیر شده اند در بر می گیرد . این مردمان به سوی گسترش حالات روحی مشترک انگیزه ها و احساساتی سوق داده می شوند که آنان را به صورت یک جمع پیوند می دهد.

2. موقعیت سیال رفتارها ؛ رفتارهای یاد شده در موقعیتی نسبتاً سیال و تعریف نشده پی ریزی شده شکل یافته یا نمایان می شود. بیان و تجلی انگیزه ها و احساسات، خود به خودی و هدایت نشده است . اما رفتار جمعی ممکن است در جهت های گوناگون گسترش یافته و شکل گیرد و این امر به چگونگی بسیج انگیزه ها و احساسات ابتدایی شرکت کنندگان و به فرآیندی بر هم کنشی میان آن‌ها بستگی دارد.(همان، 442).

3. تمایز بین رفتار جمعی و گروهی، برخی از جامعه شناسان میان رفتار جمعی و رفتار گروهی تمایز قائل می شوند . رفتار گروهی رفتاری متشکل است که اعضای گروه دارای خواست ها ی گروهی مشترک بوده و برای رسیدن به آن‌ها تشکیلاتی را به وجود آورده اند. اعضا از طریق این تشکیلاتی را به وجود آورده اند. اعضا از طریق این

تشکیلات می توانند با یک دیگر ارتباطی منسجم و طولانی مدت داشته باشند اما رفتار جمعی به دلیل هیجانی بودن استمرار کمتری دارد (خالدی؛ 1396: 8).

کارکردگرایان معتقدند که مردم در رفتار جمعی نمی توانند عقلانی عمل کنند زیرا دلیل ترس و اضطراب خود را نمی دانند و رفتار آن‌ها منشا مشکل را هدف قرار نداده است. رفتار غیر عادی نیز می تواند تلاشی ناآگاهانه در مسیر حل مشکلاتی به شمار آید که نه شناخته و نه تعریف شده اند. رفتار جمعی رفتاری غیر سنتی است بدان معنا که چنین رفتاری به روشنی تعریف نشده و در چارچوب هنجارهای فرهنگی صورت نمی گیرد؛ زیرا تعاریف فرهنگی و هنجارهای اجتماعی تا حدودی زیادی تعیین کننده و محدودکننده رفتارهای اجتماعی هستند در صورتی که در رفتارهای جمعی چون هیستری توده ای یا هراس جمعی و ... ملاحظات فرهنگی بسیار ناچیز بوده و احتمال بروز ناهنجاری زیاد است (عضدانلو، حمید؛ 1386: 329).

نیل اسملسر؛ اشکال رفتار جمعی را شامل هراس، هیجان جمعی (شامل هوس جمعی، رونق تجاری، موقعیت سنجی و احیای دینی) طغیان خصومت آمیز، جنبش معطوف به هنجار (شامل جنبش اصطلاحی) و جنبش مطوف به ارزش (شامل انقلاب سیاسی و دینی، شکل گیری فرقه ها و جنبش های ناسیونالیستی و غیره) می داند. وی شش شرط را به عنوان عوامل اولیه و تعیین کننده رفتار جمعی ذکر نموده است: (خالدی، 1396: 9)

1. زمینه ساختاری؛ به معنای آن است که ساختار جامعه باید به گونه ای باشد که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد. به عنوان مثال جامعه ای که اعتراض و تظاهرات در آن ممنوع است زمینه مساعدی برای انواع رفتارهای خود انگیخته فراهم می سازد (کوئن، بروس؛ 1385: 324-327 و اسملسر، نیل؛ 1386: 20-26).

2. فشار ساختاری؛ هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می شود مردم اغلب برای یافتن راه حل پذیرفتنی به همکاری با یکدیگر ترغیب می شوند. برای مثال بحران اقتصادی در جامعه افراد را دچار ناراحتی های روحی کرده و بایکدیگر در سرپیچی از نظم حاکم متحد می کند (همان).

3. باور تعمیم یافته؛ قبل از این که راه حلی دسته جمعی برای یک مساله یافت شود، باید همه بپذیرند که چنین مساله ای وجود دارد بنابراین مساله باید شناخته شود افکار عمومی به آن توجه کنند و راه حل های ممکن برای آن ارائه شود (همان).

4. عوامل شتاب دهنده؛ برای ظهور رفتار جمعی باید نخست رویداد مهمی افراد را به واکنش جمعی وا دارد. این رویداد خاص اغلب با شایعه، مبالغه آمیز می شود و در نتیجه به صورت چشم گیرتری جلوه می کند (همان).

5. بسیج برای اقدام؛ هنگامی که رویداد شتاب دهنده رخ داد، گروه برای اقدام، بسیج می شود. این نوع سازمان که اعضای آن با شتاب گرد آمده اند، بسیار بی ساختار است و بافت منسجمی ندارد (همان). به عنوان مثال، دستگیری و

کشته شدن گروهی از مردم ایران در حکومت نظامی زمان شاه، موجب ایجاد موجی از اعتراضات شد و رهبرانی از میان جمعیت برخاسته و مردم را بر ضد حکومت بسیج کردند که در نتیجه آن، جمعیت، شعار و فریادخشم آلود سر داده و با نیروی نظامی شاه، درگیر شدند (خالدی، 1396: 12).

6. عملیات کنترل اجتماعی؛ موفقیت تلاش های جمعی افراد، عمدتاً تابع مکانیسم های کنترل اجتماعی در جامعه است. کنترل های اجتماعی را می توان به دو نوع گسترده تقسیم کرد:

الف) کنترل های اجتماعی که شرایط مساعد ساختاری و فشار را به حداقل می رسانند؛ در معنای وسیع این کنترل ها از وقوع یک مورد رفتار جمعی جلوگیری می کنند زیرا به عوامل نامعین حمله می برند؛

ب) کنترل های اجتماعی، که صرفاً پس از آنکه یک مورد جمعی آغاز به شکل گیری و تحقق نماید، بسیج می شوند. دسته اخیر تعیین می کنند که یک مورد جمعی با چه سرعت تا چه اندازه و در چه جهاتی بروز خواهد نمود (اسملسر، 1380: 24).

نهایتاً پیوند مولفه های شش گانه نظریه اسملسرا با موضوع پژوهش حاضر میتوان بصورت زیر تشریح نمود:

1 - زمینه ی ساختاری : جامعه ای که در آن هرگونه آزادی ؛ اعم از آزادی بیان ، آزادی عقیده ، در آن ممنوع است بدون شک رفتار های خودانگیخته (مانند رفتارهای مدنی) در آن شکل می گیرد.

2 - فشار ساختاری : هنگامی که فشار بر جامعه تحمیل می شود مانند فشار اجتماعی و فشار سیاسی و یا محدودیت های اجتماعی در آن اعمال می شود افراد به همکاری با یکدیگر ترغیب می شوند و دست به کنش اجتماعی در زمینه های وانهاده شده می زنند.

3 - باور تعمیم یافته : ضمن حضور و تبادل نظر در اینترنت و شبکه های اجتماعی ، افکار عمومی در افراد شکل می گیرد و در نتیجه رفتار مدنی آنها رقم می خورد

4 - عوامل شتاب دهنده : آرایه ی محتویات مبالغه آمیز شبکه های اجتماعی و اینترنت به کنش اجتماعی و مدنی شتاب می دهد.

5 - بسیج برای اقدام : هنگامی که رویدادی مبالغه آمیز مانند (نقض حقوق بشر) از سوی شبکه های اجتماعی و اینترنت اطلاع رسانی شود افراد برای کنش اجتماعی آنها در مسیر توسعه جامعه مدنی بسیج می شوند .

نظریه ی کنش متقابل نمادی (هربرت بلومر<sup>۲۸</sup>):

دو ایده ی اصلی در نظریه ی کنش متقابل نمادین بر این اساس است که:

1- متقابل بودن کنش: رفتار انسان هنگامی یک کنش جمعی است که بیش از یک نفر در آن دخالت دارند.

2- نمادین بودن کنش: کنش متقابل بین اشخاص تحت فرمان معنایی است که آن‌ها به کنش‌ها و واکنش‌های یکدیگر نسبت می‌دهند. این معناها همان نمادها یعنی ژست‌ها تفسیرها تعریف‌ها یا انگهائی است که مردم به یک کنش نسبت می‌دهند و از خود کنش مهم‌ترند (صدیق سروستانی، 1386: 57).

بر اساس این دیدگاه انسان‌ها از طریق نمادها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و هر یک از این نمادها دارای معانی است که افراد آنها را تفسیر می‌کنند و بر اساس آن‌ها رفتار می‌کنند.

طبیعت کنش متقابل از نظر بلومر مبتنی بر سه قانون است: قانون یک انسان به سوی اموری عمل می‌کند که معانی خاصی برایش دارد. قانون دو معنی امور از کنش متقابل اجتماعی که یک شخص با دیگران دارد اخذ می‌شود. سومین قانون معانی از طریق جریان تفسیری که خود در اثر مقابله با امور استفاده می‌کند به دست می‌آیند. او همچنین بر اساس قاعده ی سه اشاره کرده است که معنای چیزها بر اساس متن کنش اجتماعی شکل داده می‌شود و به واسطه ی افراد در کنش متقابل اخذ می‌گردد. بلومر مدعی است که سه اصل فوق عامل توسعه یک طرح تحلیلی جامعه ی انسانی و هدایت انسانی می‌باشد. بلومر این طرح تحلیلی را تصورهای ریشه ای و بنیادی نامیده است. تصورهای اساسی و ریشه ای به چندین موضوع عمده برمی‌گردد:

1- گروه‌های انسانی یا جوامع 2 - کنش متقابل اجتماعی 3 - موضوع‌ها و واقعیت 4- انسان به مثابه ی کنشگر، کنش انسانی و ارتباط بین کنشگران.

بلومر اشاره دارد که گروه انسانی یا جامعه از کنش افراد با یکدیگر تشکیل شده است. اساس جامعه بر کنش بین افراد بر می‌گردد. کنش اجتماعی ابزار هدایت و راهنمای انسانی نیست بلکه جریانی است که به جهت گیری انسانی می‌انجامد. جورج هربرت مید به دو نوع کنش متقابل اشاره می‌کند:

1- گفت‌گو مبتنی بر ایما و اشاره‌ها

2- استفاده از سمبل‌های مهم اشاره کرده است

بلومر کنش متقابل را به دو صورت دیگر بازگو کرده است:



1-کنش متقابل غیر نمادی مثل پاسخ یک مشت زن در مقابل ضربه ای که خورده بدون تفسیر عمل طرف مقابل

2-کنش متقابل نمادی که به معنای کنش متقابل همراه با تفسیر عمل دیگری است.

بر اساس این نظریه می توان گفت افراد در اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی بطور روزانه مفاهیم و معانی بسیاری را در زمینه نهادهای مدنی و فعالیت های مربوطه تولید کرده و انتقال می دهند که افراد دیگر نیز به تفسیر این معناها پرداخته و در فرایند تفسیر به ضرورت جامعه مدنی و عمل در مسیر آن آشنایی شوند.

نظریه آنتونی گیدنز :

گیدنز معتقد است تغییرات ساختاری در قدرت به واسطه سطوح چندگانه جهانی شدن مانند مبادله پولی ، پیشرفت های فناوریانه و مردم سالاری سیاسی گسترده ، باعث تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان شده است . در جوامع پیشامدرن ، زمان و مکان یکنواخت و همیشه بودند ، به این معنی که مردم به تعامل در مجاورت یکدیگر و برقراری ارتباطات شفاهی با یکدیگر تمایل داشتند ؛ اما یکی از پیامدهای مهم مدرنیته این است که ظرفیت ما برای زندگی و کار در گسترده زمان و مکان به صورت مجزا از یکدیگر ؛ گسترش یافته است. به نظر گیدنز ، کنش های روزمره به وسیله خود کنش گران به لحاظ ساختاری مقید می شود و فناوری های رسانه ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان ، تجربیات رسانه ای شده ، قادر به وارد کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می تواند به احساس عدم امنیت و واژگونی واقعیت منجر شد. برای وی ، تجربیات رسانه ای شده ، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعاتی درباره ی دیگران می دهند و روایتی را که ما درباره ی دیگران داریم را تغییر می دهند. (لاوگی ، 2007 : 97)

نظریه انتخاب عقلانی :

پدیده های اجتماعی حاصل افعال آدمیان است و آدمیان هم فاعلانی هستند که ارزش ، اعتقاد ، هدف ، معنی ، امر و نهی و احتیاط و تردید بر افعالشان حکومت می کند. به عبارت دیگر آدمیان ، مخلوقات عالم و قاصدند که فعلشان مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. الگوی تبیینی انتخاب عاقلانه یک اصل محوری دارد و یک رشته شیوه های تحلیلی آن اصل این است که رفتار آدمیان ، هدفدار و سنجیده (سنجش گرانه) است . فرض بر این است که آدمیان در چند راهی ها ، راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می کنند ، برای رفتن به هر راهی محاسبه ی سود و زیان می کنند و پس از بررسی ادله ی موافق و مخالف به راهی می روند. عملی عاقلانه و سنجیده است که در چارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف وسیله مناسبی باشد برای رسیدن به هدفی لذا برای تبیین رفتار فرد باید ابتدا اغراض و معتقدات او را معین نمود و سپس نشان داد که آن عمل ، شیوه ی خردپسندی است برای رسیدن به آن اغراض در چارچوب آن معتقدات (سروش ؛ 1385 : 61-65).

مدل های انتخاب عقلانی همیشه بر مفهوم کنشگران هدفدار و نیت مند تاکید دارند. این کنشگران دارای ترجیحات (ارزشی یا انتفاعی) هستند. آن‌ها برای به دست آوردن نتایجی که دارای سلسله مراتب هم می باشند، عمل می کنند. در انتخاب عقلانی دو نوع محدودیت وجود دارد: 1 - محدودیت های فرصتی، 2 - محدودیت های سازمانی. همه ی افراد فرصت های مساوی برای انتخاب ندارند. زیرا هزینه هایی که افراد باید برای به دست آوردن فرصت های متفاوت بپردازند، متفاوت می باشد. در این صورت فرصت برای عده ای موجب محدود شدن انتخاب می گردد. از طرف دیگر محدودیت های سازمانی در انتخاب عقلانی نیز وجود دارد. هر فردی از تولد تا مرگ با محدودیت هایی روبه روست که از طریق هنجارها، ارزش ها، نظام سیاسی، اجتماعی، مدرسه (و رسانه ها) بر او تحمیل می شود. در این صورت تنوع نتایج به طور منطقی به تنوع در ترجیح ها، فرصت ها و محدودیت های نهادی وابستگی دارد. دو عنصر، یکی مکانیسم جمعی و دیگری اطلاعات نیز در انتخاب عقلانی مهم اند (رنجبر و همکاران؛ 1389: 1179).

بر اساس این نظریه این گونه می توان استنباط نمود که: افراد در اینترنت و شبکه های اجتماعی به صورت هدفمند و حسابگرانه عمل می کنند و اگر ببیند که پیام ها و محتوای این رسانه ها برایشان هزینه های زیادی نخواهند داشت اقدام به تصمیم گیری می کنند و در جهت ترویج نهادهای مردم محور و ایجاد جامعه ی مدنی گام بر می دارند.

## 2-3-4. نظریه های جامعه مدنی:

آنتونیو گرامشی<sup>29</sup>:

گرامشی مدل سه بعدی از جامعه ترسیم می کند: اقتصاد، جامعه ی مدنی و دولت. او معتقد است: ((بین زیر بنای اقتصادی و دولت با دستگاه قانون گذاری و امنیتی اش جامعه ی مدنی قرار دارد)) (کبیر، 1995: 55). ویژگی جامعه ی مدنی مورد نظر گرامشی نه در جدایی جامعه ی مدنی از اقتصاد و دولت بلکه در نوع رابطه ی خاصش با این دو قرارداد که بر اساس توافق است. گرامشی از ایده ی مارکس مفهوم زیربنا و روبنا را اقتباس و تفکر ماتریالیسم آن را حذف کرد. او با این ایده که جامعه ی مدنی پایه ی مطمئن و اساس مادی دولت است مخالف بود. جامعه ی مدنی را با تاکید بر نقش ذاتی اجتماعی دولت در روبنا قرار داد. مدل مارکسیستی زیربنا (جامعه ی مدنی - جامعه ی بورژوازی) و روبنا (دولت) در نزد گرامشی به مدل زیربنا (اقتصاد) و روبنا (جامعه ی مدنی - شامل نهادهای غیر دولتی نظیر کلیسا، مدرسه ها، دانشگاه ها، خانواده ها، احزاب سیاسی - و دولت - شامل ارگان های امنیتی مانند پلیس، ارتش، زندان و دادگاه و دستگاه های اداری و اجرایی) تغییر پیدا کرد. چنانچه کبیر (کبیر، 1995: 53-54) در کتاب خود "جامعه ی مدنی گرامشی؛ زندگی روزمره، اقتصاد، فرهنگ و سیاست" توضیح داده است که دو سطح روبنا در نزد گرامشی وجود دارد یکی جامعه ی مدنی شامل کلیه ی سازمان های

<sup>29</sup> Antonio Gramsci

خصوصی و دیگری جامعه‌ی سیاسی یا دولت است. سطح یک دارای کارکرد استیلا یا هژمونی است. که در آن گروهی حاکم بر کل جامعه‌ی اعمال سلطه می‌کند و سطح دیگر دارای کارکرد اعمال مستقیم قدرت با پلیس و دستگاه قضایی است. از آنجا که جامعه‌ی مدنی گرامشی همه‌ی روبناهای معینی مانند اتحادیه‌ها، احزاب، مدرسه‌ها، رسانه‌ها، کلیساها، مطبوعات را در بر می‌گیرد مترداف با فرهنگ است که فرد عنصر اصلی عمل‌کننده در آن است. از نظر گرامشی در جامعه‌ی مدنی همه‌ی افراد و نه گروه اجتماعی خاص مختارند به موسسات بپیوندند یا از آن‌ها خارج شوند (گلد اسمیت و مایس، 1995: 10).

از نظر گرامشی جامعه‌ی مدنی علاوه بر کارکرد اقتصادی دارای کارکرد انسجام بخش است؛ کارکردی که با دستیابی به توافق یا کسب رضایت حاصل می‌شود. درحالی که جامعه‌ی مدنی مورد نظر مارکس فقط به کردارهای اقتصادی و مبادله محدود می‌شود و با سازمان‌دهی مادی جامعه یکی است اما نزد گرامشی جامعه‌ی مدنی به مجموعه‌ای از روابط اجتماعی بین دولت و اعضای جامعه تبدیل می‌شود. جامعه‌ی مدنی مورد نظر گرامشی روبنایی است زیرا به حوزه‌ی کردارهای ایدئولوژیک و سیاسی تعلق دارد و زیر بنایی است زیرا فضایی برای کنش اقتصادی طبقات اصلی جامعه سرمایه‌دار و پرولتاریا با یکدیگر است. جامعه‌ی مدنی فضایی است که در آن دوگانگی شدید زیر بنا و روبنا و نیز نارضایتی‌ها و اختلاف نظرها از بین می‌روند و یگانگی و توافق حاکم می‌شود (سبزه‌ای، 1393: 118).

نظریه رالف دارندورف:<sup>30</sup>

دارندورف از دو منظر فلسفی - اجتماعی و فلسفی - مذهبی ضرورت جامعه‌ی مدنی را تحلیل می‌کند یعنی همان افق‌هایی که تنها از یکدیگر جدا نیستند بلکه در هنگام تحلیل به کمک هم می‌آیند که در ابتدا به رویکرد فلسفی - اجتماعی اشاره می‌شود:

رویکرد فلسفی - اجتماعی:

از این منظر شهروندی هسته‌ی اصلی تحلیل جامعه‌ی مدنی است که با دو مفهوم متقابل ((حق‌ها)) و عرضه‌ها)) تعریف می‌شود. دارندورف از اختلاف یا تضاد موجود بین دو مفهوم سخن می‌گوید یعنی از اختلافی که بین دسترسی انسان‌ها به اشیا وجود دارد (حق‌ها) و اشیایی که در عمل برای نیازها و برآورده کردن آرزوها وجود دارند (عرضه‌ها) (نوتل ویلدرف، 1999: 106). بر اساس نظریه‌ی حق‌ها و عرضه‌ها، دارندورف معتقد است در جامعه فرصت‌های زندگی برای همه برابر نیست. لذا نظم اجتماعی همیشه با نابرابری اجتماعی و سلطه توأم است. چنان‌چه در کتاب آزادی و شرایط اجتماعی (1993) می‌نویسد: ((جامعه یعنی سلطه و سلطه یعنی نابرابری)) (دارندورف، 1993: 77). به زعم او در جوامع مدرن تضاد اجتماعی که ناشی از تقسیم نابرابر فرصت‌ها

<sup>30</sup> Rawlf Dahrendorf

زندگی در بین مردم است به صورت مبارزه بر سر حق ها و عرضه ها تجلی می کند. اوحق ها را به مثابه ی کارت های ورودیه می داند که به دارندگانش دسترسی و کنترل بر اشیا یا کالاهای کمیاب را امکان پذیر می سازد. چنان چه دارندوف در تضاد اجتماعی مدرن (دارندوف، 1994 : 27 ) می نویسد: (( حق ها به انسان ها حق مشروع دست یابی به اشیا را ممکن می سازند)). او برای توضیح بیشتر منظور خود از ((حق ها)) به مجموعه حقوق انسانی به ویژه حقوق شهروندی اشاره می کند که بر اساس قانون اساسی به همه ی اعضای جامعه اعطا می شود. به زعم دارندوف در مرکز تضادهای اجتماعی اجرای حقوق بشر و حقوق شهروندی قرار داشته و دارد. در نگاه وی حقوق شهروندی مفهومی کلیدی و قلب جامعه ی مدرن است . (دارندوف، 1995 : 42 ) حقوق شهروندی، حقوق ویژه ای است که همه ی افراد سوای ملیت، نژاد، رنگ، طبقه، شغل، جایگاه ی اجتماعی و ... از آن برخوردارند.

منظور دارندوف از جامعه ی مدنی حوزه ای اجتماعی است که بر اساس حقوق شهروندی بنا شده است و به اعضای خود فضایی انسانی و مدنی برای بروز تضادها ی اجتماعی عرضه می دارد. دارندوف در پاسخ این که جامعه ی مدنی چیست می نویسد: جامعه ی مدنی دوصورت دارد :اولا جامعه ای متشکل از شهروندان است که در آن شهروندی تحقق می یابد ... و زمین مشترکی است که همه ی اعضا ی جامعه بر روی آن می ایستند. جامعه ی مدنی زمین مشترکی است که باحق ها که با وضعیت شهروندی درارتباطند عجین شده است، آن هم حقوقی که ماهیت قانونی دارند: نظیر برابری در برابر قانون و حقوقی که ماهیت سیاسی دارند مانند مصونیت درهنگام بی گناهی و هم چنین برخوردار ی از آموزش به منزله حق مسلم شهروندی.

دارندوف سه ویژگی اصلی برای جامعه مدنی قائل است : کثرت گرایی : به نظر دارندوف، تکثر نهادها و سازمان ها ی متعلق به جامعه ی مدنی در همه ی حوزه های زندگی به شهروندان کمک می کند تا منافع و علایق گوناگون خود را در حوزه ی زندگی اجتماعی تعقیب وتامین کنند. لذا ساختارها ی انحصاری نه تنها به جامعه ی مدنی تعلق ندارند بلکه خطر جدی برای آن محسوب می شوند. از جمله ساختارهای انحصاری که به جامعه ی مدنی تعلق ندارد دولت است . هم چنین در حالی که کلیسای مستقل از دولت جزیی از جامعه ی مدنی هستند اما نمی توان کلیسای دولتی را یک نهاد مربوط به جامعه ی مدنی دانست ( دارندوف، 1993 : 78 ).

خودمختاری : منظور از خودمختاری عدم وابستگی نهادهای مختلف جامعه ی مدنی به مرکز قدرت یا دولت است مانند خودمختاری انجمن ها و دانشگاه های غیر دولتی . به نظر او خودمختاری در صورتی مستحکم تر می شود که بر مبنای مالکیت باشد. بر این اساس بسیاری از شرکت های کوچک و متوسط، بنیادها، اتحادیه ها و سندیکاها جزو نهادها ی جامعه ی مدنی محسوب می شوند. در حالی که جامعه ی مدنی، از سویی از نهادهای خودمختار تشکیل می شود از سویی دیگر منبع خودمختاری و استقلال چنین سازمان ها ی اجتماعی جامعه ی مدنی است زیرا جامعه ی مدنی به وجودآورنده ی شرایطی است که چنین نهادهایی در آن ها متولد می شوند و رشد می کنند ( نوتل ویلدفر، 1999 : 123 ).

مدنیت: دارندورف تحقق شهروندی را به انجام وظایف شهروندی از سوی افراد آنها مطابق با شاخص‌های رفتار مدنی وابسته می‌کند. بر اساس این، یکایک شهروندان در مقابل جامعه و در برابر هم وظایف مدنی دارند و باید بر اساس تعهد اجتماعی، غرور شهروندی، تساهل و مدارا با یکدیگر رفتار کنند. او می‌نویسد: جامعه‌ی مدنی بدون درک شهروندی، غرور شهروندی، مدارا، مشارکت و رفتار مدنی وجود نخواهد داشت. ( دارندورف، 1993 : 78 ). شهروند مدرن کسی است که خودش وظیفه و مسوولیتش را در برابر جامعه بداند و سوال نکند که دیگران یا دولت برای او چه کاری می‌توانند انجام دهند بلکه خود او دست به اقدامی بزند و کاری برای دیگری و جامعه انجام دهد (حمزه ای، 1393 : 136).

نظریه فضای عمومی از هانا آرنه :

فضای عمومی؛ آرنه ضمن ارائه ی تعریفی از فضای عمومی دولت شهر ها ی قدیم و ذکر ویژگی های آن ، نکات اختلاف فضای عمومی مورد نظر خود با فضای عمومی جامعه ی مدرن امروزی را توضیح می دهد. آرنه فضای عمومی را ((فضای نمود)) و ((جهان مشترک)) تعریف می کند. در درجه ی اول ، حوزه ی عمومی فضای نمودها و واقعیات است که از سوی ما دیده و شنیده می شود. در درجه ی دوم ، حوزه ی عمومی جهان مشترک انسان هاست . به نظر آرنه ، در معرض دید و شنود دیگران قرار گرفتن اعتبارش را از این واقعیت می گیرد که افراد از چشم اندازه های متفاوت می بینند یا شنیده ها را تفسیر می کنند. بنابراین حوزه ی عمومی چشم اندازی بیکران و نامحدود است و هرکسی میتواند از چشم انداز خودش واقعیت را ببیند. این جنبه از اندیشه ی آرنه با اصل "کثرت گرای" هماهنگی دارد. فضای عمومی آرنه دارای شش ویژگی اصلی است : فضایی است غیر طبیعی ، عمومی، غایی، باز، متکثر(در طرح موضوعات) و غیر انحصاری که به اجمال به هر کدام اشاره می شود :

- غیر طبیعی بودن: منظور از این ویژگی آن است که سیاست حاصل تمایلات طبیعی یا خصلت ها ی نهفته ی طبع بشری نیست بلکه دستاورد فرهنگی افرادی است که از ضروریات زندگی و زیستی فراتر رفته و پا به دنیایی گذاشته اند که در آن عمل سیاسی آزاد تبلور می یابد. فعالیت های سیاسی جزو طبع بشر نیستند ، بلکه غیر طبیعی اند و از سوی انسان ساخته می شوند . ویژگی غیر طبیعی فضای عمومی چند پیامد اصلی برای سیاست به دنبال دارد:

- نخست اینکه، برابری سیاسی شهروندان، یک وضع طبیعی یا وضع پیش از تشکیل حوزه ی عمومی نیست و بر اساس نظریه ی حقوق طبیعی ایجاد نشده است ، بلکه ویژگی اکتسابی است که افراد برای وارد شدن به حوزه ی عمومی به آن نیاز دارند.

- دوم ، جامعه ی سیاسی بر مبنای هویت های پراکنده شکل نمی گیرد. هویت های قومی، مذهبی یا نژادی در تقابل با هویت فرد به مثابه یک شهروند قرار می گیرند و هرگز نمی توانند مبنایی برای عضویت فرد در جامعه ی سیاسی باشند. آرت در همین رابطه به ستایش قانون اساسی آمریکا می پردازد ، که هیچ گونه هویتی (نژادی، مذهبی و ... ) را مبنای شهروندی قرار نداده است .
- سرانجام ، حوزه ی عمومی مغایر با شکل گیری هر گونه جماعتی بر مبنای هم دلی ، محبت و دوستی است . به نظر آرت ، حوزه ی عمومی بر مبنای مرزبندی های سیاسی بین افراد شکل می گیرد ، در حالی که هم دلی و محبت مرزهای ناشناسند و بر عواطف و احساسات انسانی استوارند و هرگز نمی توانند سیاسی باشند.
- ویژگی عمومی بودن: به نظر آرت فعالیت های سیاسی در جایی انجام می شوند که افراد یکدیگر را ملاقات کنند و به تبادل افکار بپردازند . شهروندان باید بتوانند در فضایی عمومی درباره ی مشکلات شان بحث و گفتگو کنند و برای آن ها راه حل ارائه دهند . به این اعتبار ، عقاید سیاسی هرگز نمی توانند در حوزه ی خصوصی یا در خلوت شکل گیرند. یکی از کارویژه های عمده ی حوزه ی عمومی این است که در آن با تبادل نظر و روابط بین الاذهانی عقاید درست شکل می گیرد. جنبه ی دیگر، چگونگی وحدت افراد گوناگون در چارچوب اجتماعی سیاسی است ؛ وحدتی اجتماعی که حاصل قرابت های خویشاوندی ، قومی - مذهبی یا نظام ارزشی مشترکی نیست ، بلکه با سهیم شدن در فضای عمومی ، تاسیس نهادهای سیاسی و درگیر شدن در کنش ها و فعالیت های خاص آن فضا ها و نهادها به وجود می آید. بنابراین ، آن چه باعث گردهمایی مردم در اجتماعی سیاسی و اتحاد آن ها با یکدیگر می شود جهان یا فضای مشترک آن هاست . حوزه ی عمومی فضاهایی است ، که در آن ها مردم با یکدیگر کنش و واکنش دارند. مشارکت فعالانه در بخش هایی از حوزه ی عمومی خودیکنوع فعالیت سیاسی هم هست ؛ آنهم فعالیتی که بر اجتماع تاثیرگذار است .
- ویژگی غایی بودن: به نظر آرت ، فعالیت سیاسی ابزاری برای واقعیت بخشیدن به یک غایت یا هدف نیست ، بلکه اساساً ((غایتی در خود)) است . درگیر شدن در عمل سیاسی صرفاً برای رسیدن به رفاه نیست ، بلکه تحقق بخشیدن به اصول ذاتی در حیات سیاسی مانند آزادی ، برابری ، عدالت ، شجاعت و فضیلت است . از این منظر ،

سیاست جهانی دارای یک سری ارزش ها و غایات خاص خودش است که در جریان کنش جمعی میسر می شود) انصاری ، 1379 : 67-73 )

- ویژگی باز بودن : فضای عمومی جامعه ی مدرن بر روی هیچ گروه اجتماعی بسته نیست و همه اجازه ورود به آن را دارند. آرت این امر را حاصل مبارزه ی خستگی ناپذیر تاریخی و مداوم گروه های مختلف اجتماعی نظیر کارگران ، زنان ، اقلیت های قومی ، مذهبی و همجنس بازان برای ورود به حوزه ی عمومی و دست یابی به حقوق شان می داند. این فضا با فضای عمومی پولیس یا دولت شهر متفاوت است ، زیرا زنان ، برده ها ، کودکان ، کارگران و بربرها فاقد حقوق شهروندی بوده ونتیجتا از آن فضا طرد شده بودند . به نظر آرت ، در جوامع امروزی ، قلمرو عمومی را رقابت سرسختانه ی افراد با یکدیگر می سازد و شهروندان در این قلمرو از یکدیگر متمایز می شوند. به عبارت دیگر ، فضای عمومی جایگاه فردیت نیز هست زیرا ؛ تنها جایی است که این امکان را برای انسان ها فراهم می کند که بفهمند به راستی کیستند و چه ویژگی های منحصر به فردی دارند. آرت از فضای عمومی جامعه های مدرن برداشتی غیر نخبه گرایانه دارد به گونه ای که در آن همه ی مصادیق و نشانه های طرد شدن مانند برده بودن ، زن بودن یا خارجی بودن از بین می رود.

- ویژگی متکثر بودن: فضایی غیر بسته و غیر تخصصی به معنای آن که همه ی موضوعات می توانند به عنوان مسائل مورد بحث و بررسی در فضای عمومی مدرن طرح شوند. آرت می گوید: بر خلاف جامعه های باستانی و جوامع سنتی ، در جوامع معاصر نمی توان بین حوزه های عمومی و خصوصی زندگی تفکیک مشخصی قائل شد. رشد دولت رفاهی و مداخله گر فاصله ی طولانی بین حوزه ی عمومی زیر نظارت و کنترل دولت و حوزه ی خصوصی بیرون از کنترل دولتی را از بین برده است ، به صورتی که امروزه کسی نمی تواند ادعا کند که رابطه بین کارگران و کارفرمایان رابطه ی صرفا اقتصادی و امری غیر سیاسی است .

- ویژگی انحصاری بودن: سرانجام ، فضای عمومی از نظر زمانی نباید بسته باشد ، زیرا اختلافات درباره ی چگونگی اداره ی امور عمومی همیشه وجود دارد. به هیچ شهروند خاصی و هیچ گروه اجتماعی خاصی نباید اجازه داد که حوزه عمومی روابط اجتماعی را برای همیشه در انحصار خود بگیرد. در جامعه ی مدرن امروزی ، هیچ جهان بینی و

هیچ نظام عقیدتی نمی تواند امیدوار باشد که می تواند برای همیشه بر حوزه ی عمومی استیلا یابد و افکار عمومی را به انحصار خود درآورد (دوبیل ، 194 : 63 )

با توجه به ویژگی هایی که در نظریه ی فضای عمومی هانا آرنه مشاهده می شود ، اینترنت و شبکه های اجتماعی می توانند در جایگاه یک فضای عمومی نوین و گسترده قرار گیرند که در آن ها بحث و گفتگوهای آزاد بر موضوعات گوناگون اجتماعی میان اقشار گوناگون جامعه جریان یافته و این فرآیند می تواند نگرش و افکار را به سمت حلقه ها و شبکه ها و نهادهای مدنی و مردم محور سوق دهد بگونه ای که عملا نهادهای مقدماتی جامعه مدنی در این فضای عمومی نطفه بندی گردند.

نظریه ی عدالت و همکاری اجتماعی از جان راولز<sup>31</sup>:

جامعه در نگاه راولز، اساسا یک جامعه متکثر، دموکراتیک و عادلانه است. وی مشخصا جامعه را به مثابه "نظام منصفانه همکاری اجتماعی در طول زمان واز نسلی به نسل بعد" تعریف می کند (راولز، 1388: 27). راولز در اثر خود "عدالت به مثابه انصاف" می نویسد: این که جامعه ی دموکراتیک را نوعی نظام همکاری اجتماعی می دانیم ناشی از این واقعیت است که از منظر سیاسی و با توجه به بحث کلی درباره ابعاد اساسی حقوق سیاسی، شهروندان یک جامعه دموکراتیک، نظم اجتماعی موجود خود را ثابت، طبیعی یا ساختاری از پیش تعیین شده نمی دانند بلکه آنرا نظمی که بر اساس همکاری اجتماعی ساخته شده می دانند (راولز، 1388: 28).

راولز برای همکاری اجتماعی سه ویژگی قایل است:

الف) همکاری اجتماعی بر اساس قواعد و رویه ها ی مقبول مشارکت تنظیم می شود.

ب) شرایط همکاری باید نزد همه منصفانه باشد ؛ شرایطی که ایده ی معامله به مثل یا عمل متقابل را تعیین می کند: همه ی کسانی که نقش خود را مطابق قواعد به رسمیت شناخته شده ایفا می کنند باید بر اساس معیاری عمومی و مورد توافق همگانی سود ببرند.

ج) همکاری اجتماعی بر اساس نفع عقلانی یا خیر مشارکت کنندگان است.

همکاری اجتماعی به مثابه ی ویژگی سازنده ی جامعه ای دموکراتیک باید بر اساس شرایط منصفانه باشد. شرایط منصفانه ی همکاری اجتماعی را باید توافق میان شرکت کنندگان در همکاری تعیین کند و دلیلش این است که در جامعه ی دموکراتیک با توجه به فرض کثرت گرایي معقول ، شهروندان نمی توانند درباره ی هیچ مرجع اخلاقی ای، برای مثال متنی مقدس یا نهاد یا سنتی دینی به توافق برسند. آن ها نمی توانند درباره ی نظم اخلاقی ارزش ها یا

<sup>31</sup>.Jahn Rawls



فرمان‌ها ی قانونی توافق کنند، بلکه باید بر سر اصول عدالت بین شهروندان توافق صورت گیرد، که در این صورت شرایط همکاری منصفانه خواهد شد (راولز، 1388 : 41). به نظر او در حالت طبیعی تمام افراد فقط دو اصل را انتخاب می کنند : اصل برابری و اصل تفاوت. بر اساس اصل تفاوت، نابرابری در ثروت و قدرت تنها هنگامی عادلانه است که برای سایرین به ویژه محرومان جامعه جبران کننده‌ای به همراه داشته باشد. نمی توان رنج یکی را باخوشی دیگری توجیه کرد یا بر این باور بود که اگر مجموع خوشی ها از کل رنج ها بیش تر باشد رنج ها باید تحمل شوند. اما اگر عده ای در جامعه دارای ثروت زیاد باشند ولی وضعیت محرومان با ثروت آن‌ها بهبود یابد می توان گفت که بی عدالتی رخ نداده است . راولز در بررسی دقیق تر دو اصل مذکور آن‌ها را به صورت زیر خلاصه کرده است :

اصل یک : هر شخص حق برابردر برخورداری از آزادی های اساسی را مشابه آزادی دیگران دارد.

اصل دو یا اصل تفاوت : نابرابری های اجتماعی و اقتصادی به دو شرط پذیرفتنی است : یکی این که نابرابری ها باید محدود به مناصب یا مقام هایی باشند که در شرایط منصفانه ی فرصت ها برای همگان ایجاد شده اند،

و دوم این که آن‌ها باید بیش ترین سود را برای محروم ترین اعضای جامعه داشته باشد (راولز، 1388 : 84).

یکی از ویژگی های ذاتی یک جامعه ی بسامان این است که برداشت عمومی اش از عدالت سیاسی، بنیان مشترکی برای شهروندان به وجود می آورد تا بر اساس آن قضاوت های سیاسی خود را برای یکدیگر توجیه کنند که راولز از آن تحت عنوان توجیه عمومی نام می برد، به عبارت دیگر توجیه عمومی از نظر راولز یعنی این که هر یک از شهروندان از نظر سیاسی و اجتماعی بر اساس شرایطی که عادلانه بودن آن مورد تایید همگانی است، با یکدیگر همکاری می کنند. توجیه از نظر راولز معطوف به دیگری مخالف است و بر این فرض استوار است که درباره ی مسایل عدالت سیاسی (قضاوت درباره ی عادلانه بودن اصول و موازین معین، نهادها و خط مشی های خاص و نظایر آن‌ها) تضاد و اختلاف نظر وجود دارد، اما همه ی طرف های مخالف که آزاد، برابر و کاملاً معقولند، می توانند در مورد آن‌ها به اجماع برسند (راولز، 1388 : 9-58). لذا راولز تحقق عدالت به مثابه ی اولین فضیلت اجتناب ناپذیر هر نظام اجتماعی را به توانایی جامعه در حل صحیح برخی مسایلی به نام (مسائل عدالت) وابسته می داند. به زعم راولز ، جامعه هم چون یک ضرورتی همیارانه ای برای نفع متقابل است، که کم و بیش خودبسامان و ضرورتاً قواعدی بر آن حاکم است. از این رو، اعضای منفرد جامعه هم اشتراک منافع و هم تضاد منافع با هم دارند. اشخاص نسبت به منافع و سودهای حاصله از همکاری جمعی و توزیع آن‌ها بی تفاوت نیستند. هر یک از آن‌ها برای تعقیب هدف هایشان ترجیح می دهند سهم بیش تری دریافت کنند. آن‌ها ادعا های ناسازگاری را نسبت به هم طرح می کنند و هر کدام می خواهند سهم بیش تری از سود به دست آورند و برای همین می خواهند قواعد اجتماع را هم به گونه ای تنظیم کنند، که سهم بیش تری برایشان تضمین شود. این مسئله ی عدالت است . چنان چه لسناف (لسناف، 1385 : 330 ) توضیح می دهد ، به نظر راولز، انسان زمانی به عدالت دست می یابد، که بتواند سود را به

درستی توزیع کند و به مسوولیت اجتماعی متعهد باشد؛ یا به روایت راولز، هنگامی که قواعد نهادهای اصلی جامعه، یا ساختار اساسی عادلانه حقوق و تکالیف یا مزایای اجتماعی اعضای جامعه را به آن‌ها اعطا کند. راولز فرض می‌کند که واگذاری حقوق و تکالیف یا مزایای اجتماعی نمی‌تواند کاملاً برابر باشد بلکه نابرابر است. به نظر راولز، نابرابری‌های اجتناب‌ناپذیر در ساختارهای اساسی هر جامعه باید توجیه پذیر باشند یعنی مسئله این است که پاسخ مناسبی به این سووال باید داده شود که چگونه چنین نابرابری‌هایی عادلانه است؟ راولز در نظریه‌ی عدالت هدف از طرح سوالاتی درباره‌ی جامعه‌ی عدالت محور را طراحی یک جامعه‌ی رفاهی بسامان می‌داند، که شاخص مهم آن "عمومی کردن اصول عدالت" است. به نظر او، شفاف‌سازی اصول عدالت در جامعه بسامان مانع از این می‌شود که شهروندان اصول و مقررات زندگی جمعی خود را بر پایه‌ی دروغ و تقلب قرار دهند. در این جامعه دروغ و ایدئولوژی کاذب نمی‌توانند بر زندگی جمعی مردم حاکم شوند.

راولز در ارتباط با جامعه مدنی از مفهوم "ساختار اساسی" نام می‌برد و ساختار اساسی، یک چارچوب اجتماعی است که فعالیت‌های روزمره غیر سیاسی مردم در آن جریان داشته و ضمناً بر اهداف، آمال و شخصیت شهروندان، فرصت‌ها و توانایی‌های آن‌ها برای استفاده از این فرصت‌ها تاثیر بسیاری دارد (راولز؛ 1388 : 34) ساختار اساسی از نهادهایی تشکیل می‌شود که انسان‌ها می‌توانند به وسیله‌ی آن‌ها قوای اخلاقی‌شان را پرورش داده و به اعضای کاملاً همکاری‌کننده جامعه‌ای مرکب از شهروندان آزاد و برابر تبدیل شوند (راولز؛ 1388 : 103)

راولز ساختار اساسی را قلمرویی اجتماعی می‌داند و معتقد است این قلمروی غیرسیاسی همراه با قلمروی سیاسی، هر دو تابع اصول عدالت‌اند و هیچ قلمرویی حتماً قلمرو خصوصی (خانواده) معاف از عدالت نیست. راولز معتقد است آن‌چه به قلمرو یا سپهر زندگی معروف است جدای از اصول عدالت نیست (راولز، 1388 : 269). به نظر راولز سپهر زندگی قلمرو فضایی یا مکانی صرف نیست بلکه حاصل کاربست اصول عدالت سیاسی است اصولی که آزادی‌های اساسی برابر و فرصت‌های منصفانه‌ی شهروندان را تعریف کرده و در داخل هر قلمرو (خانواده) و نیز بین قلمروها با یکدیگر (بین قلمروهای خانواده و اقتصاد یا انجمن‌ها) معتبرند.

از سوی دیگر بنا بر مدل اجتماعی عدالت راولز، بسط آزادی‌های دموکراتیک از جمله آزادی‌های زندگی غیرسیاسی یا آزادی‌های مدرن مستلزم مشارکت فعال شهروندانی است که از شعور سیاسی لازم برای حفظ نظامی مبتنی بر قانون اساسی برخوردارند. بنابراین تا زمانی که شهروندان پرشور و آگاه به صورت گسترده در سیاست دموکراتیک مشارکت نکنند، نهادهای سیاسی دست افراد قدرت طلب یا کسانی می‌افتد که منافع کوتاه بینانه و محدود طبقاتی را دنبال می‌کنند. لذا، به نظر راولز، تحقق شهروندی آزاد و برابر بستگی دارد به این‌که افراد به زندگی خصوصی‌شان عقب‌نشینی نکنند (راولز، 1388 : 240). در این راستا، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، فضای تبادل اطلاعات آزادانه را فراهم می‌کند و از این طریق جامعه‌ی مدنی دموکراتیک را مبتنی بر عدالت رقم می‌توانند رقم بزنند.

هابرماس برای مفهوم جامعه ی مدنی از تقسیم بندی جامعه نام می برد؛ به نظر هابرماس، جامعه که منظور از آن جامعه ی سرمایه داری مدرن است دارای کلیت اجتماعی یکپارچه ای نیست بلکه به دو حوزه ی بسیار متفاوت و جدا از هم تقسیم می شود: زیست جهان و نظام

الف) زیست جهان، جهان کنش ارتباطی است که دارای کارکردهای بازآفرینی فرهنگی، انسجام اجتماعی و جامعه پذیری است. این جهان در درجه ی یکم از مجموعه اعتقادات مشترک، تفسیرها و تاویل های مورد پذیرش همگانی تشکیل شده است که توافق و تفاهم را تسهیل می کنند. به نظر هابرماس زبان و فرهنگ برای زیست جهان جنبه ی سازنده و بنیادی دارند. در این جهان نمادین به کمک فرایندکنش ارتباطی، اصلاح، توضیح، تفسیر و غنی سازی محتواهای فرهنگی صورت می گیرد و افراد به ذخیره ای از دانش دست می یابند که زمینه ی مشروعیت جامعه و خود تکوینی فردی را فراهم می کند. به علاوه زیست جهان، عناصر ساختاری نظیر نهادها، ساختارهای هنجاری و رویه های اجتماعی را شامل می شود که انسجام اجتماعی را به وجود می آورند؛ انسجامی که نتیجه بازآفرینی تعهدات و روابط میان فردی و عضویت ها و وابستگی های اجتماعی است. سرانجام در زیست جهان افراد طی فرایند جامعه پذیری، درونی کردن ارزش ها و هنجارها را می آموزند. درونی کردن زیست جهان امکان تفسیر معانی به شیوه های معتبر و آموزش سازگاری با هنجارهای اجتماعی و تعامل با دیگران را باحفظ هویت متقابل فراهم می سازد (پیوزی، 1379: 144). به نظر هابرماس عقلانیت ارتباطی که برمنافع همگانی استوار و حاصل توافق های جمعی است در زیست جهان محقق می شود. با این وجود، خطر غلبه عقلانیت ابزاری بر عقلانیت ارتباطی وجود دارد (پیوزی، 1379: 146).

ب) نظام. نظام حوزه ای از جامعه است که از دو خرده نظام اقتصاد و سیاست تشکیل شده است. این حوزه از تجربه ی مشترک ارتباطی که با میانجی زبان انتقال می یابد جدا شده و با میانجی های پول و قدرت هماهنگ می شود. هابرماس با بازسازی نظرات مارکس نشان می دهد که چگونه حوزه های گسترده ای از زیست جهان و حوزه ی عمومی آموزش و پرورش شهروندی و مانند آن به کمک میانجی های پول و قدرت فرو می ریزند و سپس دوباره به مثابه الزام های اقتصادی زیرمجموعه نظام بازسازی می شوند. قدرت یکی از میانجی های نظام است که اگرچه به دلیل ماهیت ارتباطی اش به اندازه ی پول (میانجی اقتصاد) کامل نیست اما به مانند پول زیست جهان را زیرسیطره و کنترل دولت می گیرد (پیوزی، 1379: 145). به نظر هابرماس نظام مبتنی بر عقلانیت ابزاری است و بالاترین غایت آن نیل به موفقیت است (انصاری، 1384: 309).

این جهان ، جهان آزادی نیست بلکه جهان ضرورت است ، جهانی که هرگاه در کنار زیست جهان که جهان معنا استقلال و انتخاب اخلاقی است قرارگیرد ارزش خود را از دست می دهد. در نظام ، افراد نه هدف بلکه وسیله اند ، روابط میان افراد ابزاری است و هنجارها و الزامات نظام را اصول اخلاقی تعیین نمی کنند بلکه آنها از هدف های راهبردی سرچشمه می گیرند ( سبزه ای، 1393 : 183 ) فضایی که در نظام شکل می گیرد به دلیل این که از سوی رسانه های همگانی دولتی هدایت می شود فضایی اخلاقی نیست (میدول، 1382 : 193).

در انگاره ی اجتماعی هابرماس جامعه ی مدنی در زیست جهان دنیای زندگی روزمره ی اجتماعی قرار دارد. هابرماس در اثرش بنام "حقیقت و اعتبار" ( 1992 ) در این باره می نویسد:

((آن چه جامعه ی مدنی نام دارد اقتصاد را که به صورت خاص با کار و سرمایه و بازار کالاها ساخت یافته- چنان چه نزد مارکس و مارکسیسم بود- شامل نمی شود. برعکس در هسته اصلی آن اتحادیه ها و موسسات غیر دولتی و غیر اقتصادی داوطلبانه قرار دارند که ساختارهای ارتباطی فضای عمومی را در بخش اجتماعی زیست جهان نهادینه می کنند. جامعه مدنی کم و بیش از اتحادیه ها ، سازمان ها و جنبش ها یی ترکیب می شود که بازتاب مسائل اجتماعی در حوزه های زندگی خصوصی را گرفته، دسته بندی کرده و با صدای بلند به مکان عمومی سیاست منتقل می کنند. جامعه مدنی ساختاری سازمانی را به وجود می آورد که گفت و گوهای راه گشایی را درباره مسائل مورد علاقه مردم در چارچوب فضاهای عمومی ایجاد شده شکل می دهد هابرماس، 1992 : 443).

بر اساس این، جامعه ی مدنی دارای انجمن ها ی داوطلبانه و مستقل شهروندان و سازمان هایی است که امکان انتشار نا محدود اطلاعات و اندیشه ها را در حوزه زیست جهان میسر می سازند. بنابراین انواع گوناگون سازمان ها از انجمن های اولیا و مربیان مدرسه و باشگاه های محلی گرفته تا اتحادیه های کارگری، سازمان های حقوق بشری ، سازمان های طرفدار محیط زیست و غیره، اجزای جدانشدنی جامعه مدنی اند (کیویستو، 1386 : 111).

علاوه براین، جامعه ی مدنی دارای حوزه ای عمومی است . هابرماس در بحثی مفصل در این باره منظور خود را از حوزه ی عمومی با تاکید بر افکار عمومی شرح می دهد:

"... منظور ما از حوزه ی عمومی، قلمرویی از حیات اجتماعی ماست که در آن چیزی به نام افکار عمومی شکل می گیرد . اساسا تمامی شهروندان باید از امکان دسترسی به حوزه ی عمومی برخوردار باشند. در جریان هر مکالمه یا گفت و گو که در جریان آن اشخاص در کنار هم جمع شده و اجتماعی (عمومی) تشکیل دهند در حقیقت بخشی از حوزه ی عمومی شکل می گیرد. شهروندان یا افرادی که کنار هم جمع می شوند در مقام عاملان اقتصادی یا حرفه ای که تنها به فکر اداره ی امور خصوصی خود باشند عمل نمی کنند. آنها مثل انجمن های حقوقی که تابع قواعد حقوقی دیوان سالار دولتی و موظف به اطاعت و تبعیت از قواعد مذکورند هم نیستند ، بلکه شهروندان و افراد عادی زمانی به منزله ی عموم عمل می کنند که بدون اجبار و اضطرار بتوانند به مسایل مورد علاقه ی مردم یا منافع و

مصالح عمومی پردازند. و این امر زمانی امکان پذیر است که تضمین های لازم برای گردهمایی و اجتماع آنها فراهم شود و آنها بتوانند آزادانه به یکدیگر پیوندند و افکار خود را بیان و تبلیغ نمایند... (هابرماس به نقل از نوذری، 1386 : 466).

به نظر هابرماس، گفت و گویی که منجر به شکل گیری اراده و عقیده ی عمومی شود، باید در شرایط خاص و تابع هنجارها، الزامات، قوانین و اصول ارزشی و هنجاری خاصی صورت گیرد. شرایط فوق در وضعیتی محقق می شود که هابرماس آنرا وضعیت آرمانی گفت و گو می نامد. شرط لازم برای عادلانه بودن گفت و گو مساوی بودن هر دو طرف در مباحثه و نبود هیچ رابطه ی سلطه مدارانه ی در جریان گفت و گو است. هابرماس به این حالت "گفت و گویی فارغ از سلطه" می گوید. به نظر هابرماس، در واقع کنش متقابل همیشه بین دو قطب "سلطه ی مطلق" و "رهایی کامل از سلطه" است، حتی در شرایط برابری کامل و وجود زمان لازم برای بحث نامحدود، انسانها هیچ موقع در مورد واقعیات عینی، درست بودن هنجاری و حقیقت بیانی به اجماع نمی رسند. اگر در جریان گفت و گویی طرف های بحث احساس کنند که برابری در این صورت میدان عمل برای خردورزی و رسیدن به توافق باز می شود. در این صورت بحث فارغ از سلطه به قبول نقطه نظرات تحمیلی دیگری منجر نمی شود، بلکه چنانچه خود هابرماس می نویسد ((اگر استدلالها به اندازه ی کافی به صورت باز بیان شوند و به مدت کافی ادامه پیدا کنند تفاهمی عقلانی از آن حاصل می شود که اساسا می تواند عقیده ای آرمانی را بیان کند.)) (هابرماس، 1981 : 71). عقیده ی آرمانی از حاکمیت شرایط آرمانی در جریان گفت و گو حاصل می شود اما وضعیت آرمانی گفت و گو به این شیوه مشخص می شود که هر تفاهمی که در این شرایط به وجود می آید می تواند به مثابه ی تفاهم واقعی باشد و اگر تکیه ما در هر گفت و گو و مباحثه ای فقط به وضعیت آرمانی گفت و گو باشد در این صورت در همه ی گفت و گوها (اجبار استدلال های برتر) حاکم می شود. از این رو هابرماس میان کنش ارتباطی و مباحثه تمایز قائل می شود کنش ارتباطی در زندگی روزمره پیش می آید در حالی که مباحثه یا گفت و گو نیاز به شرایط خاصی دارد. هابرماس چهار شرط که از سه نوع کردار گفتمانی بالا ناشی می شوند برای گفت و گو ذکر می کند:

الف) همه ی مشارکت کنندگان در مباحثه شانس داشته باشند تا بتوانند کردارهای گفتمانی را به گونه ای به کار گیرند، که، سر بحث باز شود، و سپس، سخنان و سخن های مخالف، سوال و جوابها رد و بدل شوند.

ب) همه ی شرکت کنندگان در گفت و گو باید شانس مساوی داشته باشند تا تفسیرها، ادعاها، توصیه ها، توضیحها و توجیه هایشان را مطرح کنند و برای ادعای اعتباری آنها مسئله سازی کنند دلیل بیاورند یا انکار کنند به صورتی که هیچ پیش عقیده ای در بلند مدت هنگام طرح موضوع و انتقاد حاصل نشود.

ج) فقط به سخن گویانی اجازه ی شرکت در مباحثه داده شود، که شانس مساوی داشته باشند تا کردارهای گفتمانی نمونه را به کار گیرند؛ یعنی قادر باشند عقاید، احساسات و آرزوهای خود را بیان کنند. این عمل تضمینی است برای

این که کنش گران به مثابه ی شرکت کنندگان در گفت و گو در برابر خودشان واقع گرا باشند و طبیعت درونی خود را شفاف سازند.

د) فقط به سخن گویانی اجازه ی شرکت در گفت و گو داده می شود، که به مثابه ی کنش گران شانس مساوی داشته باشند تا کردارهای گفتمانی نظام مند را به کار گیرند؛ یعنی دستور دهند، مخالفت کنند، اجازه بدهند و ممنوع کنند، قول بدهند و از دیگران قول بخواهند، حساب پس دهند و از دیگران حساب پس بگیرند. از این رو، انتظارات رفتاری و اولویت های دو جانبه یا حذف ملاک های ارزیابی و رفتاری یک جانبه در جریان گفت و گو باید به کار گرفته شوند. به علاوه، تضمین تساوی رسمی شانس ها و رفع اجبارهای واقعی باعث می شوند تا کنش گران وارد حوزه ی بحثی فارغ از تجربه و عمل شوند (هورستر، 1995: 46 و 43).

در نتیجه، وضعیت آرمانی گفت و گو ضمانتی برای تامین شرایط تقارن، برابری و آزادی است. شرط وارد شدن در گفت و گو این است، که کنش گران بتوانند آزادانه، به طور برابر و رها از هر نوع سلطه بیرونی و درونی با هم تعامل کنند. هابرماس ادعا نمی کند که در زندگی واقعی شرایط برای گفت و گوهای آرمانی و منصفانه فراهم می شود، اما اگر گفت و گو به اندازه کافی ادامه یابد وضعیتی به وجود می آید، که از دل آن حقیقت اخلاقی یا هنجارهای اخلاقی درست یا دقیق تر از آن، هنجارهای درست عدالت بیرون می آید. هنجارهای معتبر، هنجارهایی اند، که برای همه طرف های گفت و گو در جریان گفت و گو در وضعیت آرمانی پذیرفتنی است؛ چنین هنجارهایی بیانگر اراده عمومی است و تجسم چیزی است، که هابرماس آن را منافع تعمیم پذیر می نامد (انصاری، 1384: 313).

شرط دیگر تحقق گفت و گوهای منصفانه از نظر هابرماس، حاکمیت عقلانیت ذاتی یا خرد بر جریان گفت و گو است. در این رابطه، هابرماس اظهار می دارد که "... در افکار عرفانی هنوز بسیاری از ادعاهای اعتباری مانند واقعیت لفظی، بدون هنجاری و حقیقت بیانی از یکدیگر تفکیک نشده اند..." (هابرماس، 1981: 81).

فقط در مدرنیته همه ی این سطوح از هم جدا شده اند. به همین دلیل، دیده می شود در جوامع غربی بحث های روزمره هر روز بیش تر از گذشته به سوی وضعیت آرمانی گفت و گو نزدیک می شوند (رینرز، 2001: 20). اما برعکس، زیست جهان جوامع باستانی مبتنی بر درک اسطوره ای از جهان است. اسطوره ها مانند جهان بینی ها دارای کارویژه وحدت بخش اند، اما چنین کاری به صورت نسبتاً غیر عقلانی صورت می گیرد. جوامع باستانی قادر به تمیز بین اشیا، اشخاص، طبیعت و فرهنگ، زبان و جهان نیستند. در نتیجه، پیش انگاره های عمل ارتباطی، یعنی نقد ادعاهای ارتباطی، در این جوامع تکوین نیافته است. به نظر هابرماس، زیست جهان جوامع اولیه مبتنی بر اقتدار امر مقدس و اخلاقی است؛ یعنی هدایت کننده ی این جوامع اخلاق و دین است. این جوامع توانسته اند با زبانی کردن امر مقدس، روند حرکت به سوی جهان ارتباطی را آغاز کنند اما قادر به فراهم کردن پیش شرط های کنش ارتباطی نشده اند. اما جریان روشن گری در غرب زیست جهان عقلانی مبتنی بر عمل ارتباطی را ممکن ساخته

است. نقطه ی نهایی چنین جهان زیستی افقی است، که در آن سنت ها دائما نقد، ارزیابی تجدید نظر می شوند. با این کار انسان مدرن می تواند به جهانی نائل شود، که هیچ چیز مقدس نیست، بلکه همه چیز سراسر عقل و خرد است. (انصاری، 1384: 9-308).

جامعه ی مدنی هابرماس رابطه ی اندام وار و چندجانبه با دیگر اجزای (اقتصاد و سیاست) دارد. مهم ترین کارویژه های جامعه ی مدنی به صورت کلی و حوزه ی عمومی به صورت خاص، برای اقتصاد و به ویژه سیاست به نظر هابرماس عبارت اند از:

جامعه ی مدنی میانجی جامعه و دولت است به صورتی که با نهادها و سازمان ها پی که در اختیار دارد مسائل و مشکلات حوزه های مختلف زیست جهان را به حوزه ی سیاسی یا دولت منتقل می کند. تصمیم گیری سیاسی و قانون گذاری وظیفه ی جامعه مدنی نیست بلکه از کارکردهای دولتند (والزر، 1995: 21). اما وظیفه ی جامعه ی مدنی فراهم کردن زمینه ی مشارکت مردمی در امر سیاسی از طریق شرکت در گفت و گو در حوزه ی عمومی است. چنان چه می نویسد: "...حوزه ی عمومی خودش را با این یا آن دیدگاه اختصاص نمی دهد. به محض این که خود را بر مسائل مرتبط سیاسی متمرکز می کند کار تخصصی این موضوع را به نظام سیاسی واگذار می کند. برعکس، حوزه ی عمومی خودش با ساختاری ارتباطی که مبتنی بر سومین جنبه از رفتار معطوف به تفاهم است نشان می دهد. [آن] نه بر کارکردها و نه بر محتوای ارتباط روزمره، بلکه بر فضای اجتماعی به وجود آمده در رفتار ارتباطی، بنا شده است..." (هابرماس، 1992: 436).

-جامعه ی مدنی در کنار دستگاه های دولتی (نهادهای تصمیم گیرنده و قانون گذار) فضایی برای شکل گیری افکار عمومی است. (افکار سیاسی از سویی، به شکل مشورت های نهادی شده در نهادهای پارلمانی و هم چنین در شبکه ی ارتباطی شکل می گیرند. ارتباطات بدون سوژه در درون و بیرون حوزه ی سیاست بر اساس تصمیم های نهادهای پارلمانی به وجود می آیند و حوزه هایی را تشکیل می دهند، که در آن ها کم و بیش اراده و نظر عقلانی درباره ی موضوعات کلی جامعه و موضوعات نیازمند تدوین قواعد شکل می گیرد. شکل گیری نظرات غیر رسمی به مصوبات قانونی و تصمیم های انتخاباتی نهادی شده منتهی می شود؛ امری که قدرت ایجاد شده از طریق ارتباط را به قدرت کاربردی در دولت منتقل می کند (هابرماس، 1996: 288).

هابرماس حوزه ی عمومی را به مثابه ی شبکه ای ارتباطی می بیند، که در آن افکار عمومی غیر رسمی شکل گرفته و به قدرت سیاسی منتقل می شود. چنین فضای عمومی برای سیاست دارای سه کار ویژه ی فرعی مهم است:

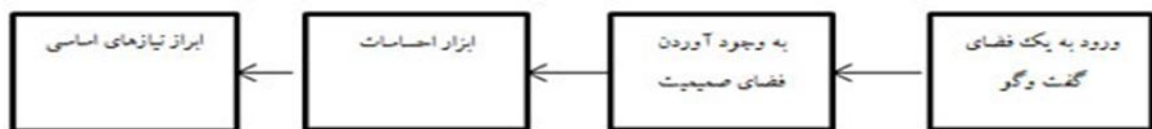
الف) حقیقت مسائل اجتماعی را شناسایی می کند.

ب) مسائل را بر اساس درجه اهمیت شان موضوع بندی میکند؛ یعنی مشکلات را براساس وزنی که در جامعه دارند، دسته بندی و اهمیت آن‌ها را به گونه ای بیان می کند، که برای بررسی کارشناسی به پارلمان انتقال یابند.

ج) بر روند حل مشکلات از سوی کارگزاران دولت نظارت می کند (والزر، 1995: 21).

به نظر هابرماس، فقط در حوزه ی عمومی جامعه ی مدنی است که امکان شکل گیری و پرورش دموکراسی گفت و گویی به وجود می آید. به عبارت دیگر پیش شرط لازم برای دموکراتیک شدن دولت فضایی عمومی است. هابرماس نوعی از دموکراسی به نام (دموکراسی گفت و گویی) ترسیم می کند، که مبتنی بر زبان و ارتباط است. به نظر او، همه تعارضات در جامعه حل شدنی اند، زیرا انسان‌ها با زبان می توانند اختلاف شان را حل کنند و بر سر موضوعات مورد علاقه به اجماع برسند. (والزر، 1995: 21). حوزه ی عمومی مورد نظر هابرماس فضایی است که در آن افراد به شیوه آزاد، عقلانی، بتوانند به بحث و گفتگو بپردازند و قدرت سیاسی در این گفتگوها دخالتی نداشته و هر موضوعی به ویژه مسائل جامعه بتواند در این گفتگوها مطرح شود. حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می آیند و کنش ارتباطی نیز در یکچنین فضای آزاد گفت و گو تحقق می یابد. هابرماس معتقد است که همواره نیازهای اصیل و معینی در تما می افراد آزاد وجود دارد و این نیازها توسط هرکس که صمیمانه وارد یک گفت و گوی عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد. امروزه، محیط اینترنت این فضا را فراهم و شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را بسترسازی کرده است. در محیط های تعاملی اینترنت، افراد به راحتی می توانند نیازهای خود را مطرح کنند و طرح نیازها باعث شکل گیری یک فضای گفت و گو و مباحثه شده و در این مباحثات افکار جدیدی شکل می گیرد. گفتگوی آزاد انسان‌ها، بواسطه برخورداری از جهت گیری تفاهمی و نه ابزاری به منزله یک نوع کنش ارتباطی تلقی می گردد (کنوبلاخ، 2005) که شنونده را به دنیای درونی احساس‌ها، انگیزه‌ها، و ارزیابی صحت گفته‌های مخاطب می کشاند؛ و این کنش ارتباطی تفاهمی، روابط بین افراد را تا آنجا صمیمی می سازد که رغبت کنند، نیازهای خود را بیان کرده و انرژی عاطفی خود را در این محیط مصرف کنند. نظریه کنش ارتباطی را در اینجا به صورت یک مدل مفهومی ارائه شده است:

(هابرماس، 1998: 140)



از آنجاکه محیط های تعاملی اینترنت را می توان فضاهایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت و گو می پردازند طبیعتاً این گفتگوهای آزاد و عقلانی می تواند بر محور مسائل و نیازهای مهم جامعه جریان یابد. با توجه به فقدان تحزب سیاسی جدی در کشور ایران و نیازمبرم جامعه ایران به وجود نهادهای مردمی و جامعه مدنی، کنش



ارتباطی در حوزه عمومی که از طریق اینترنت و فضای مجازی شکل گرفته است می‌تواند در این مسیر فعال شده و بر نگرش و کنش مدنی افراد اثرگذار شود.

جامعه‌ی مدنی در نگاه نظریه پردازان نو فرانکفورتی:

برداشت نزدیکی به مفهوم آرنت از جامعه‌ی مدنی در نزد سه صاحب‌نظر معاصر آلمانی از نسل سوم مکتب فرانکفورت، الریش رودل، کنترفرانکن برگ و هلموت دبیل وجود دارد. این مولفان کتاب مسئله دموکراسی (1989) جامعه‌ی مدنی را پیش شرط دموکراسی می‌دانند و نقطه شروع بحث این سه متفکر تعبیر آرنت از انقلاب به مثابه‌ی خالق فضای سیاسی یا قدرت ارتباطی است (دبیل، 1994: 16). آنها جامعه‌ی مدنی را فضای عمومی بی‌واسطه‌ای برای شکل‌گیری اراده و عقیده‌ی عمومی از سوی ملتی با خرده فرهنگ‌های گوناگون تعریف می‌کنند. بر اساس این، دموکراسی مستلزم فضای اجتماعی بازی برای گفت و گوهای سازنده است زیرا در فضای عمومی مربوطه هنجارها خلق می‌شود، که محدودیت‌های ارتباط دموکراتیک در آن از بین می‌رود. به نظر آنها، همه‌ی کسانی که می‌توانند ارتباط برقرار کنند باید آزاد باشند تا بتوانند از طریق رفتارهای شان فضای عمومی را توسعه دهند، در جامعه‌ی مدنی مورد نظر نو فرانکفورتی‌ها محدودیت‌های فضای عمومی همیشه از بین می‌روند به صورتی که هیچ نوع سلطه‌ی گفتمانی شانس بقا ندارد، حتی سلطه‌ی اراده‌ی همگانی. حوزه‌ی جامعه‌ی مدنی نباید حتی در حاکمیت اراده‌ی عمومی قرار گیرد، زیرا این خطر وجود دارد، که گروه یا شخصی خود را سخن‌گوی اراده‌ی عمومی معرفی و قدرت را قبضه کند و کل جامعه را تابع اراده‌ی واحد قرار دهد. از این منظر، فضای عمومی باید با مجموعه قوانین و معیارهایی به‌طور دقیق تعریف شود، معیارهایی که بتوان بر اساس آنها حقوق ارتباطی دولت را نیز مشخص کرد. این نوع برداشت از جامعه‌ی مدنی، همه‌ی حوزه‌های اجتماعی زندگی بشری از جمله حوزه‌ی دولت را در بر می‌گیرد. از آن جا که حق ارتباط عمومی از سوی دولت تعریف نمی‌شود، بلکه وجودش را مدیون دخالت مردم در سیاست است، لذا اندیشه‌های ضد دموکراتیک مانند نژادپرستی اجازه‌ی رشد پیدا نمی‌کنند (سبزه‌ای، 1993: 175).

نظریه آراتو - کوهن<sup>33</sup>:

اندرو آراتو و جان کوهن در کتاب جامعه‌ی مدنی و نظریه‌ی سیاسی (1992) مدلی هنجاری از جامعه‌ی مدنی ترسیم می‌کنند، که بر اساس آن، جامعه‌ی مدنی به مثابه‌ی بخشی از نظریه‌ی دموکراسی و پروژه‌ی سیاسی - هنجاری است، که به وسیله‌ی کنش اجتماعی هدایت می‌شود و هرگز فرآیندی نهادی نیست. در بخشی از اثر خود، آنان چنین می‌نویسند:

<sup>33</sup> Arato, A. & Cohen, J.

((ما جامعه ی مدنی را به مثابه ی حوزه ی کنش متقابل اجتماعی بین دولت و اقتصاد می دانیم. که از همه ی حوزه های صمیمی ؛ مخصوصا خانواده ،حوزه ی انجمن ها ؛ مخصوصا انجمن ها ی داوطلبانه ، جنبش های اجتماعی و انواع ارتباطات اجتماعی و انواع ارتباطات اجتماعی تشکیل شده است . جامعه ی مدنی مدرن با انواع فرایندهای سازمان دهی و بسیج کنندگی خودجوش شکل می گیرد. و از طریق قوانین و مخصوصا حقوق نظری که تمایزات اجتماعی را تثبیت می کنند،عمومی و نهادینه می شود ....اشتباه است اگر جامعه ی مدنی را شامل همه ی حوزه های زندگی اجتماعی خارج از دولت و فرایندهای اقتصادی به معنای محدود آن تعریف کنیم . البته این موضوع اهمیت دارد که جامعه ی مدنی را از دو جامعه، یکی جامعه ی سیاسی شامل احزاب، سازمان های سیاسی و نهادهای مردمی سیاسی (به ویژه پارلمان ها) و دیگری جامعه ی اقتصادی مرکب از سازمان های تولیدی و توزیعی تمیز دهیم . به طور کلی،جامعه ی اقتصادی و جامعه ی سیاسی از جامعه ی مدنی نشئت می گیرند و برخی از اشکال سازمانی و ارتباطاتی آن را می سازند و با حقوق مالکیت و حقوق سیاسی نهادینه می شوند و همچنین با اصول حقوقی ای که جامعه ی مدنی مدرن را تضمین می کند تداوم می یابند. اما عوامل اقتصادی و سیاسی جامعه هر چند به صورت مستقیم با تولید اقتصادی و قدرت دولت که در تلاش برای کنترل و اداره این جوامع هستند مرتبط اند. ولی قادر به ارائه طبقه بندی ملاک های ابزاری و راهبردی برای ترسیم انگاره های کنش متقابل هنجاری و شخصیت ارتباطی جامعه مدنی نیستند( کوهن و اراتو، 1992 : 21 ).

به نظر اراتو و کوهن بنیان شکل گیری ارتباط بین سه حوزه ی جامعه ی مدنی، سیاست و اقتصاد گفت و گوی عمومی آزاد است زیرا سایر آزادی ها نظیر آزادی برگزاری تجمعات، حق تشکیل انجمن ها و اتحادیه ها در رابطه با آزادی بیان معنا دار می شوند. در فضای بازی که برای سازمان ها ی داوطلبانه در جریان شکل گیری عقیده ی عمومی ایجاد می شود امور مورد علاقه ی عمومی به بحث و گفت و گو گذاشته می شود، علایق و منافع گروه های پایین و سخت سازمان پذیر نمایندگی می شود ، اهداف فرهنگی، مذهبی و انسانی دنبال می شود، اجتماعات علمی راه اندازی می شود و .... به علاوه، آزادی مطبوعات، رادیو و تلویزیون، روزنامه ها و زیر ساختار مطبوعاتی ارتباطات عمومی تامین می شود و به این وسیله آزادی طرح عقاید مختلف و تنوع دیدگاه ها تضمین می شود.

به به نظر اراتو و کوهن، نظام سیاسی باید با احزاب سیاسی، مطبوعات و مشارکت شهروندان در انتخابات کنترل و محدود شود. این موضوع با حق احزاب بر تاثیرگذاری بر روند شکل گیری اراده ی سیاسی مردم، حق مشارکت فعال و منفعل درانتخابات و سایر حقوق مشارکتی شهروندان ضمانت می شود. سازمانی مانند دولت در صورتی می تواند تا حدودی خودمختاری و استقلال خود را حفظ کند که بتواند خودش را با تنوع و تکثر در حال رشد سبک زندگی،خرده فرهنگ ها و جهت گیری های فکری و عقیدتی مردم منطبق کند. ارزش ها ی دموکراتیکی مانند حفظ حقوق فردی،ممنوعیت استراق سمع، آزادی عقیده، حرمت خانواده و ضرورت حفاظت از آن در برابر قضاوت ها

ی شخصی و بسیاری از حقوق انسانی دیگر برای حفظ حریم حوزه ی خصوصی افراد به وجود آمده اند تا این حوزه خدشه ناپذیر باقی بماند و جامعه ی مدنی بتواند از آن پاسداری کند. (هابرماس، 1992: 446).

اراتو و کوهن همچنین بر یکسری محدودیتهای میدان عمل جامعه ی مدنی و افکار عمومی و برخی رویکردهای سیاسی تاکید و بویژه از مسأله "خود محدود سازی" نظریه ی دموکراسی رادیکال صحبت می کنند. ازاینرو، به نظر آن ها تحقق جامعه ی مدنی مدرن مستلزم تحقق امور زیر است:

- جامعه ی مدرن فقط در متن فرهنگ سیاسی آزاد و مطابق با الگوی جامعه پذیری مناسب و بر اساس فضای خصوصی سالمی شکل می گیرد که در زیست جهانی از قبل عقلانی شده امکان رشد و شکوفایی دارد. در غیر این صورت ممکن است جنبش هایی مردمی شکل بگیرند که از سنت های خشک و نامنعطف بر خاسته از زیست جهان جوامع غیر مدرن کورکورانه دفاع کنند.

- بر اساس نظرات ارتو و کوهن، در فضای عمومی و لیبرال فقط عناصر جامعه ی مدنی و نه قدرت سیاسی می توانند تاثیرگذار باشند. عقیده ی عمومی ای که کم و بیش با بحث و مشاجره به وجود می آید به قدرتی ارتباطی تبدیل می شود و مشروعیت قانونی پیدا می کند، یعنی از عقیده ی عمومی به ایده ای مطابق منافع همگانی تبدیل می شود؛ ایده ای که می تواند تصمیم گیری های سیاسی را مشروعیت بخشد. اصل (خود مختاری) مردم می توانند فقط با بحث های عمومی غیر رسمی تحقق پیدا کند. این اصل باید بتواند برمذاکرات نهادهای (در پارلمان و دولت) تاثیر بگذارد و در تصمیم گیری های سیاسی قدرت تام پیدا کند تا بتواند قدرت سیاسی ایجاد کند. (هابرماس 1992: 450)

بر اساس این نظریه؛ اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی فضای بازی را برای ایجاد کنش اجتماعی و مدنی فراهم می سازد و به شکل گیری عقیده و نگرش افراد در ایجاد جامعه ی مدنی کمک نموده و رابطه ی تعاملی را به شکل غیرمستقیم بین دولت و جامعه فراهم می سازند. به علاوه، اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی می توانند با تغییر نگرش افراد به تدریج سبب تغییر در ذهنیت ها و ساختار های موجود جامعه شده و در نتیجه به شکل گیری سازمان های مردم نهاد و انجمن ها کمک کنند.

## 2-5. پیشینه پژوهش:

مطالعه تحقیقات انجام شده در گذشته این امکان را می دهد تا قلمروی تحقیق خود را مشخص نماییم و مطالعات قبلی را توسعه دهیم و سنجه های مناسبی برای مقایسه نتایج یک مطالعه با دیگر یافته ها فراهم نماییم . به بیان دیگر، واکاوی پیشینه تحقیق برای این منظور انجام می شود که با موضوع تحقیق بیشتر آشنا شده دامنه مفهومی متغیرهای تحقیق را بشناسیم و از روش تحقیق و نظریه های سایر تحقیقات بهره گیریم.

الف ) تحقیقات خارجی:

گابین یانگ<sup>34</sup> (2003)، در مقاله ای با عنوان «سیر تکاملی اینترنت و جامعه مدنی در چین» به این نتیجه رسیده است که اینترنت با ارائه فرصت های جدید برای مشارکت شهروندان، فعالیت های جامعه مدنی را تسهیل می کند. بطور مشخص، نتایج پژوهش نشان داد جامعه ی مدنی با توسعه اینترنت ، تعامل و ارتباط بین جامعه شهروندان و گروه های شهری را تسهیل می کند.

برت هافمن<sup>35</sup> (2011)، پژوهشی با عنوان «جامعه مدنی» : چگونه اینترنت روابط جامعه دولتی در رژیم های اقتدارگرا را تغییر می دهد؟ (مطالعه موردی کوبا)، انجام داده است. هدف این پژوهش این بوده که نقش جامعه مدنی تحت تأثیر رژیم اقتدارگر را تعیین نماید. نتایج پژوهش نشان داده است در رژیم های اقتدارگرای گذشته، انجمن های خودگردان ( مستقل غیر دولتی ) در چارچوب رژیم سوسیالیستی دولتی بوده اند. ولی یک دهه بعد ، با ظهور و گسترش فن آوری های ارتباطی مبتنی بر وب ، شاهد ظهور نوع جدیدی از حوزه ی عمومی هستیم که در آن بحث های جامعه ی مدنی با اقدام مستقل شهروندان مشخص می شود. در حالی که رژیم های سوسیالیستی این گونه روابط اجتماعی (آزادانه ) را مبتنی بر جامعه ی مدنی را رد می کند، میزان ارتباط اینترنتی افراد با روند دموکراتیزه شدن و گسترش جامعه ی مدنی رابطه نشان می دهد. در واقع، ظهور و رشد اینترنت سبب شده تا گفتگوهای عمومی شکل گرفته و فعالیت های اجتماعی مستقل از دولت پدید آیند.

سینگان<sup>36</sup> (2009) در تحقیق خود با عنوان «تبلیغات رسانه ای و جامعه مدنی: سازمان های غیرانتفاعی، روزنامه های محلی و اینترنت در جامعه ی غربی»، به بررسی اینکه چه میزان ویژگی های مختلف سازمان های غیرانتفاعی در سطح رسانه های مختلف از طریق روزنامه های محلی و اینترنت در جامعه میانه ای غرب پخش می شود، می پردازد. داده ها با استفاده از روش های تحقیق چندگانه، از جمله تجزیه و تحلیل آرشیو عمومی، نظرسنجی تلفن و ایمیل، تجزیه و تحلیل آرشیو اخبار و ... جمع آوری شده است. تجزیه و تحلیل رگرسیون چندگانه سلسله مراتبی نشان داده است که موسسات مالی غنی و سازمان های محلی ، بیشتر تمایل به تبلیغات رسانه ای در پوشش روزنامه ها دارند. در همین حال گروه های غیرمحملی تمایل دارند که لینک های تبلیغاتی بیشتری از سایر

<sup>34</sup> Guobin yang

<sup>35</sup> Bert Hoffmann

<sup>36</sup> Seungahn Nah

وبسایت‌ها در شبکه اینترنت دریافت کنند. در این پژوهش پیامدهای رسانه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه در زمینه جامعه مدنی مورد بحث قرار گرفته است.

انورادا رائو<sup>37</sup> (2013)، در پژوهش خود که عنوان آن «بررسی رابطه بین جامعه مدنی و اینترنت: دیدگاه‌های بدبینانه در (شهر فناوری اطلاعات) هند»، می‌باشد به صورت انتقادی برخی از فرضیات مرتبط با رابطه‌ی جامعه مدنی با اینترنت را مورد بررسی قرار داده است. این مطالعه یک مطالعه موردی از هیسرو یوسیرو، یک شبکه متعلق به جامعه مدنی اینترنت محور در بنگلور - هند بوده که شک و تردید شدید و امتناع آن را برای مشارکت با اینترنت برای کنشگری را مشخص می‌کند. مطالعه رائو دلایل دیدگاه بدبینانه عاملان این جامعه مدنی را که در محیط جدید رسانه‌ای، یعنی «شهر فناوری اطلاعات» هند قرار دارند، بررسی کرده است. نتیجه مطالعه این را نشان می‌دهد اعضای فعال در هیسرو یوسیرو نقش اینترنت در فعالیت‌های شبکه‌ای را به طور بدبینانه یا شکاکانه در نظر می‌گیرند. نتایج مصاحبه‌ها نیز نشان می‌دهد که این دیدگاه بدبینانه ریشه در فلسفه سیاسی مشترکی دارد که عاملان به طور غیررسمی به آن به عنوان «ایدئولوژی» اشاره می‌کنند.

جنسن<sup>38</sup> و همکاران در سال (2007) تحقیقی با عنوان «جامعه مدنی و سایبری: نقش اینترنت در انجمن‌های اجتماعی و سیاست دموکراتیک» انجام داده‌اند. این تحقیق رابطه بین حالت‌های آنلاین و آفلاین زندگی اجتماعی و همچنین تحلیل تعاملات آنلاین و آفلاین، با دولت‌های محلی را بررسی کرده است. بر اساس تحلیل‌های تجربی که از بین 1203 پاسخ‌دهنده به دست آمده، نتیجه به این صورت شده که مشارکت آنلاین به سادگی گسترش مشارکت آفلاین نیست، اما می‌تواند از راه‌های مهم تشخیص داده شود. نتیجه نشان داده که گروه‌های درگیر تعاملات سیاسی و اجتماعی از گروه‌های دارای فعالیت شخص و خصوصی جدا هستند. در نهایت اینکه رابطه معنا داری بین تعامل دموکراتیک با نظام سیاسی و مشارکت در انجمن‌های سیاسی وجود دارد (اما نه با انجمن‌های اجتماعی).

یانوار نگورو<sup>39</sup> (2008)، در مقاله «پذیرش تکنولوژی، دگرگونی جامعه: اینترنت و بازسازی فعالیت‌های مدنی در اندونزی» اثرات استفاده از اینترنت در سازمان‌های جامعه مدنی (CSOs) در اندونزی را بررسی کرده است. این مقاله با استفاده از داده‌های کیفی از مجموعه‌ای از کارگاه‌ها که فعالان CSO در آن شرکت کرده‌اند جمع‌آوری شده است. این مطالعه استدلال می‌کند که امروزه جنبش اجتماعی اندونزی، هم اینترنت و هم سازمان‌های مدنی CSOs را شکل داده است. استفاده از اینترنت هرگز ساده نیست، بلکه چندوجهی است و اغلب عدم قطعیت را افزایش می‌دهد، و به این دلیل بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی از طرق مختلف به فناوری می‌پردازند و از آن استفاده می‌کنند. این چالش فرصتی عظیم را برای سازمان‌های جامعه مدنی و پیشرفت جنبش اجتماعی، به ویژه زمانی که

<sup>37</sup> Anuradha Rao

<sup>38</sup> Jensen

<sup>39</sup> Yanuar Nugroho

فن‌آوری به شیوه‌های اراهبردی و سیاسی صادره می‌شود فراهم می‌آورد. با وجود مسائل و مشکلات، استفاده از اینترنت در CSO ها دلالت‌ها و مفاهیم مهمی هم در مدیریت داخلی سازمان‌ها و هم در جنبه‌های خارجی و به خصوص پویایی جنبش‌های اجتماعی در کشور دارد.

تسالیکی<sup>40</sup> (2002) در مطالعه‌ای تجربی پیرامون اثر اینترنت بر تسهیل مشارکت و گفتگوی دموکراتیک در فنلاند، بریتانیا، هلند، اسپانیا و یونان از طریق بکارگیری تکنیک تحلیل محتوای تریبون‌های آنلاین دریافت که این تریبون‌ها توانسته‌اند ارتباطات دوسویه، کسب اطلاعات سیاسی و تنوع بخشی به نظرات در بین کاربران و علاقه‌مندان سیاسی دارای تجربه‌ی پیشین فعالیت سیاسی راتا حد زیادی افزایش دهد اما تأثیری روی شهروندان عادی نداشته‌اند.

پارک هون<sup>41</sup> در مطالعه خود بر اساس داده‌های پیمایشی اینترنتی موسسه پیو در سال 2004 در زمینه تأثیر وب سایت‌های انتخاباتی بر مشارکت سیاسی شهروندان آمریکایی به نتایج عمده زیر دست یافت: (1) اینترنت ابزاری مهم برای کسب اطلاع در زمینه‌ی مسائل سیاسی - اجتماعی جهان بوده و با عضویت جوانان تحصیل کرده دانشگاهی در گروه‌ها و نهادهای مدنی به‌طور معناداری مرتبط است. (2) میزان مشارکت و درگیر شدگی سیاسی کاربران اینترنتی در زمینه‌ی انتخابات نسبت به غیر کاربران 10 درصد بیشتر است. (3) کاربران وب سایت‌های انتخاباتی 23 درصد بیشتر از غیر کاربران در فعالیت‌های انتخاباتی درگیر بوده‌اند. (4) کسب دانش و اطلاعات سیاسی اینترنتی در حدود 35 درصد بر درگیر شدگی مدنی کاربران اینترنتی تأثیر داشته است. (5) محرک‌ها یا فرصت‌های موجود در محیط اینترنتی 42 درصد بر درگیر شدگی مدنی و سیاسی کاربران تأثیر داشته است.

گیبسون<sup>42</sup> (2005) در مطالعه‌ی خود با استناد به مجموعه‌ای از داده‌های پیمایشی معتبر در مورد جامعه‌ی آمریکا دریافت که اولاً: زنان متعلق به طبقات پایین اقتصادی - اجتماعی کمتر به مشارکت سیاسی آنلاین و آفلاین علاقه‌مندند؛ اما تحصیل کرده‌ها و طبقات بالای جامعه مشارکت سیاسی بیشتری دارند. دوم اینکه: اینترنت افراد و گروه‌های در حاشیه مانده‌ی سیاسی را به مشارکت سیاسی علاقه‌مندتر ساخته است. نهایتاً اینکه: عواملی چون فرصت‌های خوب اینترنتی، مهارت ارتباطی رایانه‌ای، و تجربه پیشین فعالیت سیاسی بر مشارکت سیاسی در اینترنت و خارج از آن تأثیر مهمی دارد.

نتایج مطالعه ژینگانگ<sup>43</sup> (2005) درباره‌ی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی و ارتباطات رسانه‌ای بر مشارکت شهروندان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با دو شاخص عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های مدنی و اعتماد و همکاری متقابل تأثیر مهم و قوی بر مشارکت شهروندان داشته است؛ و نشان داده شده است که اینترنت بر مشارکت سیاسی

<sup>40</sup> Tsaliky

<sup>41</sup> Park hoon

<sup>42</sup> Gibson

<sup>43</sup> Jigang

شهروندان بیشتر از رسانه‌های دیگر تأثیر دارد و این تأثیر بصورت غیر مستقیم و از طریق میانجی‌گری ارتباطات فردی فعالان و عضویت در نهادهای مدنی بوده است.

بیکر<sup>۴۴</sup> (2006) در مطالعه‌ی خود درباره‌ی تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی جوانان 16 تا 24 ساله هلندی بر اساس داده‌های پیمایشی یک موسسه‌ی تحقیقاتی به این نتیجه رسید که استفاده هدفمند سیاسی از اینترنت بر مشارکت سیاسی آنان تأثیر قابل توجهی داشته است.

اگر تأثیر تلویزیون بیشتر بر اشکال مشارکت منفعلانه و غیر اینترنتی بوده اما اینترنت بیشتر بر اشکال مشارکت فعالانه‌ی اینترنتی تأثیر داشته و در مورد مشارکت غیر اینترنتی چندان تأثیر گذار نبوده است.

کالندا و موسکا<sup>۴۵</sup> (2007) در مطالعه‌ی پیمایشی در زمینه‌ی تأثیر اینترنت بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه فلورانس طی سال‌های 2001 و 2003 نتیجه گرفتند که بیشتر دانشجویان درگیر در فعالیت‌های سیاسی چه در فضای اینترنتی و چه در فضای غیر اینترنتی تا حد قابل توجهی از اینترنت تأثیر پذیرفته‌اند.

سارا ویسرز<sup>۴۶</sup> (2008) در مطالعه‌ی خود در زمینه‌ی تأثیر ارتباطات فردی و اینترنت بر مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی دانشجویان مورد مطالعه بلژیکی و کانادایی با روش گروه‌آزمون و شاهد به این نتیجه می‌رسد که گروه‌آزمون نسبت به گروه کنترل (شاهد) به لحاظ اطلاعاتی و شناخت قوی‌تر و تأثیر اینترنت در این زمینه نیز بیشتر از عامل ارتباط فردی بوده است. اینترنت در تصمیم دانشجویان مورد مطالعه به مشارکت سیاسی مهم‌تر از عوامل غیراینترنتی بوده است.

نائل جبریل، کلاو استتکار و متیو لاولس<sup>۴۷</sup> (2012)؛ در پژوهش خود تحت عنوان رسانه‌های جمعی و گذار به دموکراسی بیان می‌دارند که رسانه بیشترین نقش حمایتی خود از دموکراسی را در برخی بزنگاه‌های سیاسی خاص ایفا می‌کند یعنی هنگامی که خود رسانه‌ها از دل فرآیند کنترل سیاسی ظاهر می‌شوند عمیقاً با فرآیند دموکراتیزاسیون یکی انگاشته می‌شوند و علاوه بر این‌ها از عطش عمومی و آفری که به اخبار و تحولات سیاسی وجود دارد بهره‌مند می‌شوند. بدیهی است که در مراحل اولیه سهم رسانه‌ها به ناچار محدودتر خواهد بود اما هرچقدر که رسانه‌ها بتوانند برداشت‌های بدیهی و جایگزینی از واقعیت اجتماعی و سیاسی عرضه کنند یا بتوانند مردم را به حس مشارکت یک عرصه‌ی عمومی مشترک بکشانند می‌توان آن‌ها را زمینه‌ساز دموکراتیزاسیون نیز

<sup>44</sup> Beyker

<sup>45</sup> Calnda & Mousca

<sup>46</sup> Sara visers

<sup>47</sup> Naelgabril&Clavestetkar&Matewlvales

قلمداد کرد هرچه فرآیند گذار به مرحله ی ادغام نزدیک می شود. سهم و دخالت رسانه هم بیشتر حالت دو پهلو به خود می گیرد.

ب) تحقیقات داخلی:

محمد غفوری و روح ا... جعفری در تحقیقی باعنوان «سرمایه اجتماعی»، جامعه ی مدنی و دموکراسی؛ رابطه ی متقابل یا یکسویه» که مقاله مرتبط با آن در سال 1382 در فصلنامه ی پژوهشنامه ی علوم سیاسی منتشر شده است به این نتایج دست یافته‌اند:

1) سرمایه ی اجتماعی ایران رو به کاهش است و این سبب می‌شود که کارکرد آن یعنی تسهیل کنش‌های جمعی در ایران نیز کاهش یابد. 2) پایین آمدن میزان سرمایه ی اجتماعی، یک مانع اجتماعی جدی در برابر حفظ و تحکیم نهادهای جامعه مدنی بوده و کاهش کنشگری جمعی سازمان یافته رادر جامعه رقم می‌زند. 3) روند دموکراسی خواهی در ایران از فراز و فرود سرمایه اجتماعی پیروی می‌کند. 4) دموکراسی با پرهیز از طرد گرایی، و تقویت مدارا و اعتماد اجتماعی و سیاسی، به افزایش نهادها و سازمان‌های جامعه ی مدنی کمک کرده است.

خلیل ا... سردارنیا در پژوهشی با عنوان تأثیر اینترنت بر مشارکت مدنی شهروندان که نتایج آن به صورت یک مقاله در سال 1388 در فصل نامه پژوهش‌های ارتباطی منتشر سیاسی شده است به این دستاورد پژوهشی اشاره می‌کند که اینترنت برفعالیت سیاسی جوانان و بزرگسالان تحصیل کرده تر به دو صورت آنلاین و آفلاین و در سطح خوبی (البته نه قوی و زیاد) تأثیر گذار بوده است.

سعید عطار در پژوهشی با عنوان (سرمایه ی اجتماعی، جامعه ی مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه) که نتایج آن در سال 1388 در فصلنامه ی سیاست منتشر شده است به این مساله اشاره دارد که: هرگونه سرکوب سرمایه اجتماعی نهادهای مردمی و گروه‌های جامعه ی مدنی باعث می‌شود تا دولت نتواند از کارایی کافی برخوردار شود و نهایتاً جامعه گرفتار توسعه نیافتگی و فساد شود. کشور ایران به دلیل فرصت‌ها و مزایای فراوانی که از نظر منابع انسانی، منابع طبیعی، و موقعیت ژئوپلتیک در اختیار دارد بدون تردید با تقویت جامعه مدنی پتانسیل فراوانی برای دستیابی به توسعه همه جانبه خواهد داشت.

ابوالحسن فقیهی و ماشا... ولیخانی در پژوهشی پیرامون ارایه ی مدل بومی جامعه ی مدنی در ایران که بصورت مقاله در سال 1390 در فصل نامه ی تحقیقات سیاسی و بین المللی منتشر شده است به نتایج عمده‌ای اشاره کرده‌اند: 1) انتشار اطلاعات شفاف و مدون توسط رسانه‌ها و مطبوعات در تحقق جامعه ی مدنی در ایران از اولویت یک برخوردار است. 2) مشارکت مردمی و عدالت در تحقق جامعه ی مدنی نقش دارد. 3) متغیر مسوولیت پذیری به واسطه ی تأمین منافع عمومی و نهادهای مدنی و همچنین متغیر کارایی و اثر بخشی از طریق مؤلفه‌های اقتصادی



(بهینه سازی منابع) در تحقق جامعه ی مدنی نقش موثری دارد. 4) کارایی سیاسی- اجتماعی، اثر بخشی اقتصادی، و اثر بخشی سیاسی - اجتماعی در تحقق جامعه ی مدنی نقش دارد.

لیلا طاعتی در پژوهشی باعنوان (نقش تلویزیون در توسعه ی جامعه ی مدنی) که بر روی تهیه کنندگان برنامه های تلویزیون و متخصصان ارتباطات صورت گرفته ونتایج آن در سال 1390 در فصل نامه ی مطالعات رسانه ای منتشر شده به نکته مهمی اشاره دارد و آن اینکه: 35/3 درصد ازتهیه کنندگان تلویزیون ومتخصصان ارتباطات نقش تلویزیون را به عنوان یک رسانه جمعی در تکوین جامعه ی مدنی «بسیار زیاد» تلقی کرده اند.

آذرشانی و علی احمد باوند پور در پژوهشی که با عنوان (جهانی شدن، اینترنت، هویت قومی مجازی) که درپاییز سال 1392 انجام داده اند و نتایج عمده ی آن در فصل نامه ی مطالعات جامعه شناسی ایران منتشر شده است به بررسی اثرات اینترنت بر مؤلفه های هویتی و رفتاری قوم کردپرداخته اند و به نتایج عمده ای بدین شرح دست یافتند: فیس بوک باعث شده است تادرمیان کردهای ایران زبان کردی در بیان نظرات و دیدگاهها بوفوراستفاده شود. آشنایی با خوانندگان جوان سبک های گوناگون موسیقی کردی در فیس بوک، ولینک های مرتبط با فرهنگ و هنر کردی برای همه ی افراد قابل دسترسی است و درکل استفاده ازاینترنت سطح فعالیت های اجتماعی را برای کردها افزایش داده و به آنان امکان داده است تا بدین وسیله برای ابراز موجودیت خویش و تمایز خود از دیگر اقوام فعال تر عمل نمایند.

ذوالفقاری و همکاران (1396) در مقاله ای با عنوان «بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات (تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات ایران در دوره 1393-1388)» به این نتیجه رسیده اند که در مطبوعات ایران مفهوم جامعه مدنی با مفهوم مدینه النبی هم ارز قرار گرفته است. در این میان هر دو طیف در بازنمایی این مفهوم بر سه اصل دولت، شهروندی و مشارکت اجتماعی تأکید کرده اند. با این تفاوت که روزنامه های اصلاح طلب در مفصل بندی این مفهوم به قوانین مردمی و دموکراتیک متوسل می شوند. در مقابل روزنامه های اصول گرا در ساخت بندی گفتمانی از دال مرکزی جامعه-امت دینی استفاده کرده اند.

مصلی (1391)، پژوهشی با عنوان «گفتمان بنیادگرایی جدید در باب جامعه مدنی، کثرت گرایی و مردم سالاری» انجام گرفته است. نتیجه تحقیق نشان داده است که با وجود اینکه بنیادگرایی های رادیکال نشان داده اند که در مقابل گفت وگو و همکاری با رژیم های عرب و غرب دموکراتیک مقاومت می کنند، بنیادگرایان میانه رو برای حقوق عمومی، آزادی، کثرت گرایی و جامعه مدنی با بردباری عمل می کنند. در گرایش میانه رو، اسلام تنها وقتی مردم آن را انتخاب کرده باشند مرجع قانونی است، در صورتی که بنیادگرایی های رادیکال بر عملی بودن اسلام حتی در جامعه جاهلی پافشاری می کنند.

احمدی(1385)، در تحقیق خود که با عنوان «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی» انجام داده است به این نتیجه دست یافته که پیوند میان سرمایه اجتماعی و دموکراسی، به صورت رابطه‌ای دیالکتیکی و دوسویه -تأثیر حجم وافر سرمایه اجتماعی بر دموکراسی و بالعکس- به واسطه مؤلفه‌های؛ جامعه مدنی، شهروند قدرتمند و فرهنگ صلح تبیین و تشریح شده است. از این منظر حجم وافر سرمایه اجتماعی به تقویت شاخص‌های تشکیل دهنده مؤلفه‌های فوق منجر شده و تقویت و تحکیم این سه مؤلفه، مجموعه‌ای از شرایط مناسب برای رشد و نضج دموکراسی و یا تثبیت آن را فراهم می‌آورد. البته این نوشتار همزمان بر کژکارکردهای سرمایه اجتماعی و عمق و وسعت موضوع دموکراسی اذعان دارد.

رهنمایی و اشرفی(1386)، مقاله‌ای نوشته‌اند که عنوان آن «فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری» می‌باشد. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش فضاهای عمومی در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری است. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد: بدین صورت که ابتدا به بررسی ادبیات مربوط به فضای عمومی و اهمیت آن در شهر و نیز ویژگی‌های جامعه مدنی پرداخته، سپس ارتباط میان این دو از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داده که فضاهای عمومی در شهر ارتباط نزدیک و قوی با شکل‌گیری مفهوم شهروندی دارد. به همین ترتیب فضاهای عمومی بستر اصلی شکل‌گیری جامعه مدنی در شهرها می‌باشند.

سبزه‌ای (1393)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی و تحلیل جامعه‌شناسی تطبیقی رویکردهای ایرانی و غربی به جامعه مدنی»، که با روش مطالعه کتابخانه‌ای و با تکنیک مقایسه‌ای بوده است در پی معرفی و تجزیه و تحلیل جامعه‌شناسانه شباهت‌ها و تمایزهای رویکردهای ایرانی با رویکرد غربی به جامعه مدنی است، که اجزاء، مفاهیم و مؤلفه‌های جامعه مدنی نزد هر دو رویکردهای غربی و ایرانی بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظرانشان با یکدیگر مقایسه شده‌اند. که به این نتیجه رسیده که در غرب چهار رویکرد به جامعه مدنی وجود دارد: رویکرد لیبرالی، جمع‌گرایانه، جمهوری خواهانه و گفت و گویی. و در ایران نیز دو رویکرد به جامعه مدنی وجود دارد: جامعه مدنی لیبرال و جامعه مدنی دینی که رویکرد دینی به دو گروه مخالفان و موافقان سازگاری جامعه مدنی با دین تقسیم می‌شود.

قاسمی(1390)، پژوهشی با عنوان «رابطه دولت و جامعه مدنی در ایران از منظر جامعه‌شناسی تاریخی»، انجام داده است. این پژوهش به تحلیل نظری این مسئله پرداخته که چگونه اعمال سیطره بر نهاد مالکیت، وابستگی به نظام ایل تباری، اتخاذ یک فلسفه سیاسی خاص و نیز ممانعت از شکل‌گیری نهاد ثابت اشرافیت توسط دولت‌ها در ایران، بر روند شکل‌گیری جامعه مدنی تأثیر گذارده است. این پژوهش به این نتیجه دست یافته که نهاد دولت بیش از سایر عوامل و پدیده‌های اجتماعی؛ از طریق در انحصار گرفتن نهاد مالکیت، نگاه قیم مآبانه به افراد جامعه، ایل تباری اغلب دولت‌ها و نیز متزلزل ساختن اشرافیت‌ها، زمینه‌های بلامنازع سلطه خود را بر جامعه فراهم ساخته و از پیدایی

و به رسمیت شناختن نهادهای حایل دولت و جامعه که بستر ساز شکل‌گیری حوزه عمومی هستند ممانعت نموده است.

معمدی (1386)، در تحقیقی با عنوان «نقش اینترنت در توسعه جوامع» نقش اینترنت را به عنوان یک رسانه در توسعه اجتماعی بررسی کرده است و گفته که اینترنت به عنوان رسانه عصر اطلاعات، رسانه مطلوب در راستای توسعه حقیقی جوامع معرفی شده است. و به این نتیجه رسیده که دو گفتمان اصلی در مبحث توسعه شکل گرفته که هر یک رسانه خاصی را در جهت توسعه به کار گرفته‌اند.

هاشمی و همکاران (1395)، مقاله‌ای با عنوان «تحولات کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران» (مطالعه موردی: فاصله جنبش مشروطه تا انتخابات ریاست جمهوری دهم)، نوشته‌اند. یافته‌های این مقاله بیانگر این است که از مشروطه تا کنون، علی‌رغم تلاش‌ها و اقداماتی که از سوی جامعه، نخبگان و بخشی از دولت یا حاکمیت صورت گرفته است، جز در مواردی معدود، سه مفهوم کنش ارتباطی، حوزه عمومی و جامعه مدنی از قوت چندانی برخوردار نیست و در دوره‌های مختلف تاریخی، نبود یکی از این سه شرط لازم ناکافی، مانع از تحقق دموکراسی در ایران شده است. بازه تاریخی مربوط به ملی شدن نفت، در میان این پنج برش تاریخی، تنها مقطع تاریخی است که تلاش ایرانیان برای دستیابی به دموکراسی، به واسطه حضور کنش ارتباطی، حوزه عمومی و جامعه مدنی به نتیجه رسیده است و پیامدش یعنی دموکراسی را ممکن کرده است. در دوران انقلاب و نیز انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 و دولت برآمده از آن، مصادیقی که غیاب مفاهیم کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی را نمایندگی می‌کنند، بر مصادیقی که حضور آنها را نمایندگی می‌کنند، غلبه دارد.

زارع‌کهن (1393)، در مقاله «ارتقای سواد رسانه‌ای لازمه تحقق جامعه مدنی» با مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای ضمن بررسی ویژگی‌های جامعه مدنی از یک سو و مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای از جانب دیگر مشخص شد یکی از لوازم تحقق جامعه مدنی ارتقای سواد رسانه‌ای شهروندان است تا رسانه‌ها بتوانند کارکردهای مطلوب خود را در این راستا داشته باشند و آگاهی شهروندان ارتقا یابد. این مقاله نشان داده است که چگونه ارتقای سواد رسانه‌ای می‌تواند بر نقش رسانه‌ها در جامعه تأثیر گذاشته و به تحقق جامعه مدنی کمک کند و بر این حقیقت تأکید می‌کند که ارتقای سواد رسانه‌ای از ملزومات تحقق جامعه مدنی است.

تحقیق «جامعه مدنی و جغرافیای توسعه: پیشرفت در جغرافیای انسانی» که در سال 1377 توسط کتی مکلواین نوشته شده و بدیعی ازنمایی آن را ترجمه کرده است گفته شده که اگرچه واژه جامعه مدنی کراراً در متون توسعه به کار می‌رود، اما این مقاله آن را از دیدگاه جغرافیایی بررسی می‌کند. پرسش اصلی و مهم این است که چرا و چگونه جامعه مدنی بار دیگر در حوزه توسعه مطرح شده است. این نوشته ضمن اینکه به ارائه معنای وسیعی از جامعه مدنی پرداخته است، دیدگاههایی از قبیل «لیبرالی» و «نو یا فرامارکسیستی» را درباره‌ی نقشها و

عملکردهای جامعه مدنی بیان کرده است. بحثهایی مانند سرمایه اجتماعی و نقش آنها در بنا نهادن سازمانهای جامعه مدنی و همچنین رابطه‌ی بین دولت و جامعه مدنی، نقش سازمانهای غیردولتی در این جامعه و روابط آنها با سازمانهای بین‌المللی از دیگر موضوعات این مقاله بوده است.

اکبرزاده و شرفی (1396) در پژوهش «مقایسه تطبیقی جامعه مدنی در نظام لیبرال دموکراسی و نظام سیاسی اقتدارگر» به این نتایج دست یافته‌اند که به طور کلی، نهادهای جامعه مدنی از دموکراسی، انتخابات، رأی و شرکت مردم در جامعه مدنی صحبت می‌کنند، ولی این قیدهایی که این فرمایشات را فقط برای عده‌ای محدود مقید می‌سازند و عملاً در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری یا قله جامعه مدنی چون آمریکا، انگلیس و فرانسه وجود دارد، چیزی نمی‌گویند، زیرا گردانندگان این نهادها وظیفه‌شان می‌دانند تا در میان جوامع نیمه فئودال-بورژوازی، نیمه مستعمره و نیمه سرمایه‌دار تا سرمایه‌داری ایفای وظیفه کنند. در مقابل، نظام‌های اقتدارگرا چنان هزینه‌ی فعالیت سیاسی و به تعبیر دیگر، مشارکت و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان را بالا می‌برند که خود به خود، موجب صرف نظر کردن بخش قابل توجهی از شهروندان از عمل به مسئولیت‌های اجتماعی خود می‌شوند. نظام‌های اقتدارگرا و غیردموکراتیک (اعم از رژیم‌های فاشیستی، دیکتاتوری، نیمه‌دیکتاتوری و...) با تمسک به انواع شیوه‌ها و ابزارها، عملاً حداقل‌های زندگی را هم برای شهروندان دچار تهدید و تحدید می‌کنند.

گنجی (1385). در پژوهش خود با عنوان ((بررسی الگوی استفاده از کاربران اینترنت و عوامل اجتماعی موثر بر آن)) در سال 1385 به بررسی الگوی استفاده کاربران اینترنت در ایران پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد که به میزانی که محدودیت ارتباطات اجتماعی بیشتر می‌شود، افراد تمایل بیشتری به بهره‌گیری از الگوی ارتباطی اینترنت نشان می‌دهد. پیوند اجتماعی نیز در این زمینه نقش مهمی دارد. به عبارت دیگر، کسانی که بنا به علل مختلف دارای پیوند اجتماعی قوی‌تر هستند، تمایل کمتری به بهره‌گیری از الگوی ارتباطی اینترنت، به ویژه الگوی ارتباطی نامناسب و نابهنجار، پیدا خواهند کرد. عواملی همچون دلبستگی به دیگران و افراد پیرامونی، تعهدات گوناگون، همچون تعهد نسبت به خانواده، شغل، دوستان و غیره، درگیری‌ها و مشغله‌های مختلف همچون مشارکت مداوم در فعالیت‌های زندگی، کار، خانواده و غیره و باورها، ارزش‌ها و اصول اخلاقی، نقش اساسی در زمینه ایفا می‌کنند (گنجی، 1385: 152 - 146)

## 2-3-5. چارچوب نظری پژوهش :

نظریه فضای عمومی از هانا آرنست یکی از نظریات عمده‌ای است که در تبیین موضوع پژوهش مورد استناد قرار گرفته است. چنانچه قبلاً اشاره شد، فضای عمومی آرنست، ضمن اینکه چشم‌اندازی بیکران و نامحدود است که در آن هرکسی میتواند از چشم‌انداز خود واقعیت را ببیند، دارای شش ویژگی عمده نیز هست: غیر طبیعی، عمومی،

غایی، باز، متکثر و غیر انحصاری که یکایک این ویژگیها رادرفضای مجازی و شبکه های اجتماعی می توان بازیافت. فضای اینترنت یک فضای عمومی و باز است و در ب های آن بر روی هیچ گروه اجتماعی بسته نیست، این فضا در انحصار هیچ روایت و گفتمانی نبوده و در طول زمان گفتمانهای موجود در آن نوبه نومی گردند. به لحاظ موضوعات مطرح شده در آن به شدت متکثراست و مروج چندصدایی و هم اندیشی در بستر شرایطی عادلانه برای گفتگوست. از اینرو، با توجه به ویژگی هایی که در نظریه ی فضای عمومی هانا آرنست مشاهده می شود، اینترنت و شبکه های اجتماعی می توانند در جایگاه یک فضای عمومی نوین و گسترده قرار گیرند که در آن ها بحث و گفتگوهای آزاد بر سر موضوعات گوناگون اجتماعی میان اقشار گوناگون جامعه جریان یافته و این فرآیند می تواند نگرش و افکار را به سمت ایجاد حلقه ها، شبکه ها و انجمن های مردم - نهاد سوق دهد بگونه ای که عملاً نهادهای مقدماتی جامعه مدنی در این فضای عمومی نطفه بندی گردند.

نظریه مورداستناد دیگر، نظریه هابرماس درباره حوزه عمومی و جامعه مدنی است. هابرماس جامعه مدنی را یک جامعه توسعه یافته میداند که قادر است هم در برابر تجاوزها و بحرانهای اقتصادی جامعه مقاومت کند و هم از دولت دفاع کند. سازمانهای خصوصی و داوطلبانه که ظاهراً خارج از حیطه نفوذ اقتدار دولت قرار دارند مانند اتحادیهها، کلیسا، مدارس، کتابخانهها، انواع مختلف کلوپها و انجمنها از اجزای سازنده جامعه مدنی میباشند. هابرماس جامعه مدنی را به عنوان قلمرو عمل دموکراتیک بر مبنای کنش ارتباطی به شمار می آورد، آنهم کنش های ارتباطی ای که در آن حرکات اجتماعی تازه ای مثل جنبش حفاظت از محیط زیست شکل می گیرد. دریافت هابرماس از جامعه مدنی همسوبا گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی است که نگرش آنها به نهضت اجتماعی جامعه مدنی جدید معروف شده است. آنها جامعه مدنی را بنیاد یک نهضت اجتماعی نو به شمار می آورند.

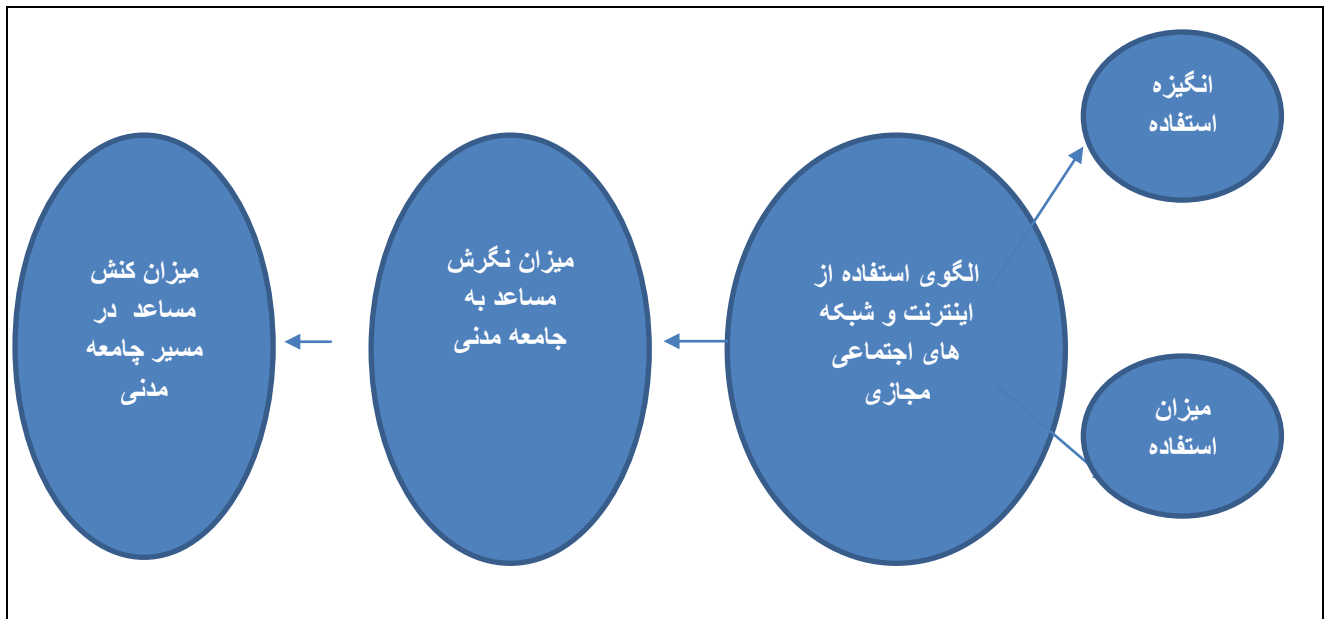
حوزه عمومی هابرماس نیز عرصه ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می آیند و کنش ارتباطی نیز در یک چنین فضای آزاد گفت و گو تحقق می یابد. هابرماس معتقد است که همواره نیازهای اصیل و معینی در تمامی افراد آزاد وجود دارد و این نیازها توسط هر کس که صمیمانه وارد یک گفت و گوی عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد. امروزه، محیط اینترنت این فضا را فراهم و شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس را بستر سازی کرده است. در محیط های تعاملی اینترنت افراد به راحتی می توانند نیازها و دغدغه های خود را مطرح کنند و طرح نیازها باعث شکل گیری یک فضای گفت و گو شده و در این مباحثات افکار جدیدی شکل می گیرد. گفتگوی آزاد انسانها، بواسطه برخورداری از جهت گیری تفاهمی و نه ابزاری به منزله یک نوع کنش ارتباطی تلقی می گردد و از آنجاکه محیط های تعاملی اینترنت را می توان فضاهایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت و گو می پردازند طبیعتاً این گفتگوهای آزاد و عقلانی می تواند بر محور مسائل و نیازهای مهم جامعه جریان یابد. باتوجه به فقدان تحزب سیاسی جدی در کشور ایران و نیاز مبرم جامعه ایران به وجود نهادهای مردمی و جامعه مدنی،

کنش ارتباطی در حوزه عمومی که از طریق اینترنت فضای مجازی شکل گرفته است می‌تواند در این مسیر فعال شده و بر نگرش و کنش مدنی افراد اثر گذار شود.

نظریه دیگری که تبیین مناسبی از موضع رافراهم می‌کند توسط اندرو آراتو و جان کوهن ارائه شده است. به نظر آراتو و کوهن، گفتگوی آزاد و عمومی پایه و اساس ارتباط میان بخشهای اصلی جامعه مدنی یعنی سیاست و اقتصاد است زیرا سایر آزادی‌ها نظیر آزادی برگزاری تجمعات، حق تشکیل انجمن‌ها و اتحادیه‌ها در رابطه با آزادی بیان معنا دار می‌شوند. در فضای بازی که برای انجمن‌ها و داوطلبانه ایجاد می‌شود امور مورد علاقه عمومی به بحث و گفت و گو گذاشته شده، علایق و منافع گروه‌های پایین و سخت سازمان پذیر نمایندگی می‌شود، اهداف فرهنگی، مذهبی و انسانی دنبال می‌شود، اجتماعات علمی راه اندازی می‌شود و .... به این وسیله آزادی طرح عقاید مختلف و تنوع دیدگاه‌ها تضمین می‌شود. البته، در نگاه این دو، جامعه مدنی فقط در متن فرهنگ سیاسی آزاد و مطابق با الگوی جامعه پذیری مناسب و بر اساس فضای خصوصی سالمی شکل می‌گیرد که در زیست جهانی از قبل عقلانی شده امکان رشد و شکوفایی دارد. در غیر این صورت ممکن است جنبش‌هایی مردمی شکل بگیرند که از سنت‌های خشک و نامنعطف برخاسته از زیست جهان جوامع غیر مدرن کورکورانه دفاع کنند. بر اساس این نظریه؛ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی فضای بازی را برای ایجاد کنش اجتماعی و مدنی فراهم می‌سازد و به شکل‌گیری عقیده و نگرش افراد در ایجاد جامعه مدنی کمک نموده و رابطه‌ی تعاملی را به شکل غیرمستقیم بین دولت و جامعه فراهم می‌سازد. به علاوه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند با تغییر نگرش افراد به تدریج سبب تغییر در ذهنیت‌ها و ساختارهای موجود جامعه شده و در نتیجه به شکل‌گیری سازمان‌های مردم نهاد و انجمن‌ها کمک کنند.

بر اساس نظریات آرنست هابرماس، آراتو و کوهن، چهارچوب نظری تحقیق شکل گرفته و این چهارچوب راهگشای تدوین فرضیات و ارائه مدل نظری پژوهش قرار می‌گیرد.

### مدل نظری تحقیق:



### فرضیات تحقیق:

- متغیرهای زمینه ای ( سن، جنس و... ) با میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی رابطه دارند
- متغیرهای زمینه ای ( سن، جنس و... ) با میزان کنش اجتماعی موثرتر بالندگی جامعه مدنی رابطه دارند
- بین میزان استفاده از سایت های اینترنتی و میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی رابطه وجود دارد
- بین انگیزه استفاده از سایت های اینترنتی و میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی رابطه وجود دارد
- بین میزان استفاده از سایت های اینترنتی و میزان کنش اجتماعی موثرتر بالندگی جامعه مدنی رابطه وجود دارد
- بین انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی و میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی رابطه وجود دارد
- بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و میزان کنش اجتماعی در این زمینه رابطه وجود دارد

**فصل سوم:**

**روش تحقیق**



## مقدمه:

فصل سوم در پایان نامه های تحصیلی به متدولوژی یا روش شناسی تحقیق اختصاص دارد. در این فصل ابتدا روش تحقیق و جامعه آماری پژوهش اشاره شده و سپس حجم نمونه و شیوه نمونه گیری در این تحقیق مدنظر قرار گرفته است. سپس شیوه گردآوری داده ها، تعریف مفاهیم و متغیرها، و ابزار تحقیق و روایی و پایایی آن مورد توجه قرار گرفته و نهایتاً نحوه استخراج و تحلیل داده ها بیان می گردد.

### 3-1. روش تحقیق:

در این پژوهش، همچون بسیاری از تحقیقات و مطالعات اجتماعی، روش پیمایشی روش اصلی تحقیق بوده است. روشی که در آن ابتدا اطلاعات لازم از یک جامعه نمونه که بخشی از جامعه آماری تحقیق است گردآوری شده و سپس اطلاعات بدست آمده به کل جامعه آماری تعمیم داده می شود. یک تحقیق پیمایشی، با گردآوری داده هادرباره یک یا چند صفت در یک مقطع زمانی (یک روز، یک هفته، یک ماه و...) و از طریق نمونه گیری انجام شده و در نهایت به توصیف جامعه براساس یک یا چند متغیر می پردازد (سرمد و بازرگان، 1390: 83). بعلاوه، این تحقیق یک تحقیق پیمایشی مقطعی است، و به گفته صاحب نظران، هدف تحقیقات مقطعی می تواند اکتشافی، توصیفی، و گاه تبیینی باشد (بیکر، 1386: 63) و از این نقطه نظر، پژوهش حاضر یک پژوهش تبیینی است چراکه به بررسی رابطه میان متغیرهای موجود در فرضیات تحقیق نیز پرداخته است. از سوی دیگر می توان پژوهش حاضر را یک پژوهش کاربردی نیز تلقی کرد چرا که هدف از تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است و به کاربردی دانش کسب شده توجه دارد و نتایج این نوع تحقیقات در اختیار ارگانها و سازمانهای گوناگون جامعه قرار می گیرد (سرمد و بازرگان، 1390: 79).

### 3-2. جامعه آماری:

جامعه آماری این پژوهش را جوانان 15 تا 29 ساله ساکن در شهر اصفهان تشکیل میدهند که جمعیت آنان براساس نتایج سرشماری سال 1395 تقریباً معادل یک میلیون نفر بوده است. علت انتخاب چنین جامعه آماری

حضورگسترده جوانان اصفهانی در اینترنت و شبکه های اجتماعی است که می تواند نتایج گوناگونی را در حوزه های اجتماعی و سیاسی - واز جمله رشد نهادها و جامعه مدنی- در این شهر به همراه داشته باشد.

### 3-3. جمعیت نمونه و شیوه نمونه گیری:

در پژوهش حاضر، به منظور تعیین حجم نمونه مناسب از فرمول نمونه گیری کوکران استفاده شد که با توجه به جمعیت یک میلیون نفری جامعه آماری، وسطح اطمینان 1.96، ودقت احتمالی مطلوب 0.05، همچنین احتمال وجود وعدم وجود صفت آماری به ترتیب 0.5 و 0.5، نهایتاً 384 نفر به عنوان جمعیت نمونه تعیین گردید. نحوه

$$n = \frac{1000000 \times 1.96^2 \times (0.5 \times 0.5)}{1000000 \times 0.05^2 + 1.96^2 \times (0.5 \times 0.5)} = 384$$

محاسبه جمعیت نمونه بدین شرح است:

شیوه نمونه گیری در این تحقیق راشیوه نمونه گیری خوشه ای تشکیل داده است. در این رابطه، با توجه به تقسیم بندی منطقه ای، شهر اصفهان که دارای 14 منطقه و در هر منطقه تعدادی محله های مسکونی است، به قید قرعه ابتدا منطقه 7 اصفهان انتخاب و سپس از میان 12 محله موجود در این منطقه، به قید قرعه شهرک کاوه برگزیده شد. در شهرک کاوه نیز از میان خیابانهای موجود قرعه کشی و در خیابانهای برگزیده، پرسشگری به شیوه نمونه گیری در دسترس (غیر احتمالی) صورت گرفت.

### 3-4. شیوه گردآوری اطلاعات:

اطلاعات گردآوری شده در این پژوهش به دوشیوه مکمل صورت گرفته است. در ارتباط بامبانی نظری و پیشینه تحقیق، شیوه اسنادی و کتابخانه ای درپیش گرفته شده و محقق طی ماههای مرداد تا اسفند 1396 با مراجعه حضوری و مستقیم به کتب، مقالات و آرشیو اسناد و کتابخانه ها و نیز سایتها و منابع اینترنتی به جمع آوری و تنظیم اطلاعات مربوطه پرداخته است. بخش دیگری از اطلاعات و معلومات لازم برای پژوهش به شیوه پیمایش و مطالعه میدانی و به کمک پرسشنامه تهیه و تنظیم گردیده است. در این رابطه، پرسشگریهای لازم توسط محقق طی یکماه یعنی در طول خرداد ماه 1397 انجام شد. بدین ترتیب، اطلاعات نظری و تجربی لازم برای این پژوهش طی مدت زمان تقریبی 10 ماه فراهم گردیده است.

### 3-5. تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق:

در مطالعات و تحقیقات اجتماعی، برای اینکه مفاهیم و متغیرهای تحقیق قابل سنجش و اندازه گیری شوند باید از حالت انتزاعی و کلی خارج شده و معرفیهای تجربی برای آنها در نظر گرفته شود. این فرایند را دواس "پایین آمدن از رده بان انتزاع" نامیده است. همانطور که میدانیم، در این پژوهش فرضیات متعددی مطرح بوده است که لازم است در این قسمت مفاهیم و متغیرهای مربوطه به لحاظ نظری و عملیاتی تعریف شوند. این متغیرها شامل سه دسته عمده یعنی متغیرهای زمینه ای، متغیرهای مستقل و وابسته اند که بدانها اشاره می گردد:

#### 3-5-1. متغیرهای زمینه ای:

متغیرهای زمینه ای در حقیقت ویژگیها و مشخصات فردی پاسخگویان می باشد. در این پژوهش متغیرهای زمینه ای شامل جنسیت، سن، وضع تاهل و پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد مورد مطالعه می گردد. سطح سنجش متغیرهای ذکر شده بترتیب اسمی، فاصله ای، اسمی، فاصله ای بوده است. پایگاه اجتماعی اقتصادی پاسخگویان به کمک شاخصهایی چون سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی سنجش شده است.

#### 3-5-2. استفاده از اینترنت:

این مفهوم به میزان و انگیزه استفاده از سایتهای مختلف اینترنتی (سایتهای خبری، آموزشی، سرگرمی، تجاری، اطلاع رسانی) اشاره دارد. میزان استفاده روزانه از اینترنت به کمک شاخصهایی چون: تایک ساعت، یک تا دو ساعت، دو تا سه ساعت و... اندازه گیری شده و سطح سنجش این متغیر فاصله ای است. انگیزه و علت استفاده نیز به کمک شاخصهایی چون: ارتباط و تبادل نظر، کسب اطلاع و آگاهی، سرگرمی و گذران فراغت سنجیده شده و سطح سنجش این متغیر اسمی است.

### 3-5-3. استفاده از شبکه های اجتماعی:

این مفهوم به میزان وانگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی اینترنتی همچون: تلگرام، اینستاگرام، فیسبوک، توییتر و یوتیوب اشاره دارد. در این راستا، میزان استفاده روزانه از شبکه های اجتماعی به کمک شاخصهایی چون: تایکساعت، یک تا دوساعت، دو تا سه ساعت و... اندازه گیری شده و سطح سنجش این متغیر فاصله ای است. از سوی دیگر، علت وانگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی ذکر شده نیز به کمک شاخصهایی چون: ارتباط و تبادل نظر، کسب اطلاع و آگاهی، سرگرمی و گذران فراغت سنجیده شده و طبعا، سطح سنجش این متغیر رسمی است.

### 3-5-4. نگرش مساعد به جامعه مدنی:

مفهوم نگرش به باورها، تصورات و افکاری که نسبت به هر موضوعی داریم و موجب می شود ویژگیهایی را به آن نسبت دهیم اشاره دارد. طبعا نگرشها دارای انواع واقسامی هستند اما در این تحقیق، آندسته از نگرش ها که مساعد و زمینه ساز برای شکل گیری و رشد نهادهای مدنی و جامعه مدنی اند مورد نظر قرار داشته است. این نوع نگرش در دو بُعد سیاسی و اجتماعی و به کمک شاخصهایی چون: دموکراسی، قانونمداری و نفی حاکمیت مطلق سیاسی (شاخصهای مرتبط با بعد سیاسی نگرش)، تکثرگرایی، تسامح و تساهل، دیالوگ و گفتگومحوری، تشکل پذیری (شاخصهای مرتبط با بعد اجتماعی نگرش) سنجیده شده و سطح سنجش این متغیر فاصله ای است.

### 3-5-5. کنش موثر در بالندگی جامعه مدنی:

مفهوم کنش به معنای رفتار و اعمال انسانی است و بنابه تعریف وبر، کنشهای انسانی رفتارهای نیتمند و ارادی اند و شامل چهار دسته می گردند: کنشهای عقلانی معطوف به هدف، و یا معطوف به ارزشها، کنشهای سنتی، و کنشهای عاطفی (آرون، 1389:293). در این پژوهش منظور از کنش، عبارت است از آندسته کنشهای انسانی که بتواند زمینه ساز شکل گیری و رشد و بالندگی نهادهای مدنی و نهایتا جامعه مدنی گردد. این کنشها امروزه میتوانند هم در فضای واقعی و هم در فضای مجازی توسط افراد جامعه صورت پذیرند. شاخصهای عمده ای که در زمینه سنجش و اندازه گیری این نوع کنش های مساعد برای رشد جامعه مدنی به کار گرفته شده عبارتند از: عضویت در نهادهای مدنی،

مشارکت در تجمعات اصلاح طلبانه، دفاع از حقوق زنان، کارگران، فعالیت در زمینه مسایل محیط زیست، حقوق حیوانات و دیگر امور مدنی و اجتماعی.... لازم به ذکر است که سطح سنجش این متغیر فاصله ای می باشد.

### 3-6. سنجه و ابزار تحقیق:

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش نامه است که برای تحقیقات پیمایشی عمدتاً از این ابزار استفاده می شود. پرسشنامه پژوهش مرکب از یک مجموعه سوالات بسته می باشد که این سوالات پیرامون متغیرهای زمینه ای، متغیرهای مستقل و وابسته طراحی و تنظیم شده اند. سوالات مربوط به استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی جمعاً دارای 20 گویه، و سوالات مربوط به نگرش و کنش مرتبط با جامعه مدنی به ترتیب شامل 17 و 12 گویه می باشند. طراحی سوالات پرسشنامه در بخشهایی بصورت محقق ساخته و در بخشهایی براساس ابزارهای بکاررفته در تحقیقات گذشته و البته با اندکی دخل و تصرف صورت گرفته است. در این رابطه، پرسش نامه مربوط به یکی از تحقیقات پیرامون "انواع مشارکت و اینترنت در ایران" که توسط دانشگاه آمستردام هلند صورت گرفته با اندکی تغییرات مورد استفاده قرار گرفت. همچنین، بخشی از سوالات مربوط به نگرش به جامعه مدنی با الهام از پرسش نامه مربوط به پایان نامه رقیه ذوالفقاری کارشناس ارشد جامعه شناسی پیرامون موضوع "بررسی رابطه انواع دینداری و نگرش به جامعه ی مدنی" تنظیم گردیده است. پس از متناسب سازی مقیاسها با جامعه مورد نظر و اعمال تغییراتی جزئی، اعتبار و پایایی پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت.

### 3-7. اعتبار و پایایی ابزار تحقیق:

اعتبار یا روایی<sup>48</sup>، به این معنی است که ابزار اندازه گیری همان چیزی را اندازه بگیرد که قرار است بسنجد و ادعای اندازه گیری آن را دارد. در واقع سوالی که در آزمون اعتبار یا روایی مطرح می شود این است که آیا آنچه ما مشاهده و ثبت می کنیم یا مورد پرسش قرار می دهیم واقعا همان هدف اصلی و تعیین شده تحقیق است یا خیر؟ البته اعتبار انواع گوناگونی دارد و رایجترین نوع آن اعتبار صوری<sup>49</sup> است، که در آن گروهی از صاحب نظران در مورد اعتبار وسیله سنجش داوری می کنند. برای سنجش اعتبار پرسشنامه این پژوهش از روش اعتبار صوری بهره گرفته

شد. برای سنجش هریک از متغیرهای اصلی تحقیق، شاخص هایی چند در نظر گرفته شده و بر اساس آن گویه هایی تنظیم و یا از منابع مرتبط اخذ شدند. در پرسشنامه اولیه 63 گویه مربوط به نگرش ها و کنش ها نسبت به جامعه مدنی، برگرفته از منابع مختلف و یا بصورت محقق ساخته مورد بازبینی و بررسی اساتید قرار گرفته و پس بعد از اصلاحات تعداد 29 گویه انتخاب و پرسشنامه نهایی تدوین شد. بعلاوه، به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق و ارزیابی خرده مقیاس های اصلی موجود در پرسشنامه، بر روی 34 نفر از جامعه مورد بررسی تست مقدماتی انجام گردید و سپس داده های به دست آمده با آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد تا میزان همسازي درونی گویه های هر متغیر معلوم گردد. در جدول زیر، ضرایب آلفای متغیرها ارائه شده است:

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
نگرش مساعد به جامعه مدنی	17	92.6
کنش موثر بر بالندگی جامعه مدنی	12	93.1

### 3-8. استخراج و تحلیل داده های تحقیق:

پس از پایان گردآوری داده ها و اطلاعات، تمامی پرسش نامه ها مورد باز بینی قرار گرفته و موارد نقص آن مورد بررسی قرار گرفتند. سپس داده های خام حاصل از پرسش نامه ها به تفکیک متغیرهای مورد مطالعه کد گذاری شد و برای تجزیه و تحلیل داده های خام از نسخه 16 نرم افزار اس پی اس استفاده شد. استخراج و تحلیل داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده و در این راستا، ضمن ارائه جداول و نمودارهای توصیفی تک متغیره درباره صفات و ویژگیهای جامعه مورد مطالعه، بمنظور تحلیل داده ها و سنجش ارزیابی فرضیات تحقیق از آزمون هایی چون همبستگی پیرسون، آزمونهای مقایسه میانگین نمرات تی و اف (تحلیل واریانس) و آزمون تعقیبی ال ایس دی بکار گرفته شده است.

## فصل چهارم:

### استخراج و تحلیل داده ها

## فصل چهارم: استخراج و تجزیه و تحلیل داده ها

### مقدمه :

در این فصل تمرکز اصلی بر روی داده های گردآوری شده معطوف می گردد و در این راستا، با استفاده از تکنیک های مرتبط با آمار توصیفی و استنباطی، ضمن توصیف و تشریح ویژگیهای جامعه مورد بررسی، فرضیه های پژوهش مورد آزمون قرار می گیرند. داده های جمع آوری شده به منظور تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری می بایست از طریق آزمون های آماری به اطلاعات مفید و معناداری تبدیل گردند تا سپس بتوان با تعبیر و تفسیر آن ها به نتایج مورد نظر دست پیدا نمود. در بخش آمار توصیفی عمدتاً از جداول تک متغیره فراوانی و نیز جدول های مربوط به آماره های میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی، درسنجش فرضیات تحقیق، آزمونهای رابطه همبستگی، مقایسه گروههای مستقل، و تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی LSD مورد استفاده قرار گرفته اند.



## الف) آمار ویافته های توصیفی:

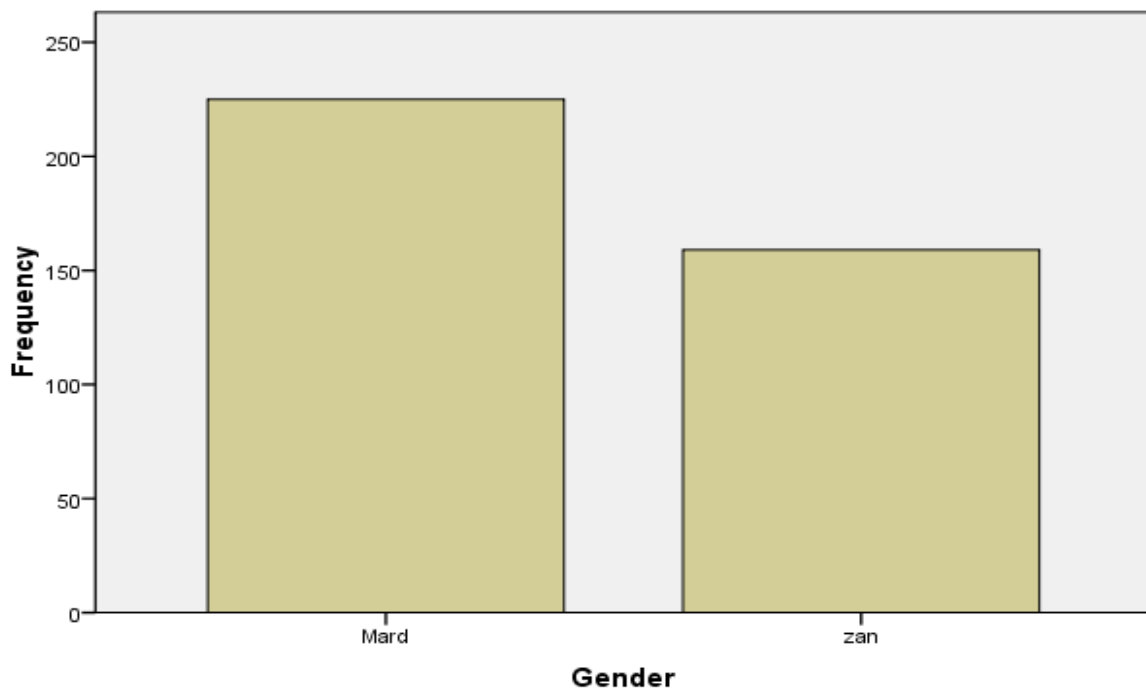
در این قسمت ، براساس نتایج حاصله، صفات و ویژگیهای جامعه مورد بررسی توصیف و تشریح شده اند.

### 1-4. جنسیت پاسخگویان :

جدول (1-4) توزیع پاسخگویان بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
مرد	225	58.6	58.6	58.6
زن	159	41.4	41.4	100.0
کل	384	100.0	100.0	

Gender



نمودار (1-4) توزیع جنسیت پاسخگویان

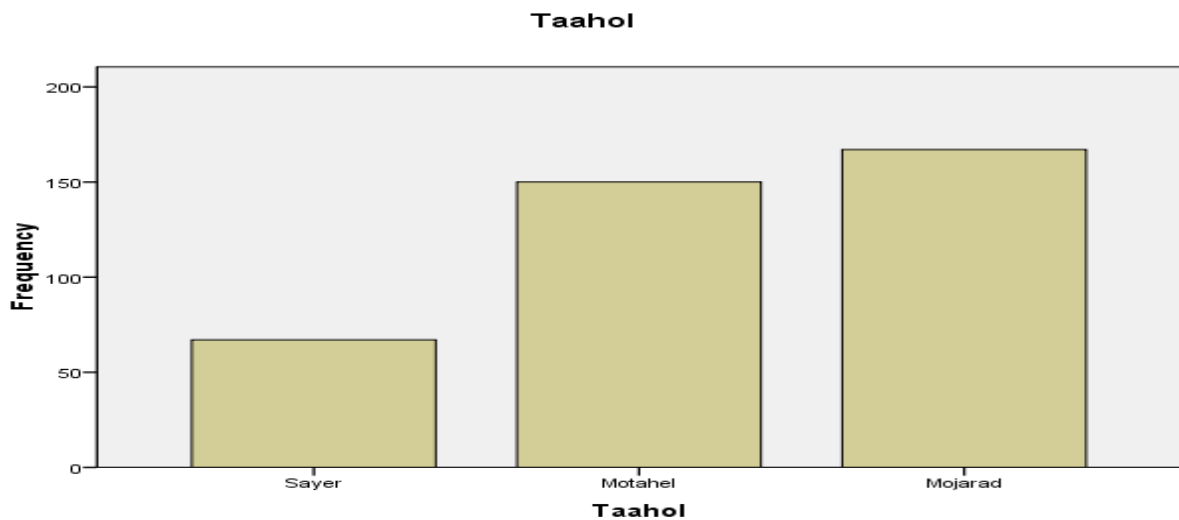
همان گونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می شود تعداد افراد پاسخگو در این متغیر 384 نفر می باشد که

در این میان بیشترین درصد 58.6 (225 نفر) زنان و 41.4 درصد (159 نفر) مردان بوده اند.

2-4. متغیر وضع تاهل پاسخگویان :

جدول (2-4): توزیع پاسخگویان بر حسب وضع تاهل

	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
سایر	67	17.4	17.4	17.4
متاهل	150	39.1	39.1	56.5
مجرد	167	43.5	43.5	100.0
کل	384	100.0	100.0	



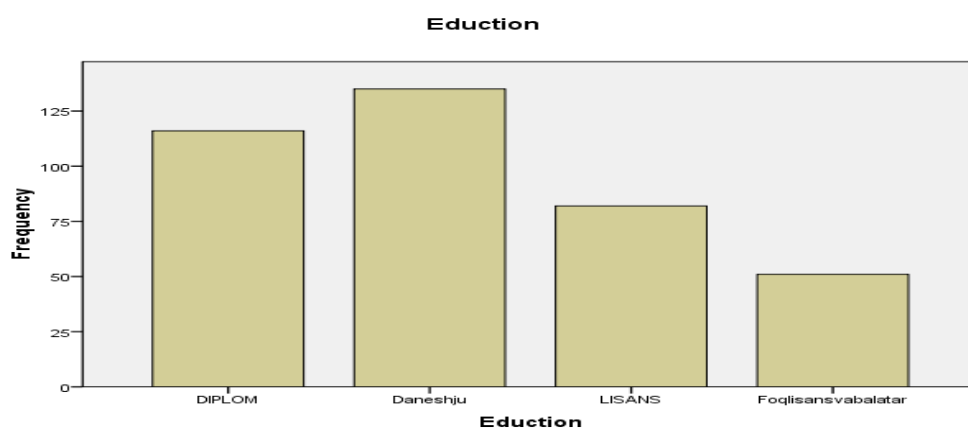
نمودار (2-4) توزیع پاسخگویان بر اساس وضعیت تاهل

همانگونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می شود تعداد افراد پاسخگو به این متغیر 384 نفر می باشد که در این میان بیشترین درصد 43.5 (167 نفر) مجردان و کمترین درصد 17.4 (67 نفر) مربوط به گزینه سایر (بیوه گان و مطلقه ها) بوده است .

3-4. متغیر سطح تحصیلات پاسخگویان :

جدول (3-4) توزیع پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلات :

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
دیپلم	116	30.2	30.2	30.2
دانشجو	135	35.2	35.2	65.4
لیسانس	82	21.4	21.4	86.7
فوق لیسانس و بالاتر	51	13.3	13.3	100.0
کل	384	100.0	100.0	



نمودار (3-4) توزیع پاسخگویان بر اساس سطح تحصیلات

همانگونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می شود تعداد افراد پاسخگو به این متغیر 384 نفر می باشد که در این میان بیشترین درصد 35.2٪ (135 نفر) را دانشجویان، سپس دیپلمه ها، لیسانسه ها و کمترین درصد 13.3٪ (51 نفر) را افراد فوق لیسانس و بالاتر تشکیل داده اند .

4-4. متغیر جایگاه شغلی پاسخگویان :

جدول ( 4-4 ) توزیع پاسخگویان بر اساس جایگاه شغلی :

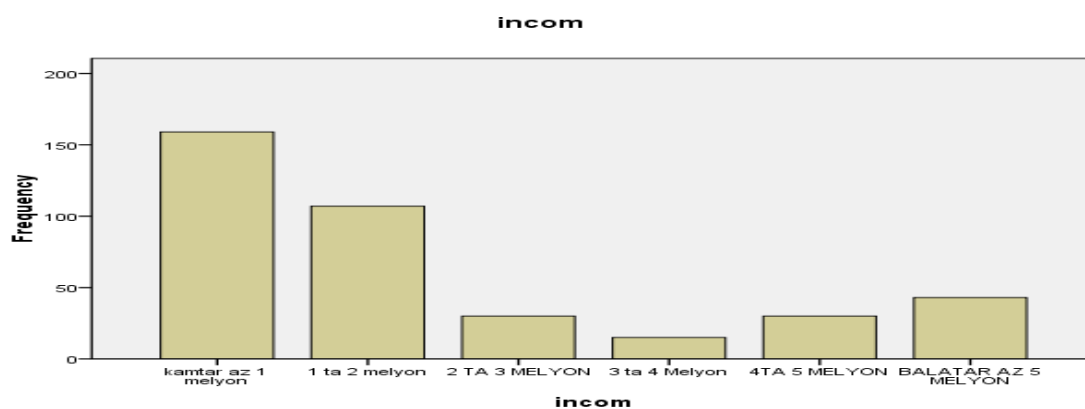
منزلت شغلی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کارگرساده	141	36.7	36.7	36.7
رانندگان وسایل نقلیه	31	8.1	8.1	44.8
کارکنان ماهر فنی و صنعتی	29	7.6	7.6	52.3
فروشنده	42	10.9	10.9	63.3
مشاغل کارمندی	38	9.9	9.9	73.2
کارفرمایان بخش خصوصی	17	4.4	4.4	77.6
مشاغل تخصصی و کارشناسی	76	19.8	19.8	97.4
مدیران دولتی	10	2.6	2.6	100.0
کل	384	100.0	100.0	

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود تعداد پاسخگویان به این متغیر 384 نفر می باشد که در این میان بیشترین درصد 36.7 (141 نفر) را کارگران ساده و کمترین درصد 2.6 (10 نفر) را مدیران دولتی تشکیل داده اند. متخصصان و کارشناسان پس از کارگران، بالاترین سهم را در جامعه مورد بررسی داشته اند

5-4. متغیر درآمد:

جدول (5-4): توزیع پاسخگویان بر حسب درآمد:

درآمد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی معتبر
کمتر از یک میلیون تومان	159	41.4	41.4	41.4
یک تا دو میلیون تومان	107	27.9	27.9	69.3
دو تا سه میلیون تومان	30	7.8	7.8	77.1
سه تا چهار میلیون تومان	15	3.9	3.9	81.0
چهار تا پنج میلیون تومان	30	7.8	7.8	88.8
بیش از پنج میلیون تومان	43	11.2	11.2	100



همانگونه که در جدول و نمودار بالا مشاهده می شود تعداد افراد پاسخگو به این متغیر 384 نفر می باشد که در این میان بیشترین درصد 41.4 (159 نفر) را درآمد کمتر از یک میلیون و کمترین درصد درآمد سه تا چهار میلیون (15 نفر) بوده اند. درآمدهای یک تا دو میلیون و بیش از 5 میلیون پس از درآمد زیر یک میلیون هستند.

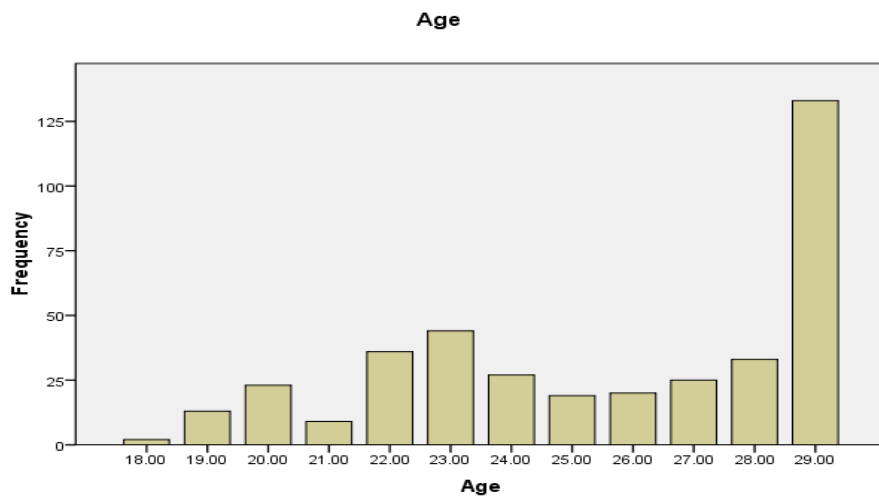
6-4. متغیر سن پاسخگویان :

جدول (6-4) آماره های مربوط به سن پاسخگویان

میانگین	25
انحراف معیار	3
ماکسیمم	18
مینیمم	29

نمودار (6-4) توزیع سن پاسخگویان

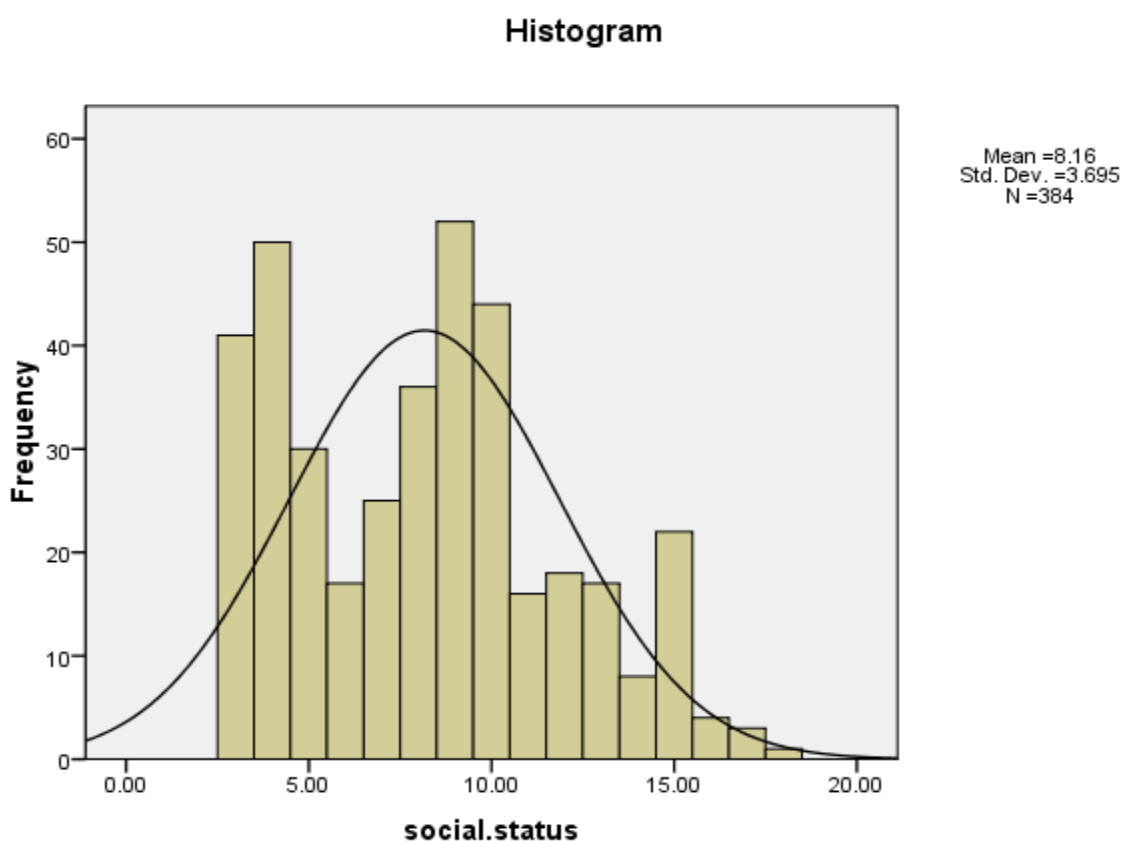
مطابق با جدول و نمودار بالا میانگین سن افراد 25/6 سال و انحراف از معیار آن ها 3/1 سال و حداقل سن آن



ها 18 و حداکثر سن پاسخگویان در جامعه مورد بررسی 29 سال می باشد.

7- متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی :

میانگین	8/16
انحراف معیار	3/6
ماکسیمم	18/00
مینیمم	3/00



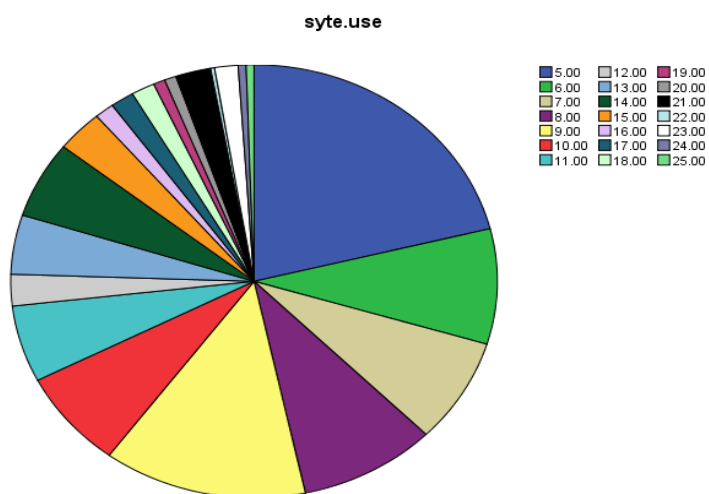
نمودار (4-7) توزیع پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی

مطابق با جدول و نمودار بالا شمار افراد مورد بررسی 384 نفر می باشد که میانگین نمره پایگاه اجتماعی آنان معادل 8/16 و انحراف از معیار آن ها 3/6 و حداقل نمره 3 و حداکثر نمره 18 می باشد.

جدول (4-8) میزان ساعات استفاده روزانه از سایت های اینترنتی :

میانگین	1.9
انحراف از معیار	0.92
مینیمم	1
ماکسیمم	5

نمودار (4-8) توزیع پاسخگویان برحسب میزان استفاده روزانه از سایت های اینترنتی :



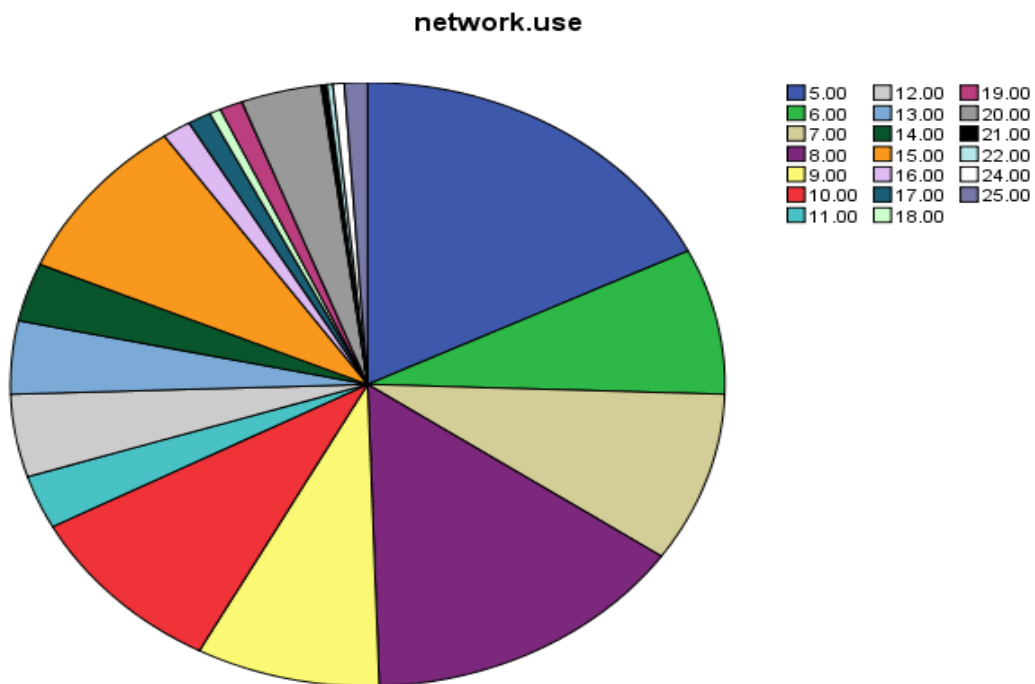
مطابق با جدول بالا شمار استفاده کنندگان از اینترنت 384 نفر می باشد که میانگین میزان استفاده از اینترنت 1.9 ساعت و انحراف از معیار آن ها 0.9 ساعت و مینیمم استفاده 1 و ماکسیمم استفاده 5 ساعت می باشد .



جدول (4-9) توزیع میزان ساعات استفاده روزانه از شبکه های اجتماعی :

میانگین	1.9
انحراف از معیار	0.9
مینیمم	1
ماکسیمم	5

نمودار (4-9) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان استفاده روزانه از شبکه های اجتماعی :



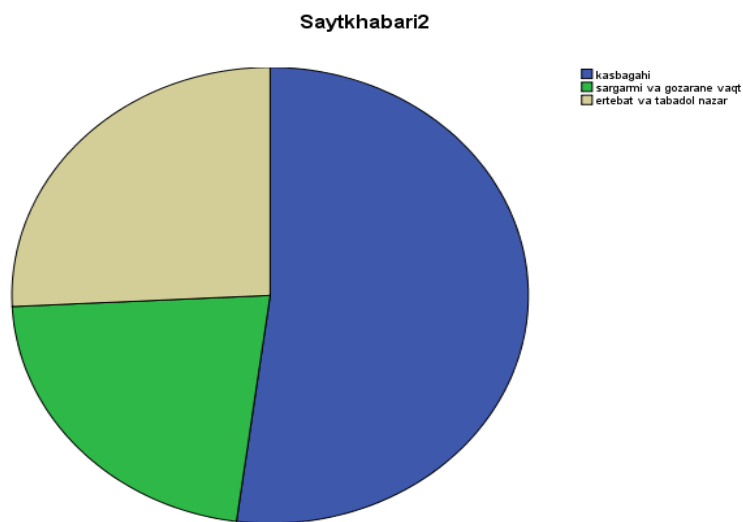
مطابق با جدول و نمودار فوق، شمار استفاده کنندگان از شبکه های اجتماعی 384 نفر می باشد که میانگین میزان استفاده کنندگان از شبکه های اجتماعی 1.9 ساعت و انحراف از معیار آن ها 0.9 ساعت و مینیمم استفاده آن ها 1 و ماکسیمم میانگین آن ها 5 ساعت می باشد.

10-4 . متغیر انگیزه استفاده از سایت های خبری

جدول (4-10) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده

از سایت های خبری

انگیزه استفاده از سایت های خبری	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب آگاهی	200	52/1	52/1	52/1
سرگرمی و اوقات فراغت	85	22/1	22/1	74/2
ارتباط و تبادل نظر	99	25/8	25/8	100
کل	384	100	100	



نمودار (4-10) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از سایت خبری

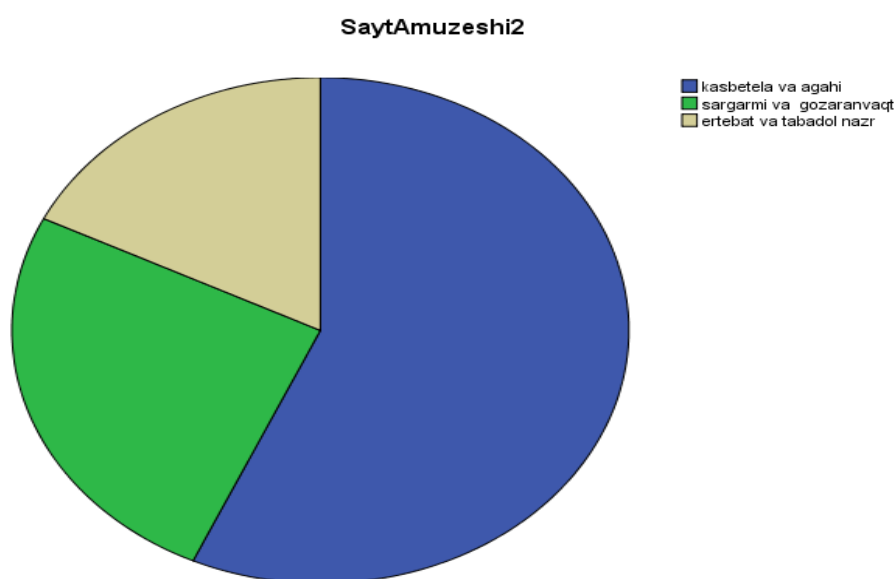
مطابق با جدول و نمودار فوق، 52.1 درصد پاسخگویان از سایت های خبری برای کسب آگاهی و 22.1 درصد یا کمترین مقدار از سایت های خبری به منظور سرگرمی و گذران وقت استفاده می کنند .

11-4. متغیر انگیزه های استفاده از سایت آموزشی :

جدول (4-11) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه های استفاده از سایت آموزشی

انگیزه استفاده از سایت های آموزشی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب آگاهی	218	56.8	56.8	56.8
سرگرمی و گذران وقت	98	25.5	25.5	82.3
ارتباط و تبادل نظر	68	17.7	17.7	100.0
کل	384	100.0	100.0	

نمودار (4-11) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از سایت آموزشی

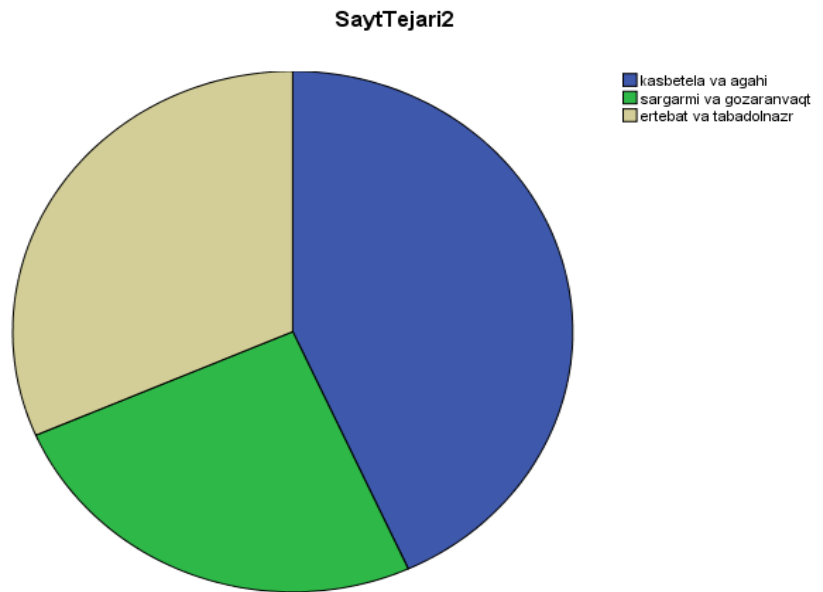


مطابق با جدول و نمودار فوق 56/8 درصد (218 نفر) از سایت های آموزشی برای کسب آگاهی و 17/7 درصد (68 نفر) از سایت های خبری به منظور تبادل نظرات استفاده می کنند

12-4: متغیر انگیزه استفاده از سایت تجاری

جدول ( 4- 12 ) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه های استفاده از سایت تجاری

انگیزه استفاده از سایت تجاری	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب آگاهی	166	43/2	43/2	43/2
سرگرمی و گذران وقت	97	25/3	25/3	68/5
ارتباط و تبادل نظر	121	31/5	31/5	100.0
کل	384	100.0	100.0	



نمودار 4-12 توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه های استفاده از سایت تجاری

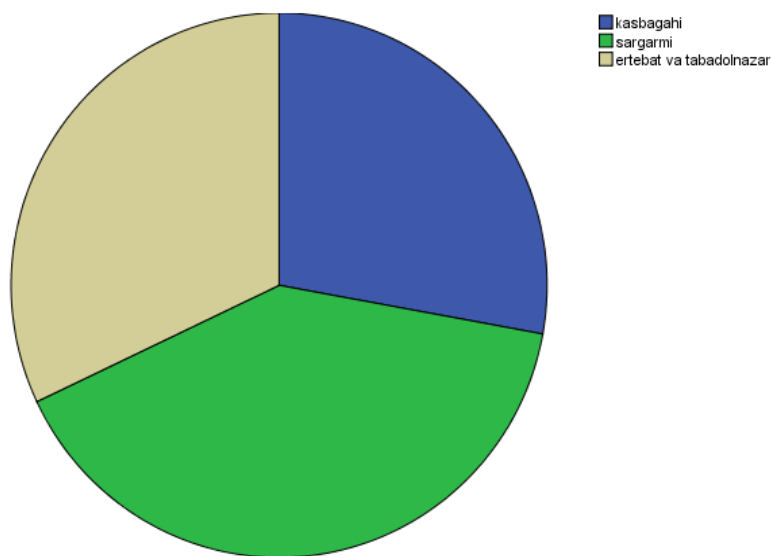
مطابق با جدول و نمودار فوق 43/2 درصد (166 نفر) از سایت های تجاری برای کسب آگاهی و 25/3 درصد (97 نفر) به منظور سرگرمی و گذران وقت استفاده می کنند

13-4. متغیر انگیزه استفاده از سایت های اطلاع رسانی

جدول (4-13) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه های استفاده از سایت های اطلاع رسانی

انگیزه استفاده از سایت اطلاع رسانی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب آگاهی	107	27.9	27.9	27.9
کسب سرگرمی و گذران وقت	154	40.1	40.1	68.0
ارتباط و تبادل نظر	123	32.0	32.0	100.0
کل	384	100.0	100.0	

sytetelaresani2



نمودار (4-13) توزیع پاسخگویان بر حسب انگیزه استفاده از سایت از اطلاع رسانی

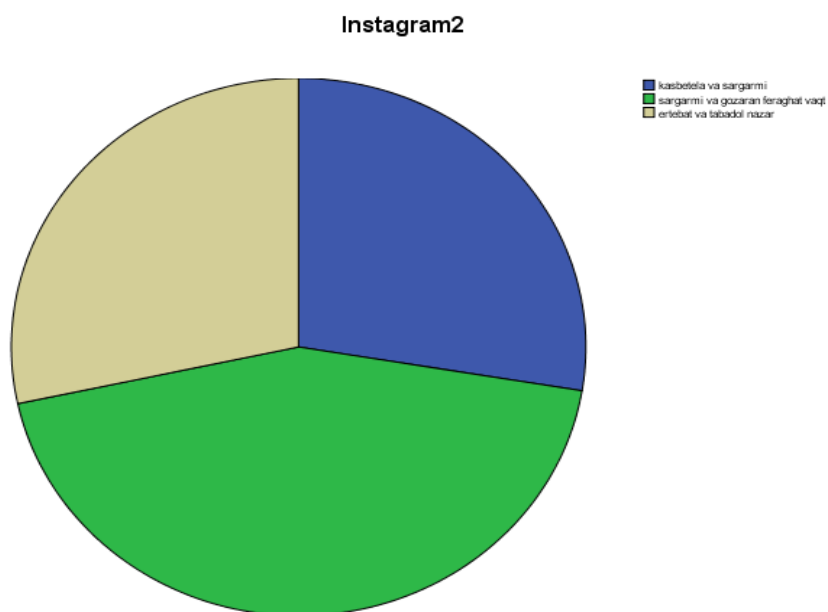
مطابق با جدول و نمودار فوق 40/1 درصد (154 نفر) از سایت های اطلاع رسانی برای سرگرمی و گذران وقت و

27/9 درصد (107 نفر) به منظور کسب آگاهی استفاده می کنند.

14-4 متغیر انگیزه استفاده از شبکه ی اجتماعی اینستاگرام :

جدول (4-1) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه های استفاده از شبکه ی اجتماعی اینستاگرام

انگیزه استفاده از اینستاگرام	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب اطلاع و آگاهی	106	27.6	27.6	27.6
سرگرمی و گذران وقت	169	44.0	44.0	71.6
ارتباط و تبادل نظر	109	28.4	28.4	100.0
کل	384	100.0	100.0	



نمودار (4-1). توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه های استفاده از شبکه ی اجتماعی اینستاگرام

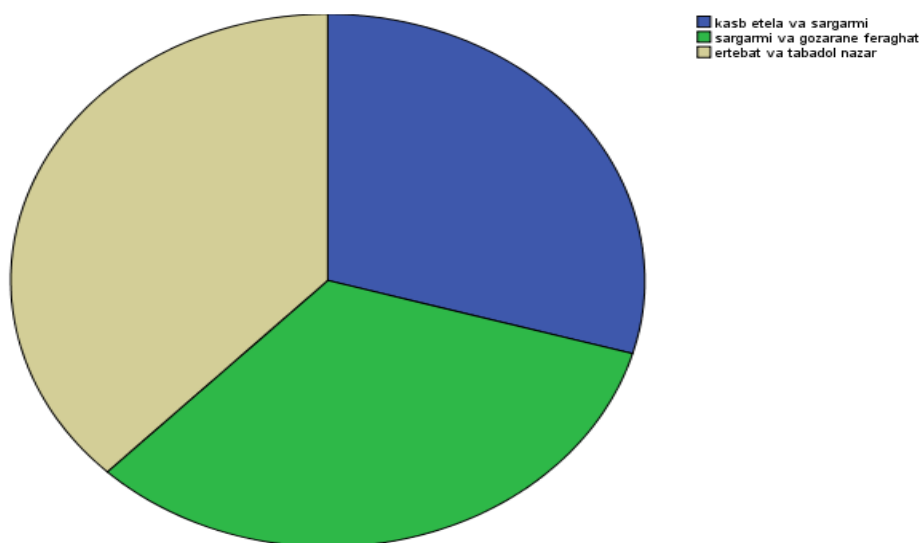
مطابق با جدول و نمودار فوق 44 درصد (169 نفر) از اینستاگرام برای سرگرمی و گذران وقت و 27/6 درصد (106 نفر) به منظور کسب اطلاع و آگاهی استفاده می کنند

15-4 متغیر انگیزه استفاده از شبکه ی اجتماعی فیس بوک :

جدول (15-4) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از شبکه ی اجتماعی فیس بوک

انگیزه استفاده از فیس بوک	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب اطلاع و آگاهی	113	29.4	29.4	29.4
سرگرمی و گذران فراغت	126	32.8	32.8	62.2
ارتباط و تبادل نظر	145	37.8	37.8	100.0
کل	384	100.0	100.0	

Facebook2



نمودار (15-4) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از فیس بوک

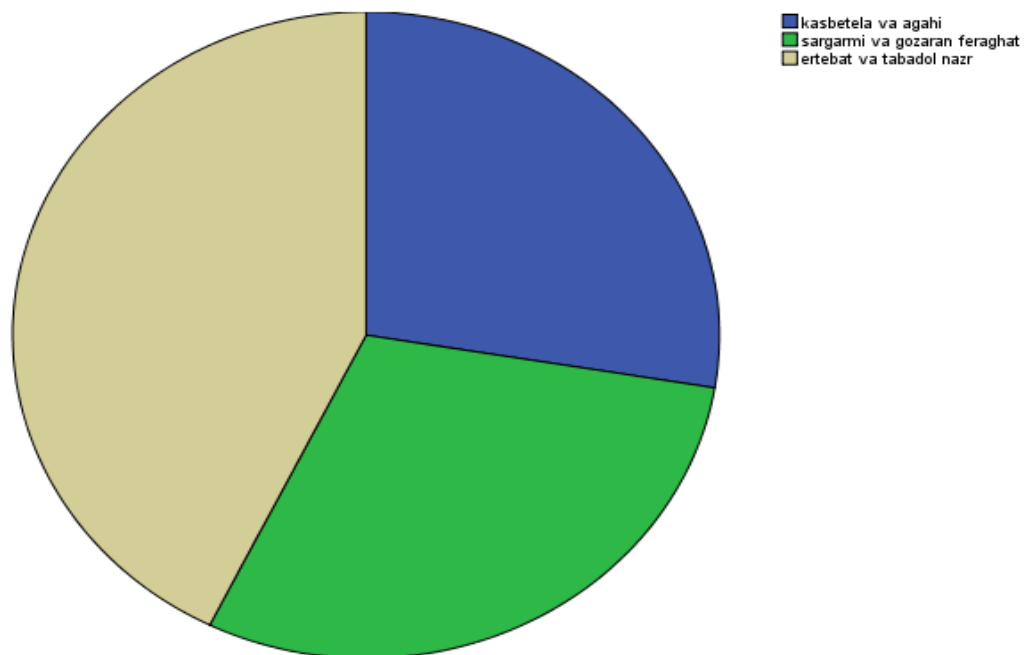
مطابق با جدول و نمودار فوق 37/8 درصد (145 نفر) از فیس بوک برای ارتباط و تبادل نظر و 29/4 درصد (113 نفر) از فیس بوک به منظور کسب اطلاع و آگاهی استفاده می کنند

16-4 متغیر انگیزه استفاده از شبکه ی اجتماعی توییتر :

جدول (4-16). توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از شبکه ی اجتماعی توییتر

انگیزه استفاده از توییتر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی فراوانی
کسب اطلاع و آگاهی	106	27.6	27.6	27.6
سرگرمی و گذران اوقات فراغت	114	29.7	29.7	57.3
ارتباط و تبادل نظر	164	42.7	42.7	100.0
کل	384	100.0	100.0	

Twitter2



نمودار ( 4-16 ) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از توییتر

مطابق با جدول و نمودار فوق 7 / 42درصد (164 نفر) از توییتر برای ارتباط و تبادل نظر و 6 / 27درصد (106نفر) از

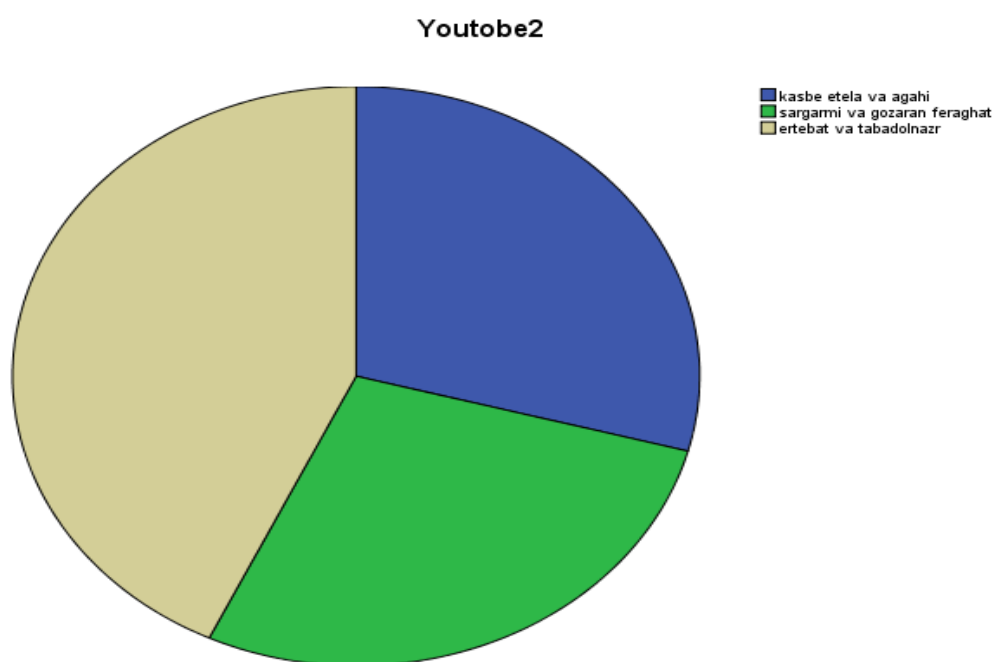
توییتر به منظور کسب اطلاع و آگاهی استفاده می کنند



17-4. متغیر انگیزه استفاده از شبکه ی اجتماعی یوتیوپ :

جدول (4-17) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از شبکه ی اجتماعی یوتیوپ

انگیزه استفاده از یوتیوپ	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کسب اطلاع و آگاهی	112	29.2	29.2	29.2
سرگرمی و گذران فراغت	107	27.9	27.9	57.0
ارتباط و تبادل نظر	165	43.0	43.0	100.0
کل	384	100.0	100.0	



نمودار ( 4-17) توزیع پاسخگویان برحسب انگیزه استفاده از یوتیوپ

مطابق با جدول و نمودار فوق 43.0 درصد (165 نفر) از یوتیوپ برای ارتباط و تبادل نظر و 27/9 درصد (107 نفر)

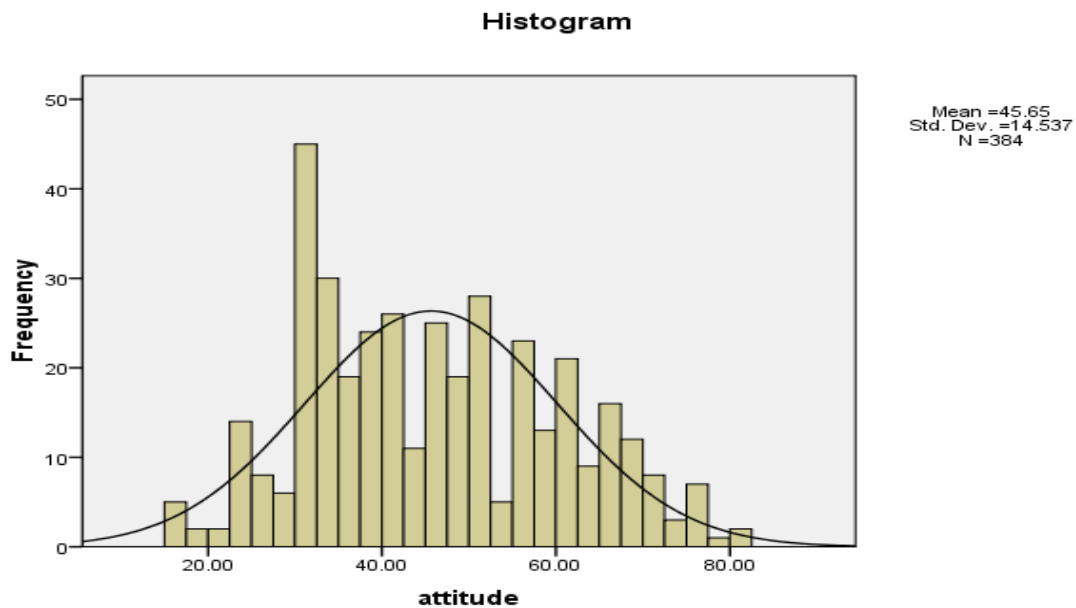
از یوتیوپ به منظور سرگرمی و گذران فراغت استفاده می کنند.

18-4. متغیر نگرش مساعد به جامعه مدنی :

جدول 4-18. نگرش

میانگین	45/6
انحراف معیار	1/4
مینیمم	16/00
ماکسیمم	80/00

نمودار (4-18) متغیر نگرش مساعد به جامعه مدنی



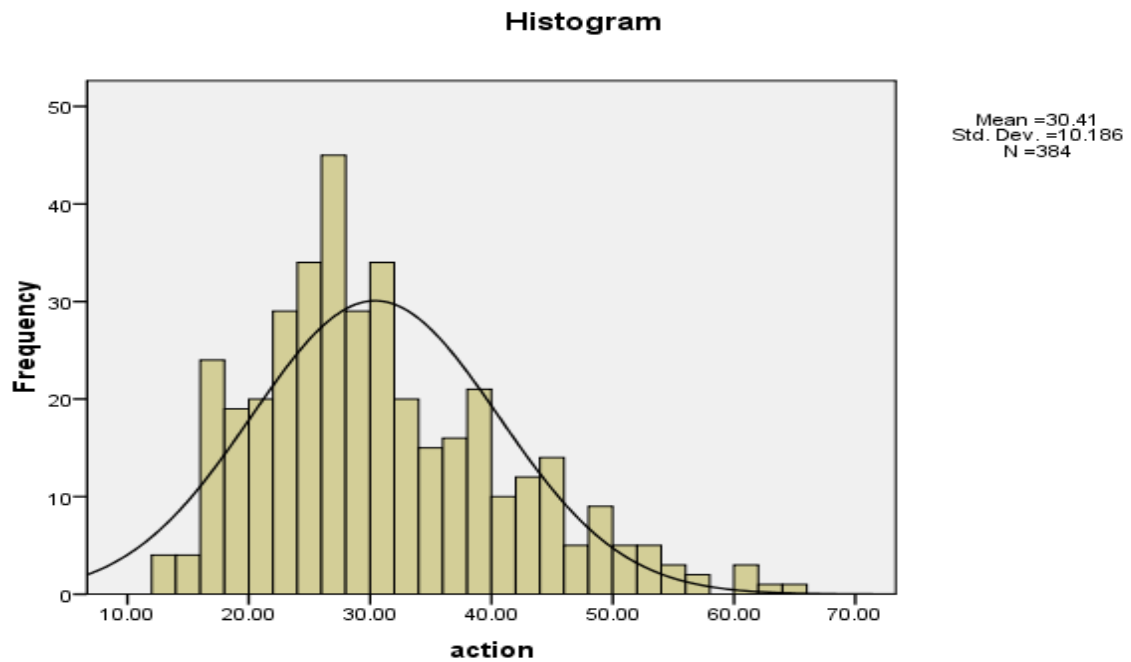
مطابق با جدول و نمودار بالا شمار افراد پاسخگو به متغیر نگرش مساعد به جامعه مدنی 384 نفر است که میانگین نمره نگرش 45/6 (از 80) و انحراف از معیار آن ها 1/4 و مینیمم نمره نگرش 16 و ماکسیمم نمره 80 می باشد .

19-4 متغیر میزان کنش مساعد به جامعه مدنی

جدول 19-4: آماره های کنش

میانگین	30/4
انحراف معیار	1/01
مینیمم	12/00
ماکسیمم	64/00

نمودار (19-4) متغیر کنش مساعد به جامعه مدنی



مطابق با جدول بالا شمار افراد پاسخگو به متغیر کنش 384 نفر می باشد که میانگین نمره میزان کنش مساعد نسبت به جامعه مدنی 30/4 (از 64) و انحراف از معیار آن 1 و مینیمم نمره 12 و ماکسیمم نمره 64 می باشد.

## ب) آمار ویافته های استنباطی:

در این بخش از فصل چهارم فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند. این بخش را می‌توان یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش به شمار آورد، زیرا در همین بخش از پژوهش است که فرضیات مورد نظر پژوهش‌گر به محک آزمون گذاشته شده و درستی یا نادرستی آن‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه پژوهش‌گر تلاش کرده است از مناسب‌ترین آمارها استفاده کرده و رابطه‌ی بین متغیرها را مشخص کند. متغیرهای اسمی این پژوهش عبارت‌اند از: جنسیت، سن، وضعیت تاهل، تحصیلات، شغل دانشجویان. بقیه‌ی متغیرهای این پژوهش متغیرهای فاصله‌ای بوده و رابطه‌ی آن‌ها با متغیر وابسته‌ی پژوهش در سطح سنجش فاصله‌ای، که بهترین سطح سنجش به شمار می‌آید، مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در همین راستا جهت سنجش رابطه‌ی بین متغیرهایی که سطح سنجش آن‌ها فاصله‌ای بوده است، از آزمون رابطه همبستگی پیرسون و جهت سنجش رابطه‌ی بین متغیرهای اسمی و متغیر وابسته‌ی پژوهش از آزمون مقایسه‌های چندگانه مانند آزمون T، آزمون F و آزمون تعقیبی LSD استفاده شده است.

درابتدای این بخش به آزمون فرضیات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای، سپس به فرضیات اصلی مربوط به رابطه میزان استفاده از اینترنت با نگرش و کنش‌های مساعد، و نهایتاً به فرضیات مربوط به رابطه میان انگیزه استفاده از اینترنت با نگرش و کنش مساعد به جامعه مدنی توجه شده است.

## فرضیه 1. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در زنان و مردان متفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در زنان و مردان مورد بررسی

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
مرد	255	45/90	14/23	0/94
زن	159	45/62	15/26	1/21
جمع	384	91/24	29/28	1/15

جدول 4-20. نتایج آزمون (t) بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و جنسیت

نتیجه‌ی آزمون	N	T	Sig.
نتیجه‌ی آزمون	384 نفر	0/187	0/852

مقایسه‌ی میانگین نمره‌های میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین دو جنس (45/90 در بین دانشجویان مرد و 45/62 در بین پاسخگویان زن)، مقدار آماره‌ی T (0/187) و سطح معناداری بدست آمده (0/852) نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین دو جنس زن و مرد - علی‌رغم تفاوت ظاهری - تفاوت جدی و معنادار وجود ندارد و فرضیه تحقیق ابطال می‌گردد. به عبارت دیگر، نگرش مساعد به جامعه مدنی در زنان و مردان مورد بررسی تقریباً مشابه یکدیگر است.

## فرضیه 2. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افراد مجرد، متأهل و سایرین متفاوت است

جدول 4-21. نتایج آزمون (F) میان میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و وضعیت تأهل

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig
بین گروهی	59.07	2	29.53	0.141	0.868
درون گروهی	79693.42	381	209.16		
جمع	79752.50	383			

مقایسه میانگین نمره‌های میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در گروه‌های مجرد و متأهل و ... ، مقدار آماره‌ی F (0/141) و سطح معناداری (0/868) نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین افراد متأهل و مجرد و سایر گروه‌ها - علی‌رغم تفاوت ظاهری - تفاوت جدی و معناداری وجود ندارد و فرضیه تحقیق ابطال می‌گردد. به عبارت دیگر نگرش مساعد به جامعه مدنی در افراد مجرد، متأهل ، بیوه و مطلقه تقریباً وضعیت مشابهی را نشان می‌دهد.

فرضیه 3. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در گروه‌های تحصیلی بایکدیگرمتفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در گروه‌های تحصیلی موردبررسی

تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
دیپلم	116	44.95	14.09	1.30
دانشجو	135	46.55	14.87	1.28
لیسانس	82	45.31	14.98	1.65
فوق لیسانس و بالاتر	51	45.33	14.19	1.98
جمع	384	45.64	14.53	0.741

جدول 4-22. نتایج آزمون (F) بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و تحصیلات

آزمون	F	Sig. (F)
نتیجه‌ی آزمون	0.283	0.837

مقایسه‌ی میانگین‌های میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین افراد دارای تحصیلات متفاوت، مقدار آماره-  
 ی  $F(0/283)$  و سطح معناداری آن  $(0/837)$  نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان نگرش مساعد به  
 جامعه مدنی در میان گروه‌های تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. در واقع شباهت نسبی در وضعیت نگرش  
 مساعد به جامعه مدنی در افراد دیپلمه دانشجو لیسانس و بالاتر دیده شده و این نگرش در سطح کمی بالاتر از حد  
 متوسط ( 45 از 80 ) می باشد یعنی افراد تاحدودی نگرش مثبت به شکل گیری و رشد جامعه مدنی در شرایط  
 موجود کشور دارند.

فرضیه 4. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افراد دارای جایگاههای شغلی گوناگون بایکدیگر متفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در جایگاههای شغلی موردبررسی

جایگاه شغلی	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
کارگر ساده	141	45.46	14.57	1.22
راننده	31	46.77	14.20	2.55
کارکنان فنی	29	49.75	13.14	2.44
فروشنده	42	44.30	14.63	2.25
کارمند	38	43.73	15.76	2.55
کارفرما خصوصی	17	46.64	16.03	3.88
مشاغل کارشناسی	76	45.69	14.81	1.69
مدیران	10	43.50	10.31	3.26
جمع	384	45.64	14.53	0.741

جدول 4-23. نتایج آزمون F بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و جایگاه شغلی

Sig. (F)	F	نتیجه‌ی آزمون
0.801	0.544	

مقایسه‌ی میانگین‌های میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین پاسخگویان مشاغل مختلف، مقدار آماره F (0/544) و سطح معناداری آن (0/801) نشان دهنده‌ی آن هستند که میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در میان پاسخگویان با جایگاه شغلی مختلف تفاوتی باهمدیگر ندارد.

## فرضیه 5. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با سن و سال افراد رابطه دارد

جدول 4-24. نتایج آزمون همبستگی بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و سن

سن		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
0.238	ضریب همبستگی پیرسون	نگرش مساعد به جامعه مدنی
0.060	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج بدست آمده در جدول بالا نشان می‌دهد که میان سن افراد مورد بررسی و میزان نگرش مساعد آنها به جامعه مدنی رابطه جدی و معنادار وجود ندارد. به عبارتی، میزان همبستگی دو متغیر (0/238) و سطح معناداری آزمون (0/060) نشان‌دهنده عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان سن پاسخگویان و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی تأیید نمی‌شود.

## فرضیه 6. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی در زنان و مردان متفاوت است

جدول 4-25. نتایج آزمون T بین میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی و جنسیت

جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب آزمون T	سطح معناداری Sig.
مرد	30.66	10.43	0.573	0.292
زن	30.05	9.84		

مقایسه‌ی میانگین نمره‌های میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی دو جنس (30/66 در بین دانشجویان مرد و 30/05 در بین دانشجویان زن)، مقدار آماره‌ی T (0/573) و سطح معناداری آن (0/292) نشان‌دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی در بین دو جنس زن و مرد تفاوت معنادار وجود ندارد. به عبارتی مردان و زنان جامعه‌ی مورد بررسی میزان کنش مشابه‌ای (در حد متوسط) در زمینه‌ی جامعه مدنی داشته‌اند.



فرضیه 7. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی در افراد مجرد، متأهل و سایرین متفاوت است

جدول 4-26. نتایج آزمون (F) بین میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی و وضعیت تأهل

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
0.823	0.195	16.79	2	33.59	بین گروهی
		85.92	381	32737.27	درون گروهی
			383	32770.87	جمع

باتوجه به جدول فوق، مقدار آماره F (0/195) و سطح معناداری آزمون (0/823) نشان دهندهی آن هستند که از نظر میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی در بین افراد متأهل و مجرد و سایر گروه ها تفاوت معنادار وجود ندارد.

فرضیه 8. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی با سن افراد رابطه دارد

جدول 4-27. نتایج آزمون همبستگی بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و سن

سن	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
0.089	ضریب همبستگی پیرسون	کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی
0.082	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

جدول بالا نشان می دهد که میان سن دانشجویان و کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (0/089) و سطح معناداری همبستگی آن‌ها (0/082) نشان دهنده عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان سن دانشجویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی تأیید نمی شود.

فرضیه 9. میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی در گروه‌های تحصیلی متفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان کنش اجتماعی موثر بر جامعه مدنی در گروه‌های تحصیلی مورد بررسی

تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
دیپلم	116	29.62	10.45	0.970
دانشجو	135	31.67	10.24	0.882
لیسانس	82	29.30	9.67	1.06
فوق لیسانس و بالاتر	51	30.64	10.12	1.41
جمع	384	30.41	10.18	0.519

جدول 4-28. نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی و تحصیلات

Sig. (F)	F	
0.288	1.25	نتیجه‌ی آزمون

مقایسه‌ی میانگین‌های میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی در بین افراد دارای تحصیلات متفاوت، مقدار آماره‌ی F (1/25) و سطح معناداری آن (0/288) نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی در میان گروه‌های تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارتی، میزان کنش اجتماعی مساعد نسبت به جامعه مدنی در گروه‌های مختلف تحصیلی تقریباً مشابه و نزدیک به یکدیگر بوده است.

فرضیه 10. میزان کنش اجتماعی موثر بر بالندگی جامعه مدنی در افرادی با جایگاه های شغلی گوناگون، با یکدیگر متفاوت است

جدول میانگین نمرات میزان کنش اجتماعی موثر بر جامعه مدنی در جایگاههای شغلی

درآمد	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	اشتباه استاندارد
کارگر ساده	141	30.0	10.27	0.86
راننده	31	31.74	10.85	1.94
کارکنان فنی	29	33.03	9.71	1.80
فروشنده	42	28.30	11.05	1.70
کارمند	38	30.28	11.79	1.91
کارفرما خصوصی	17	29.94	8.22	1.99
مشاغل کارشناسی	76	31.21	9.45	1.08
مدیران	10	28.50	5.62	1.77
جمع	384	30.41	10.18	0.519

جدول 4-29. نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی و جایگاه شغلی

Sig. (F)	F	نتیجه‌ی آزمون
0.623	0.758	

مقایسه‌ی میانگین‌های میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی در بین پاسخگویان بامشاغل مختلف، مقدار آماره F (0/758) و سطح معناداری آزمون (0/623) نشان دهنده آن هستند که میزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی در میان پاسخگویان با مشاغل مختلف – علیرغم اختلاف ظاهری – تفاوت جدی و معناداری ندارد. در حقیقت میزان کنش اجتماعی در گروه های شغلی گوناگون تقریباً در حد متوسط و مشابه یکدیگر بوده است .

فرضیه 11. میزان استفاده از سایتهای اینترنتی با میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی رابطه دارد

جدول 4-30. نتایج آزمون همبستگی بین میزان استفاده از سایت های اینترنتی و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی

میزان استفاده از سایت های اینترنتی		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
-0.148	ضریب همبستگی پیرسون	میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی
0.004	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

باتوجه به نتایج جدول بالا، ضریب همبستگی (-0/148) و سطح معناداری (0/004) نشان دهنده وجود همبستگی میان متغیرهای نگرش مساعد و استفاده از سایت هاست. بدین ترتیب، فرض وجود رابطه‌ی معنادار و معکوس میان الگوی استفاده از سایت های اینترنتی پاسخگویان و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی تأیید می‌شود. در واقع، هرچه میزان استفاده از سایت های اینترنتی بیشتر می‌شود میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی کمتر می‌شود.

فرضیه 12. میزان استفاده از شبکه اجتماعی با میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی رابطه دارد

جدول 4-31. نتایج آزمون همبستگی میزان استفاده از شبکه های اجتماعی با میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی

میزان استفاده از شبکه های اجتماعی		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
-0.120	ضریب همبستگی پیرسون	میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی
0.019	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد میان میزان استفاده از شبکه های اجتماعی و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. میزان همبستگی دو متغیر (-0/120) و سطح معناداری همبستگی آنها (0/019) نشان دهنده وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه معنادار و معکوس بین میزان استفاده از شبکه های مجازی و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی تأیید می‌شود.

### فرضیه 13. میزان استفاده از سایتهای اینترنتی با میزان کنش مساعد به جامعه مدنی رابطه دارد

جدول 4-32. نتایج آزمون همبستگی بین استفاده از سایت های اینترنتی و کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی

میزان استفاده از سایت های اینترنتی		متغیر مستقل متغیر وابسته
0.028	ضریب همبستگی پیرسون	میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی
0.590	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج جدول بالا نشان می دهد که میان میزان استفاده از سایت های اینترنتی پاسخگویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (0/028) و سطح معناداری آزمون (0/590) نشان دهنده‌ی عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان میزان استفاده از سایت های اینترنتی پاسخگویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر در جامعه مدنی تأیید نمی شود.

### فرضیه 14. میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی با میزان کنش اجتماعی مساعد در بالندگی جامعه مدنی رابطه دارد

جدول 4-33. نتایج آزمون همبستگی بین استفاده از شبکه های اجتماعی و میزان کنش اجتماعی مؤثر در جامعه مدنی

میزان استفاده از شبکه های اجتماعی		متغیر مستقل متغیر وابسته
0.013	ضریب همبستگی پیرسون	میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی
0.805	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج جدول بالا نشان می دهد که میان میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی پاسخگویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (0/013) و سطح معناداری (0/805) نشان دهنده عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان میزان استفاده از شبکه های مجازی پاسخگویان و میزان کنش اجتماعی مؤثر در جامعه مدنی تأیید نمی شود.

فرضیه 15. میزان درآمد افراد با میزان نگرش مساعد آنها به جامعه مدنی رابطه دارد

جدول 4-34. نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با درآمد

میزان درآمد		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
0.044	ضریب همبستگی پیرسون	میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی
0.394	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

جدول بالا نشان می‌دهد که میان میزان درآمد و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (0/044) و سطح معناداری همبستگی آنها (0/394) نشان‌دهنده‌ی عدم وجود همبستگی میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان میزان درآمد و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی تأیید نمی‌شود.

فرضیه 16. میزان درآمد افراد با میزان کنش مساعد آنان در بالندگی جامعه مدنی رابطه دارد

جدول 4-35. نتایج آزمون همبستگی میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی با درآمد

میزان درآمد		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
0.137	ضریب همبستگی پیرسون	میزان کنش اجتماعی مؤثر بر بالندگی جامعه مدنی
0.007	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که میان میزان درآمد و میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. میزان همبستگی دو متغیر (0/137) و سطح معناداری همبستگی آنها (0/007) نشان‌دهنده وجود همبستگی مستقیم و هم افزا میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه‌ی معنادار میان میزان درآمد و میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی تأیید می‌شود.

**فرضیه 17. میزان کنش اجتماعی موثر بر بالندگی جامعه مدنی با پایگاه اجتماعی رابطه دارد**

جدول 4-36 نتایج آزمون همبستگی بین میزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی با پایگاه اقتصادی اجتماعی

پایگاه اقتصادی اجتماعی		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
0.104	ضریب همبستگی پیرسون	میزان کنش اجتماعی مؤثر بر بالندگی جامعه مدنی
0.042	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

باتوجه به نتایج جدول، میزان همبستگی دو متغیر (0/104) و سطح معناداری آزمون (0/042) نشان دهنده وجود همبستگی مستقیم میان این متغیرهاست. بنابراین، فرض وجود رابطه معنادار بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی تأیید می شود. به عبارتی، هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد، کنش مساعد در زمینه جامعه مدنی بیشتر خواهد بود.

**فرضیه 18. میزان نگرش مساعد افراد به جامعه مدنی با پایگاه اقتصادی آنها رابطه دارد جدول 4-**

40 نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با پایگاه اقتصادی اجتماعی

پایگاه اقتصادی اجتماعی		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
0.010	ضریب همبستگی پیرسون	میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی
0.842	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

جدول بالا نشان می دهد که میان میزان پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی رابطه ی معنادار وجود ندارد. میزان همبستگی دو متغیر (0/010) و سطح معناداری همبستگی آنها (0/842) نشان دهنده ی فقدان همبستگی میان این متغیرهاست.

فرضیه 19. میزان نگرش مساعد افراد به جامعه مدنی با کنش اجتماعی موثر آنها رابطه دارد

جدول 4-41. نتایج آزمون همبستگی میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی با کنش اجتماعی موثر بر آن

کنش اجتماعی موثر بر بالندگی جامعه مدنی		متغیر مستقل
		متغیر وابسته
0.317	ضریب همبستگی پیرسون	میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی
0.000	سطح معناداری همبستگی	
384	تعداد کل پاسخگویان	

جدول بالا نشان می‌دهد که میان میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و کنش اجتماعی موثر در این زمینه رابطه‌ی معناداری وجود دارد. میزان همبستگی دو متغیر (0/317) و سطح معناداری همبستگی آن‌ها (0/000) نشان‌دهنده وجود همبستگی مستقیم و هم افزا میان این متغیرهاست. بنابراین، هرچه میزان نگرش مساعد تر، میزان کنش اجتماعی موثر در بالندگی جامعه مدنی نیز بیشتر خواهد بود.

فرضیه 20. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه های گوناگون از اینستاگرام

استفاده میکنند بایکدیگرم تفاوت است

جدول 4-42. نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از اینستاگرام و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
0.018	4.068	846.1	2	1692.2	بین گروهی
		207.9	381	79243.6	درون گروهی
			383	80935.8	جمع

باتوجه به نتایج جدول فوق، مقدار آماره F (4/068) و سطح معناداری آزمون (0/018) نشان دهنده آن هستند که از نظر میزان کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه های مختلف از شبکه اجتماعی اینستاگرام استفاده می کنند تفاوت معناداری وجود دارد. آزمون تعقیبی LSD نشان داد کسانی که برای گذران فراغت از اینستاگرام استفاده می کنند نگرش مساعدتری از بقیه نسبت به جامعه مدنی داشته اند.



فرضیه 21. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه های گوناگون از توییت استفاده میکنند بایکدیگرمتفاوت است

جدول 4-43. نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از توییت و میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
0.033	3.431	715.8	2	1431.7	بین گروهی
		208.6	381	79504.1	درون گروهی
			383	80935.8	جمع

باتوجه به نتایج جدول فوق، مقدار آماره F (3/431) و سطح معناداری آزمون (0/033) نشان دهنده آن هستند که از نظرمیزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه های مختلف از شبکه اجتماعی توییت استفاده می کنند تفاوت معناداری وجود دارد. براساس آزمون تعقیبی LSD روشن شد آنانکه برای ارتباط و تبادل نظر از توییت استفاده می کنند نگرش مساعدتری از بقیه نسبت به جامعه مدنی داشته اند.

فرضیه 22. میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه های گوناگون از سایت های خبری اینترنت استفاده میکنند بایکدیگرمتفاوت است

جدول 4-44. نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از سایتهای خبری اینترنت و نگرش مساعد به جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
0.044	3.144	657.1	2	1314.2	بین گروهی
		207.9	381	79621.6	درون گروهی
			383	80935.8	جمع

باتوجه به جدول فوق، مقدار آماره F (3/144) و سطح معناداری آزمون (0/044) نشان دهنده آن هستند که از نظرمیزان نگرش مساعد به جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه های مختلف از سایت های خبری اینترنتی استفاده می کنند تفاوت معناداری وجود دارد. براساس آزمون تعقیبی LSD مشخص گردید کسانی که برای کسب اطلاع و آگاهی از سایت های خبری اینترنت استفاده می کنند نگرش مساعدتری از بقیه نسبت به جامعه مدنی داشته اند.

**فرضیه 23.** میزان کنش اجتماعی موثر بر جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه های گوناگون از شبکه اجتماعی یوتیوب استفاده میکنند بایکدیگرم تفاوت است

جدول 4-45. نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از یوتیوب و میزان کنش موثر در زمینه جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
0.033	2.953	301.75	3	905.26	بین گروهی
		102.18	380	38829.7	درون گروهی
			383	39734.9	جمع

باتوجه به نتایج جدول فوق، مقدار آماره F (2/953) و سطح معناداری آزمون (0/033) نشان دهنده آن هستند که از نظرمیزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه های مختلف از شبکه اجتماعی یوتیوب استفاده می کنند تفاوت معناداری وجود دارد.

**فرضیه 24.** میزان کنش اجتماعی موثر بر بالندگی جامعه مدنی در افرادی که با انگیزه های گوناگون از توئیتر استفاده میکنند بایکدیگرم تفاوت است

جدول 4-46. نتایج آزمون (F) بین انگیزه استفاده از توئیتر و میزان کنش موثر در زمینه جامعه مدنی

Sig	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
0.007	4.974	505.54	2	1011.08	بین گروهی
		101.63	381	38723.9	درون گروهی
			383	39743.9	جمع

باتوجه به نتایج بدست آمده در جدول، مقدار آماره F (4/974) و سطح معناداری آزمون (0/007) نشان دهنده آن هستند که از نظرمیزان کنش اجتماعی مؤثر بر جامعه مدنی در بین افرادی که با انگیزه های مختلف از شبکه اجتماعی توئیتر استفاده می کنند تفاوت معناداری وجود دارد. براساس آزمون تعقیبی LSD معلوم شد کسانی که برای کسب اطلاع و آگاهی از توئیتر استفاده می کنند میزان کنش اجتماعی بیشتری در جهت بالندگی و رشد جامعه مدنی داشته اند.

## فصل پنجم:

### جمع بندی و نتیجه

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

امروزه استفاده از تکنولوژی جزء جدایی ناپذیر زندگی روزمره شده است. اینترنت و شبکه های اجتماعی به عنوان رسانه ارتباطی و اطلاعاتی نقش مهمی در آگاه نمودن جامعه بشری ایفا نموده و ارتباطات را در سطح بین المللی و داخلی گسترش داده است. اینترنت به مثابه یک رسانه اجتماعی می تواند در جهت دهی به نگرشها و کنش های اجتماعی افراد نقش داشته باشد بدین معنا که افراد در تعامل با این رسانه منفعلانه عمل نمی کنند و به بازانديشي و تفسیر پیام ها می پردازند و سپس اقدام به کنش می نمایند و این کنش می تواند منجر به ایجاد ساختارهای اجتماعی تازه از جمله جامعه مدنی گردد. نظریات استوارت هال که در این تحقیق نیز از آن استفاده گردیده است نیز مصداق نتایج پژوهش می باشد. تبعاً، وضعیت فوق میتواند زمزمه های شکل گیری انواع واشکال "جامعه مدنی" را در داخل جوامع موجود برانگیزد چراکه در نگاه کارشناسان جامعه مدنی همانا به حوزه ای از روابط اجتماعی اطلاق می شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه ای از نهادها موسسات انجمن ها و تشکل های مردم نهاد و خصوصی را در بر می گیرد. (بشیریه ، 329: 1383). والبته جامعه مدنی، بلافاصله پس از تشکیل، پیوندها و اثرگذاریهای خود را در ارتباط با عرصه های عمومی و دولتی آغاز می کند. در واقع جامعه ی مدنی لایه میانی و واسطی است که بین آحاد ملت و نیز حیطة خصوصی (فرد و خانواده ) با حیطة عمومی (حکومت و نهادهای دولتی) رابطه ایجاد می کند و خواسته های مردم را به حکومت و محدودیت ها یا اولویت بندیهای حکومت را به مردم منتقل می کند. در جامعه مدنی نقد گفت و گو و بحث و تبادل اندیشه‌ها به جای برخوردهای زورمندانه خشونت تحمیل عقیده و نقد ناپذیری افکار و مفاهیم می‌نشیند. ارتباطات در صور گوناگون خود از ارتباطات میان فردی و گروهی تا ارتباطات جمعی در جامعه مدنی مجرای داد و ستدهای فکری و انتقال اطلاعات قرار می‌گیرد و بسط حقوق و آزادی‌های فردی و نظارت بر جریان قدرت و سرمایه نقطه اتکای آن است زیرا جامعه مدنی جامعه‌ای است که در آن حقوق و آزادی‌های فردی به رسمیت شناخته شده و از آن حراست و پاسداری می‌شود.

پژوهش حاضر در زمینه نگرش ها و کنش های مساعد برای جامعه مدنی در یکی از مناطق صنعتی و کارگری اصفهان بنام شهرک کاوه و در بهار سال 1397 صورت گرفته است. یافته های اولیه تحقیق حکایت از آن دارد که جامعه مورد بررسی در این پژوهش چندان نگرش مساعدی به جامعه مدنی ندارد و کنش مساعدی از آن هم ضعیفتر نسبت

به جامعه مدنی داشته است که علت این امر نیازمند تحقیق جداگانه و مستقلی است، اما شاید برخی مختصات جمعیت شناختی از جمله میانگین تحصیلات نه چندان بالا، کارگری بودن منطقه و جامعه مورد بررسی، و نیز تعلق اکثریت این افراد به گروه های کم درآمد و پایگاه اجتماعی پایین، بتواند تا اندازه ای مساله دورماندن جامعه مورد مطالعه را از دغدغه های مربوط به جامعه مدنی توضیح دهد.

اولین گروه از فرضیات تحقیق مربوط به رابطه میان ویژگیهای جامعه مورد بررسی ( متغیرهای زمینه ای) با میزان نگرش و کنش مساعد نسبت به جامعه مدنی بوده است. هنگامی که در نتایج حاصله تامل می کنیم، درمی یابیم که میزان نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی در افراد مورد مطالعه اعم از زنان و مردان، افراد مجرد و متأهل، گروههای تحصیلی مختلف، گروههای شغلی و درآمدی گوناگون، افراد دارای پایگاه اجتماعی مختلف، و نیز در بین گروههای سنی گوناگون تفاوت جدی و معنا داری با یکدیگر نشان نمی دهد. میانگین نمرات نگرش در گروههای فوق که بین 41 تا 47 (از 80) در نوسان بوده است پرده از واقعیتی مهم برمی دارد و آن اینکه، نگرش گروههای جنسی و سنی و... در این پژوهش تقریباً نزدیک به یکدیگر و همگی کمتر از حد متوسط است. از سوی دیگر، میزان کنش و فعالیت مساعد در جهت رشد و بالندگی جامعه مدنی نیز در گروه های مورد بررسی وضعیت مشابهی با وضعیت نگرش را نشان می دهد، بدین معنا که میزان این کنش ها و فعالیت ها در بین زنان و مردان، افراد مجرد و متأهل، گروههای سنی، شغلی، پایگاهی، تحصیلی و درآمدی نیز تفاوت معناداری با یکدیگر نشان نداده و تقریباً مشابه است. میانگین نمرات کنش و فعالیت مساعد در گروههای ذکر شده که بین 28 تا 31 (از 64) در نوسان هستند بیانگر این حقیقت است که فعالیت گروههای جنسی و سنی و تحصیلی و... در زمینه رشد جامعه مدنی تقریباً به یکدیگر نزدیک بوده و همگی در یک سطح ضعیف و کمتر از حد متوسط می باشد. بر این اساس، فرضیاتی که در این پژوهش ناظر بر رابطه میان متغیرهای زمینه ای (جنس، سن، تحصیلات و...) با نگرش و کنش مساعد برای جامعه مدنی بوده اند همگی - به استثنای رابطه درآمد و پایگاه اجتماعی با کنش های مساعد- ابطال گردیدند. بعلاوه، در جامعه مورد مطالعه نگرش مساعد به جامعه مدنی ضعیف، و کنش و فعالیت در این زمینه از آن هم ضعیفتر است. از اینروست که نتایج نشان داده است بین نگرش و کنش مساعد برای جامعه مدنی رابطه همبستگی مستقیم و در حد متوسط (  $r = 0.317$  ) وجود دارد. یعنی نگرش ضعیف، کنش و فعالیت ضعیفی را بدنبال داشته است.

در زمینه رابطه همبستگی بین میزان استفاده از سایتهای اینترنتی با نگرش مساعد به جامعه مدنی، نتایج بدست آمده نشان از وجود رابطه منفی و در سطح ضعیف میدهد. در این راستا مشاهده شد که بین میزان استفاده از سایتهای سرگرمی، و سایتهای خبری با نگرش مساعد به جامعه مدنی یک نوع رابطه معنا دار، منفی و ضعیف وجود دارد. بدین معنا که در جامعه مورد بررسی، استفاده از این سایتهای موجب تضعیف نگرش مثبت به جامعه مدنی شده است. در مورد رابطه همبستگی بین استفاده از شبکه های اجتماعی با نگرش مساعد به جامعه مدنی نیز نتایج مشابهی که حاکی از رابطه منفی و ضعیف است بدست آمد. بدین صورت که استفاده از شبکه های اجتماعی تویتر، یوتیوب و فیس بوک با نگرش مساعد به جامعه مدنی یک نوع رابطه معنا دار، ولی منفی و ضعیف نشان داده اند. به عبارتی، استفاده از شبکه های اجتماعی ذکر شده تا اندازه ای نگرش مساعد به جامعه مدنی را در این جامعه مورد مطالعه کاهش داده است. بدین ترتیب فرضیات مربوط به رابطه استفاده از سایتهای و شبکه های اجتماعی با نگرش به جامعه مدنی تایید شده است، اما آنچه سوال برانگیز است وجود رابطه منفی میان استفاده از سایتهای و شبکه های اینترنتی با نگرش به جامعه مدنی است. معمولا تصور بر این است که استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی نگرش به جامعه مدنی را افزایش می دهد، اما نتایج این تحقیق نشان داد استفاده از سایتهای و شبکه های اجتماعی همیشه و در تمامی گروههای اجتماعی یکسان نبوده و تا حدودی بستگی به شرایط محیطی، و خصوصیات اجتماعی کاربران دارد. به گفته تیکنور و دونوهو، نظریه پردازان تئوری شکاف آگاهی، اگرچه اینترنت امروزه تقریبا در دسترس همگان قرار گرفته است اما با این وجود تنها برخی اقشار بویژه افراد تحصیلکرده و متخصص بیشتر و سریعتر از دیگر اقشار جامعه می توانند به دستاوردهای مثبت و مزایای اینترنت دست پیدا کنند.

و اما در خصوص رابطه همبستگی بین میزان استفاده از سایتهای و شبکه های اجتماعی با کنش و فعالیتهای مساعد در زمینه رشد جامعه مدنی، نتایج بدست آمده نبود رابطه همبستگی را نشان می دهد و فرضیات مربوطه ابطال شده اند. در این رابطه، تنها استفاده از سایتهای اطلاع رسانی با کنش مساعد برای جامعه مدنی رابطه معنا دار و مثبت ولی ضعیف داشته است ( $\text{sig.} = 0.000 / r = 0.145$ ) که نشان می دهد استفاده از این سایتهای تا اندازه ای می تواند کنشها و فعالیتهای مساعد برای جامعه مدنی را تقویت نماید.

انگیزه استفاده از سایتها و شبکه های اجتماعی نیز بعضاً بر روی نگرش مساعد نسبت به جامعه مدنی اثر گذار بوده و با آن رابطه معنادار وجدی نشان داده اند. در این رابطه، نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد انگیزه کسانی که از سایت های خبری اینترنتی استفاده می کنند با میزان نگرش مساعد آنان نسبت به جامعه مدنی رابطه معناداری داشته است و آزمون تعقیبی LSD نشان داد افرادی که از سایتهای خبری اینترنتی برای کسب اطلاع و آگاهی استفاده می کنند نسبت به آنانکه برای ارتباط و تبادل نظر و یا گذران فراغت و سرگرمی استفاده می کنند نگرش مساعدتری به جامعه مدنی دارند. همچنین، انگیزه استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام و توییتر نیز با نگرش مساعد رابطه معنا دار داشته اند، بدینصورت که آنها که از اینستاگرام برای گذران فراغت و سرگرمی استفاده می کنند، و آنها که از توییتر برای ارتباط و تبادل نظر استفاده می کنند نگرش مساعدتری از بقیه نسبت به جامعه مدنی دارند.

انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی و رابطه آن با کنش و فعالیتهای مساعد برای جامعه مدنی نیز در این پژوهش مدنظر قرار داشته است. نتایج آزمون تحلیل واریانس در این رابطه نشان داد میان انگیزه استفاده از شبکه های اجتماعی با میزان کنش و فعالیت برای جامعه مدنی رابطه معناداری وجود دارد و آزمون تعقیبی LSD در این زمینه نشان داد کسانی که از شبکه های اجتماعی توییتر و یوتیوب با انگیزه آگاهی و اطلاع یافتن از امور استفاده می کنند کنشها و فعالیتهای مساعد بیشتری در زمینه رشد و توسعه جامعه مدنی انجام داده اند.

در زمینه نتایج فوق، توضیح برخی نکات سودمند بنظر می رسد. چنانچه در مبانی نظری ملاحظه شد، اندیشمندانی چون هابرماس عقیده دارند از آنجاکه محیط های تعاملی اینترنت را می توان فضاهایی در نظر گرفت که کاربران به راحتی در آن به گفت و گو می پردازند طبیعتاً این گفتگوهای آزاد و عقلانی می تواند بر محور مسائل و نیازهای مهم جامعه جریان یابد. با توجه به فقدان تحزب سیاسی جدی در ایران و نیازمبرم جامعه به وجود نهادهای مردمی و جامعه مدنی، کنش ارتباطی در حوزه عمومی که از طریق اینترنت فضای مجازی شکل گرفته است می تواند در این مسیر فعال شده و بر نگرش و کنش مدنی افراد اثر گذار شود. نظریه لرنر<sup>50</sup> پیرامون نقش رسانه ها در توسعه ی اجتماعی و نظریه کاشت گربنر، که با تاکید بر اثرگذاری اینترنت و فضای مجازی بر کنش متقابل میان رسانه و

مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می کنند و نیز بر چگونگی تأثیر گذاری رسانه ها بر مخاطبان تأکید دارد نیز مؤید نتایج پژوهش می باشد.

جامعه مدنی در تنظیم روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، تحکیم فضائل مدنی و ارزش های دموکراتیک، افزایش مشارکت اجتماعی و مهم تر از همه تامین آزادی در جوامع مدرن نقش بسیار مهمی بازی می کند. و یکی از فرضیات اصلی تحقیق مؤید نظر مطرح شده می باشد که نشان می دهد بین میزان نگرش مساعد به جامعه مدنی و کنش اجتماعی مؤثر به جامعه مدنی ارتباط وجود دارد. به این معنا که هرچه میزان نگرش مساعد تر، میزان کنش اجتماعی مؤثر در بالندگی جامعه مدنی نیز بیشتر خواهد بود. فقیهی و ولیخانی در تحقیقات خود که هم راستا با نتایج پژوهش حاضر هست نیز به این نتیجه رسیده اند.

ضمناً، با توجه به نتایج به دست آمده، برخی پیشنهادات و راهکارهای پژوهش به شرح ذیل ارایه می گردد:

شبکه های اجتماعی مجازی با فراهم نمودن زمینه های برقراری ارتباط در دنیای مجازی و نقش فزاینده آن در رشد شخصیت های انسانی، انسجام و فرهنگ جوامع، نقش دوگانه ای را به همراه دارد. از یک سو برخورد انفعالی افراد و گروه ها موجب بروز آثار مخرب بسیاری چون بیگانگی اجتماعی، بحران هویت، مدگرایی و تقلید از فرهنگ بیگانه و مانند آن می گردد. از سوی دیگر، استفاده مناسب و بهینه از ارتباطات در دنیای مجازی می تواند آثار و پیامدهای مثبت بسیاری چون ارتقاء آگاهی های اجتماعی، ارتقاء هویت فردی و مانند آن را در پی داشته باشد. این مهم مستلزم به کارگیری کارشناسان و افراد آگاه بر مسائل اجتماعی، فرهنگی و ارتباطات که با مهندسی فرهنگی، آثار منفی و مثبت اینترنت، ماهواره و شبکه های اجتماعی را مورد شناسایی قرار داده و در زمینه آگاهی بخشی به افراد، خانواده ها و سازمان ها و نهادهای جامعه اقدام نمایند. در این صورت چنانچه درک واقعی و مناسبی از پیامدهای شبکه های مجازی به دست آید بسیاری از افراد نسبت به پیامدهای منفی آن ها آگاهی یافته و با حساسیت بیشتری با آن مواجه خواهند گردید. متقابلاً برخوردهای سلیقه ای و بدون آگاهی با مساله، مخاطبان را به افراط و تفریط کشانیده و نقشی در استفاده مناسب و مطلوب از فناوری های نوین ارتباطی نخواهند داشت.



از سوی دیگر، افزایش سواد رسانه‌ای در زمانی که شاهد شتاب تحولات فناوری‌های اطلاعاتی و تحقق جامعه شبکه‌ای هستیم یکی از نیازهای اساسی جامعه ماست. زیرا به هر حال تکنولوژی‌های ارتباطی خودشان را به جوامع تحمیل می‌کنند و فقط ارتقاء سواد رسانه‌ای و تقویت احساس مسئولیت اجتماعی مخاطبان می‌تواند در فراگرد گزینش و استفاده مطلوب از رسانه‌ها در این شرایط مؤثر باشند. همچنین ارتقای سطح دانایی و سواد رسانه‌ای در ارتباط با تکنولوژی و همگامی فرهنگ و قوانین با آن‌ها و نیز تلاش برای استفاده مناسب از ابزارهای نوین ارتباطی، پای‌بندی بر ارزش‌های سنتی و حفظ فرهنگ، توجه به نخبگان و روشن‌فکران، بررسی نظرات آن‌ها، بهره‌گیری بیشتر از آن‌ها در حوزه‌های مختلف در این ارتباط، ضروری به نظر می‌رسد.

علاوه بر این، از آنجا که اقبال جوانان به استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی مسئله‌ای صرفاً فناورانه نیست و عوامل و دلالت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد لازم است در راستای تصویب قانون جامع رسانه‌ها در مجلس شورای اسلامی کارگروهی متشکل از کارشناسان، متخصصان و پژوهشگران علوم اجتماعی، بررسی جوانب مختلف فضای مجازی را برعهده گیرد و در این میان یافته‌های پژوهشی صاحب‌نظران در حوزه‌ی سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی‌ها و جهت‌گیری‌ها آتی می‌تواند، به‌ویژه سیاست اعمال محدودیت دسترسی کاربران به برخی سایت‌ها و شبکه‌ها راه‌گشا باشد.

نهایتاً، به منظور حضور هدفمند، فعالانه و هوشمندانه کاربران اینترنتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی شایسته است دوره‌های آموزشی در همه سطوح به‌ویژه برای والدین، مربیان، نوجوانان و جوانان در محیط‌های آموزشی، شغلی و فرهنگ‌سراها تعریف و ارائه شود تا از مصارف غیرعلمی و غیراخلاقی از فضاهای مجازی کاسته شود و از تکنولوژی‌های نوین به‌منظور استفاده بهینه بویژه در جهت رشد جامعه مدنی بهره‌برداری گردد. با توجه به این‌که فیس‌بوک، کانال‌های تلگرام و اینستاگرام و در سطح کلان‌تر شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شوند کاربران برای بازسازی هویت‌های محلی و ملی خود اقدام کنند.

## **Abstract**

*This research is devoted to the study of the “roll of using internet and social networks in positive attitudes and actions towards civil society empowerment”. In this regard, we have taken of some theories such as: public sphere theory of Habermas, public space theory of Arendt, civil society of Arato & Cohen. Present study was conducted in Esfahan city in 2018 among 384 of youngsters between 15 – 29 years old who live in the city.*

*Results of the research showed a reverse and weak significant relationship between using internet & social networks with positive attitudes towards civil society. Also, the results indicated a significant relationship between using motives and positive actions towards civil society. People, who use internet sites or social networks in order to be aware of news and circumstances, they have more positive attitude & actions towards civil society.*

**Keywords:** *internet sites, social networks, civil society, positive attitudes & actions*